

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

بنیان‌های جامعه به‌سامان ایرانی، دولت قانونمدار و قانون اساسی

- ۳ ..... احسان بزرگی، محسن حسنونند و احسان آقامحمدآقایی
- ۲۹ ..... شبکه‌ی مضمونی مدارا در جامعه از منظر قرآن کریم / مرضیه محمص و زهره کوچک یزدی
- مهم‌ترین انتظارات اخلاقی و اجتماعی در روابط بین همسران از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام
- ۵۱ ..... علی احمد پناهی
- ۷۷ ..... مدیریت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حکومت بر جانها / سیدعلی هاشمی خان‌عباسی
- ۱۰۵ ..... آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر / سیدعلی اصغر حسینی محمدآباد
- ۱۳۳ ..... تأثیر طرح واره ناخودآگاه نژادی معماری مساجد در حس مکان معنوی شهرها / الهام پرویزی
- فرزندپروری در مواجهه با فضای مجازی، چالش‌ها و راهکارها
- ۱۵۱ ..... الهام محمدزاده، رضا نیرومند و ندا محمدزاده نقاشان
- ترجمه انگلیسی ترجمه انگلیسی
- ۱۸۸ ..... (Abstracts) / محمدکاظم رجائی

## راهنمای تدوین و ارسال مقالات

- مقالات باید علمی - پژوهشی، مستند و دارای نوآوری باشند.
- مقاله‌های ارسالی از حداقل ۶۰۰۰ کلمه و حداکثر ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
- تیتراهای اصلی با شماره‌های ۱، ۲، ۳ و... و زیرمجموعه آن‌ها با ۱-۱، ۱-۲، ۲-۱، ۲-۲، ... مشخص شود.
- چکیده مقاله که آینه تمام‌نما و فشرده بحث است، به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی، حداکثر در ده سطر ضمیمه باشد و واژگان کلیدی مقاله (سه تا هفت واژه) به دنبال هر چکیده بیاید.
- ارجاعات در متن مقاله بین پراکنش به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه یا شماره جلد/صفحه) نوشته شود.
- اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد از (همان یا همان: شماره جلد/صفحه) و اگر به مأخذ دیگری از همان نویسنده باشد (همو، سال انتشار: صفحه) استفاده شود.
- منابع لاتین، به صورت لاتین و از سمت چپ در بین پراکنش (صفحه/جلد: سال انتشار، نام خانوادگی) و در ارجاع بعدی اگر بلافاصله باشد (Ibid.) نوشته شود.
- ترتیب منابع:
- کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان)، نام کتاب، نام مترجم، محقق یا مصحح، نوبت چاپ (در صورتی که چاپ نخست باشد نیاز نیست)، محل نشر، نام ناشر، تاریخ انتشار.
- مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان)، «عنوان مقاله داخل گیومه»، نام نشریه، دوره / سال، شماره جلد، تاریخ انتشار.
- نام کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام مؤسسه متبوع وی به دو زبان فارسی و انگلیسی قید شود و همراه با نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال گردد.
- مجله در ویرایش مقالات آزاد است.
- ارسال و دریافت مقالات صرفاً از طریق سامانه مدیریت نشریات به نشانی ([www.razavi.ac.ir](http://www.razavi.ac.ir)) انجام می‌گیرد.
- ارتباط با مدیریت مجله از طریق رایانامه ([razaviunis@gmail.com](mailto:razaviunis@gmail.com)) امکان‌پذیر است.
- اصول اخلاقی مجله**
- فهرست نام نویسندگان نشان‌دهنده همکاری آن‌ها در تدوین مقاله است و لذا تعیین نام مسئول مقاله و نیز رعایت عدم وجود اسامی غیر مرتبط ضروری است.
- نویسنده مسئول فردی است که در تهیه، آماده‌سازی و... مقاله، سهم عمده را بر عهده دارد و نیز مسئولیت هر گونه ایراد قانونی و رعایت ضوابط بر عهده وی می‌باشد.
- حقوق نویسندگان و داوران**
- اطلاعات شخصی نویسندگان برای عوامل اجرایی و اعضای تحریریه مجله محرمانه بوده و از آن محافظت می‌شود.
- داوری مقالات توسط داوران، بدون اطلاع از نام نویسندگان انجام می‌گردد.
- نام داوران مقاله، محفوظ است و به هیچ عنوان در اختیار نویسندگان قرار داده نمی‌شود.
- قانون کپی‌رایت**
- مقالات ارسالی نباید کپی‌برداری از آثار چاپ‌شده یا ترجمه آثار باشد و قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده یا برای نشریه دیگر به طور همزمان ارسال شده باشد.
- در صورت تخلف نویسندگان، مطابق با ماده ۳ از فصل دوم قانون حمایت از حقوق پدیدآورنده (تأییدشده در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) رفتار خواهد شد.
- همپوشانی مقالات چاپ‌شده نویسنده یا نویسندگان تا ۱۰ درصد قابل قبول است و بیشتر از آن شامل قانون کپی‌رایت می‌گردد.

# بنیان‌های جامعه به‌سامان ایرانی

## دولت قانونمدار و قانون اساسی\*

- احسان بزرگی<sup>۱</sup>
- محسن حسونند<sup>۲</sup>
- احسان آقامحمدآقایی<sup>۳</sup>

### چکیده

تشتت اندیشه در پردازش جامعه مطلوب و قانونمدار ایرانی که متأثر از متغیرهای مستقل متعدد فرهنگی و دینی و مذهبی است موجب نزاع‌هایی در حوزه عمل سیاسی گردیده است «جامعه به‌سامان ایرانی»، در همپوشانی با «جامعه مدنی»، از صافی اصالت‌های مذهبی، فرهنگی و قومی گذشته و تأمین‌کننده مدارا و مروت برای تأمین آسایش و رفاه شهروندان است، جامعه به‌سامان، تحت تأثیر جدی دو مؤلفه قانون اساسی و دولت قانونمدار برآمده از آن است، ترجیح یکی از مضامین «جامعه مدنی» یا «مدینه فاضله»، که اولی ناظر بر علوم جدید و الگوی غربی و دومی ناظر بر آموزه‌های دینی اسلام است ناشی از محتوای قانون

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

bozorgiehsan1@gmail.com

۲. استادیار حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr.heybati@gmail.com

۳. استادیار حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

eamaghace@yahoo.com

اساسی و چالش‌ده‌ها سألۀ جامعه کنونی ایران است، بدیهی است که ضمن ارایۀ تعریف و تبیین حدود هر کدام از معانی فوق و تحلیل آرای اختلافی به بررسی مضمون و نقد آرمان هر یک برای تأمین رواداری و عقلانیت دینی و خرد جمعی پرداخته شده است، همچنین در این مقاله سعی شده است ضمن واکاوی خاستگاه‌های فکری جامعهٔ آرمانی اسلامی و بررسی جامعه مدنی مطلوب غربی و نمایاندن اقتضائات و ویژگی‌های جامعهٔ کنونی ایران؛ چالش‌های نیل به وضعیت مطلوب و «جامعهٔ به‌سامان»، شناسایی شوند، برای تأمین این اهداف ضمن مطالعهٔ منابع کتابخانه‌ای به آرای اندیشمندان و ایدئولوگ‌های حوزه‌ها و نحله‌های مختلف فکری پرداخته شده و ضمن تطبیق، تحلیل گردیده‌اند، تحقق جامعهٔ به‌سامان با کثرتِ قانونمدار که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت و بستر آن مهیا گردیده می‌تواند با قانون‌گذاری عادی تبیین گردیده و به سمت تحقق رهنمون گردد.

**واژگان کلیدی:** قانون اساسی، دولت قانونمدار، جامعهٔ به‌سامان، جامعهٔ مدنی.

### مقدمه

همپوشانی دو مفهوم «جامعهٔ مدنی» و «مدینهٔ فاضله» در کنش متقابل با قانون اساسی و دولت قانونمدار، رشته‌ای است که سر و انتهای ندارد و چونان دو خط موازی که هیچ‌گاه به یکدیگر نمی‌رسند همواره مورد بحث و نزاع سمپات‌های هر یک از این دو الگو بوده و در اداره و سامان جامعهٔ کنونی ایران اثر مستقیم داشته است، از طرفی نطفهٔ هر دو نظریه در جغرافیایی غیر از سامان ایران، انعقاد یافته است در نتیجه پیش و بیش از مصالحهٔ این نزاع، اساساً باید همپوشانی هر یک با اقتضائات خاص سرزمینی ایران مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

به همان نسبتی که هم‌آوردی این اندیشه‌ها دلهره‌آور و خصومت‌زا است با تحلیل مبانی و سازگاری تئوریک این مضامین مبتنی بر قانون اساسی و نیز با ملاحظهٔ اصالت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی و انعکاس نتایج آن در قوانین می‌توان آنچه را که خوبان همه دارند، یک‌جا به نصیب برد.

تفاوت نسخه‌های جناحی طرفداران این دو نحله در راه انقلاب و تأسیس قانون اساسی، نزاعی است که راه به بقای آبرومندانه و شایستهٔ یک ملت نمی‌برد و محصول نهایی آن در

حکمرانی و انعکاس آن در قوانین - به‌عنوان مکانیسم فرمانروایی - در بهترین حالت می‌تواند معجونی التقاطی باشد که ستیز را از حوزه نظر، بالفعل خواهد نمود، که نمونه تاوان و تلفات آن‌را در برش‌های ده ساله، بیست ساله و... تاریخ معاصر می‌توان شاهد آورد.

در این مقاله به آرای اندیشمندان هر دو نظریه پرداخته شده است و نهایتاً الگوی «جامعه به‌سامان ایرانی»، به‌عنوان برآیند با دیدن و نمایاندن اثر قانون اساسی و دولت قانونمدار بر آن، تحلیل شده است.

قدیم‌ترین پیشینه ارائه و جانبداری از هر یک از دو الگوی غالب را در آثار و رفتار متفکران عصر مشروطه نظیر؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده، طالبوف و میرزاملکم‌خان و روحانیونی نظیر؛ شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله بهبهانی می‌توان دید، تا نیم قرن پس از آن و زمینه‌سازی تئوریک انقلاب اسلامی توسط افرادی مانند جلال آل احمد، دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و... اما به طور خاص پرداختن به جامعه مدنی، مدینه فاضله و حواشی تئوریک آن در دو دهه اخیر با پیروزی سید محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ به‌عنوان گفتمان غالب مطبوعات و محققین حوزه‌ها و اصناف مختلف علوم انسانی در تألیفات متعدد انشاء و ظهور یافته است، اما همچنان ارائه الگویی و رای سازگاری و رفع تنش دو تئوری غالب در محاق مانده است. اینکه آیا اساساً با در نظر گرفتن اصالت‌های دینی، فرهنگی و قومی و استعدادهای ایران کنونی می‌توان به الگوی «جامعه به‌سامان»، نائل آمد یا نه؟ پرسشی است که تنها با تحلیل بنیادهای فلسفی می‌توان برای آن پاسخ یافت.

به نظر می‌رسد با عنایت به تجربه یک‌صد ساله مردم و اندیشمندان ایرانی و از سرگذراندن دو انقلاب بزرگ مشروطه و اسلامی که هر یکی منجر به ایجاد نوعی از حکومت گردیده‌اند و نیز تجربه جریان‌ات و جنبش‌های رفورمی و اصلاحی و مطالبه‌گر در درون هر دو نوع حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی نظیر؛ ملی شدن صنعت نفت در حکومت پهلوی و اصلاحات در جمهوری اسلامی، اینک با تحلیل مبانی نظری به سادگی می‌توان به الگوی «جامعه به‌سامان»، نائل آمد.

در این مقاله به ترتیب مبانی فلسفی الگوی جامعه مدنی غربی، مدینه فاضله و اقتضانات جامعه ایران، بررسی و تحلیل شده و نهایتاً الگوی «جامعه به‌سامان ایرانی»، نتیجه‌گیری و ارائه می‌شود.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱- جامعه مدنی

جامعه به معنای توده مردم، گروهی از مردم که با هم وجه اشتراک داشته باشند، صنفی از مردم، مردم یک شهر یا یک کشور (عمید، ۱۳۷۹: ۶۷۰)، و مدنی به معنای آنچه که منسوب به شهر و زندگی شهری است، در نتیجه می‌توان جامعه مدنی را به حیات و نظم شهری جمعی از مردم اطلاق نمود، جامعه مدنی از مفاهیم انتزاعی پر تغییر و تبدیل طی اعصار و در عرض فرهنگ‌ها و جغرافیای گوناگون بوده، اما تعریف مشترکی که بتواند دلالت عمومی داشته باشد عبارت است از اینکه: «جامعه مدنی، مجموعه متشکل از افرادی است که با اراده و انتخاب خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌هایی را تشکیل می‌دهند و هدف از تأسیس این گروه‌ها، پیشبرد منافع و علایق و سلاقی اعضاست» (واعظی، ۱۳۷۸: ۳۷)، ایراد این تعریف این است که انتخاب و آزادی افراد در برگزیدن مختصات حیات جمعی را ویژگی جامعه قرار داده است در حالی که در بسیاری از جوامع افراد به دلیل معذورات سیاسی، اقتصادی و... یا علی‌رغم علایق و سلاقی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... خود ناگزیر از حضور در یک حیات جمعی می‌باشند و هیچ‌گاه آن‌را برنگزیده و مطلوب نمی‌دانند و ای بسا در ذهن و جان خود تمنای جامعه دیگری را نه فقط در ذهن که در حدود امکانات جهان فعلی در نقطه دیگری از گیتی در دل داشته باشند.

### ۱-۲- مدینه فاضله

واژه «مدینه» از ریشه کلمه «دین» گرفته شده است، دین، معانی زیادی دارد که عبارت است از: حساب، حکومت، شریعت، قانون، قضاوت، سیرت، اخلاق، تدبیر، سیاست، معصیت، گناه، تقوا، پرهیزکاری، طاعت، بندگی، پاداش، مجازات، خواری (ابن‌منظور، ۱۳۶۳: ۱۳/۱۷۰-۱۶۶)، و در اصطلاح؛ به شهر و یکی از بخش‌های فلسفه باستان مربوط به سیاست مدینه گفته می‌شود که یکی از سه بخش حکمت عملی است، و نیز گفته‌اند: مدینه، یعنی شهر زندگی، مدنی یعنی شهرنشینی (سجادی، ۱۳۷۵: ۶۸۲).

درباره مفهوم اصطلاحی مدینه فاضله تعاریف زیادی از دانشمندان و فیلسوفان رسیده است، فارابی در این باره می‌گوید: «مدینه فاضله؛ مدینه‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی است» (فارابی، ۱۳۶۸: ۱۱۸)، خواجه نصیرالدین طوسی نیز می‌گوید: «مدینه فاضله؛ مدینه‌ای است که ساکنان آن کوشش کنند که سعادت حقیقی را به دست آورند، اداره چنین مدینه‌ای به دست حکیمان و فاضلان باشد» (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۴۲)، ملاصدرا می‌گوید: «مدینه فاضله؛ مدینه‌ای است که شهرهای آن برای نیل به نهایت حقیقی و خیر حقیقی با هم همکاری دارند» (ملاصدرا، ۱۳۹۰: ۴۹۰).

هم‌پوشانی‌های قانون و فقه، مهم‌ترین مسئله قانون در ایران را به نسبت آن با فقه تبدیل کرد، دو مفهوم قانون و حقوق با مفاهیمی چون شریعت، فقه، احکام شرعی، فتوا و موارد دیگر تشابهاتی دارند و باعث شده است که برخی آنها را عین هم بدانند، نسبت قانون و دانش حقوق با فقه اصلی‌ترین مسئله در حقوق ایران است که از مشروطیت به‌عنوان یک مسئله مطرح شده است و به گفته درست یکی از محققین، بعد از صد سال هنوز مسئله ماست و نظریه‌پردازی دقیقی درباره آن صورت نگرفته است (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۲۸۳).

بنابراین مدینه فاضله در لفظ و بیان علمای اسلامی، زندگی جمعی است که در تکاپوی تأمین حیات اخروی است و کمتر به حیات سرشار از رفاه که موجبات آسودگی این جهانی را تأمین نماید پرداخته شده است و اساساً غایت مدینه فاضله تلاش برای نیل به سعادت که ناظر بر حیات پس از مرگ است می‌باشد، در نتیجه چنین غایت و اهدافی می‌تواند در نهایت و در وادی عمل با آنچه از جامعه مدنی در غرب تعریف شده است، در عرض و حتی تقابل قرار گیرد.

### ۱-۳- جامعه به‌سامان

در دنیای کنونی با در نظر گرفتن ضرورت اجتناب ناپذیر و ناگزیر تعاملات فراملی جوامع که هیچ مانع مادی نظیر انسداد خبری و بستن‌های فیزیکی نمی‌تواند مانع ارتباطات فکری و فرهنگی شود باید چاره‌ای اندیشید زیرا رها نمودن این تعامل و بی

تفاوتی و به تماشا نشستن می‌تواند چنان ویرانگری به بار آورد که هم بنیان‌های مدنی و تمدنی بومی ملت‌ها را آسیب‌های جدی بزند و هم آنها را از نیل به تعالی و رفاه و آسودگی و مواهب مکشوفه بشر در اعصار تازه محروم نماید، لذا مطالعه و تدوین و پردازش برای هم‌پوشانی الگوهای هنجاری ذیل عنوان «جامعه به‌سامان»، می‌تواند رهیافت و ممر بهینه‌ای برای ساختن جامعه‌ای سالم و سعادتمند باشد که ناظر بر تأمین سلامت دنیا و سعادت آخرت ملت‌ها باشد، بدیهی است اغماض بر چالش‌های تمدنی و مدنی ملت‌ها در عصر کنونی می‌تواند بحران‌زا و فاجعه‌بار باشد و بی‌تردید ظهور و بروز جنبش‌های افراطی و تکفیری در خاورمیانه نمود و نمونه‌ی تقابل‌هایی است که در فقدان الگوی جامعه به‌سامان و عدم اندیشه کثرت‌گرا دامن جهان کنونی را گرفته است.

## ۲. مبانی

در مورد اینکه پیشینه جامعه مدنی چه بوده، این واژه اولین بار به چه معنایی به کار رفته و در طول تاریخ دارای چه تحولاتی بوده است، اختلافات بسیاری وجود دارد، برخی قدمت مفهوم جامعه مدنی را به آغازین روزهای تشکیل حکومت در جامعه انسانی که بنا بر قولی از زمان «نوح نبی»، بوده بر می‌گردانند (واعظی، ۱۳۷۸: ۹). برای دریافت مبانی «جامعه مدنی» اجماًلاً به آراء و اندیشه‌های برخی فلاسفه و خردورزان غربی می‌پردازم، نخست جامعه مدنی را از منظر قدما و سپس از پنجره فیلسوفان متأخر به تماشا و تحلیل خواهیم نشست.

### ۲-۱-۱-۲- مبانی فلسفی جامعه مدنی غرب

#### ۲-۱-۱-۲- جامعه مدنی از منظر فلاسفه یونان

بعضی افلاطون را اولین کسی می‌دانند، که از جامعه مدنی یاد کرد و مدینه فاضله خود را به آن، نام‌گذاری کرد، گروهی نیز برای ارسطو چنین ابداعی را قائلند، در مقابل این نظریات، گروهی دیگر، جامعه مدنی را محصول دنیای مدرن بعد از سده‌های ۱۲ و ۱۳، دانسته و برآنند که بین تمدن‌های باستانی (چه شرقی و چه غربی)، اساساً جامعه



مدنی سابقه‌ای نداشته است (معصومی و میراحمدی، ۱۳۷۸: ۳۹).

افلاطون برای ایجاد وحدت در جامعهٔ سیاسی «خویش‌کاری» و «زندگی اشتراکی پاسداران»، را به‌عنوان طرحی برای رسیدن به جامعهٔ مدنی ایده آل در نظر گرفته که در عرصهٔ عمل ناممکن است، برای مثال، مسألهٔ مالکیت خصوصی و محروم کردن پاسداران مدینه از امکانات آنکه افلاطون در جمهوریت به کار گرفته، گر چه به لحاظ ماهوی کارآمد است، لکن دستیابی به آن، با شناختی که ارسطو از انسان دارد، ممکن نیست، زیرا افلاطون در حذف مالکیت خصوصی برای پاسداران بر این باور بود که می‌توان با تعلیمات و ریاضت‌های خاص روحی و جسمی، شیطان‌را از نفوذ در ارواح این طبقه باز داشت و فضایل مدنی را ارج نهاد، به این ترتیب روشن است که «عدالت‌پیشگی» یا «خویش‌کاری»، قرار بوده پس از حصول فضایل سه‌گانه، یعنی خردمندی، شجاعت و اعتدال به دست آید و این بدان معناست که نزد افلاطون، «عدالت‌پیشگی»، هم طریقت و هم غایت جامعهٔ مدنی محسوب می‌شود؛ وضعی که با منطق ارسطو و دوآلیسمی که وی در فلسفه خلق می‌کند، چندان قابل فهم نیست، زیرا ارسطو با ترسیم جهانی متحرک، معتقد است که برای گسترش این فضایل بایستی همهٔ اعضای این جامعه را برای فهم غایات مدینه و ایجاد وحدت جامعهٔ سیاسی آموزش داد؛ و این نظریه اساساً با رهیافت افلاطونی در رسیدن به جامعهٔ کمال مطلوب فاصله دارد (ارسطو، ۱۳۶۴: ۷۸-۴۰).

در اندیشهٔ ارسطو، جامعهٔ مدنی معادل با دولت یا جامعهٔ سیاسی محسوب می‌شود و تمایزی میان دولت و جامعهٔ مدنی وجود ندارد، در این معنا از جامعهٔ مدنی، جامعهٔ مدنی به معنای دولت در برابر خانواده بوده و همان دولت‌شهری (police) که ارسطو در مقابل خانواده مطرح کرده و آنرا نقطهٔ کمال و غایت جوامع می‌دانست، خواهد بود (معصومی و میراحمدی، ۱۳۷۸: ۹۸).

ارسطو به حکومت طبقهٔ متوسط باور داشت، در حالی که امروزه چنین حکومتی فقط برای کشوری روا و مقدور است که شمار افراد طبقهٔ متوسط بیش از مجموع افراد دو طبقهٔ فرودست و متمکن باشند، علت این نگرش ارسطو این بوده که طبقهٔ متوسط همیشه تعادل را در جامعه نگه می‌دارد و مانع از تسلط یکی از دو نظام افراطی بر آن

می‌شود، از این رو ثروت متوسط و کافی برای مردم هر کشور را سعادت بزرگ می‌دانسته است.

نظریات افلاطون، ارسطو و دیگر فلاسفه یونان باستان به‌عنوان نقطه شروع در بدایت اندیشه‌ورزی پیرامون زندگی جمعی بشر اگر چه سنگ بنای حیات آشتی رفتار انسان و آبخور فکری متفکران در اعصار بعد بوده، اما بدیهی است که در نتیجه تعالی فکری و صرافت نقد و محک تجربه‌های زیستی امروزه کال و نارس می‌نمایند چه آنکه در باور ایشان بردگان و زنان را شهروند نمی‌دانسته‌اند؛ امری که امروزه غریب و بی‌حساب و غیر قابل قبول می‌نماید.

## ۲-۱-۲- جامعه مدنی از منظر فیلسوفان متأخر غربی

از ابتدای قرن هفدهم میلادی به دنبال ایجاد ضرورت‌های تازه و توسعه جوامع بشری و استحاله و تغییر جوامع از دولت - شهرهای کوچک به جوامع بزرگ؛ آرام آرام کاستی‌های نظریات فلاسفه باستان رخ نمود، فلاسفه اجتماعی طی قرون ۱۷ تا ۱۹ مانند توماس هابز، جان لاک، ژان ژاک روسو و دیگران حول مفهوم جامعه مدنی و ضرورت تفکیک جامعه و دولت اندیشه‌ورزی نمودند.

جرج ویلهلم فریدریش هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۱)، در ادامه تکوینی نظریه دو وجهی خانواده - دولت شهر، که ارسطو مطرح نموده بود؛ نظریه سه‌وجهی خانواده - جامعه مدنی - دولت را مطرح نمود، یعنی در نزد هگل خانواده یگانگی، جامعه مدنی جزئیت و دولت کلیت نامیده می‌شود که به ترتیب همان «نهاد»، «برابرنهاد» و «هم‌نهاد» است. کشمکش میان «یگانگی» خانواده و «جزئیت» جامعه مدنی در نمود «دولت» به مثابه «نظم کلی»، حل می‌شود، خانواده و جامعه مدنی هر دو تا اندازه‌ای عقلی هستند، زیرا به طور مسلم هر دو واقعی هستند ولی تنها دولت که بر فراز هر دو قرار می‌گیرد به طور کامل اخلاقی و آزاد است، به طور خلاصه می‌توان گفت که دستاورد نظریه اجتماعی هگل این است که تفکیک اجزای مختلف جامعه یک واقعیت مدرن، پذیرفتنی و قابل قبول است و رابطه اجزای تفکیک شده کل اجتماعی به‌عنوان یک رابطه هماهنگ بین عناصر کل وجود دارد، بر اساس این دیدگاه هگل از جامعه باستانی

مبتنی بر تفکیک دو بخشی خانواده - دولت شهر عبور می‌کند و یک جامعه تفکیک شده ساختاری سه وجهی شامل خانواده، جامعه مدنی و دولت را به تصویر می‌کشد (کونن، ۲۰۰۱: ۹۱).

هگل جامعه مدنی را اینگونه تعریف می‌کند: «جامعه مدنی فاصله‌ای است که بین خانواده و دولت ایجاد می‌شود، اگر چه شکل‌گیری این وضعیت بعداً به تشکیل دولت منجر می‌شود پس جامعه مدنی به مثابه حلقه واسط، مستلزم دولت است، دولتی که او را به عنوان موجودی مستقل قبل از خود باید داشته باشد تا بتواند شکل بگیرد» (هگل به نقل از: ریدل، ۱۹۷۰: ۱۴۰).

نخستین اصل جامعه مدنی از دیدگاه هگل این است که شخص دارای خواسته‌ها و تمایلات خودخواهانه است، در کنار فرد خودخواه، جماعت اعلام موجودیت می‌کند، جماعت از نظر نظریه جامعه مدنی هگل، با شکل‌گیری بازار مبتنی بر مالکیت خصوصی تحقق می‌یابد (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۲۶).

به طور خلاصه جامعه مدنی در باور هگل، حوزه اقتدار مالکیت خصوصی و اراده آزاد افراد برابر است، و به نوعی شهروندمحور است، به عبارتی شهروندان و جایگاه ایشان را پیشران جامعه مدنی می‌داند.

کارل مارکس (۱۸۸۳ - ۱۸۱۸)؛ حوزه کار و زندگی و یا جامعه مدنی به نظر مارکس حوزه‌ای است که در آن طمع، خودخواهی و استثمار بر افراد حاکم هستند، بر عکس، در حوزه سیاسی، مفاهیم عدالت، آزادی و برابری حاکم هستند و لذا این دو حوزه با همدیگر هم‌سنخ نیستند و باید از یکدیگر جدا شوند (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

از دیدگاه مارکس، دولت بنیاد جامعه مدنی نیست، بلکه بر عکس، این جامعه مدنی است که پایه و اساسی برای تشکیل دولت می‌شود، به گفته مارکس، جامعه مدنی بورژوازی حاصل واقعی مدرنیته است، چون به فرد به‌عنوان فاعل ذهنی اجازه تبلور یافتن می‌دهد و با تأکید بر خودمختاری جامعه سیاسی در مقابل دولت فضای مساعدی را برای شکل‌گیری روابط خصوصی آماده می‌کند، بدین جهت نقد مارکس از ساختار جامعه مدنی مدرن به نقد هستی‌شناسی هگلی و سنجش ذهنیت فلسفی - سیاسی می‌انجامد که پایه و اساس فکری جامعه مدنی است، مارکس در نوشته‌های دوره اول

فکری خود می‌کوشد تا جامعه‌ای را فراسوی جدایی‌هنگلی جامعه مدنی و دولت طرح کند، او در کتاب مسئله یهود می‌نویسد: «انسان به‌عنوان عضو جامعه بورژوازی، فردی جدا از جامعه است که در خود فرو رفته و فقط به فکر منافع شخصی خویش است» (جهانبگلو، ۱۳۷۴: ۲۴). به نظر مارکس، جامعه مدرن اعضای خود را ذره ذره می‌کند و به آنها فردیت ذهنی می‌دهد، این امر موجب جدایی موجودیت عینی آنها به‌عنوان اعضای جامعه مدنی، از تعلق آنها به دولت به‌عنوان شهروند می‌شود (برناردی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). به عقیده مارکس «رهایی بشری زمانی به کمال می‌رسد که فرد واقعی، شهروند انتزاعی را در خود جذب کند»، به همین جهت مارکس جدایی دولت از جامعه مدنی را عامل و علت اصلی از خودبیگانگی انسان تلقی می‌کند، همچنین از نظر مارکس جدایی بین جامعه مدنی و دولت موجب جدایی دیگری میان «انسان خصوصی»، یعنی فرد خودخواه و سودجوی جامعه بورژوازی و «انسان عمومی»، یا شهروند جامعه سیاسی می‌شود، او علت این جدایی را در ویژگی خاص اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه‌داری می‌بیند، از این رو، ایجاد و استحکام فضای عمومی را در خارج از جامعه بورژوازی جست و جو می‌کند و تحقق آن را پس از سقوط سیاسی این جامعه امکان‌پذیر می‌داند (جهانبگلو، ۱۳۷۴: ۲۴).

توماس هابز؛ جامعه مطلوب از دیدگاه توماس هابز، جامعه‌ای است که در آن صلح، امنیت و رفاه مادی وجود داشته و از لحاظ دنیوی دارای نعمت‌های فراوان می‌باشد، او تصریح می‌کند: مراد امنیت، فقط حفظ جان نیست، بلکه نعمت دیگری نیز هست که آدمیان می‌توانند به واسطه کار و کوشش قانونی خود و بدون ایجاد ضرر برای دولت به دست آورند (هابز، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

اصول و مبانی فکری توماس هابز ماتریال و ماده‌گرا بوده و طرفدار قدرت است و قدرت و مقدمات آن را ارزشمند می‌داند، بنابر دیدگاه وی؛ اگر دولتی یا حاکمی بخواهد در جامعه مطلوب او مفید و کارساز و برای مردم راهگشا باشد، باید قدرت مطلق داشته باشد و قویاً قدرت را به دست گیرد «غایت انسان از دیدگاه هابز، ایمنی در این جهان و نجات از زندگی نکبت بار است، مصلحت او نسبی و عقلش ابزاری طبیعی است برای رسیدن به این غایت» (خاتمی، ۱۳۷۸: ۲۲۱).

## ۲-۲- مبانی کلامی مدینه فاضله

«مدینه فاضله» مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است که مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و بایدها و نبایدها را برای تعالی و کمال بشر و تأمین حیات اخروی او تبلیغ می‌کند، بر خلاف جامعه مدنی غربی که در آن دولت نسبت به اخلاق و باور و ارزش‌ها بی‌طرف هستند، به عبارتی ساختار جامعه مدنی مبتنی بر عقل و خرد جمعی بوده و مادیات در آن اصالت دارند اما در مدینه فاضله علمای دینی قوانین الهی را از منابع دینی و فقهی کشف و ابلاغ می‌کنند.

ذهن و بیان متکلمین اسلامی همواره در ادوار مختلف نسبت به تعریف اصطلاح «مدینه فاضله» معطوف بوده است، کسانی مانند فارابی، ابوعلی سینا، ملاصدرا و... در مورد مدینه فاضله و جامعه آرمانی متأثر از آثار فیلسوفان یونان و آموزه‌های دینی اسلام به تحلیل و تبیین پرداخته‌اند و کوشیده‌اند زوایای مجهول و تاریک را در حیات طیبه بشر عصر خود روشن سازند، اما بدیهی است به دلیل اقتضائات خاص دوران مختلف و مؤلفه‌های مستقل اثرگذار در آنها هیچ‌گاه چنان که باید این اندیشه‌ها تکوین و بلوغ نیافته‌اند، با این وجود رجوع به این اندیشه‌ها در عصر حاضر به‌عنوان ماترک فکری می‌تواند مساعدت شایانی به ترسیم مختصات و کیفیت جامعه به سامان به مثابه جامعه آرمانی شهروند کنونی که منبعث از آبخورهای ایمانی و ایرانی ماست، بنماید فارابی (۳۳۹-۲۶۰)، از معدود متکلمین اسلامی است که در مورد مدینه فاضله مذاقه نموده است، فارابی در پرداختن به مدینه فاضله؛ روش‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت‌شناسی را مبنا قرار داده است، فارابی در تقسیم‌بندی علوم و احصاء آنها به دنبال سعادت است، وی اساساً نظام فلسفه سیاسی خود را برای رسیدن به سعادت ترسیم می‌کند و سعادت را غایت مطلوبی می‌داند که همه انسان‌ها، مشتاقانه خواهان آن هستند و با تلاش خود به سوی آن حرکت می‌کنند؛ زیرا سعادت، کمال و برترین خیرات است، فارابی وجود حاکم آشنا با فلسفه نظری آمیخته با منابع دینی را رکن مدینه فاضله می‌داند، همچنین تعاون، عدالت، محبت و الفت، صلح و معرفت خداوند را از ویژگی‌های مدینه فاضله می‌داند (فارابی، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

وجود حاکم مطلق در نظریه فارابی و لزوم اطاعت بی‌چون و چرا از او، نه با

آموزه‌های شریعت اسلام سازگاری دارد و نه با آموزه‌های مدرن جامعه مدنی، زیرا در اسلام حاکمان در شور دائمی با مردم بوده و همواره در معرض نقد مردم باید باشند همچنین در آموزه‌های مدرن؛ اطاعت و انقیاد با مبانی مردم‌سالاری سازگاری ندارد.

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۵۳ - ۵۷۹ ق)، مدینه فاضله را این‌گونه تعریف می‌کند؛ «اجتماع قومی بود که همت‌های ایشان اقتنای خیرات و ازاله شرور مقدم بود و هر آینه میان ایشان اشتراک بود در دو چیز: یکی آراء و دوم افعال» (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۳۸). بر مبنای تلقی خواجه نصیرالدین طوسی، مردم در مدینه فاضله جویای خیر و کمال بوده و عدالت در آن محقق است، همچنین ویژگی‌های جامعه مدنی را؛ الفت و مهربانی، امنیت و عدم عداوت، صداقت و عدالت بر می‌شمرد.

از دیگر متکلمین اسلامی که حول «مدینه فاضله» اندیشه ورزی نموده است؛ صدرالدین محمدبن ابراهیم قوام شیرازی معروف به مَلَّاصَدْرَا و صدرالمُتَأَلِّهین (درگذشته ۱۰۴۵ قمری)، متأله و فیلسوف شیعه ایرانی سده یازدهم هجری قمری و بنیان‌گذار حکمت متعالیه است «مدینه فاضله ملاصدرا اساساً این دنیایی، این جهانی و این زمانی است؛ پله‌ای از پله‌های صعود انسان به جوار حق است، یعنی مدینه فاضله صدرای الهی دست یافتنی است، اگر چه صدرا در طراحی و ترسیم مدینه فاضله از اسلاف حکیم و حکیمان پیشین تأثیر پذیرفته، لیکن جنس مدینه فاضله ملاصدرا از جنس حکمت متعالیه است و تحققش با ظهور منجی بشریت مهدی صاحب الزمان ممکن خواهد بود، یعنی مدینه فاضله مهدوی که تمام منتظران و مؤمنان واقعی باید در انتظارش باشند و در تحقق آن تلاش و کوشش کنند و با اعمال و کردار نیک به آن آرمان شهر فعلیت دهند (سعدی، ۱۳۸۹: ۸).

## ۲-۳- تحلیل جامعه آرمانی به سامان ایرانی

بنا بر آنچه گفته شد؛ جامعه آرمانی به سامان که ویژه و خاص ایران کنونی است می‌باید منبعث از همه ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و ارزش‌های مکشوفه بشر در عصر کنونی از یک سو، و رعایت مؤلفه‌های خاص و متغییرهای مستقل ویژه‌ای است که از دیگر سو مبتلا به جامعه کنونی ایران است، ایران کنونی با از سر گذراندن دو انقلاب

بزرگ مشروطه و اسلامی در قریب یک‌صد سال گذشته و رفورم‌های عقیمی نظیر؛ جنبش ملی شدن صنعت نفت در عصر پهلوی، اصلاحات در دوران جمهوری اسلامی و نیز تجربه یک جنگ میهنی - دینی هشت ساله؛ هم وارث تجربه‌های بزرگی است که می‌تواند سکوی بلند پرتاب او به سمت افق‌های بلند مدنیت و مدرنیته و مدرنیزاسیون باشد و هم می‌توان با برداشت نابجا و هدر دادن ماترکی که از این سرمایه گران‌قدر مانده است خود را به قهقرا ببرد، بدیهی است مبنای تئوریک برای ایجاد تغییر و ساختن جامعه مطلوب به مثابه طراحی و مطالعه و متره و برآورد برای بنای یک ساختمان بزرگ است که می‌توان با تحلیل همه جانبه و نور تاباندن به زوایای تاریک آن و پیش‌بینی و پیشنهاد در حوزه نظر از سوی اندیشمندان حوزه‌های گوناگون و با آرای متکثر، فردای بهتری را رقم بزند.

بدیهی است در ساختن جامعه آرمانی به سامان در وهله نخست می‌باید به ضرورت‌های دینی و ایمانی همه ایرانیان توجه جدی و کثرت اندیشانه و به دور از هرگونه تبعیض صورت پذیرد، سپس توجه نظری و عملی به حقوق اقلیت‌های دینی و قومی در برخورداری از مواهب سرزمینی و ملی و نیز تمرکز بر پراکندگی جغرافیایی و وسعت سرزمینی ایران و توزیع متناسب خدمات عمومی به ایشان در فقدان و بی توجهی به هر یک از این موارد و روا داشتن تبعیض، بغض‌ها و نفرت‌هایی نزد دسته‌ها و گروه‌ها و توده‌ها تولید خواهد شد که بنیان‌کن و مخرب خواهد بود، روا داشتن تبعیض‌های دینی، قومی و جغرافیایی ممکن است در کوتاه مدت تأمین‌کننده منظور گروهی باشد اما در درازمدت انسدادها و بستن‌ها راه به عواطف و احساسات مهارگسیخته‌ای خواهد نمود که جز ویرانی و فروپاشیدگی به بار نخواهد آورد، لذا امروز و دقیقاً در مقطع کنونی برای حفظ یک‌پارچگی جامعه ایران که موزاییک اقوام و ادیان و فرهنگ‌ها است ارائه الگوی کارآمد جامعه به سامان ضروری است، الگویی که می‌تواند ضمن حفظ وحدت واقعی - و نه فراقکنانه و اموی و ابوسفیانی - برای حیات بشر کنونی در عرصه بین‌الملل که مقیاس بزرگتر تنوع زیستی و دینی و فرهنگی است، نمونه و سمبل باشد، زیرا بی‌اغراق می‌توان جامعه ایران و سرزمین کنونی ایران را مقیاس کوچکتری از جهان کنونی دانست، سرزمینی که در آن فرق گوناگون اسلام و ادیان مسیحیت، یهود، زرتشتی، مندایی، سیک

و... در طول اعصار زیست مسالمت آمیز داشته‌اند، البته جز در مواردی که صاحبان زور و متولیان متمول برخی باورها خواسته‌اند.

### ۳. اصول و قواعد کلی

#### ۳-۱- نسبت دولت قانونمدار و جامعه به سامان

تا پیش از ظهور گفتمان «دولت قانونمدار» در سرتاسر گیتی، نظام سلطانی حاکم بوده است، در این نظام‌ها تابعیت محض از آن شهروندان و حکمراندن ویژه حاکمان بوده است به نحوی که اراده و خواست عمومی مردم و ملت‌ها در اداره امور تأثیر نداشته است، حکمراندن بی حساب و بد قاعده حاکمان و آسیب‌هایی که از ناحیه خلاء قانون و یا در شمول قانون قرار نگرفتن رفتار حاکمان، دامن ملت‌ها را در طی اعصار گرفته و موجب ابداع و اصرار بر گفتمان «دولت قانونمدار» گردید، در این گفتمان و در جامعه سیاسی همه مقامات و همه نهادهای سیاسی بلااستثناء باید تابع قانون باشند این سخن یک تحول بزرگ در نظام سلطانی است که گفته می‌شد شهروند تابع مطلق است، در دولت قانونمدار برعکس است می‌گوییم همه ارباب قدرت و همه نهادهای سیاسی باید تابع قانون باشند، بدیهی است نیل به دولت قانونمدار و تحقق آن مستلزم بستر و مکانیزی است که با مدد از امکانات و ساز و کارهای جامعه به سامان مقدور خواهد بود.

قانون به‌عنوان نماد قدرت پارلمان تنها هنگامی می‌تواند ردای مشروعیت بر تن کند که در پیرامند قانون اساسی - هنجار برتر - وضع شده باشد تشخیص میزان انطباق مصوبات مراجع قانون‌گذاری نیز منطقی‌اً باید برعهده نهادی خاص مانند شورای قانون اساسی در فرانسه یا شورای نگهبان در ایران یا دیوان عالی کشور (همانند آمریکا)، یا دادگاه قانون اساسی (همانند اتریش و آلمان)، باشد (گرچی، ۱۳۸۹: ۳۰)، مشاهده می‌شود که تحقق دولت قانونمدار و قوام جامعه به‌سامان مانند تار و پود به هم تنیده‌اند، به نحوی که دولت قانونمدار در ذره ذره جامعه مدنی و جامعه مدنی در ذره ذره دولت قانونمدار جاری است.



### ۳-۲- رابطه حقوق شهروندی و جامعه به سامان

«حقوق شهروندی»، شالوده و بنیان حقوق اساسی انسان و حقوق بشر است، این حقوق؛ نخستینی ترین حق های آدمی را حیات جمعی بیان می کند که تأمین کننده حداقل های کرامت انسانی و زیست پاکیزه و مبادی شخصیت او است، حقوق شهروندی جز در جامعه ای سامان یافته که ضوابط مدنیت در آن استحکام یافته قابل تصور نیست.

شهروندان یک جامعه، با پایه ریزی شرایط مساعد برای احقاق حقوق در جامعه موجبات ایجاد و پایداری جامعه به سامان را فراهم می نمایند، در جوامع مدنی - و جامعه به سامان ایرانی به عنوان بدیل و الگوی بحث - با به کارگیری مفهوم «حق» و با مدد از مفاهیم جدید و مباحث نظری «عقلانیت» و «خردگرایی»، که آزادی را ارزش محوری انسان می داند و هدف از حقوق را تأمین آزادی و کرامت آدمی و حمایت از حقوق فردی انسان ها می دانند، شرایط تحقق حقوق عالی انسان در پرتو جامعه مدنی به سامان فراهم می گردد، بنابراین از آنجا که حقوق شهروندی، سنگ بنای حقوق عالی آدمی است که ریشه در خردگرایی غربی و آموزه های رهایی بخش دینی در طی اعصار دارد، و از آنجا که حقوق شهروندی مفهومی مدرن است لذا اساساً در جوامع توسعه نیافته که هنوز در چالش میان بدیهی ترین مباحث تئوریک گرفتارند؛ جمع میان «حقوق شهروندی» و «جامعه به سامان»، مقدور نیست، به عبارتی جامعه به سامان در پرتو تأمین حقوق شهروندی، و حقوق شهروندی تنها در پرتو جامعه به سامان قابل تحقق است.

### ۴. ساختار موجود

#### ۴-۱- میراث جامعه مدنی از دوره مشروطه و پیش از انقلاب اسلامی

بی شک در توصیف وضع موجود، ارزیابی پیشینی و نمایاندن میراث گذشته ضروری است به ویژه که انقلاب مشروطه نخستین جرقه میل جامعه ایرانی به سمت ترقی و نیل به ارزش های نوین است، بررسی اوضاع ایران منتهی به انقلاب مشروطه،

مؤلفه‌ها و مختصات‌ی که جامعه کنونی بر آن و تغییرات پس از آن استوار گشته را نشان می‌دهد.

نظام اقتصادی کشور در این دوره بر اساس کشاورزی (تیول‌داری) استوار بود که مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی روستایی قلمداد می‌شود، از آنجا که در این نظام اقتصادی میان حکام و تیول‌داران بر خلاف رویه فئودالی غرب قراردادی بسته نمی‌شد، نظام اقتصادی زمین‌داری خاص و نیز دیوان‌سالاری پیچیده‌ای هم‌شکل نگرفت، در این نظام اقتصادی (کشاورزی)، نوعی رابطه زورمندانه بین دولت و گروه‌های قومی شکل گرفت که بنا به شرایط داخلی و بین‌المللی پیوسته منجر به شورش‌های محلی علیه حکومت مرزی می‌شد؛ به طوری که در زمان اوج قدرت مرکزی، قدرت‌های محلی بالاجبار با آن همکاری می‌کردند و مالیات کشاورزی می‌پرداختند، با ضعف دولت مرکزی، قدرت‌های محلی نه تنها قانون دولت مرکزی را رعایت نمی‌کردند، بلکه علیه دولت مرکزی به مخالفت بر می‌خاستند و درصد براندازی آن بر می‌آمدند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۴۷).

قانون اساسی مشروطه نظام تیول‌داری را نیز لغو کرد، اقدامی که در بلندمدت باعث شکل‌گیری بخش صنعت و خدمات شد، به طوری که طی چند دهه گذشته بخش‌های صنعت و خدمات در کشور رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده‌اند، طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ در ایران سهم بخش کشاورزی از ۴۶٪ به ۱۸٪ درصد، یعنی به حدود دو برابر و نیم، تقلیل یافته است، در مقابل، سهم بخش صنعت از ۲۵٪ درصد به ۳۲٪ درصد و بخش خدمات از ۲۷٪ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۴۹٪ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است که رشد حدود ۹۰٪ درصدی را نشان می‌دهد (امانی، ۱۳۸۰: ۱۵۰ و تقوی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

مع الوصف می‌توان گفت جامعه مدنی سنتی در توده مردم و حوزه عمومی در ایران عصر قاجار که متأثر از نیروهای اجتماعی نظیر: روحانیون، بازاری‌ها، روشنفکران و گروه‌های محلی، فضای عمومی (محفله‌ها و مطبوعات) و تأسیس برخی انجمن‌ها و احزاب بود، شکل گرفت، اما بدیهی است که تأثیر این عوامل و دیگر متغیرهای مستقل در شکل‌گیری جامعه مدنی مدرن که در آن عصر تنها الگوی غربی آن وجود داشت

نمی‌توانسته اثر پایداری داشته باشد، لیکن در تکوین و بلوغ و بالندگی نهال مدنیت و به جای نهادن ماترک نظری و تجربی برای تدوین الگویی کارآمد و به‌سامان برای جامعه کنونی ذی قیمت است.

#### ۴-۲- جامعه مطلوب در قانون اساسی ایران

قانون اساسی هر کشور بنیان نظم و سامان دهی اجتماعی آن جامعه است. وظایف و اختیارات فرد و جامعه و نحوه التزام و تعیین حدود رفتار هر یک توسط قانون تعیین و تعریف می‌شود، از این‌رو، قانون به مثابه عامل نظم مشخص کننده کیفیت جامعه مدنی است.

در ایران، قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ و متمم آن در سال ۱۲۸۶ تدوین گردید و برای نخستین بار، حقوق مردم و آزادی‌های فردی مورد توجه و تألیف قرار گرفت، اما هیچ قانونی برای تعیین «حق عمومی مرد یا زن ایرانی»، وجود نداشت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت نام‌گذاری گردیده است، جامعه مدنی متأثر از قانون اساسی و در پرتو حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، حقوق و حقوق اقتصادی نضج می‌یابد که در اصول مختلف قانون اساسی به صورت پراکنده به این موضوعات پرداخته شده است.

حقوق مدنی بر آزادی‌های فردی تأکید داشته و حقوق سیاسی بیش از همه به حقوق ضروری برای مشارکت فعال در فرآیندهای دموکراتیک حکومت و قدرت سیاسی مربوط می‌شود که در اصول مختلف قانون اساسی و بندهای مربوط به آن بر برخورداری از حمایت قانونی (اصل بیست)، برخورداری از حقوق مساوی (اصل نوزده)، آزادی‌های عقیده، مطبوعات، مکالمات زبان و آزادی‌های سیاسی اجتماعی در اصول ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۱۵، بند ۷ اصل ۳ اشاره شده است، همچنین در اصول ۲۶ و ۲۷ و بند ۸ اصل ۳ به آزادی فعالیت احزاب تشکیل اجتماعات، راهپیمایی‌ها و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود پرداخته شده است، اصول ۳۳ و ۴۱ نیز به حق تابعیت اختصاص دارد.

بخشی از حقوق مدنی و سیاسی به طور مشخص به حقوق قضایی در قانون اساسی

مربوط می‌شود. اصول ۲۲، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و بند ۱۴ اصل ۳ در خصوص مصونیت جان، مال، پیگرد و دستگیری قانونی، دادخواهی، هتک حرمت و حیثیت از آن جمله‌اند.

حقوق اجتماعی و اقتصادی، زیر ساخت جامعه به‌سامان و مربوط به دسترسی به حداقل استانداردهای اجتماعی و اقتصادی برای مشارکت و برقراری روابط در جامعه است، مهمترین اصولی که در قانون اساسی به این حقوق پرداخته عبارت است از اصول ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۶، ۴۷ و بند ۳ اصل ۳، این حقوق به برخورداری از آموزش رایگان، شغل، مسکن، مالکیت و تأمین اجتماعی مربوط می‌شوند که در رواداری و تضمین حقوق برای نیل به جامعه به‌سامان اثر جدی دارند.

به این ترتیب قانون اساسی، حقوق زیربنایی و بنیانی را برای نیل به جامعه مطلوب در قالب حقوق ملت در خود جای داده است که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد. حقوقی که بدون هیچ‌گونه شرطی به‌عنوان حق همه افراد شناخته شده و بیشترین اصول یعنی ۱۶ اصل را به خود اختصاص می‌دهد، دسته دوم، قوانینی که در متن اصل قانون مقید و محدود است که قید آن‌را به حکم قانون تعیین کرده‌اند، هفت اصل را می‌توان در این دسته جای داد، دسته سوم، قوانینی که ناظر به حقوق مشروط شهروندان است و اصل شرط نیز در متن قانون لحاظ شده است، این پنج اصل مشروط به عدم اخلال به مبانی اسلام عدم نقص استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران است (وردی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۳۲۴).

قانون اساسی با نگرشی اصولی را در جهت بنیان جامعه آرمانی مطرح نموده است که در مقام اجرا با موانع بازدارنده مواجه است، بدیهی است تصویب قانون تنها پذیرش تئوریک جامعه مطلوب است زیرا قانون در مسیر اجرا با چالش‌های جدی مواجه است، به عبارتی نیل به جامعه به‌سامان، بدو نیازمند آن است که حقوق و وظایف متقابل با بیان قانونی، تضمین شوند و در ادامه نیازمند ضمانت اجرا نیز است که با توجه به اثرپذیری اجرای قانون از عوامل و عناصر متعدد، باید در جای خود به آنها پرداخته شود.

#### ۴-۳- بنیان‌های جامعه مدنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و بروز جنگ تحمیلی؛ متغیرهای اثرگذار در تغییر و تبدیل جامعه، متکثر و بعضاً متناقض بوده‌اند؛ از یک‌سو رهبران اسلامی انقلاب منادی ارزش‌ها و آموزه‌های سنتی دینی بوده‌اند و از سوی دیگر گروه‌های مارکسیستی دخیل در بروز انقلاب منادی ارزش‌های نویافته ایدئولوژیک گروه‌ها و احزاب خود بوده‌اند، پس از انقلاب بروز یک جنگ هشت‌ساله تحمیلی، شکل تازه‌ای از مناسبات درونی را در جامعه ایران و روابط حکومت و مردم شکل داده که در تکوین جامعه کنونی بی‌تأثیر نبوده است، در نتیجه در تدوین و ارائه الگوی جامعه به‌سامان نمی‌توان فرهنگ ایجاد شده متأثر از دهه اول انقلاب اسلامی را نادیده گرفت، همچنین در سال‌های اخیر فضاهای عمومی جدیدی نظیر؛ رسانه‌های فرامرزی و فراملی (ماهواره)، فضای مجازی اینترنتی و... موجبات تغییرات جدی را در جامعه کنونی ایران فراهم آورده‌اند.

فضای مجازی و فضای رسانه‌ای فرامرزی در کنار سایر منابع، اطلاعات اқشار مختلف اجتماعی و خصوصاً طبقه متوسط جدید و طبقه بالادست را تغییر داده است، اگر در گذشته دولت عمده‌ترین و با نفوذترین تأمین‌کننده منابع اطلاعاتی مردم ایران بود، در حال حاضر منابع غیردولتی جدیدی به وجود آمده‌اند که از تأثیر دولت و سایر نهادهای سنتی جامعه نظیر خانواده و مذهب بر افکار عمومی می‌کاهد و بر اقتدار و میزان تأثیرگذاری گروه‌های مرجع جدید شامل گروه‌های موسیقی، ورزشی، هنری، سینمایی، ادبی و... بر جامعه می‌افزاید (ربیعی، ۱۳۸۶: ۶۵).

به دنبال رشد آموزش عمومی و آموزش عالی در کشور و توسعه شهرنشینی و به ویژه آزادی نسبی در فضای سیاسی پس از جنگ به تدریج امکان فعالیت مطبوعات در کشور فراهم شد، در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۷۸ بسیاری از وظایف احزاب سیاسی را مطبوعات به عهده گرفتند، از این‌رو، ما در این دوره با پدیده «احزاب مطبوعاتی، روبرو شدیم، مطبوعاتی که در پی کسب کرسی‌های مجلس و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی بودند، فعالانه در گزینش نامزدهای انتخاباتی و فعال کردن صحنه انتخاباتی تبلیغ کردند (افخمی، ۱۳۸۳: ۶۳۸)، در

این سال‌ها مطبوعات از نظر کمی نیز رشد چشمگیری داشته‌اند، به طوری که تعداد نشریات کشور از ۲۰۳ نشریه در سال ۱۳۵۰ به حدود ۳۳۱۳ نشریه در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است، همچنین شمارگان روزنامه‌های کشور از ۴۰۰۰۰۰ شماره در سال ۱۹۷۰ میلادی به ۱۶۵۰۰۰۰ در سال ۱۹۹۶ و ۳۳۰۰۰۰۰ نسخه در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است که رشدی ۸ برابری را نشان می‌دهد، در حالی که در سال ۱۹۷۰ برای هر ۱۰۰ نفر از جمعیت کشور ۱۴ روزنامه وجود داشته است، این رقم در سال ۱۹۹۶ به ۲۶ شماره و در سال ۲۰۰۱ به ۵۳ نسخه افزایش یافته است (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

آموزش و رسانه؛ زیرساخت مهم توسعه جوامع برای هر چه نزدیک‌تر شدن به الگوی جامعه به‌سامان است، توسعه کیفی و کمی آموزش در حوزه‌های؛ آموزش ابتدایی، آموزش عالی و آموزش عمومی موجب گردیده تا سطح آگاهی و مطالبات عمومی مردم تغییرات جدی یافته و روز به روز فزونی یابد، وقتی سطح مهارت و آگاهی عمومی افزایش یابد، دولت‌مردان و طبقه حاکم را مورد پرسش قرار خواهند داد، بدیهی است دانش و آگاهی عمومی منبعت از آموزش به موازات کسب تجربه‌هایی که در سطح ملی از رویدادها حاصل می‌نمایند، بالاتر می‌رود؛ در نتیجه پرسش‌گری مردم دقیق‌تر و مؤثرتر بوده و در بهبود اوضاع عمومی و نیل به الگوها و مطالبات عمومی ایشان در حیطه‌های مختلف مؤثر خواهد بود.

رشد و فزونی آموزش عمومی که ناشی از گسترش کمی و کیفی روزافزون مطبوعات و رسانه‌های مجازی است، همچنین توسعه جدی آموزش ابتدایی و متوسطه که تقریباً کل وسعت سرزمینی ایران تا دورترین نقاط صعب‌العبور را پوشش می‌دهد و نیز رشد آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی تا جایی که در سالیان اخیر ادامه تحصیل در بسیاری از رشته‌ها بدون کنکور گردیده، موجب استحاله جدی آگاهی و دانش عمومی در بافت توده‌ها گردیده است، برخی جنبش‌ها و اعتراضات نرم که در چهارچوب رفتارها و مکانیسم‌های مدنی بروز یافته مانند؛ پیروزی دولت اصلاحات در خرداد ۷۶، اعتراضات به نتایج انتخابات در سال ۸۸، پیروزی‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ که نوعی دگراندیشی نسبت به گفتمان غالب حکومت است را می‌توان محصول این تغییر و تبدیل‌ها دانست، بنابراین آموزش عمومی

و آکادمیک در کنار توسعه کمی مطبوعات و اخیراً پدیده رسانه‌های مجازی را می‌توان عمده‌ترین زیرساخت‌ها و بنیان‌های یاری‌رسان برای میل به جامعه آرمانی به‌سامان تلقی نمود.

## ۵. ساختار مطلوب

### ۵-۱- تحلیل چالش‌های نیل به جامعه به‌سامان ایرانی

«کثرت» به‌عنوان ویژگی ممتاز جامعه آرمانی به‌سامان هم در حوزه اندیشه و هم در حوزه عمل، وجه متمایز آن است، به ویژه برای جوامعی نظیر ایران که موزاییک اقوام و ادیان و محل تلاقی شرق و غرب بوده و خود نیز میراث‌دار فرهنگی کهن در همه حوزه‌های بشری است، لذا در جامعه آرمانی به‌سامان ایرانی؛ نفی «کثرت» و «مطلق‌اندیشی» می‌تواند بزرگترین چالش پیش روی تحقق این جامعه باشد و به همین نسبت تألیفات متعادل می‌توانند در این حوزه راه‌گشا باشند.

به‌عنوان نمونه در اثری به نام «جامعه آرمانی قرآن کریم»، نوشته «علی محمد آشنانی»، می‌خوانیم: «در جامعه آرمانی نهایی هر چند مخالفان داخلی همچون منافقین وجود دارند، از لحاظ تعداد، سازماندهی و تشکل گروهی، در سطحی نیستند که توان ضربه زدن به نظام اسلامی یا مخدوش کردن امنیت افراد آنرا داشته باشند، به دیگر سخن، پایه امنیت داخلی به گونه‌ای مستحکم است که برای زمامداران و شهروندان، نگرانی جدی وجود ندارد، هر چند ممکن است مخالفان، با اقدام‌های خود، مشکلاتی اندک فراهم آورند که می‌توان آنرا نادیده گرفت» (محمدی آشنانی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). بیان «عدم نگرانی جدی» و «نادیده انگاشتن» چه مایه می‌تواند موجبات مدارا و هم‌زیستی تلقی‌های فکری دگراندیشانه‌را فراهم آورد.

«تبعیض»، دیگر چالش مهم فراروی جامعه آرمانی به‌سامان است، بدیهی است با روزآمد نمودن آموزه‌های دینی و بهره‌مندی از فقه پویا می‌توان در حوزه علوم دینی بسیاری تبعیضات جنسیتی و دینی را مرتفع نمود، با تکیه صرف بر آموزه‌های قدیم و ابدی دانستن آنها، بالتبع بسیاری چالش‌های جنسی - بین زن و مرد - و دینی - نسبت به اقلیت‌های دینی - روا داشته خواهد شد که مانع اول قدم تحقق جامعه به‌سامان خواهد بود.

## ۵-۲- ره‌آوردهای جامعه به‌سامان ایرانی

با مرتفع نمودن چالش‌های پیش روی جامعه آرمانی به‌سامان ایرانی و با تبیین موهبات چنین جامعه‌ای می‌توان با تولید اشتیاق عمومی و تربیت نسل‌های تازه، تحقق این جامعه را مطالبه عمومی قرار داد، در چنین جامعه‌ای که آحاد مردم استعداد و بلوغ چنان زیستنی را در اثر تربیت یافته‌اند؛ با وضع قوانین و تعبیه مکانیسم‌های کارا، عدالت و برابری در همه شئون حیات شهروندان تضمین خواهد شد.

بی‌شک ره‌آورد جامعه به‌سامان ایرانی؛ زندگی بدون بغض و پویایی خواهد بود که همه آنچه امروز به‌عنوان تهدید قلمداد می‌شود، فرصت ابداع و پیشرفت و تکامل خواهد بود، مواردی مانند تنوع دینی و قومی و... که در نگاه انحصارگرایانه و بدوی، به‌عنوان تهدید و مایه انشقاق تلقی می‌گردد در جامعه آرمانی به‌سامان ایرانی، مایه رشد و شکوفایی خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

با عنایت به اینکه ایجاد جامعه آرمانی و مطلوب نزد آحاد بشریت در همه ازمینه و امکان، آرزوی بزرگی بوده که همواره محل مذاقه و اندیشه ورزی خردمندان بوده است و از این رهگذر نحل‌های اندیشه‌گی بسیار سر برآورده و به موازات ادیان مختلف، هر یکی مورد اشتیاق و کعبه دست‌هایی از انسان‌ها بوده‌اند و با تأمل در این امر مبرهن که ایران کنونی ممزوج یا دست کم متأثر از همه آن نحل‌های اندیشه‌گی است باید برای تحقق جامعه آرمانی به‌سامان در آن به همه این مؤلفه‌های مستقل توجه جدی نمود، لذا بدیهی است جامعه آرمانی به‌سامان ایرانی؛ جامعه‌ای متکثر و پویا است که به‌سان دریایی آرام و سهمگین هر چیز تازه را در خود جای خواهد داد یا مانند تابلویی بزرگ هر چیز تازه را به زیبایی و تنوع خود خواهد افزود.

از آنجا که در دوران کنونی دستور نظم و شیوه قوام اجتماعی بر اساس متن قانون اساسی است، به‌عبارتی رفتار اجتماعی به مثابه آهنگی است که بر اساس نت‌هایی که در قانون اساسی آمده، ساخته می‌شود، در بررسی قانون اساسی، نخستین اصل و مبنا در تحلیل ساختار هر حکومت، نمایاندن آبشخور قدرت حاکمان سیاسی است، این که



قدرت خود را از کجا به‌دست آورده‌اند؟ آیا متکی به اراده ملی بر منصب نشسته‌اند یا از راه دیگری؟ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دو اصل اساسی و قاعده مهم «آراء عمومی» و اعتقاد به «مبانی ارزشی»، تکیه شده است. در اصل اول قانون اساسی در مورد نفس حکومت آمده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن... با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد».

اعتقاد به «اسلامیت» در اصل دوم قانون اساسی به تفصیل بیان شده است «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴. عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا».

اتکاء جمهوری اسلامی به آرای عمومی در اصل ۶ چنین بیان شده است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود» و در اصل ۵۶ حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت که خداوند به انسان داده است، مطرح گردیده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد».

از پرداخت‌های اجمالی متن و نیز نمونه‌های بی‌شماری که در فرهنگ و ادب و تاریخ این سرزمین وجود دارد می‌توان دریافت که قائل شدن به سلطه اکثریت دینی و قومی به معنای هدم اقلیت؛ تنگ‌نظرانه و بی‌مایه است، حتی از نمونه‌های ادبی هم می‌توان شاهد آورد؛ مثلاً خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی - شاعر ایرانی قرن هشتم هجری - با اینکه بلاشک متشرع و مسلمان بوده است در سرتاسر دیوان و

اشعارش حتی یک بار نام حضرت محمد ﷺ - پیامبر اسلام - نیامده است اما بارها به نام‌های عیسی و موسی و زرتشت اشاره نموده است در حالی که نام کوچک خود او «محمد» است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کثرت‌اندیشی در ذات و روحیه ایرانیان همواره وجود داشته است و می‌باید در تشکیل جامعه آرمانی به‌سامان ایرانی، سرمایه قرار گیرد.

کثرت‌اندیشی و پذیرفتن تنوع موجب تأمین عدالت است که باید در متن قانون اساسی انعکاس یابد، زیرا تنها در سایه این طرز باور است که «هر نفسی دمی ز حق»، دانسته می‌شود، با تأمین عدالت در وضع قانون و نفی هرگونه تبعیض؛ حس همدلی و وفاق نزد شهروندان غلیان یافته و موهباتی نظیر آسایش عمومی، رفاه، قدرت ملی، عزت بین‌المللی و همه خوبی‌هایی که سزاوار یک جامعه آرمانی است بر آن مترتب خواهد شد.

### کتاب‌نامه

۱. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، لسان‌العرب، قم، نشر ادب‌الحوزه، ۱۳۶۳.
۲. ارسطو، سیاست، ترجمه، حمید‌عنایت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۳. افخمی، حسین، احزاب سیاسی، مطبوعات حزبی و روزنامه‌های مستقل در مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، آگاه، ۱۳۸۳.
۴. امانی، سیدمهدی، جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
۵. برناردی، برونو، مردم‌سالاری در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه، عباس باقری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
۶. بشیریه، حسین، موانع توسعه سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران، گام نو، ۱۳۸۰.
۷. تقوی، نعمت‌الله، مبانی جمعیت‌شناسی، چاپ هشتم، تبریز، آیدین، ۱۳۸۷.
۸. جهانگللو، رامین، مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران، چاپ ۳، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۹. چاندوک، نیرا، جامعه مدنی و دولت، کاوش‌هایی در نظریه سیاسی، ترجمه، فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۱۰. خاتمی، سیدمحمد، از دنیای شهر تا شهر دنیا، ج ۷، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
۱۱. ربیعی، علی، بحران‌های اجتماعی امروز ایران، جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۳: ۵۱-۸۰، ۱۳۸۶.
۱۲. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۱۳. سعدی حسینعلی و سعدی محمود، مبانی مدینه فاضله مهدوی در اندیشه صدرمتألهین، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
۱۴. طوسی، نصیرالدین محمد ابن محمد، اخلاق ناصری، چاپ اول، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۴۱۳.

۱۵. غفاری، مسعود و قاسمی، علی‌اصغر، «خاستگاه جنبش جوانان در ایران»، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی: ۱۶۴ - ۱۳۹.
۱۶. فارابی، ابونصر، آراء اهل المدينة الفاضله، قاهره، مطبعة الحجازی، ۱۳۶۸.
۱۷. گرجی، علی اکبر، «دولت قانونمدار»، مجله دادنامه، شماره ۵، ص ۳۰، ۱۳۸۹.
۱۸. محمدی آشنانی، علی، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۱۹. مرادخانی، فردین، خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۲۰. معصومی، مسعود و میراحمدی، منصور، جامعه مدنی در مطبوعات، قم، طاهار، ۱۳۷۸.
۲۱. ملاصدرا، محمدابن‌ابراهیم، مبدا و معاد ملاصدرا، ترجمه، محمد ذبیحی، چاپ دوم، قم، اشراق دانشگاه قم، ۱۳۹۰.
۲۲. واعظی، احمد، جامعه دینی، جامعه مدنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۳. وردی نژاد، فریدون، قانون اساسی و حقوق شهروندان، مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۴. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه، حسین بشیریه، چ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
25. Koenen, Elmar J. (2001) Burgerliche Gesellschaft in: Klassische Gesellschaftsbegriffe der Soziologie, Kneer/Nassehi/Schroer (Hg. ), Munchen: Wilhelm Fink verlag .
26. Riedel, Manfred (1970) Der Begriff der burgerlichen Gesellschaft und das Problem seines geschichtlichen Ursprungs, in: Studien zu Hegels Rechtsphilosophie, Frankfurt/Main: Suhkamp.



## شبکه مضمونی مدارا در جامعه

### از منظر قرآن کریم\*

- مرضیه محمص<sup>۱</sup>
- زهره کوچک یزدی<sup>۲</sup>

#### چکیده

تغییرات و دگرگونی‌های پدید آمده در جوامع، گسست‌های اجتماعی متعددی را پدید آورده و بالتبع کنش‌های نامطلوبی در سپهر اجتماعی ایجاد کرده است، با توجه به اینکه مدارا به مثابه یک فضیلت اخلاقی، یکی از ابزارهای بنیادین ترویج فرهنگ هم‌گرایی در جوامع به شمار می‌آید، بدون تردید بازاندیشی در عوامل زمینه ساز تعامل مدارا محور بر اساس مضامین قرآنی، بهبود روابط با اعضا جامعه را در پی خواهد داشت، از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، بررسی شبکه مضمونی تعامل مدارا محور را هدف قرار داده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که مطابق آموزه‌های قرآنی، به مدارا در مناسبات اجتماعی، در عرصه‌هایی که زمینه ساز سلطه اندیشه‌های توطئه گرانه نیست و با حفظ مصالح اجتماعی توجه شده است، مرور آیات با محوریت

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان (نویسنده مسئول)

m\_mohases@sbu.ac.ir

۲. دانش آموخته رشته اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده اعجاز قرآن

zohrehyazdi70@gmail.com

موضوع مدارا گویای آن است که صبر، عفو، مغفرت در زمرهٔ پر بسامدترین مؤلفه‌های زمینه ساز مدارا به شمار می‌آیند، توصیهٔ قرآنی به مداراجویی با اعضاء خانواده، مخالفان، مؤمنان، عموم مردم و اهل کتاب، در این شبکه مضمونی برجسته شده است.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، مدارا، جامعهٔ اسلامی، روابط اجتماعی.

### مقدمه

جامعه متشکل از افرادی است که به صورت گروهی روابطی مبتنی بر وابستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند، امروزه همزیستی با اقوام و فرهنگ‌های متنوع در عصر گسترده فزایندهٔ ارتباطات، اهمیتی فراوان یافته است، مدارا به رفتار مهربانانه و خردمندانه‌ای گفته می‌شود که برای رسیدن به اهدافی بلند مدت انجام می‌پذیرد، این تعامل دوستانه بر اساس اصول مشترک در زمرهٔ مفاهیم اسلامی محسوب می‌شود، مدارا بر اساس متون اسلامی، تبلور عقلانیت در روابط انسانی است: «عنوان العقل مداراة الناس»، «دلیل عقل مدارا با مردمان است» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۴/۳۶۰)، و شاخصهٔ انسان خردمند به شمار می‌آید، حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «علیک بالرِّفقِ فإنه مفتاح الصَّواب و سَجِيَّةُ اُولَى الْاَلْبَابِ»، «بر تو باد به نرمی و ملایمت که آن کلید درستی و منش خردمندان است» (همان، ۲۹۱/۴)، مدارا، سامان بخش مناسبات انسانی و زمینه ساز کامیابی خواهد بود: «الرفق مفتاح النجاح»، «نرمی و ملایمت کلید کامیابی است» (همان، ۷۹/۱)، و تسهیل کنندهٔ مناسبات اجتماعی و ابزار فائق آمدن بر مشکلات کلان اجتماعی برشمرده شده است: «الرِّفْقُ يُيسِّرُ الصِّعَابَ و يُسهِّلُ شَدِيدَ الْاَسْبَابِ»؛ ملایمت، دشواری‌ها را آسان می‌سازد و چاره جویی‌های سخت را ساده می‌گرداند» (همان، ۸۹/۱)، «مَنْ اِسْتَعْمَلَ الرِّفْقَ، لَانَ لَهُ الشَّدَائِدُ»، «هر که نرمی و ملایمت را به کار گیرد، سختی‌ها برای او آسان گردد» (همان، ۲۸۷/۵).

همچنین دربارهٔ ارزش مدارا در تعاملات انسانی ذکر شده است: «الرِّفْقُ لِقَاحُ الصَّلَاحِ و عنوان النَّجَاحِ»، «ملایمت، بارور کنندهٔ صلاح و سرلوحهٔ کامیابی است» (همان، ۱۶۰/۲)، «رَأْسُ السِّيَاسَةِ اِسْتِعْمَالُ الرِّفْقِ»، «سر سیاست، به کار بردن رفق و

مداراست» (همان، ۵۴/۴)، «نِعَمَ السِّيَاسَةِ الرَّفْقُ»، «بهترین سیاست، رفق و مداراست» (همان، ۱۶۷/۶)، «مَنْ غَامَلَ بِالرَّفْقِ وَفَّقَ»، «آنکه به مدارا رفتار کند، کامیاب می‌گردد» (همان، ۱۷۵/۵).

در پژوهش حاضر، پاسخ‌گویی به این پرسش مد نظر است که بر اساس آیات قرآنی گونه‌های مدارا در جامعه اسلامی کدام است؟ این نوشتار با هدف ارائه صورت بندی جامعی از مدارا در متن قرآن کریم، روش پژوهش تحلیل محتوا را برگزیده است، لذا پس از بیان ادبیات مفهومی پژوهش، یافته‌های حاصل از رویکرد روشمند به آیات در حوزه گونه‌های مدارا تبیین گردید.

## ۱. پیشینه موضوع پژوهش

تا کنون تلاش‌هایی برای ارائه خوانشی اسلامی از مفهوم مدارا توسط محققان مختلف با روش تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است؛ مرتضی کریمی نیا (۱۳۸۶)، در کتاب «همزیستی مسالمت‌آمیز»، با استناد به قرآن و روایات، اعتقاد مسلمانان را به همزیستی مسالمت‌آمیز بیان می‌نماید و مسائلی همچون دعوت به اصول مشترک، پرهیز از تعصبات مذهبی، آزادی عقیده، دوری از تحمیل دین و احترام به حقوق اقلیت‌ها را از دستورات اصیل اسلامی برمی‌شمرد، همچنین حسین عبدالحمیدی (۱۳۸۱)، در کتاب «تسامح و تساهل در قرآن و روایات»، بر عدم مدارا در موضوعاتی همچون بدعت، ابتدال‌گری و ایجاد اخلال در امنیت اجتماعی تمرکز داشته است، سیده فاطمه طباطبایی و اعظم عسکری (۱۳۹۸)، نیز در مقاله «شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت»،

مصادیقی از مدارا در سه حیطة سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را بیان کرده‌اند، سهراب مروتی در «خاستگاه تربیتی مدارا در قرآن و سیره معصومین» (۱۳۹۴)، مدارا را به‌عنوان یک روش تربیتی برای القاء داده‌های جدید به مخاطبان مختلف معرفی می‌کند، در مقاله «آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا از منظر فریقین»، از محمود کریمی و زهرا یوسفی (۱۳۹۵)، نیز اهتمام مشترک امامیه و اهل سنت به موضوع مدارای خانوادگی تبیین شده است، اما در این پژوهش، مدارا به مثابه یکی از مفاهیم مهم قرآنی

که برای نیل به اهداف کلان اجتماعی و متأثر از نظام ارزشی اسلامی صورت می‌گیرد و به افزایش سرمایه اجتماعی می‌انجامد، مورد توجه قرار گرفته و گونه‌های کاربرست مدارا در قرآن کریم مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

## ۲. روش تحقیق

روش تحلیل محتوا به‌عنوان روش بررسی متون و زوایای مختلف یک اثر، دارای مؤلفه‌هایی است که یکی از این مؤلفه‌ها، تحلیل کمی است که با ترسیم دقیق آماری و نموداری ما را در یافتن پیام‌های آشکار و نهان در متون، به تحلیل کیفی و توصیفی رهنمون می‌شود، لذا پژوهشگر باید به تمام مواردی که در متن به کار رفته توجه کند تا به تحلیل دقیق‌تری دست یابد، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، تمامی مقولات قرآنی مرتبط با مفهوم مدارا استخراج شده، سپس فراوانی کلیدواژگان، مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌هایی که راه را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازند، مورد بررسی قرار گرفت، در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده است، تفسیر شده و در مرحله تحلیل توصیفی نهایی، شبکه‌ای از اطلاعات منظم مرتبط با مفهوم مدارا و متکی بر تجزیه و تحلیل داده ارائه می‌گردد.

پس از بررسی دقیق آیات قرآنی، (۳۰۳ آیه) با تعبیر افاده‌کننده مفهوم مدارا استخراج شده است، ملاک شمارش این آیات، ذکر صریح کلمات افاده‌کننده مفهوم مدارا در متن آیه بوده است، از این آیات ۷۳۳ مضمون فرعی مورد بررسی قرار گرفت سپس مضامین فرعی، جهت‌گیری عبارات مشخص و براساس آن نتایج استخراج گردید.



جدول شماره ۱: فراوانی موضوعات اصلی درباره مدارا

ردیف	موضوعات اصلی در آیات	درصد فراوانی	ردیف	موضوعات اصلی در آیات	درصد فراوانی
۱	صبر	۲۶٪	۵	عدم همکاری با منافقان	۸٪
۲	تعامل همراه با ثبات عقیده	۵۰.۱۶٪	۶	اصلاح	۴٪
۳	تعامل همراه با حفظ ارزش‌ها	۱۲٪	۷	برخورد عادلانه	۴٪
۴	عفو	۱۰٪	۸	رهاکردن	۲٪

### ۳. مفهوم شناسی مدارا

مدارا در زبان فارسی به معنای «رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی نمودن، شفقت، تحمل کردن، تسامح، بردباری و سازگاری نشان دادن» (معین، ۱۳۶۴: ۳۹۵۸)، آمده است، واژه شناسان عرب معنای اصلی مدارا را ملاطفت و برخورد نرم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۵)، خشونت روا نداشتن (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۱۳۸)، و انجام کارها از روی آگاهی و تدبیر (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵۹/۸)، دانسته‌اند.

در اندیشه اندیشوران علوم اجتماعی، مدارا به‌عنوان فضیلتی اجتماعی، امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های مختلف در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند، از این منظر مدارا عملی است که به فرد اجازه می‌دهد با وجود امکان استفاده از زور و خشونت و همچنین عدم علاقه نسبت به دیدگاه طرف مقابل، بدون ایجاد تنش و مخدوش سازی فضای گفت‌وگو رفتار شود (Galeoti, 2001; Sullivan, Transue, 1999).

دورنمای مفهوم مدارا از نگاه قرآنی حاکی از آن است که این مفهوم به سبب

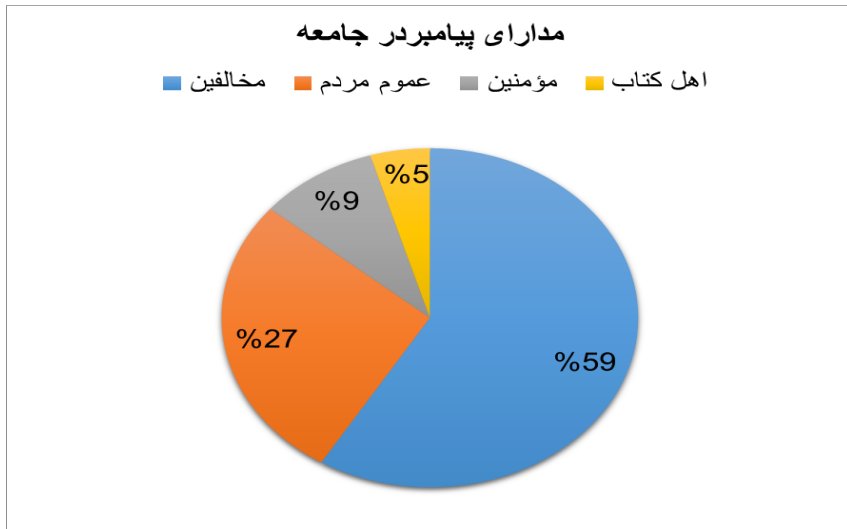
برخوردار بودن از عناصر فکری، رفتاری، عاطفی و اجتماعی در سامان دهی جوامع نوین، کارکردهای متنوعی دارد و رفتار مدارامحورانه به معنای همسویی با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز در اجتماع است.

#### ۴. صورت بندی گروه‌های شایسته مدارا در جامعه

جامعه متشکل از افرادی است که به صورت گروهی روابط متقابل مبتنی بر وابستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند، در منظومه فکری دینی، جامعه حاصل تعامل متقابل انسان‌هاست و از یک سو بسیاری از دستورها و برنامه‌های اسلامی، به صورت فردی محقق نمی‌شود و تنها در سایه اجتماع انسان‌ها تحقق می‌یابند، از سوی دیگر بعضی از اهداف و کارکردهای احکام به طور خاص متوجه جامعه است، از این دست می‌توان به پرداخت صدقات، زکات، امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود، همچنین گروهی از دستورات اخلاقی از جمله بخشش به مردم، مدارا با مردم، وحدت و پرهیز از اختلاف، یا تأسیس نظام اجتماعی و سیاسی، بهره‌گیری از آرای اهل نظر، مشورت و... جهت‌گیری اجتماعی دارند.

نظام اجتماعی اسلام با توجه به جهان‌بینی مورد پذیرش اسلامی طراحی شده و با همان نظام اخلاقی هماهنگ است، از این منظر، انسان موجودی اجتماعی است و برای رسیدن به سعادت حقیقی نیاز به زندگی در جامعه و تعامل با هم نوعان خود دارد، در این دیدگاه، هر یک از اجزاء انسانی جامعه، تشکیل دهنده عضو مخصوص از حیات اجتماعی است که ارزش آن فقط بستگی به این دارد که چه مقدار و چگونه از موجودیت و سرمایه خویش با آگاهی و اختیار در قوام حیات اجتماعی شرکت می‌جوید (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۱۴).

در این راستا پس از تحلیل آیات برگزیده، طیف متنوعی از مدارا با گروه‌های مختلف انسانی در اجتماع استخراج شد نکته شایان توجه آنکه چگونگی مدارا نیز در مواجهه با شرایط مختلف، برخوردار از تنوع بوده است.



در نگره قرآنی تکریم انسان و شخصیت بخشی به اعضای جامعه، ارزشی اسلامی به شمار می آید (اسراء/۷۰)، (آل عمران/۷۵) و هتک حرمت دیگران زمینه ساز از بین رفتن الفت اجتماعی می شود. مدارا ملایمت و سازگاری نشان دادن و کشف زمینه های مشترک با دیگران و احترام گذاشتن به افراد غیر مشابه است.

امروزه همزیستی با اقوام و فرهنگ های متنوع در عصر گسترده فزاینده ارتباطات، اهمیتی فراوان دارد. در رویکرد جامعه شناختی نسبت به نقش مؤثر مدارا بر ساختارهای اجتماعی و شبکه ارتباطی گسترده، تأکید می شود، مدارای اجتماعی عبارت است از تعامل ملایم هر یک از اعضای جامعه با دیگران در محیط های اجتماعی و عمومی که با پذیرش تفاوت ها، شکل می گیرد، مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش و بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی و خشونت گام بردارند، مدارا یکی از اصول مهم اخلاق اجتماعی است و ابزاری کارساز برای نفوذ در دیگران و ایجاد تمایل قلبی است.

مداراپیشگی در جامعه، تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی را به دنبال دارد و از رهگذر ارتقای آگاهی اجتماعی، برقراری گفت و گوی مؤثر و برخورداری از شبکه اجتماعی متنوع حاصل می گردد، از منظر اسلامی، مدارا در مسائل شخصی و یا مسائل اجتماعی که تقابل و تراحمی با حقوق دیگران نداشته باشد، مورد تأیید قرار گرفته است،

حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «من تا آنجا که برای جامعه احساس خطر نکنم، شکیبایی پیشه می‌کنم»<sup>۱</sup>.

کاهش روحیهٔ مدارا، کاهش مهربانی اجتماعی و بسیاری از معضلات اجتماعی را به دنبال دارد، امام علیه السلام در این باره توصیه می‌فرماید: «بر خاشاک درشتی‌ها چشم فرو بیند، وگرنه هرگز خشنود نخواهی شد»<sup>۲</sup> و نیز فرموده‌اند: «بکوش که ناآگاهی‌ها و برخوردهای تند و ناتوانیشان در سخن گفتن را تاب آوری و از هر سخت‌گیری و خشونت‌ی نسبت به آنها مانع شو تا در برابر آن، خداوند آغوش رحمت به رویت بگشاید و مستوجب ثواب طاعت خویش سازد»<sup>۳</sup>.

طبق نمودار، از یک سو وجود طیف متنوع تفاوت‌ها بین انسان‌ها و از سوی دیگر نیازمندی آنان به یکدیگر، تأییدی بر ضرورت اتخاذ مناسبات مداراجویانه به شمار می‌آید، بدون تردید اقدامات مخالفان با هدف براندازی نظام اسلامی و یا ارتکاب عامدانه اعمال خلاف شرع، خارج از محدودهٔ سیاست راهبردی مدارا بوده است.

## ۵. گونه‌شناسی مدارا در جامعهٔ اسلامی

مطابق آیات قرآنی مدارا به مثابه ابزاری در جهت گسترش روابط اجتماعی به شمار می‌آید، مطلوبیت روابط دگرخواهانه و نیک‌خواهی نسبت به هم‌نوعان فارغ از اعتقادات، وجهی انکارناپذیر از یک جامعه است و در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن شکل می‌گیرد، در این قسمت با ذکر موضوعات فرعی مطرح شده در آیات با محوریت شبکهٔ مفهومی مدارا سعی می‌شود به مقوله بندی جامعی ارائه گردد.

۱. «سَاصْبِرْ مَا لَمْ أَحْفَ عَلَىٰ جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَىٰ قِيَالَةِ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹).
۲. «أَغْضِ عَلَى الْقَدَىٰ وَالْأَلَمِ تَرَضَّ أَبَدًا» (نهج البلاغه، قصار ۲۱۳).
۳. «لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَىٰ غَيْرَ مُتَتَّعٍ ثُمَّ احْتَمِلَ الْحُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ وَنَحَّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَالْأَنْفَ يَبْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَ يُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ وَ أَعْطَى مَا أَعْطَيْتَ هَيِّنًا وَ امْتَنَعَ فِي إِجْمَالٍ وَ إِعْدَارٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

## ۵-۱- مدارا با خانواده

مقتضای محبت و دلبستگی به خداوند، نیکی و محبت به انسان‌ها است و مهرگستری و غنی ساختن روابط اجتماعی به مثابه یکی از بنیان‌های اخلاقی دینی آرامش آفرین است، مدارا با خانواده، نشأت یافته از همدلی، احساس عاطفی و تعلق میان اعضای خانواده است و ساحت قلبی افراد را به یکدیگر نزدیک می‌نماید، پرورش روحیه همدلی در خانواده با رفتارهای مداراجویانه در آیات قرآنی مورد تأکید قرار گرفته است.

قرآن کریم در مورد تمام افراد خانواده توصیه به مدارا می‌نماید. خضوع در برابر پدر و مادر، توصیه‌ای الهی است، مدارا در تربیت فرزندان و سوق دهی آنان به بندگی نیز سفارش شده است، همچنین مدارا در برابر همسر علی‌رغم انجام رفتار ناصحیح، موضوعی است که قرآن کریم از رفتار پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ما گزارش می‌نماید.

نقاط تمرکز	آیات
گذشت پیامبر <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> در خانواده	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدَوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَوْا وَاصْفَحُوا...﴾ (تغابن/۱۴)
مدارای پیامبر <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> باهمسران	﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَرْوَاحِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (طلاق/۱)
تواضع در برابر والدین	﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾ (اسراء/۲۴)
بردباری در برابر وسوسه نزدیکان	﴿قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (يوسف/۸۳-۱۸)
صبر در امر کردن نزدیکان به نماز	﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ (طه/۱۳۲)

بخشش درروابط همسران	﴿إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/۲۳۷)
------------------------	--

خداوند متعال درباره کارشکنی‌های همسران توصیه به مدارا نموده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (التغابن/۱۴). صبر در برابر فرزندان از دیگر موارد مدارا در خانواده است، خداوند داستان برادران یوسف عليه السلام و صبر جمیل یعقوب عليه السلام را در برابر خواهش‌های نفسانی فرزندان به مسلمانان متذکر شده و اینگونه رفتار را می‌ستاید (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۴۷/۹).

صبر در امر به معروف و نهی منکر نیز دیده می‌شود، همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در امر اهل خویش به نماز صبر بسیار ورزیده و شکیبایی را طبق فرمان الهی سرلوحه قرار می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۳/۳۴۲). کسانی که به ایشان اقتدا می‌کنند، نیز باید این آیه را مدنظر قرار داده و در تربیت دینی فرزندان شکیبایی نمایند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ (طه/۱۳۲).

## ۵-۲- مدارا با عموم مردم

علامه طباطبایی، جامعه را به یک تن واحد تشبیه نموده و ضرورت حفظ انسجام و وحدت آن را مورد تأکید قرار می‌دهد، به تعبیر ایشان، اسلام به دنبال تشکیل جامعه‌ای است که اعضای آن در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری، با هم مأنوس شوند، به یکدیگر اعتماد کنند، با همدیگر تعاون و معاضدت داشته باشند و از خیر یکدیگر بهره‌مند شوند در غیر این صورت و در شرایطی که اعضای جامعه از هم بیزار باشند و پیوندهای اجتماعی سست باشد، این قطع رابطه هر چند هم که اندک، اما با توجه به گستره آن، خسارت بزرگی به جامعه وارد نموده و رشته حیات آن را قطع می‌سازد، از این رو، اسلام در پی آن است تا از کلیه عواملی که منزلت اجتماعی اعضای جامعه را خدشه‌دار می‌کند و هویت و شخصیت اجتماعی ایشان را از آنها می‌گیرد، جلوگیری به عمل آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۶/۷).



﴿إِنْ تُبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُحَفُّوه أَوْ تُعَفُّوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا﴾ (نساء/۱۴۹)	عفو در برابر بدی	۹
﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَائِظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۴)	عفو در برابر مردم	۱۰
﴿فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۱۷۸)	عفو در حکم قصاص	۱۱
﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾ (انعام/۵۴)	سلام به اصلاح شدگان	۱۲
﴿أَنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود/۸۸)	اراده اصلاح در حد استطاعت	۱۳
﴿وَأَمَّا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (حديد/۲۸)	گذشت نبی نسبت مردم	۱۴
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾ (مائده/۸)	عدالت ورزی نسبت به مردم	۱۵

در واقع، مدارا با کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند، این رویه در روابط شخصی باعث ایجاد ارتباطات دوستانه همراه با احترام و صمیمیت، گذشت و تحمل دوجانبه، همراه با آرامش و بدون نگرانی و تردید می‌شود و رفتارهای تدافعی را به حداقل می‌رساند.

از سوی دیگر، مدارا، مشارکت‌را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد و همچنین با تقویت اعتماد، دیگرخواهی، رفتار نوع دوستانه و



همبستگی بین افراد، وفاق اجتماعی را تقویت می کند و در نهایت، امنیت اجتماعی را افزایش داده و هزینه های نظارت نهادهای رسمی را کاهش می دهد، از این رو مدارای اجتماعی مهم ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر اساسی انسجام و نظم در جامعه است.

### ۵-۳- مدارا با مؤمنان

در قرآن کریم علاوه بر مدارا با عموم مردم، مدارا با مؤمنان به طور ویژه بیان شده است، اصلاح امور مؤمنان و سلام به ایشان، همچنین امر به همراهی و یاری رسانی به ایشان از اموری است که در قرآن به آن اشاره شده است، اشتراک افراد جامعه در باورهای خداشناسانه، مداراجویی، انس و همبستگی در تعاملات اجتماعی را به دنبال دارد.

نقاط تمرکز	آیات
۱ سلام به هدایت یافتگان	﴿السَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ﴾ (طه/۴۷) (نمل/۵۹)
۲ مدارای پیامبر ﷺ با مؤمنین	﴿وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (هود/۲۹)
۳ مدارا با خداجویان	﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾ (کهف/۲۸)
۴ صبوری در برابر مؤمنین	﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (حجر/۸۸) (شعراء/۲۱۵)
۵ سلام به بندگان مؤمن	﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (نمل/۵۹) (مریم/۴۷)
۶ اصلاح روابط میان فردی	﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ فَأَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسُطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات/۹)

۷	تشویق به صبر	﴿وَلَمَّا صَبَرْتُمْ لَهَوَّ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۰)
۸	صبر بر گفته‌ها	﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (طه/۱۳۰) (مزمّل/۱۰)
۹	رها سازی	﴿فَذَرُهُمْ فِي غَمَرْتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (مؤمنون/۵۴) (انعام/۱۱۲) (معاوج/۴۲) (احزاب/۴۸)
۱۰	مدارا با اعراض کنندگان	﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَاعْظُهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/۶۳) (انعام/۳۵)

در نهادینه سازی خصائص اجتماعی همواره موضوع باورها یا اعتقادات نقش انکارناپذیری دارد و باید اذعان نمود که هویت اجتماعی مسئله‌ای منفک از جهان بینی نیست، اهمیت این امر تا بدانجاست که به نظر می‌آید نخستین شرط برای شکل‌گیری هویت اجتماعی، باورهای مشترک افراد باشد، لازم به ذکر است؛ انسان‌ها به لحاظ شاکله و ویژگی‌های شخصیتی، هر کدام موجودی منحصر به فرد هستند و آنچه این نفوس مختلف را با هم مانوس می‌سازد، تشابهاتی است که در باورهای آنان وجود دارد، این اشتراک معرفتی در صورتی حاصل می‌شود که عاملان اجتماعی طرز تلقی و باورهای واحدی دربارهٔ وجوه بنیادین حیات انسانی که عبارت از خدا، جهان و انسان است، داشته باشند، به عبارت دیگر مجموعهٔ متنوع افراد انسانی زمانی از یک هویت اجتماعی برخوردار می‌شوند که بر اساس باورهای مشترک به تعامل بپردازند؛ به عبارت دیگر تعامل متقابل زمانی به احساس پیوستگی اجتماعی می‌انجامد که نظام معنایی افراد، به توافق نسبی در باورها رسیده باشند، مودت و دوستی میان انسان‌ها حاصل هم‌نوایی روح‌ها و اشتراک باورهاست، از همین رو جان‌ها و روح‌ها هرگاه با یکدیگر تناسب داشته باشند، زمینهٔ مہیایی برای بروز رفتارهای مداراجویانه ایجاد می‌شود.

توحید محوری یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود، توحید علاوه بر آنکه تعبیری راجع به ذات وجودی الهی است، راه و روشی برای کمال‌یابی و شناخت بنیادین عالم هستی است و تمامی جنبه‌های زندگی حول آموزهٔ توحید معنا می‌یابد، هر جلوه‌ای از وجود انسان در ارتباط فعالی با اصل توحید می‌باشد، این امر

فطری که مؤکداً مورد توجه رسالت‌های الهی قرار گرفته، تنها منحصر به ساحت قلب و درونیات انسان نمی‌باشد؛ بلکه اثر آن اعتقاد درونی در ساختار اجتماع انسانی کاملاً هویداست، به عبارت دیگر توحید به مفهوم دید امیدوارانه به ایجاد تحول مثبت و متعالی در جامعه، یگانه‌ی قوه‌ی محرکه‌ی تمامی انبیاء بوده است، در نگره‌ی خدامحور حقوق مردم در جامعه همچون حقوق الهی پاس دانسته می‌شود و روابط اجتماعی اصلاح می‌شود، زیرا این مهم، ضامن تحقق اخلاق است.

آیات قرآن کریم در مورد مؤمنین سفارش‌های ویژه‌ای به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌نماید. صبر، خفص جناح، سلام، همراهی با مؤمنین، طرد نکردن ایشان، طلب مغفرت برایشان و همچنین اصلاح امورشان از مواردی است که در مدارای قرآنی دیده شده است. خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر می‌کند به تابعان هدایت، بندگان برگزیده‌ی خدا سلامت و امنیت بفرستد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۲/۱۹)، خداوند می‌فرماید: ﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی اَللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ﴾ (نمل/۵۹)، کسی که از دیگری در سلامت و امنیت است، از حسادت، بغض و دشمنی، حقد و کینه و سایر نیات سوء هم در امان است، بنابراین در برابر نعمت‌هایی که به مؤمن عطا شده حسادت نمی‌ورزد و یا کینه‌ای از او به دل نمی‌گیرد، این طرز فکر در برابر مؤمن موجب می‌شود رفتار فرد همواره توأم با محبت و مدارا باشد، مثلاً مؤمنینی که از روی جهالت گناهی انجام داده و سپس توبه نموده و اصلاح کرده‌اند را بپذیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲۶/۶)، همچنین می‌فرماید: ﴿وَ اِذَا جَاۤءَكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِآيٰتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلٰی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ اَنَّهُ مَنۢ عَمِلَ مِنۡكُمْ سُوْءًاۢ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنۢۢ بَعْدِهِۦ وَاَصْلَحَ فَاِنَّهُۥ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ﴾ (انعام/۵۴)، قرآن کریم، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را امر به همراهی با مؤمنین می‌نماید و می‌فرماید: ﴿وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعِشِيِّ يُرِيْدُوْنَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيْدُ زِيْنَةَ الْحَيٰةِ الدُّنْيَا وَ لَا تَطْعَم مَنۢۢ اَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنۢ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ اَمْرُهُ فُرْطًا﴾ (کهف/۲۸)، همان‌طور که در تفسیر این آیه آمده است: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با فقیران از مؤمنین باادب و مهربانی و تواضع برخورد می‌کرد و ایشان را در طول حیات نورانی‌اش اکرام می‌نمود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷۴/۱۸).

## ۵-۴- مدارا با مخالفان

قرآن کریم دربارهٔ مخالفین اعم از کفار، مشرکین و منافقین، به تناسب اقتضائات پیرامونی توصیه‌هایی داشته و در بسیاری موارد امر به صبر، مدارا، گذشت و در صورت سرسختی ایشان، امر به اعراض و یا رها کردن ایشان می‌نماید، حتی زمانی که منافقان برای جلب منافع دشمن، با مسلمانان در جنگ‌ها مشارکت نمی‌کردند، پیامبر ﷺ با آنها به مدارا رفتار کرده و طبق فرمان الهی رهایشان می‌کردند تا با زنان و کودکان در مدینه بمانند و چون حضورشان جز سستی به سپاه نمی‌افزود آنان را به جهاد تشویق نمی‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۶/۹).

مطابق آیه ﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾ (توبه/۸۳)، پیامبر اکرم ﷺ در عین حال که از عقاید همهٔ این گروه‌ها براءت می‌جستند، با کمال مدارا و خویش‌ن‌داری اجازه زندگی و بهره‌مندی از جامعهٔ مسلمین را به ایشان می‌دادند.

در جنگ بدر، وقتی پیامبر ﷺ امر به خروج دادند، آنان که طالب کاروان تجاری قریش بودند و تمایلی به جنگ با ایشان نداشتند، برای تحقق آمال خود، به جدال و محاجه بی دلیل پرداختند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹، ۱۴). در حالی که پیامبر اکرم ﷺ با صبر و جدال احسن پاسخ می‌دادند و در نهایت خویش‌ن‌داری سعی بر تبیین آموزه‌های اسلامی داشتند، ایشان از بحث و جدل بیهوده نهی شده بودند ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا﴾ (کهف/۲۲).

قرآن کریم در گفت‌وگو با کفار، نحوهٔ نیکویی از احتجاج را امر می‌نماید و به جای مجادله با ایشان که معلوم است اهل عناد و لجاجت هستند می‌فرماید: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ﴾ (کافرون/۶)، به این ترتیب با اتمام حجت با بت‌پرستان از هر گونه سازش بر سر توحید و بت‌پرستی، جدایی کامل خط خود را از آنها مشخص می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۲۷/۳۸۵).

در برخی موارد هم امر به رها کردن ایشان می‌نماید تا اندکی در این دنیا بهره‌مند باشند، آنگاه وعدهٔ عذاب برایشان برسد، بنابراین شیوهٔ قرآن کریم در مورد مخالفینی که دست به

قبضه شمشیر نبرده‌اند و دشمنی خویش را عملاً ظاهر نموده‌اند مدارا با ایشان است.

نقاط تمرکز	آیات
۱	صبر انبیاء در برابر آزار و اذیت قوم ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...﴾ (احقاف/۳۵) (قمر/۲۵) (ابراهیم/۱۲) (۵۵) (غافر/۵۵)
۲	تشویق به صبر ﴿وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران ۱۲۰، ۱۲۵)
۳	صبر بر گفته‌ها ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (طه/۱۳۰) (قی/۳۹) (مزمّل/۱۰)
۴	رهاسازی مطلق ﴿فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (مؤمنون/۵۴)
۵	مدارا با اعراض کنندگان ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/۶۳) (انعام/۳۵)
۶	جدال احسن ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٍ﴾ (کافرون/۶)
۷	بخشش ﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (زخرف/۸۹)
۸	پذیرش ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا صَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا﴾ (نساء/۹۴)
۹	بردباری ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّتَكْ بِعِصَىٰ الذِّی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّئُكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ﴾ (غافر/۷۷) (یونس/۱۰۹) (احقاف/۳۵) (قلم/۴۸)
۱۰	بخشش ناباوران ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (جاثیه/۱۴)
۱۱	مدارا و عدالت ورزی ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده/۲)

از رهگذر واکاوی آیات مرتبط با موضوع مدارا با مخالفان می‌توان اذعان داشت، از جمله شاخصه‌های نگرش اسلامی، تصریح بر آزادی انسان است، پذیرش موضوع آزادی از سوی اسلام، حاصل پذیرش اصول معین و ویژه‌ای در انسان‌شناسی اسلامی است، از جمله می‌توان به انتخاب‌گری انسان، مکلف بودن انسان، مورد آزمایش قرار گرفتن انسان اشاره کرد.

اسلام تمایلات عالی انسان را منشاء آزادی انسان می‌شمرد، آزادی لازمهٔ هویت انسانی و به معنای رهایی از هر گونه مانعی در مسیر تکامل انسانی می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۵۵۲)، آزادی توأم با احساس مسئولیت از اصلی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود و می‌توان گفت غایت دستگاه تعقل و ادراک، بهره‌گیری آزادانه از مواهب خلقت در سیر استکمالی بشر است، در این شاکلهٔ فکری، آزادی تنها در رفع محدودیت‌ها و موانع خلاصه نمی‌شود، بلکه از آنجا که آزادی حقیقی در گرو تکامل واقعی انسان است، زمینه‌سازی و فراهم آوردن موجبات این تکامل نیز از لوازم آزادی انسان است. هر قدر موجبات تکامل و تعالی آدمی بیشتر فراهم گردد، در واقع آزادی او بیشتر فراهم گشته است، بنابراین آزادی تنها به معنی رهایی نیست، بلکه این رهایی باید بر حسب نتایجی که بر آن مترتب می‌شود مورد بازبینی قرار گیرد، تنها گونه‌هایی از رهایی به منزلهٔ آزادی نگریده می‌شود که موانع رشد آدمی را از میان برمی‌دارد و زمینهٔ رسیدن به مرتبهٔ مطلوب از انسان را فراهم می‌آورد، در غیر این صورت، صرف رهایی از هر بندی می‌تواند به منزلهٔ تسلیم شدن به امیال، زمینهٔ اسارت بزرگ‌تری را فراهم آورد.

به عبارت دیگر مفهوم آزادی در فرهنگ اسلامی بر دو پایهٔ آزادی معنوی و آزادی اجتماعی بنا نهاده شده است، اهمیت آزادی معنوی یا توانمندی تسلط بر غرائز و شهوات، تا حدی است که حتی در هویت اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار می‌باشد (فاسی، ۱۹۷۹: ۲۴۷)، به دیگر سخن در پس هر حقی برای فرد، حقی برای جامعه نهفته، لذا همواره مسئولیتی آگاهانه نسبت به حق و پایبندی بدان وجود دارد.

اگر بپذیریم که اسلام برای مراعات مصالح بندگان در دنیا و آخرت دارای برنامه‌ای اجرایی است و این مصالح دارای مراتب متفاوتی از ضرورت‌ها تا اولویت‌ها است، پس لزوماً این مصالح قواعدی کلی را تشکیل می‌دهد که علاوه بر آنکه هویت فردی

انسان‌ها را تنظیم می‌نماید، محدودهٔ هویت اجتماعی را نیز تعیین می‌نماید. به هر روی، ایدهٔ آزادی در اسلام بر مطلق بودن آزادی فرد در همهٔ امور، تا زمانی که با حق یا با مصالح عمومی برخورد پیدا نکرده، استوار است و چنانچه با حق یا مصالح عمومی برخورد پیدا کرد، تجاوزی است که باید در برابر آن ایستاد و آنرا مهار نمود.

پس تا زمانی که هر کس در چارچوب حقوق خود عمل نماید و به مصالح عمومی آسیب نرساند، کسی متعرض او و آزادی‌های او نیست، لذا آزادی مطلق وجود ندارد، مصلحت‌ها، فرار از آسیب‌ها، عادات و آداب و رسوم‌ها از جمله عوامل محدود کننده آزادی است، ناگفته هویداست در زندگی اجتماعی عدم ملاحظه منافع دیگران مسبب هرج و مرج و کشمکش‌هاست.

قرآن کریم از یک سو ضمن تأکید بر نقش آگاهی بخشی پیامبران الهی و آشکارسازی گنج‌های پنهان در عقل مخاطبان، کارآمدترین سرمایه الهی برای شناخت راه رستگاری را تفکر و آزاد اندیشی می‌داند و از سوی دیگر برخورد مدافعانه در مقابل اظهار عقیده‌های توطئه‌گرانه، را به‌عنوان رویه‌ای پیشگیرانه تأیید می‌نماید، به عبارت دیگر مرز آزادی‌های مخالفان را مصلحت‌های جمعی تعیین می‌کند.

### ۵-۵- مدارا با اهل کتاب

جامعهٔ اسلامی از صدر اسلام تا کنون به شکل‌های گوناگونی با پیروان ادیان گذشته پیوند داشته است، در آیاتی از قرآن به تأیید ادیان الهی پیش از اسلام پرداخته شده ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (بقره/۱۳۶)، و آنان نیز همچون دیگر مردم به پذیرش دین اصیل اسلام فراخوانده شده‌اند ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران/۸۵، صف/۶)، هر چند برای آزادی عقیده و کرامت انسانی آنان به رسمیت شناخته شده است ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَسُّنَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۹۳).

در آیات قرآنی، ضرورت مدارا با اهل کتاب در چند مورد صراحتاً بیان شده است،

مدارا در مواردی که اهل کتاب آیات الهی را مخفی می‌کردند و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنها را تبیین می‌نمود؛ مدارا در شنیدن آزار و اذیت‌های اهل کتاب؛ مدارا در مواردی که جهت پرسیدن از حکم یا طلب قضاوتی نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آمدند ولی در عین حال نظر ایشان را نمی‌پذیرفتند و در نهایت مدارا در برابر بدرفتاری‌های آنان با مسلمانان، از آن جمله است، در تمام این موارد، پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اظهار بخشش و صبر، رویه مدارا را در پیش می‌گرفتند.

آیات	نقاط تمرکز	
﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ (مائده/۱۵)	دعوت	۱
﴿وَلِتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ نَصَبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران/۱۸۶)	صبر در برابر گفته‌ها	۲
﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مائده/۴۲)	پذیرش قضاوت درباره اختلافات	۳
﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِيَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مائده/۱۳)	بخشش خیااتکاران	۴
﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا... فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۱۰۹)	بخشش اهل کتاب	۵

مداقه در این آیات گویای آن است که توجه به کرامت انسانی اصلی قابل توجه در دیدگاه اسلامی تلقی می‌شود، لذا هرگونه تصرفی در روابط اجتماعی که کرامت انسان را زایل نماید و توهینی به جایگاه او محسوب شود، بر خلاف اصول شرعی شمرده



می‌شود، از این منظر انسان مخلوقی است که به واسطهٔ تجهیز به زمینه‌های رشد در مسیر کمال، از دیگر مخلوقات متمایز شده است، قوای عقل، نوآوری در بهره‌گیری از آسمان و زمین، توانمندی دسترسی به عرصهٔ شناخت و وصول به اهدافی که خداوند انسان را بدان سبب آفرید، خصوصیتی است که موجب برتری نوع انسان بر سایرین گشت، آیات قرآنی انسان‌ها را به لزوم توجه به منزلت انسانی و مسئولیت‌هایی که برآمده از چنین جایگاهی است، متوجه می‌سازد، توجه به مدارا در روابط میان فردی در اجتماع، از یک سو سبب می‌شود فردگرایی، تفاخر و جمود رخت بریندد و از سوی دیگر سبب تجدید حیات انسان و توانایی‌های او می‌شود و او را مبدل به نیروی کارآمد می‌سازد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان گفت:

- مدارا مفهومی است که به سبب برخوردار بودن از عناصر فکری، رفتاری، عاطفی و اجتماعی در سامان دهی جوامع نوین، کارکردهای متنوعی دارد و رفتار مدارامحورانه، همسویی فکری با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز در اجتماع است.

- یکی از مباحث قابل تأمل در بایسته‌های زندگی اجتماعی، مداراجویی است، این رویکرد عاملی تأثیر گذار در آرامش زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها، اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست و بر تمامی گرایش‌ها و تمایلاتی که در رفتار انسان آگاهانه جلوه پیدا می‌کند، اثرگذار می‌باشد، این مقوله در قرآن کریم نیز به دقت تبیین شده و به‌عنوان یکی از توانایی‌ها و استعداد‌های انسان در کنار عقل زمینه ساز تعاملات اجتماعی است.

- پیامبر ﷺ در جامعهٔ اسلامی، با مسلمانان و غیرمسلمانان رویهٔ مدارامحور داشته‌اند و از این رهگذر ثمرات متنوعی در عرصه‌های رفتاری و عاطفی در راستای نظم بخشی به جامعهٔ اسلامی حاصل شده است.

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، تفسیر التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ، ۱۴۲۰.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴.
۵. جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
۶. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، مقدمه، میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۷. صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۰. فاسی، علال، مقاصد الشریعة الاسلامیه و مکارمها، چاپ ۲، رباط، مطبعة الرساله، ۱۹۷۹.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
۱۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۶.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
15. Galeoti, Anna E. (2001) «Do We Need Toleration as a Moral Virtue», *Respublica*, Vol. 7 (3): 273-292. (2002) *Toleration as Recognition*, Cambridge: Cambridge University Press (
16. Sullivan, J. L. , & Transue, J. E. (1999). The psychological underpinnings of democracy: A selective review on research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital. *Annual Review of Psychology* .

# مهم‌ترین انتظارات اخلاقی و اجتماعی

## در روابط بین همسران از دیدگاه اهل بیت\* علیهم‌السلام

□ علی احمد پناهی<sup>۱</sup>

### چکیده:

سبک همسرمداری مبتنی بر سیره و انتظارات اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان بهترین و اطمینان‌آورترین سبک همسرمداری تلقی نمود. سؤال اساسی این است که مهم‌ترین گُش‌های اخلاقی و ارتباطی قابل انتزاع از سیره و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با سبک همسرمداری کدام است؟ این پژوهش از تحقیقات کیفی است و با روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین انتظارات اخلاقی و اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام در روابط بین همسران، به مؤلفه‌ها و جوانب مختلف همسرمداری پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان داد که انتظارات اهل بیت از همسران و سبک همسرمداری آن بزرگواران متناسب و هماهنگ با اهداف خلقت انسان و در راستای رشد معنوی و مادی بوده است، همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که در شیوه و مدل زندگی اهل بیت، به تمام ابعاد زندگی عنایت شده و رفتارهای آن بزرگواران متناسب با ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و شایستگی‌ها بوده است، ملاحظه تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، نیازهای مادی و معنوی افراد، التزام به حقوق در خانواده، توجه به نیازهای جنسی و عاطفی و لذت‌های حلال از نکات برجسته‌ای است که اهل بیت علیهم‌السلام از همسران انتظار دارند، بهره‌گیری

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳.

۱. هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (apanahi@rihu.ac.ir).

حداکثری از اخلاق اسلامی در ساحت‌های مختلف روابط همسری، داشتن انتظارات قابل وصول از همسر و افزایش آستانه تحمل (صبوری و بردباری) نسبت به کمبودها و کاستی‌ها، از دیگر موضوعاتی است که در سیره و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام جلوه‌گری دارد.

**واژگان کلیدی:** همسررداری، کُنش‌های اخلاقی، نیازها، تفاوت‌های روان‌شناختی، رضایت‌مندی، افزایش پایداری، سیره اهل بیت، همدلی و مدارا

### مقدمه

خانواده از نگاه اسلام و آموزه‌های دینی، نهادی مقدس و محبوب (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۱۰۰)، سازمانی حرکت‌آفرین، ساحل آرامش و سکون (روم: ۲۱)، بستر تربیت و رشد (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۰)، محل سُروَر (همان: ۳۹)، عامل رشد مادی (همان: ۴۴)، عامل طهارت (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵۰/۱۴)، و بهترین بستر تربیت فرزند (سالاری، ۱۳۸۶: ۶۰) است. یکی از عوامل مهم و اساسی برای استحکام این نهاد مقدس و یکی از عوامل تعیین‌کننده برای ایجاد رضایت‌مندی برای همسران در این سازمان همگانی، سبک و کیفیت همسررداری است. سبک زندگی (به خصوص سبک همسررداری) به معنای شیوه‌ای نسبتاً ثابت که هر فرد اهداف خود را از آن طریق دنبال می‌کند و راهی برای رسیدن به اهداف است (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۶)، می‌تواند افراد را در نیل به اهدافشان یاری کند، سبک همسررداری اهل بیت علیهم‌السلام و انتظارات اخلاقی و اجتماعی آنان به دلیل اتصال این بزرگواران به معارف آسمانی (نجم: ۴)، و بهره‌گیری از علوم و آموزه‌های ناب و مصون از خطا، بهترین و مطمئن‌ترین روش و سبک زندگی بوده و تضمین‌کننده کامیابی و سعادت دنیوی و اخروی است (احزاب: ۷۱)، در انتظارات اخلاقی و اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام از همسران، به تمام جوانب مسئله توجه شده و سبک همسررداری آن بزرگواران، متناسب با ظرفیت‌های شناختی، نیازها، اهداف تشکیل خانواده، مبانی انسان‌شناختی و بر مبنای تقوی محوری و اخلاق‌مداری بوده است، با ژرف‌اندیشی در سیره و کلمات ارزشمند اهل بیت می‌توان به این نتیجه رسید که انتظارات اهل بیت علیهم‌السلام همگی در راستای تحقق رضایت از زندگی و پایداری آن و رشد اخلاق و معنویت در

خانواده است، رضایت زناشویی<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین ملاک‌های عملکرد سالم نهاد خانواده بوده و پایداری خانواده را نیز در پی دارد، رضایت زناشویی و همسررداری شایسته‌فرآیندی است که در طول زندگی زوجین به دست می‌آید و لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، رابطه عاطفی و آرامش‌گرانه، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مراوده‌ای بهنجار و تأمین نیازها و انتظارات است (Bahr, Chappell & Leigh, 2007: p.795-803)، همسررداری شایسته و صمیمیت وقتی ایجاد می‌شود که افراد بتوانند افکار و عقاید، امیدها و آرزوها و ترس‌ها و نگرانی‌های خود را با هم در میان بگذارند و احساس فهمیده شدن و پذیرفته شدن کنند، فقدان این مهارت موجب بروز بسیاری از سوء تفاهم‌ها، تنش‌ها، سوء برداشت‌ها، ادراکات ناصحیح، اسنادهای غلط و تعارض‌های بین فردی می‌گردد (هالر، ۱۳۸۳: ۶).

در ارتباطات و تعاملات، علاوه بر تبادل اطلاعات، توقعات، ایده‌ها و اندیشه‌ها، عواطف و احساسات نیز مبادله می‌شود، برقراری ارتباط سازنده و مؤثر با دیگران، برنامه ریزی، مشارکت جویی، همدلی و صمیمیت را در مجموعه‌های انسانی بهبود می‌بخشد و تعارض‌ها را به حداقل می‌رساند و یا از بین می‌برد (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۳۵۲-۳۵۴)، استفاده از مهارت‌های ارتباطی اخلاق محور (از قبیل گویندگی لطیف و اخلاقی و شنونده‌گی مناسب و همراه با دلدادگی) از مهارت‌ها و کُنش‌های اخلاقی است که در آموزه‌های اسلامی و روان‌شناختی مورد تأکید بوده و در شکل‌گیری و استمرار روابط همسری شایسته از اهمیت بالایی برخوردار است، افرادی که توانایی ارتباط سازنده و نیکو با دیگران و به ویژه اعضای خانواده را دارند از رضایتمندی بیشتری برخوردار بوده و موفقیت بیشتری دارند (Juvva&Bhatti, 2006: p.61-73)، التزام به بهره‌گیری حداکثری از کُنش‌های عاطفی-هیجانی، حفظ منزلت و کرامت همسر و ملاحظه هنجارهای اخلاقی در اظهار محبت به همسر، در افزایش محبوبیت و اطمینان بخشی در روابط همسرانه و خانوادگی تأثیر سازنده‌ای دارد، کمیت و کیفیت شناخت همسران از یکدیگر و آگاهی از نقاط مثبت و توانمندی‌های یکدیگر، نقش کلیدی در ابعاد

مختلف زندگی آنها و به خصوص در رضایتمندی زناشویی، پایداری خانواده و احساس کارآمدی خواهد داشت (Miller&Tedder, 2011: p.76). برخورداری از انتظارات صحیح و واقع بینانه از زندگی که متأثر از بصیرت و آگاهی از اهداف زندگی خانوادگی و اهداف خلقت است، در پایداری و استحکام خانواده نقش سازنده‌ای دارد و از عناصر مهم در رضایت زناشویی و تحقق همسررداری شایسته است، آشنایی با سبک‌های ارتباطی مؤثر و اخلاق محور و افزایش آستانه تحمل نسبت به کاستی‌ها و کمبودها از دیگر عناصر مهم در پایداری خانواده و افزایش رضایت زناشویی است (Manfer, 2007: p.97)، آگاهی و شناخت عوامل مؤثر در پایداری خانواده و بهبود همسررداری به تنهایی کافی نیست بلکه باید التزام رفتاری و عملی به این آموزه‌ها داشت و هنجارهای اخلاقی‌را در خانواده جدی تلقی کرد، با مطالعه آموزه‌های دینی روشن می‌شود که اهل بیت علیهم‌السلام انتظارات اخلاقی و اجتماعی چندگانه‌ای از همسران در رابطه با زندگی خانوادگی دارند و این انتظارات در سیره و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام به گونه‌های مختلف بیان شده است، در پژوهش حاضر تلاش شده به مهم‌ترین انتظارات اخلاقی و اجتماعی در روابط بین همسران از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته شود و پیامدهای آن نیز بررسی گردد.

### انتظارات اساسی در سیره و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام

با مطالعه سیره عملی و رفتاری اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین با تتبع در معارف و آموزه‌های الزامی، اخلاقی و ترجیحی (مستحبات) که از ناحیه اهل بیت علیهم‌السلام به انسان‌ها ارائه شده و خود اهل بیت نیز در قدم اول التزام به این آموزه‌ها داشته‌اند، این بهره را می‌توان برد که اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با سبک همسررداری بر چند محور و چند بُعد توجه فرموده‌اند، در این نوشتار سعی شده تا حد امکان به برخی از محورهای پرداخته شود:

#### ۱. توجه به تفاوت‌های زن و مرد

زن و مرد به لحاظ عقلی، عاطفی، جسمانی، مهارت کلامی، ویژگی مراقبتی،

دلسوزی و... (پناهی و جان بزرگی، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۲۰۰)، تفاوت قابل توجهی با یکدیگر دارند و این تفاوت‌ها در واگذاری نقش‌های زنانه و مردانه مورد ملاحظه بوده است.

با توجه به ویژگی‌های خاص زنان و مردان، در کلمات اهل بیت علیهم‌السلام بر لزوم توجه به ظرفیت‌های زن و مرد اشاره شده است، به‌عنوان نمونه حضرت علی علیه‌السلام به دلیل لطافت زنان، افراد را از واگذاری مسئولیت‌های سنگین بر عهده زنان، بر حذر داشته و می‌فرماید: «لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَرْحَى لِبَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۱)، زن را به کارهایی که فراتر از تحمل او است وادار مکن که اینگونه برای رعایت حال و راحتی خیال و دوام زیبایی او بهتر است، زیرا زن گلی خوشبو است و پیش کار نیست.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دلیل شرایط خاص زنان و مردان، کارهای بیرون منزل را به علی علیه‌السلام واگذار کردند و کارهای داخل منزل را به حضرت زهرا واگذار نمودند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۱۵۳)، قرار گرفتن زن و مرد در نقش‌های هم‌تراز با ظرفیت‌های زیستی و روان‌شناختی، از عوامل پایداری و استحکام خانواده است (پناهی، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۵).

## ۲. تأکید بر تعامل و ارتباط نیکو با همسر

افرادی که توانایی ارتباط سازنده، نیکو و اخلاق محور با دیگران و به ویژه اعضای خانواده را دارند از محبوبیت، احساس ارزشمندی بیشتری برخوردارند.

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ وَ يُنْمِي الرِّزْقَ وَ يُنْسِي فِي الْأَجْلِ وَ يُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ»، گفتار نیک ثروت را زیاد کند و روزی را افزون گرداند و مرگ را به تأخیر اندازد و صاحبش را نزد خانواده محبوب نماید و او را داخل بهشت گرداند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲)، حضور صمیمی در جمع اعضای خانواده (ورام ابن ابی فارس، ۱۴۱۰: ۲/۱۲۲)، شاد کردن اعضای خانواده در مناسبت‌های مختلف (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۱۲)، گفت‌وگوی شیرین و گوارا (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۱۸۶)، گفت‌وگوی نرم و لطیف (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۳۹۶)، همگی از عوامل ایجاد صمیمیت و دلدادگی در اعضای خانواده است، چهره گشاده و روی باز، باعث جذب دل‌ها و فزونی محبت می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۱۵ و ۳۲۷)، شادی و نشاط می‌آورد و کینه را از دل‌ها

می‌زداید، تبسم در چهره می‌تواند در برانگیختن احساسات مثبت همسر و اعضای خانواده مؤثر باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۳/۲)، گفت‌وگو در زمان مناسب، اجتناب از صحبت طولانی و خسته‌کننده (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۹)، گفت‌وگو با لحن و ادبیات مناسب، گفت‌وگو درباره موضوعات ارزشمند و مهم و هم‌تراز با منزلت و جایگاه همسر از نکاتی است که باید در تعامل خانوادگی مراعات شود، کنشگری کلامی پسندیده، مستدل، منطقی و همراه با ادب، هم‌تراز با منزلت همسر می‌تواند سهم سازنده‌ای در تقویت پایداری خانواده داشته باشد، این انتظارات در سیره و فرمایشات اهل بیت علیهم‌السلام نمود زیادی دارد، سلام کردن به یکدیگر و رعایت ادب، از مهم‌ترین نمودهای تعامل نیکو است، سلام گونه‌ای اعلام محبت، دوستی و مهر در آغاز گفت‌وگو و هنگام داخل شدن به منزل است، همچنین نوعی اظهار ادب، تکریم و احترام است، در آموزه‌های دینی ضمن تأکید بر سلام کردن در روابط اجتماعی و خانوادگی، آنرا از عوامل گسترش دوستی‌ها و ایجاد محبت در بین افراد، معرفی کرده‌اند.

حضرت علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: زبانت‌را به لطیف‌گویی و سلام کردن عادت بده تا دوستانانت بسیار، و دشمنانت اندک شوند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۵)، آغاز سخن با سلام و تحیت، نوعی اظهار تمایل به ارتباط کلامی و اظهار علاقه است، بی‌گمان، سلام‌کننده از این طریق به دوستی و محبت میان خود و همسرش می‌افزاید و به همین نسبت، زمینه‌های کدورت و دشمنی‌را برطرف می‌سازد، هرقدر که سلام رساتر، خالصانه‌تر و از احترام و تکریم سرشارتر باشد، اثرش در جذب دیگران، به‌ویژه همسر، قوی‌تر و پایدارتر خواهد بود و بر فرزندان نیز آثار تربیتی و الگویی خواهد داشت. آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید:

سلام، تحیت بزرگ اسلامی است، تا آنجا که می‌دانیم تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می‌رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است که رمز تحیت می‌باشد، در اسلام نیز «سلام» یکی از روشن‌ترین تحیت‌ها است و در آیه ۶۱ سوره نور به این امر اشاره شده و می‌فرماید: هنگامی که وارد خانه‌ای شدید بر یکدیگر تحیت الهی بفرستید، تحیتی پر برکت و پاکیزه، در این آیه سلام به‌عنوان تحیت الهی که هم مبارک است و هم پاکیزه معرفی شده است به همین جهت سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و



ترک مخاصمه و جنگ محسوب می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۳/۴).

پیامبر گرامی ﷺ توصیه فرموده هنگامی که مرد بر خانواده اش برخورد می‌کند، به آنان سلام کند و هنگام ورود با صدای کفش و یا سرفه کردن، خانواده اش را از آمدن خود با خبر کند، تا اینکه چیزی نبیند که او را ناخوش آید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲/۷۶).

رعایت ادب در تعامل با همسر از نیکوترین و بارزترین مصداق احترام و تکریم به همسر است، ادب، نشانه خردمندی (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۷۶ و ۳۷۲). و بهترین هدیه به اعضای خانواده است، آراستگی به ادب نشانه بلوغ عقلی، رشد فکری، اصالت خانوادگی، سلامت روحی و... است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۷-۲۴۹). نقش ادب همانند نقش محافظ است که بسیاری از آفت‌ها را می‌زداید و آنها را از آسیب مصون می‌دارد و به رشد معنوی انسان کمک می‌کند، به کارگیری الفاظ نامناسب یا رکیک، و رعایت نکردن عفت کلام، افزون بر اینکه از مراتب معنوی انسان می‌کاهد، سبب از میان رفتن صمیمیت و محبت در میان همسران می‌شود و آنان را در برابر یکدیگر جسورتر می‌کند.

افرادی که توانایی ارتباط سازنده، نیکو و اخلاق محور با دیگران دارند از رضایتمندی بیشتری برخوردار بوده و موفقیت بیشتری دارند (Juvva&Bhatti,2006: p.61-73)، کمیت و کیفیت تعامل همسران با یکدیگر و آگاهی آنان از نقاط مثبت و توانمندی‌های یکدیگر، نقش کلیدی در ابعاد مختلف زندگی آنها و به خصوص در رضایتمندی زناشویی، پایداری خانواده و احساس کارآمدی خواهد داشت (Miller and Tedder2011: p.87)، یکی از ابزارهای تعامل همسران با یکدیگر ارتباط کلامی<sup>۱</sup> و غیر کلامی<sup>۲</sup> است، در ارتباط کلامی از گفت‌وگو بهره گرفته می‌شود و در ارتباط غیر کلامی از کُنش‌های غیر کلامی استفاده می‌گردد، مهم‌ترین و در عین حال ساده‌ترین نوع برقراری ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ارتباط کلامی است، هر واژه دارای بار شناختی و عاطفی است و تأثیرات پایداری بر شنونده بر جای می‌گذارد، یک ارتباط کلامی موفق، رابطه‌ای است که بر رشد و شادابی زندگی بیفزاید.

1. verbal communication  
2. nonverbal communication

در میان ارتباطات موجود در خانواده، ارتباط کلامی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است و با استحکام خانواده رابطه مستقیم دارد، همسران نیاز به ارتباط کلامی با هم دارند؛ زیرا علاوه بر ابراز نیازها، با تفهیم و تفاهم، به رشد عاطفی و اجتماعی هم کمک می‌کنند، در مطالعه اولسون و اولسون روشن شد که زوج‌های خرسند ۶ برابر (۹۰٪) بیش از زوج‌های ناخرسند (۱۵٪) از نحوه گفت‌وگو با یکدیگر خشنودند (اولسون و اولسون، ۱۳۹۱: ۴۷).

### ۳. پشتیبانی مادی و روان‌شناختی از همسر

همراهی با همسر در اداره خانواده از مسایل ضروری در روابط خانوادگی است، هر کدام از همسران باید در نقش و موقعیتی که برانزده است، ایفای نقش کنند و هرگز نباید فشار زندگی بر دوش یک نفر باشد، فعالیت و همکاری زنان در عرصه‌های مختلف و به ویژه در خانه داری و همسر داری، علاوه بر اجر معنوی که به آن مرتب است و شایسته یک زن مسلمان و باعفت است، به مثابه یگان‌های تدارکاتی و پشتیبانی در واحدهای نظامی است، زن با فراهم آوردن بستر آسایش و راحتی شوهر، گرمابخشی به خانه و همچنین همکاری در مدیریت امور زندگی، نقش ارزنده‌ای در موفقیت شوهر و فرزندان دارد، معمولاً در کنار هر مرد موفق، یک زن فداکار و همراه وجود داشته که همسر خویش را در فراز و نشیب‌های زندگی یاری و حمایت نموده است، زن می‌تواند زندگی را بهشت روی زمین گرداند، زن با اخلاق، اهل مدارا، کدبانو، همدل و خوش زبان می‌تواند زندگی را صفا بخشیده و کمبودهای مادی و مشکلات خانوادگی را با رفتار شایسته خویش، مدیریت کند، در گزاره‌های اسلامی به برخی نمودهای حمایت و پشتیبانی از همسر و به ویژه از مرد به گونه‌های مختلف اشاره شده است، همکاری با شوهر (نوری، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۱۴)، محبت و عشق به شوهر (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۴/۱۰۰)، دوری از لجاجت (همان: ۱۶۲)، تلاش در جلب رضایت شوهر و پرهیز از بی‌مهری (همان)، و التزام به وفاداری به همسر، از آن جمله است، رعایت حدود الهی و پاکدامنی در تعاملات اجتماعی و روابط فردی (همان)، پرهیز از ناسپاسی (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۴۰/۳) و تأمین امنیت روانی و جسمانی شوهر (نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۱۴) از دیگر مواردی است که

زن می‌تواند برای شوهر انجام دهد، التزام به خوش لباسی و زینت، قدردانی از همسر در امور مختلف (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۸/۵ و ۳۲۵). و انیس یکدیگر بودن (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۷۱). نیز از نکاتی است که در آموزه‌های دینی از همسران انتظار می‌رود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: هر زنی که در حج، جهاد و طلب دانش به شوهرش کمک کند، خداوند آن پاداشی را که به همسر حضرت ایوب داده است به او می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)، امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: زنی که به شوهرش لیوان آبی بدهد، برای او بهتر از عبادت یک سال است که روزهایش روزه باشد (روزه مستحبی) و شب‌هایش عبادت کند، خداوند به جای هر لیوانی که به شوهرش داده، شهری در بهشت برایش می‌سازد و شصت گناهش را می‌آمرزد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۲/۲۰)، البته مراد از لیوان آب در این روایت نماد خدمت به شوهر و همکاری در امور منزل با شوهر است و هدف از آن تبیین جایگاه خدمت به شوهر است.

#### ۴. پرهیز از ایجاد تنش روان‌شناختی در خانواده

رعایت حدود همسر و آزار نرساندن به او (چه آزار جسمی و چه زبانی) از وظایف اخلاقی دوطرفه است و همسران می‌باید آن‌را رعایت نموده و ملتزم باشند، همسران باید از هر گونه کُنشی که رنجش خاطر همسر را فراهم می‌کند، پرهیزند، همسران باید زبان خود را کنترل کرده و از زخم زبان، طعنه، کنایه زدن و هر عملی که به نوعی تخریب کننده عواطف و شخصیت همسر است، اجتناب ورزند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: بدا به حال زنی که شوهرش را عصبانی کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۵/۱۰۰)، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان شما، آن زنی است که اگر شوهرش خشمگین شود به او (شوهر) بگوید: دستم در دست توست و اختیار من به دست توست، خواب نخواهم رفت تا از من راضی شوی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۹/۲۰)، امام صادق علیه السلام درباره عواقب بدزبانی همسر فرمودند: سه چیز زندگی را تیره و تار می‌گرداند، حاکم ستمگر، همسایه بد و زن بددهن و فحاش (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۴/۷۵).

از سوی دیگر مرد نیز وظیفه دارد از ناسزاگویی، نیش زدن و هر کاری که آزار و

اذیت حساب می‌شود پرهیز کند و همچنین حق ندارد همسر خود را تنبیه بدنی کند و او را بزند، تنبیه بدنی همسر، عواطف موجود در میان همسران را ضایع می‌کند و نفرت و بدبینی ایجاد می‌کند؛ همچنین دلبستگی زن به زندگی را کم‌رنگ کرده و باعث ایجاد عقده‌روانی می‌شود و به مرور زمان از چنین مردی (مردی که پرخاشگری کلامی و فیزیکی دارد) نفرت عاطفی پیدا می‌کند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره آثار تنبیه زن می‌فرمایند: هر کس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به مالک (آتشبان جهنم) جهنم دستور می‌دهد تا هفتاد سیلی به صورت او بزند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۵۰)، همچنین فرمودند: کسی که همسر خود را بدون دلیل بزند، در روز قیامت، من دشمن او خواهم بود زاناتان را نزنید، کسی که زنش را بدون دلیل بزند، خدا و رسولش را عصیان کرده است (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۷۵)، خوش خلقی و تحمل اخلاق همسر و بهره‌گیری از واژه‌های زیبا و تعاملات همسری، باعث ایجاد محبت بیشتر و تقویت و تثبیت، علاقه‌مندی‌ها می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۴).

همچنین، خوش خلقی باعث گوارایی (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۲۴۴)، و جذابیت زندگی می‌گردد، برای ایجاد خوش خلقی در همسر، می‌توان از گوش دادن همراه با عواطف، سخاوتمندی، شوخ‌طبعی، تقویت مثبت و تنوع تقویت‌کننده‌ها، بهره برد.

## ۵. همسر داری و خانه‌داری نیکو

درسیره و سخنان اهل بیت علیهم السلام و به ویژه در سخنان نبی مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله جایگاه همسری و خانه‌داری زن مورد توجه جدی بوده و به رفتارهای مورد انتظار از زن در ایفای نقش همسری، پاداشی هم‌تراز و معادل جهاد در راه خدا تعیین شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۵)، همچنین در کلمات اهل بیت علیهم السلام لقب بهترین زنان به کسانی که شوهر داری و خانه‌داری نیکو دارند (سیوطی، ۱۴۱۴: ۲/۵۱۴ و ۵۱۸)، نسبت به شوهر و فرزندان خود مهربان هستند و در مقابل شوهر مطیع‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۲۶)، عقیف و پاکدامن هستند (همان: ۵۲۳-۵۲۴)، داده شده است، در کلمات اهل بیت علیهم السلام، از شوهر داری و خانه‌داری نیکو به‌عنوان یکی از عوامل بستر ساز برای ورود به بهشت یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۵۵)، انتظار اهل بیت علیهم السلام از زنان این است که از همسر

خود تمکین نمایند و در منابع روایی به طور واضح و صریح بر اطاعت جنسی از شوهر (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۸/۲۰، ۱۶۵-۱۷۶)، و لزوم احراز رضایت شوهر برای خروج از منزل (به استثناء موارد خاص مثل حج واجب و یادگیری مسایل شرعی واجب) (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۸/۲۰ و ۱۱۶/۲۱)، تأکید شده است.

عدم تصرف در اموال شوهر مگر با اجازه او (حتی برای صدقه) و لزوم احراز رضایت شوهر برای روزه مستحبی (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۹/۲۰ و ۱۵۸)، از دیگر مصادیق تمکین است که خانم‌ها وظیفه دارند به آن ملتزم باشند، زن می‌باید در هر حال در اختیار شوهر باشد و نباید کاری کند که امکان بهره جنسی از او ممکن نشود، همان‌طور که اموال شوهر در دست زن امانت است و زن حق ندارد بدون اجازه شوهر در آن تصرف کند، تمام زندگی شوهر و فرزندان، ناموس، آبرو و جایگاه اجتماعی او نیز امانت است، همسران مؤمن و آراسته به ارزش‌های اسلامی، برای یکدیگر زیبایی و آرامش و آبرو و منزلت به ارمغان می‌آورند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هیچ سودی بهتر از این نیست که انسان دارای همسری خوب و شایسته و باایمان باشد که هرگاه او را می‌بیند، خشنودش سازد و هر وقت از او جدا می‌شود، حافظ و نگهبان اموال و ناموس شوهر باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۱۰۰)، قرآن کریم ضمن اینکه زن را حافظ آبرو و اسرار (نساء: ۳۴)، مرد معرفی نموده است، در یک تشبیه زیبا زن و مرد را به لباس تشبیه نموده است (بقره: ۱۸۷)، همان‌طور که لباس از عوامل ایجاد گرمی، زینت و حفظ عیوب ظاهری است، زن نیز باید چنین باشد، زن و شوهر همچنین می‌باید محرم اسرار یکدیگر باشند و همانند همدمی امین، مطمئن و دلسوز، عیوب یکدیگر را پپوشانند و از آبروی یکدیگر صیانت کنند، قهر کردن نیز صفت ناپسندی است که برخی از زنان و حتی ممکن است برخی از مردان به آن مبتلا شده باشند، این ویژگی از صفات غیر انسانی و غیر اخلاقی است که آثار شومی بر روابط خانوادگی می‌گذارد و باعث کدورت و نابسامانی می‌گردد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر زنی که با شوهرش قهر کند در حالی که خودش مقصر بوده است، در روز قیامت با فرعون، هامان و قارون در پایین‌ترین جایگاه آتش محشور می‌شود، مگر اینکه توبه کند و (نزد شوهرش) برگردد (طبرسی، ۱۳۷۶: ۲۰۲)، فعالیت در منزل علاوه بر

اجر معنوی، مورد تأکید آموزه‌های اسلامی نیز بوده و از عوامل مصونیت زنان است (پناهی، ۱۳۹۷: ۴۰-۸۰)، زن با فراهم آوردن بستر آسایش و راحتی شوهر، تربیت فرزندان، گرمابخشی به خانه و همچنین همکاری در مدیریت امور زندگی، نقش ارزنده‌ای در موفقیت شوهر و فرزندان دارد، پرهیز از ناسپاسی از خدمات شوهر (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۴۰/۳)، تأمین امنیت روانی و جسمانی شوهر (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۵۴)، التزام به خوش لباسی و زینت، قدردانی از شوهر و یاری شوهر در امور مختلف (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۸/۵ و ۳۲۵: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۲/۲۰)، ایفای نقش دل‌آرام بودن، راحت‌بخش بودن و انیس بودن برای شوهر (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۷۱)، نیز از نکاتی است که در آموزه‌های دینی از زنان انتظار می‌رود، رعایت نظافت ظاهری، اظهار علاقه به شوهر و چشم‌پوشی از خطاهای شوهر، از مسائل مورد تأکید در متون دینی است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۲۳)، و تأکید بر داشتن انتظارات معتدل و قابل استیفا یکی دیگر از عواملی که نقش مهمی بر رضایت زناشویی<sup>۱</sup> زوجین و پایداری خانواده دارد، انتظارات زناشویی<sup>۲</sup> بهنجار و واقع بینانه زوجین است (Rios, 2010: p.155-188)، انتظارات زناشویی عبارت است از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی، چارچوب‌هایی از پیش تعیین شده و باید و نبایدهایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد و یا نباشد (خمسه، ۱۳۸۲)، انتظارات یکی از مؤلفه‌های پدیده شناختی است و مؤلفه‌های پدیده شناختی عبارتند از: انتظارات، ادراکات، اسناد، استانداردها و فرضیات که با تحریف در آن (نادرست و افراطی شدن)، در روابط زناشویی و پایداری خانواده اختلال و آشفتگی ایجاد می‌شود (Sharp & Ganong, 2004: p.71-79)، آشنایی با سبک‌های ارتباطی مؤثر و اخلاق محور و داشتن انتظارات واقع بینانه از عناصر مهم در پایداری خانواده و افزایش رضایت زناشویی است، در شناخت درمانگری تلاش می‌شود انتظارات و ادراکات و نوع اسنادهای افراد اصلاح شود انتظارات واقع بینانه و معتدل باعث می‌شود که افراد در مواجهه با موقعیت‌ها و افراد جدید، وقایع را درک، پیش بینی و کنترل نمایند، اما اکثر افراد انتظارات غیر واقع بینانه‌ای نسبت به زندگی زناشویی

1. Marital Satisfaction

2. Marital expectation

دارند و معمولاً با چالش‌های جدی مواجه می‌گردند، افرادی که انتظارات غیر واقعی دارند توقع دارند که همسرشان تمام خلاءهای آنها را در فرایند ازدواج و تشکیل خانواده پُرکند، تحقیقات نشان داده‌اند که عقاید غیر واقعی<sup>۱</sup> دربارهٔ ازدواج و ارتباطات زناشویی می‌تواند منجر به کاهش رضایت زناشویی شود، مطالعات نشان می‌دهد بسیاری از زنان در مورد ازدواجشان رؤیاپردازی می‌کنند و به همین دلیل آنها متوجه نمی‌شوند که بسیاری از انتظاراتشان نامناسب است و همین امر منجر به عدم رضایت آنان از همسرشان می‌شود (Crawford, 2004: p.105)، اغلب افراد انتظاراتی از زندگی دارند که این انتظارات گاهی مبهم، گاهی غیر واقعی، گاهی ابراز نشده و گاهی توأم با سوء برداشت است و همهٔ اینها به نوعی در ناسازگاری‌ها تأثیر گذار است، انتظاراتی که به طور معمول از نهاد ازدواج وجود دارد و به‌جا و منطقی نیز می‌باشد عبارتند از کمک به رشد فردی، برقراری آرامش، ایجاد اعتماد متقابل، ایجاد امنیت روانی برای یکدیگر، صداقت، وفاداری، اخلاق محوری، مشارکت در رشد اجتماعی، نیل به رشد معنوی و اخلاقی و پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی (Miller and Tedder 2011: p.87)، انتظارات صحیح، موجب می‌شود تا افراد نیازهای شریک زندگی خود را به درستی ارزیابی کرده، رفتارهای آنها را پیش‌بینی کنند و تعاملی صحیح و متناسب با همسر خود داشته باشند، انتظارات صحیح باعث کُنش‌های رفتاری هم‌تراز و متناسب با شریک زندگی می‌گردد و روابط همسرانه را بهبود می‌بخشد. یافته‌های پژوهشی شایسته، صاحبی و علیپور (۱۳۸۵)، نشان داد که رضایت زناشویی و متغیرهای شناختی همچون انتظارات غیر منطقی زوجین با یکدیگر همبستگی دارد. سفیری و هادیان (۱۳۸۸)، دریافتند که بین تحقق انتظارات زنان متأهل از همسران خود با رضایت زناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد و تحقق انتظارات زنان قادر است تا ۵۳ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کند.

## ۶. بهره‌گیری حداکثری از کُنش‌های عاطفی-هیجانی

خود ابرازگری، به‌عنوان مؤلفهٔ مهم صمیمیت، شامل بیان احساسات، نگرش‌ها و

تجارب صمیمانه خود به شریک زندگی بوده و به اعتماد دوجانبه و ایمنی بخش در روابط زناشویی منجر می‌شود و به پایداری خانواده کمک می‌کند، اظهار عشق و علاقه به همسر و قدردانی و سپاس‌گزاری از همسر از آموزه‌های اخلاقی دوجانبه است که معمولاً همراه با هیجان مثبت است، سپاس‌گزاری بازتاب عاطفی محبت و خوش‌اخلاقی در روان آدمی است، هر انسانی دوست دارد که از نیکی، محبت و فداکاری دیگران قدردانی کند و همچنین دوست دارد که از او قدردانی کنند، قدر دانی از محبت و زحمات دیگران به صورت عام و خاص (ویژه روابط همسران)، در آموزه‌های دینی و روان‌شناختی مورد تأکید است. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: هرکس از فردی که به او خوبی کرده است تشکر نکند، شکر خدای عز و جل را به جای نیآورده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۶۸)، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: بهترین زنان شما زنی است که اگر به او چیزی دهند [و یا به او خدمتی کنند] سپاس می‌گویند و اگر از او بازگیرند، راضی و خشنود می‌شود (همان، ۲۳۹/۱۰۰)، اگرچه در آموزه‌های دینی بیشترین تأکید بر قدردانی از شوهر و زحمات اوست<sup>۱</sup>، روایات عامی که دربارهٔ قدردانی است، شامل قدردانی و سپاس‌گزاری از زن نیز می‌شود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه قدردانی هریک از همسران از دیگری و تحسین وی، بنا بر قانون تقویت در شرطی‌سازی کنشگر<sup>۲</sup>، آنان را در انجام دادن کارهای خانه یا بیرون خانه دل‌گرم‌تر می‌کند، این تأثیر در زنان، که عاطفی‌تر و مهربان‌ترند، بیشتر خواهد بود و نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد گرمی و صمیمیت میان آنان دارد، قدردانی از زحمات همسر (چه در وظایف الزامی و چه در وظایف غیرالزامی) عاملی مهم در پیوند عاطفی بیشتر همسران و عنصری تعیین‌کننده در دل‌بستگی و علاقه‌مندی میان آنان است. براساس تحقیقی در این زمینه، ۸۷ درصد همسران گفته‌اند که توقع دارند در برابر زحمات خود (مانند آشپزی، بچه‌داری، تدریس، تحصیل، کارمندی، خرید منزل و مسافرت بردن) قدردانی ببینند (ملکی، ۱۳۸۵: ۲۶)، کارل راجرز<sup>۳</sup> یکی از روان‌شناسان غربی، در این باره می‌گوید: انسان نیاز دارد به

۱. شاید بدین دلیل که شوهر در زندگی نقش بیشتری داد و وظایف بیشتری بر دوش دارد.

2. Operant conditioning

3. Carl Rogers



اینکه دیگران برای او قدر و منزلت قائل باشند و او را قدر بدانند، اهمیتی که شخص به این موضوع می‌دهد در کنش‌های درونی و جنبه‌های تحریکی ارگانیزم و در رفتار او اثر بسیار می‌گذارد، ازسوی دیگر، نیاز به قدردانی دیگران و قدردانی خویشتن، در رفتار و کردار آدمی مؤثر است (همان)، جان‌گری، دربارهٔ قدردانی زن از مرد، می‌گوید: هرگاه زن از مرد قدردانی می‌کند، مرد بابت آن قدردانی به زن امتیاز می‌دهد؛ زیرا حس می‌کند که زن دوستش دارد، مردان برای امتیاز دادن به زن لزوماً نمی‌خواهند زن برای آنها کاری انجام دهد، بلکه فقط می‌خواهند دوستشان بدارد و قدردانشان باشد، ازاین‌رو، زنان باید از مردان قدردانی کنند؛ وگرنه ایفای وظایف مردان بی‌اهمیت می‌شود (گری، ۱۳۷۶: ۱۷۹)، در این صورت، هر دو زیان می‌بینند و خانواده به سردی می‌گراید.

سپاس‌گزاری زوجین از اصول روابط مؤثر است (برنشتاین، ۱۳۸۰: ۱۶۱)، از صفات مناسب زنان سپاس‌گزاری از همسر است (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۵۲/۱ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۹/۱۰۰)، ناسپاسی زن در گفتار، پیامدهای نامطلوبی برای خانواده و خود او دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۴۰/۳)، از صفات مؤثر مرد، تشکر از همسر خویش است که باعث تشویق زن و افزایش صمیمیت بین آنها می‌شود، توجه مرد به فعالیت‌های زن در خانه و ارزش اقتصادی و اخلاقی آن، باعث همدلی او با همسر و برانگیخته شدن او به سپاس‌گزاری از همسر می‌شود.

مطالعات نشان داده که خودابرازگری و اظهار علاقه به همسر، رابطهٔ مثبتی با رضایت زناشویی دارد و عدم بهره‌مندی از خودابرازگری از عوامل ایجاد مشکلات زناشویی است. مطالعات همچنین نشان داده که زوجین دارای تعارضات زناشویی، از مهارت‌های ارتباطی صحیح و خودابرازگری عاطفی کمتر بهره‌گرفته‌اند، مطالعات پژوهش‌گران نشان می‌دهد که مدل ارتباطی بین همسران و برخورداری آنان از ابراز هیجانی-عاطفی و ابراز احساسات عاطفی نسبت به همسر، پیش‌بینی‌کنندهٔ مناسبی برای رضایت آنها از رابطهٔ زناشویی است (McDaniel, Lopez, & Holmes, 2011: p.54-87)، در مطالعهٔ ایوب و اقبال<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) ابراز احساسات مثبت نسبت به هم‌دیگر، درک

متقابل و رضایت جنسی از مؤلفه‌های مهم رضایت زناشویی در مردان و عوامل یاد شده به استثنای رضایت جنسی از عوامل رضایت زناشویی در زنان نیز هست. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که کیفیت زناشویی مردان و زنان بیش از اینکه در نوع آن متفاوت باشد، در میزان آن متفاوت است، با این حال رضایت زناشویی زنان زمانی بیشتر بوده که همراهی مردان با آنها و گذران اوقاتی با فرزندان و تعامل عاطفی همسران در زندگی زناشویی مشهود بود، اکثر زنان همواره بیش از آنکه مجذوب امکانات باشند، مجذوب افراد هستند، آنها عاشق روابط مستحکم و دراز مدت هستند، برای زنان، آرمان زناشویی، یعنی یک مرد و یک زن، که از نظر جسمی و روحی به یکدیگر وابسته، در خوب و بد روزگار با یکدیگر شریک، موجب آسایش یکدیگر و در تعامل مداوم باهم قرار داشته باشند، این چشم‌انداز شامل رابطه جنسی عاشقانه و از سر تعهد همراه با داشتن فرزند و همراه خانواده بودن، است (پناهی، ۱۳۹۷: ۴۹)، کاسلو و دیگران (۱۹۹۴)، معتقدند: زن و شوهرهایی که حس تعلق و وابستگی شدید به هم دارند (به نقل از جلیلی، ۱۳۷۵: ۳۸)، از میزان رضایت‌مندی زناشویی بالایی برخوردار می‌باشند، سرمایه‌گذاری عاطفی زیاد، خودابرازگری هیجانی-عاطفی، تقاضای نیازهای خویش به نحو صحیح و واضح، سپاس‌گزاری از یکدیگر (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۴۴-۱۴۷)، اظهار محبت، هیجان مثبت به هم‌دیگر، صمیمیت، مثبت‌گرایی (Miller&Tedder 2011: p.87)، از عوامل مهم رضایت زناشویی و سازگاری خانوادگی است، در گزاره‌های دینی به گونه‌های مختلف (تلویحی و تصریحی) به ابراز هیجان و عواطف مثبت در راستای ایجاد صمیمیت و دل‌بستگی عاطفی سفارش شده است، انتظارات قرآن کریم و اهل بیت در این زمینه در غالب حسن معاشرت با زنان (نساء: ۱۹)، اظهار علاقه و محبت به همسر (حراملی، ۱۴۰۹: ۲۳/۲۰)، تشکر و قدردانی از خدمات همسر (زن و مرد) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۶۸)، و غیره بیان شده است.

زنان به دلیل ظرفیت عاطفی ویژه (Barrett & Bliss, 2009: p.649-658)، توانایی خاص در بروز هیجانات عاطفی و استمرار آن (Robbins&Judge, 2015: p.107)، هم‌نیاز به محبت بیشتری دارند و هم در ابراز هیجانات مثبت از مردان قوی‌ترند، زنان، نیاز بیشتری به حمایت‌گری و ابرازگری عاطفی از ناحیه همسر و اعضای خانواده دارند

(پناهی، ۱۳۹۷: ۱۵۰)، چه بسا برخی از افراد به دلیل حجم بالای اشتغالات ذهنی و حرفه‌ای، اهمیت لازم را به خودابرازگری عاطفی و هیجانی ندهند و آن را ضروری ندانند، این در حالی است که همسران در هر شرایطی نیازمند دریافت پیام‌های عاطفی و مثبت از ناحیه همسر خویش هستند، این نیاز در عصر حاضر به دلیل گسترش فضای مجازی و تغییر تعاملات انسانی بیشتر است، عدم تأمین نیازهای عاطفی همسران از ناحیه یکدیگر، ممکن است زمینه ساز کجروی‌های اخلاقی و اجتماعی بشود.

### ۷. استقبال صمیمی از همسر و مشایعت او

استقبال از همسر به ویژه از شوهر به هنگام وارد شدن به منزل یا بدرقه او به هنگام بیرون رفتن نشانه علاقه‌مندی و صمیمیت میان زن و شوهر است، این رفتار زن، افزون بر اینکه اجر معنوی دارد، سبب افزایش مهر و محبت میان آنان می‌شود، زن با این کار نشان می‌دهد که از نبود شوهر دل‌تنگ، و از آمدنش شادمان می‌شود، از این رو، تا آخرین لحظه جدایی (هنگام خروج از منزل) با اوست و در اولین لحظه ورود نیز به دیدارش می‌شتابد و از او به گرمی استقبال می‌کند، این رفتار سبب جذب مرد به خانه و مصون ماندن وی از آسیب‌های اخلاقی می‌شود، توجه و اهمیت دادن به حضور همسر در منزل و اظهار شادمانی به هنگام ورود شوهر به خانه و اهمیت دادن به شخصیت و جایگاه او، به ویژه در حضور فرزندان و میهمانان، این تصور را در شوهر پدید می‌آورد که در منزل و میان اهل خانه عزیز و محبوب است، بنابراین، وقتی در کنار خانواده است، احساس رضایت درونی می‌کند و خستگی کار از تن می‌زداید و روز بعد با انرژی و امید بسیار به سر کار می‌رود، رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: حق مرد بر زن آن است که چراغ خانه را روشن کند (حفظ منزل کند)، غذا را آماده سازد و هنگام ورود مرد به خانه، تا جلوی در به استقبال او برود و به وی خوشامد گوید (نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۱۴).

جان گری، یکی از روان‌شناسان غربی می‌نویسد: اینکه همسران در شبانه‌روز دست کم چهار بار یکدیگر را در آغوش بگیرند و به هم اظهار محبت کنند، به ویژه به هنگام ورود همسر به خانه، بسیار در روابط آنان مؤثر خواهد بود (جان گری، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

## ۸. راست گویی و صداقت با همسر

راست گویی و صداقت گل سرسبد و شاه کلید اخلاق است، دروغ، سرچشمه اکثر ناهنجاری‌های اخلاقی است، صداقت زمینه‌ساز اعتماد در روابط اجتماعی از جمله زندگی زناشویی است، مراد از صداقت، گفتاری است که فرد در آن انگیزه و قصدی مغایر با محتوای کلامش نداشته و گفته‌اش مطابق واقع باشد، عدم صداقت زن یا مرد فضای خانواده را به بی‌اعتمادی و بدبینی می‌کشاند و زمینه اختلاف را برمی‌انگیزد، راست گویی زن و شوهر زمینه اعتماد متقابل، رابطه دوستی و عزت نفس هر دو را فراهم می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۹)، پیامبر ﷺ توصیه می‌کند که به خانواده خود دروغ نگویند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۴/۶۹). همسران باید سعی کنند به شوخی هم دروغ نگویند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۰/۲)، زیرا با دروغ و تردیدافکنی، پایه‌های اعتماد در خانواده فرو می‌ریزد و زمینه همدلی و توافق از بین می‌رود، زیبایی زندگی زناشویی مشروط به گفتار درست و نیک رفتاری است (هندی، ۱۴۰۹: ۳۴۴/۳).

## ۹. افزایش آستانه و مدارا با همسر

مدارا به معنای مهربانی کردن، نرمی نمودن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۸۱۲)، شفقت و ملایمت نشان دادن، مماشات و سلوک نیکو (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۹/۲۳۷)، از آموزه‌های اخلاقی دین اسلام، و حتی از دستورهای اخلاقی دیگر ادیان است، این دستور اخلاقی، در زندگی اجتماعی به‌طور عام و در نهاد خانواده به‌طور خاص، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که بدون رعایت آن بسیاری از امور جامعه و خانواده به سامان نمی‌رسد، اگر شخصی در مسائل اجتماعی، خانوادگی و همسررداری نتواند با ملاحظت، نرمی و مماشات رفتار کند، با شکست روبه‌رو، و در اداره زندگی ناتوان خواهد شد، این نکته کلیدی می‌تواند در حال برانگیختگی برای زنان تأثیرگذار باشد که هیچ عمل معنوی زن نزد خدا سودمندتر از کسب رضایت شوهر و مدارا با او نیست (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۲۰/۲۲۲)، در گزاره‌های اسلامی به مردان توصیه شده در هر شرایطی از جمله تعارض‌ها با همسر مدارا کنند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۳۹۲)، مدارا شامل آرامش بدنی و کلامی، چشم‌پوشی و گذشت است، راه آرام شدن زن و آماده شدن او برای انجام

رفتار مناسب از جمله گفت‌وگوی مطلوب، مدارا با اوست (همان: ۵۵۴/۳)، پیامبر ﷺ فرمود: هر کس با اخلاق بد همسر خود بسازد (با او مدارا کند) خداوند در آخرت پاداش شاگردان به او می‌دهد (همان: ۱۶/۴)، امام صادق علیه السلام در یک حدیث کاربردی و زیبا، سه راهکار اساسی در رابطه با تعامل بهنجار و تأثیرگذار و استحکام‌بخش در روابط همسری بیان فرموده‌اند که مهمترین آن مدارا و سازگاری با همسر است، حضرت در این باره می‌فرمایند: مرد باید در ارتباط با زن و همسر خود حتما این سه خصوصیت را داشته باشد:

۱. موافقت و خوش اخلاقی با همسر که موجب جلب توافق همسر نیز می‌شود و محبت و علاقه او را تحکیم می‌کند.
۲. قیافه و ظاهر آراسته داشته باشد که موجب تمایل بیشتر همسرش گردد.
۳. وسعت به او ببخشد (در خورد و خوراک و پوشاک)، و هر زنی باید میان خود و شوهری که با او توافق دارد سه خصوصیت داشته باشد:
  ۱. از هر پلیدی خود را نگه دارد تا شوهرش در حال خوشی و ناخوشی به او اطمینان پیدا کند.
  ۲. نگهداری و مراقبت از شوهر (پیوسته نیازمندی‌های شوهر را متوجه باشد و در رفع آنها بکوشد)، که این خود موجب محبت و علاقه شوهر می‌شود و از لغزش همسرش اگر پیش آید چشم پوشی می‌کند.
  ۳. اظهار عشق نسبت به او با سخنان محبت‌انگیز، و خود را برای شوهر با شکل و قیافه‌ای بیاراید که جلب توجه او کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۲۳)، پیامبر گرامی اسلام ﷺ مدارا و نرم‌خویی با مردم را نیمی از ایمان و زندگی (حیات و تحرک و سرزندگی)، تلقی فرموده و مدارا را از عوامل کمال در امور زندگی می‌دانند (حرعاملی، ۲۰۱۰-۲۰۰۰/۱۴۰۹۱۲)، امام باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرمایند: در مناجات میان خدا و موسی علیه السلام در تورات چنین آمده است: ای موسی، اسرار را در درون خود حفظ کن و در ظاهر با دشمنان من و دشمنان خودت از میان مردم مدارا کن (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۲۰۰)، التزام به مدارا در همسررداری، به‌ویژه با زن، اهمیتی دوچندان دارد و اگر این دستور اخلاقی رعایت نشود، چه‌بسا زندگی مشترک با

آسیب و تلخ کامی روبرو گردد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: همیشه و در همه حال با همسرت (زنت) مدارا کن و با او به نیکی معاشرت نما تا زندگی ات باصفا و فرح زا شود (طبرسی، ۱۳۷۶: ۲۱۸)، لقمان حکیم علیه السلام در فرازی از سخنان خود می فرماید:

سه دسته اند که باید با آنان مدارا کرد:

حاکم چیره و مسلط، زن و بیمار (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۲۳۷/۹)، امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر زنی با شوهر خود مدارا نکند و او را به تهیه و خریدن چیزی مجبور کند که توان آن را ندارد، خداوند هیچ کار خوبی را از او نمی پذیرد و روز قیامت بر او غضب خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۴/۱۰۰)، امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: خداوند عز و جلّ جهاد را هم بر مردان و هم بر زنان واجب ساخته، اما جهاد مرد بذل مال و جانش تا حدّ کشته شدن در راه خداست، ولی جهاد زن شکیبائی در برابر ناملایماتی است که از ناحیه همسر خویش می بیند و بردباری و مدارا می کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۳۹/۳).

آستانه تحمل<sup>۱</sup> بالا و سعه صدر نیز یکی از مؤلفه های مهم در ارتباطات بین فردی و خانوادگی است، آستانه تحمل یعنی ظرفیت جسمانی، روان شناختی و اجتماعی افراد، به عبارت دیگر، آستانه تحمل یعنی حالت روان شناختی و زیستی معین که فرد یا افراد جامعه، بیش از آن را تاب نمی آورند و ظرفیت روانی آنان برای تحمل فشارها، تهدیدها و محدودیت ها، بیش از آن نیست (الیاسی، ۱۳۸۷)، آستانه تحمل افراد با آموزش و کسب مهارت های ارتباطی و با آگاهی بخشی قابل افزایش و بهبود است، بسیاری از چالش های ارتباطی همسران و تعارض های آنان به دلیل پایین بودن آستانه تحمل است، آگاهی بخشی به افراد درباره ظرفیت ها و محدودیت های انسان و مراتب ادراکی و شناختی افراد، باعث افزایش آستانه تحمل و اصلاح اسنادها می گردد، وقتی همسران متوجه باشند که هر فردی ظرفیت ها و توانمندی های خاص خود را دارد و اینکه هر کسی مسئول کنش های رفتاری خویش است، نسبت به خطاها و اشتباهات دیگران واکنشی معتدل بروز می دهد و توقعات خود را کاهش داده و در مقابل خطاهای رفتاری دیگران صبوری و سعه صدر پیشه می کند، آگاهی های انسان، باورهای انسان و

الگوهای شناختی<sup>۱</sup> او در طرز تلقی انسان از اوضاع اجتماعی، خانوادگی و گُنش‌های رفتاری او تأثیر اساسی دارد، ناسازگاری بین ویژگی‌های جسمی، روان‌شناختی و آگاهی‌های شخص باعث استرس و ناآرامی‌های روانی و کاهش تحمل می‌گردد (Clays & et al, 2011: p.185-191)، مطابق الگوهای شناختی، آنچه حائز اهمیت و دقت است، سازه‌ها و پردازش‌های شناختی هستند که بین موقعیت‌های مختلف میانجی‌گری می‌کنند و با ایجاد عواطف مثبت یا منفی نسبت به فعالیت‌های و گُنش‌های رفتاری و شرایط آن، رفتارهای افراد را جهت می‌دهند (Kaliath, 2003: p.103-121)، ذهن آگاهی می‌تواند بر روی کارکردهای مربوط به توجه انتخابی و پایدار، تأثیر مثبت به جای بگذارد، مداخلات ذهن آگاهی به‌عنوان مداخله‌ای شناخته می‌شود که ضمن تمرکز بر حلقه‌های حسی (علایم حسی برین)، به خوبی می‌توانند عواطف و هیجان‌ها را به صورت دقیق و عمیق بررسی کرده و رابطه شناخت-عواطف را به خوبی تبیین نمایند (Schonert-Reichl & Lawlor, 2010: p.137-151)، مطالعات تجربی نشان داده است که مداخلات ذهن آگاهی (با ایجاد بصیرت)، باعث می‌شود به جای اینکه افراد از هیجان‌های خود فرار و اجتناب کنند، آنها را پذیرفته و با آنها کنار آمده و مدارا نمایند (Khong, 2011: p27-32)، در مجموع می‌توان ادعا کرد که مداخلات ذهن آگاهی این توانایی را دارند که به‌صورت هم‌زمان بر روی متغیرهای شناختی (مثل نگرش‌های ناکارآمد)، و متغیرهای هیجانی مؤثر واقع شوند و ضمن حل تعارض‌های درونی افراد، به بهبود رفتار آنان کمک نمایند، ایجاد آگاهی و بصیرت در افراد به بهبود گُنش‌های رفتاری در آن منجر خواهد شد و در نتیجه به بهبود روابط همسری و مراوات خانوادگی کمک خواهد کرد، آگاهی بخشی به همسران نسبت به پیامدهای آستانه تحمل پایین و عدم صبوری و عدم مدارا، باعث اصلاح رفتار آنان و افزایش آستانه تحمل آنان در رابطه با افراد دیگر می‌گردد. در آموزه‌های اخلاقی اسلام توصیه‌های فراوانی در باره کظم غیظ (مدیریت هیجان منفی)، صبوری، مدارا با همسر، مثبت اندیشی و فداکاری و تغافل شده که معطوف به افزایش آستانه تحمل در ارتباطات بین فردی و خانوادگی

است (ر.ک. پناهی، ۱۳۹۴)، چه بسا برخی افراد علی رغم دانش کافی در این عرصه‌ها، التزام عملی لازم به صبوری، گذشت و کنترل خشم خویش نداشته باشند و از آستانه تحمل پایین برخوردار باشند، این آسیب می‌تواند زندگی زناشویی را با چالش جدی روبرو سازد و پایداری آن را تهدید نماید، حتی چه بسا ممکن است برخی افراد به دلیل بیگانه بودن با اخلاق و منش اسلامی، توقعات نامتعارف و پرخاش‌گری بیشتری نیز داشته باشند که در این صورت چالش بیشتری خانواده را تهدید خواهد کرد، امروزه آستانه تحمل افراد کاهش یافته است و هم‌تراز با واقعیت‌ها نیست، اگرچه هر یک از زنان و مردان خود را مدعی پیشتازی در این عرصه می‌دانند ولی در واقع هر دو قصور دارند.

### نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش در منابع دینی بیان‌گر آن است که انتظارات چندی در راستای بهبود همسررداری و استحکام خانواده وجود دارد و برخی از این انتظارات نقش حیاتی در استحکام و بهبود همسررداری و روابط همسرانه دارد، مهم‌ترین نکاتی که از سیره و فرمایش اهل بیت علیهم‌السلام قابل انتزاع است عبارتند از:

۱. توجه به ظرفیت‌های زیستی و روان‌شناختی زن و مرد در واگذاری نقش‌های خانوادگی و اجتماعی؛
۲. تعامل نیکو و شایسته با همسر و پرهیز از آزار زیستی و روانی همسر؛
۳. تأکید بر التزام زنان به نقش‌هایی که اولویت بیشتر و پاداش معنوی زیادی بر آن قرار داده شده است؛
۴. تأکید بر روابط کلامی و غیر کلامی نیکو با همسر و تکریم همسر به نحو شایسته و هم‌تراز با منزلت اجتماعی او؛
۵. صبوری و بردباری در چالش‌ها و کمبودهای خانوادگی و همراهی با همسر در مدیریت امور خانواده؛
۶. تأکید بر پرهیز از انتظارات غیر واقع بینانه همسران از ازدواج و تصورات رمانتیک نگرانه درباره زندگی زناشویی؛



۷. التزام عملی به هنجارهای اخلاقی و اسلامی، درک صحیح شرایط روان‌شناختی همسر، رعایت هنجارهای اجتماعی و تعدیل انتظارات از یکدیگر؛

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه، ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۶. اولسون، دیوید اچ، امی اولسون - سیگ، پیترجی لارسون، اولسون، دیوید اچ، بازبینی روابط همسران، ترجمه، مهرنوش دارینی و شکوه نوابی نژاد، تهران، دانژه، ۱۳۹۱.
۷. برنشتاین ف. ج.، زناشویی درمانی، ترجمه پورعابدی و منشی، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۹. پناهی، علی احمد، اشتغال زنان با تأکید بر آسیب‌ها و اولویت‌ها، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
۱۰. —، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
۱۱. پناهی، علی احمد و جان بزرگی، مسعود روان‌شناسی زن و مرد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
۱۲. —، سبک زندگی (همسرمداری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی)، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۴.
۱۳. تیممی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۱۴. —، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰.
۱۵. جلیلی، فریبا، «بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در رضامندی زنان شاغل و خانه‌دار از زندگی زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۵.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹.
۱۷. حسینی دشتی، سیدمصطفی، معارف و معاریف، قم، حجت، ۱۳۷۶.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.
۲۰. سفیری، خدیجه و هادیان، زینب، بررسی رابطه تحقق انتظارات زنان متأهل از همسرشان با رضایت زناشویی، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ش ۳۴، ص ۴۰-۷۰.
۲۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۲۲. شایسته، گلنار، صاحبی، علی و علیپور، احمد، بررسی رابطه رضایت مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیر منطقی زوجین، خانواده پژوهی، ۲ (۷) ص ۲۳۸-۲۲۳.
۲۳. طبرسی، رضی‌الدین ابی‌نصر حسن بن‌الفضل، مکارم الأخلاق، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۷۶.

۲۴. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۲۶. گری، جان، مردان مریخی، زنان ونوسی، ترجمه، مریم نقیعی، تهران، همشهری، ۱۳۷۶.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۸. مک کی، متیو، پاتریک فینینگ و کیم پالگ، مهارت‌های زندگی زناشویی، ترجمه، شهرام محمد خانی و قدرت عابدی، تهران، ورای دانش، ۱۳۹۰.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۳۰. ملکی، حسن، چگونه با تفاهم زندگی کنیم، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۵.
۳۱. میر سیاسی، ناصر، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، تهران، شروین، ۱۳۸۴.
۳۲. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل‌البتیة لإحياء التراث، ۱۴۰۸.
۳۳. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰.
۳۴. هلر، رابرت، ارتباط مؤثر، ترجمه سید علی میرزایی، تهران، ساراگل، ۱۳۸۳.
۳۵. هندی، حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹.
۳۶. الیاسی، محمد حسین، ابعاد روان شناختی و جامعه شناختی آستانه تحمل مردم، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۰، ص ۲۶-۵۰.
37. Ayub, N. & Iqbal, Sh. (2011). The Factors Predicting Marital Satisfaction: A Gender Difference in Pakistan. *International Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, 6 (7), 63-74 .
38. Bahr, S. J. , Chappell, C. B. , & Leigh, G. K. (2007). Age at marriage, role enactment, role consensus, and marital satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 45,795-803 .
39. Barrett. L. F. and E. Bliss-Moreau, (2009) «She's Emotional. He's Having a Bad Day: Attributional Explanations for Emotion Stereotypes,» *Emotion* 9, pp.649-658 .
40. Clays, E. , Bacquer, D. D. , Crasset, V. , Kittel,F. , de Smet, P., Kornitzer, M. , Karasek,R. , and De Backer, G. (2011). The Perception of Work Stressors Is Related to Reduced Parasympathetic Activity. *International Archive Occupational Environment Health*, 84, 185-191 .
41. Crawford, V. P.(2004). relationship-specific investment. *The Quarterly Journal of Economics*, 105, 2 .
42. Juvva, S. , & Bhatti, R. (2006). Epigenetic Model of Marital Expectations. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 28 (1) , 61-73 .
43. Khong, B. S. L. (2011). Mindfulness: A Way of Cultivating Deep Respect for Emotions. *Mindfulness*, 2, 27-32 .
44. Manfer, M. L. (2007). How women cope with unmet expectations in the first year of marriage. Unpublished master thesis, university of San Diego[on - line]. Available: www. Proquest. com .

45. McDaniel, B. , Lopez, S. & Holmes, E. (2010). Factors that Affect Marital Satisfaction across the transition to Fatherhood. *Intuition*, Vol 6: 9-18 .
46. Miller, J. and Tedder, B. (2011). The Discrepancy between Expectations and Reality: Satisfaction in Romantic Relationships. Hanover College, PSY 401: Advanced Research .
47. Rios, C. M. (2010) , «The Relationship Between Premarital Advice, Expectations and Marital Satisfaction», Unpublished Master Thesis, University of Logan [On-Line], Available: [www.proquest.com](http://www.proquest.com) .
48. Robbins, Stephen P and Judge, Timothy A. (2015). *Organizational behavior, Manufactured in the United States of America* .
49. Schonert-Reichl, K. M. , and Lawlor, M. S. (2010). The Effects of a Mindfulnessbased Education Program on Pre- and Early Adolescents Well-Being and Social and Emotional Competence. *Mindfulness*, 1, 137-151 .
50. Sharp, E. A. , & Ganeng, L. H. (2004). Raising awereness about marital expectation: Are unrealistic beliefs by integrative teaching? *Family Relations*, 49 (1) , 71-76 .



## مدیریت پیامبر اسلام ﷺ و حکومت بر جان‌ها\*

□ سیدعلی هاشمی خان‌عباسی<sup>۱</sup>

### چکیده:

کارکرد خودخواهانه انسان، سبب بروز اخلال در نظم زندگی اجتماعی شده، در نتیجه حقوق افراد و جامعه مورد تعدی و تعارضات قرار می‌گیرد، برای رهایی از این تعارضات و تعدی به حقوق یکدیگر، نیاز به بسته‌های نرم‌افزاری به نام قانون است، لکن برای اجرای قانون، یک تشکیلات مقتدر مدیریتی مبتنی بر اصول عقلانی و وحیانی لازم است تا در پرتو آن انسان به سعادت دنیا و آخرت دست یابد، از این جهت ضرورت دارد تا مدیریت پیامبر خاتم ﷺ در همه زمان و در سطوح مختلف تبیین گردد. بنای مدیریت و حکومت اسلامی در شیوه مدیریتی پیامبر ﷺ ساختن جامعه حق‌مدار است، در اهمیت این موضوع همین بس که در آموزه‌های وحیانی، جامعه بدون مدیریت و حاکم، پذیرفتنی نیست. پیامبر اکرم ﷺ بدین جهت مبعوث شد تا با مدیریت خویش، مردم را هدایت کرده و عدالت را در جهان حاکم و گسترش دهد تا در نتیجه حرکت عظیم انسانی را به سمت آفریدگار عالم، پایه‌گذاری نماید، از ویژگی‌های مدیریت و حکومت پیامبر ﷺ وحیانی بودن آن است، از این جهت جان‌های امت خود را به سمت کمال مطلق رهنمون و شیفته خود ساخته است. رسول خدا ﷺ با مدیریت الهی از جامعه بدوی مدینه، الگویی عملی ارائه کرد که در پرتو آن زن و مرد به کمال رسیده و تمدن بزرگ انسانی الهی را پایه‌گذاری نمود و جان هر انسان آزاده و خردمند را

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (a.hashemi1@yahoo.com).

برای همه زمان مجذوب خود ساخته است، این مقاله برآن است تا با روش کتابخانه‌ای - توصیفی و با هدف بررسی شیوه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در جامعه بدوی جزیره العرب و راز ماندگاری مؤلفه‌های این مدیریت در جوامع بشری در گستره زمان و مکان و سطوح متفاوت مخاطبان، به این امر همت گمارد. **واژگان کلیدی:** مدیریت، پیامبر اسلام، انسان، جان، جامعه، حکومت

### مقدمه

۱. براساس آموزه‌های دینی و اندیشه‌های حکیمان الهی، انسان موجودی است اجتماعی و طبیعت جمع‌گرا دارد و از لوازم زندگی اجتماعی و جمعی که حاصل جمع افراد با منافع و سلايق مختلف و بعضاً متعارض است، اصطکاک و برخورد است، کارکرد خودخواهانه انسان سبب بروز اخلال در نظم و امنیت اجتماعی می‌شود و در نتیجه حقوق افراد و جامعه مورد تعدی و تعارضات قرار می‌گیرد، بر این اساس، برای رهایی از این تداخلات و تعارضات و تعدی به حقوق یکدیگر، نیاز به بسته‌های نرم‌افزاری به نام قانون، ضرورت یافته و از این مقطع، شرایط سلامت و بقای جامعه انسانی که در آن اسباب رشد و تعالی افراد تأمین می‌شود فراهم می‌گردد، لیکن برای اجرای قانون، یک تشکیلات مقتدر مدیریتی لازم است، در مدل مدیریتی اسلام، جامعه بدون رهبر اصلاً پذیرفته نیست، تا جایی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: مردم ناگزیر از داشتن امام و رهبرند، اگر چه فاجر و ناشایست باشد؛ چرا که عدم وجود حاکمی حتی غاصب و فاجر منتهی به هرج و مرج و هدر رفت امکانات می‌شود (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)، در حالت ایده‌آل، جامعه بشری برای رسیدن به هدف، به مدیرانی احتیاج دارد که هم هدف را خوب بشناسند و هم ابزار رسیدن به هدف را، بنای مدیریت و حکومت اسلامی در شیوه مدیریتی پیامبر ﷺ ساختن جامعه حق‌مدار است، این موضوع آن‌قدر مهم است که خداوند پیامبرانی را برای سرپرستی و هدایت بشر می‌فرستد و هرگز انسان‌ها را بدون مدیر و راهنما و رهبر رها نمی‌کند، در آموزه‌های وحیانی، جامعه بدون مدیریت و حاکم پذیرفتنی نیست. مدیریت و رهبری در اسلام آن‌قدر حائز اهمیت است که خداوند در حجة الوداع

به پیامبر دستور داده و می‌فرماید: موضوع امامت را به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی رسالت را انجام نداده‌ای، این موضوع تأکید فراوان بر این امر است که پیامبر اکرم ﷺ جانشین و مدیر بعد از خود را معرفی کند. امام رضا علیه السلام در باره اهمیت مدیریت می‌فرماید: «... أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرَيْسٍ لِمَا لَا يَبْدُ لَهُمْ... مِمَّا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَبْدُ لَهُمْ مِنْهُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۴۸/۷۸)؛ در مطالعه احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشند، مگر به وجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را مدیریت نماید.

پیامبر اکرم ﷺ بدین جهت مبعوث شد تا با مدیریت خویش، مردم را هدایت کرده و از گمراهی نجاتشان دهد و حرکت عظیم انسانی را به سمت آفریدگار عالم، پایه گذاری نماید («... فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَأَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ ثُمَّ...») (نهیج البلاغه، خطبه ۲).

۲. هدف: اما اینکه در این مقاله، مدیریت و حاکمیت پیامبر ﷺ را موضوع قرار دادیم بدان جهت است که پیامبر ﷺ قرآن ناطق است؛ همانطور که هر عالم و محقق علوم دینی، مکلف است تا در همه اعصار به شرح و تفسیر قرآن مکتوب بپردازد، همین وظیفه در مورد قرآن ناطق نیز جریان دارد و لذا نگارنده این مقاله را بر آن داشت تا با استفاده از خرمن اندیشه‌های محققان علوم دینی، رمز و راز حکومت و مدیریت پیامبر ﷺ را که بی نظیر در عالم هستی بوده و هست، مورد بازخوانی و بررسی قرار داده تا اینکه پاسخی برای این سؤال باشد که: پیامبر ﷺ چگونه و با چه تکنیک و روشی، بر جان این امت مدیریت و حکومت کرد؟ و با ظهور خود در جامعه‌ای بدوی، توانست تحوّل و دگرگونی عمیق ایجاد کند و از همان مردم به دور از تمدن، جاهل، سنگ‌دل و متعصب افراد بزرگی تربیت کند که نمونه انسان‌های کامل در طول تاریخ باشند؟

۳. روش: موضوع یادشده در این مقاله با روش کتابخانه‌ای - توصیفی، در سه محور مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است:

## ۱. اصول حاکم بر مدیریت پیامبر ﷺ در حکومت

### ۱-۱- اصل مدارا

اصل اولیه رفتار پیامبر ﷺ این بود که با مخالفان همواره مدارا می کرد و با ملایمت، آنها را به دین حق دعوت می نمود و این رفتار، بر طبق فرمان خداوند است که می فرماید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾ (انفال/۶۱)؛ اگر مخالفان تمایل به صلح نشان دادند، تو نیز تمایل نشان بده.

پیامبر در راستای تحقق اهداف اصلی خود در امر هدایت جامعه، آن قدر به این شیوه اهمیت می داد تا جایی که سیره نویسان، در توصیف آن حضرت نگاشته اند: «پیامبر ﷺ دارای قلبی رقیق بود و نسبت به همه مسلمانان مهربان بود (ابن هشام، بی تا: ۱۹۸/۲).

### ۱-۲- اصل ابزار بودن مدیریت

در اندیشه پیامبر اعظم ﷺ حکومت و فرمانروایی تنها یک ابزار است، اما در عین حال امانتی است از سوی خدا (احزاب/۷۲)، برای تحقق عدالت و حق در جامعه بشری و برقراری قانون و امنیت برای رشد و سعادت انسان ها، آری، حکومت وسیله رساندن انسان به سعادت و خوشبختی دو جهان است، این است که در جامعه قرآن بنیان، اگر نگاه کسی به حکومت جز این باشد، شایستگی آن را ندارد که وارد عرصه حکومت شود، آن حضرت در بیانی مهم این موضوع را به صورت زیر بیان می دارد: «... إِنَّا وَاللَّهِ لَا نُؤَلِّي عَلَى هَذَا الْعَمَلِ أَحَدًا سَأَلَهُ وَلَا أَحَدًا حَرَصَ عَلَيْهِ» (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۷۳۴)؛ سوگند به خدا ما بر این کار (مدیریت و حکومت)، کسی را که خواهان آن باشد و کسی را که بر آن حریص باشد، نمی گماریم.

از نگاه پیامبر ﷺ کوچک ترین توهین به یک مسلمان و سلب حقوق آن و ضبط غیر عادلانه منافع یک انسان مظلوم، مذموم و محکوم است، پیامبر اعظم ﷺ می فرماید: «أَلَا وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَخَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَسْتَخِفُّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷/۷۲)؛ آگاه باشید که هر کس مسلمان فقیری را



خوار و سبک بشمارد حق خدا را سبک شمرده و در روز قیامت خدا او را خوار و سبک خواهد نمود، مگر اینکه توبه نماید.

در جای دیگر فرمودند: «لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ» (زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۱/۱)؛ هیچ مسلمانی را خوار و حقیر مشمار؛ زیرا کوچک آنان هم نزد خداوند بزرگ است.

### ۱-۳- اصل امانت بودن مدیریت

امانت از ریشه «أمن» به معنای آرامش و در اصطلاح، ودیعتی است که نزد دیگری سپرده می‌شود و آن شخص امانت‌دار را امین می‌گویند. امانت در فرهنگ دینی دارای دو کاربرد است: معنای عام که همه نعمت‌ها و عنایت‌های الهی را شامل می‌شود و معنای خاص آن که در مورد نعمت‌ها و الطاف ویژه الهی است. مدیریت، به‌عنوان یکی از مظاهر و مراتب ولایت و امامت، از امانت‌های خاص الهی است که از نظر آموزه‌های دینی، تمام مدیران و حاکمان، قبل از هر چیز باید به این اصل باور داشته باشند و نگرش خود را بر این بنیان استوار سازند چرا که؛ یکی از شرایط مهمی که در گزینش افراد برای کارگزینی به آن تأکید شده، امانت‌داری و درست‌کاری است، بر این اساس، پیامبر اسلام ﷺ روی این اصل تأکید فرموده و در نکوهش مدیر خیانت‌کار می‌فرماید: «اگر فردی را در پستی گماردیم و او یک نخ یا بالاتر از آن را از ما پنهان کند؛ خیانت‌کار است و مالی را که در آن خیانت کرده است، همچون زنجیری در گردن او در قیامت خواهد بود» (قشیری نیشابوری، ۱۴۰۷: ۱۲/۶).

### ۱-۴- اصل خدمت‌گزاری در مدیریت

این مؤلفه به‌عنوان یک اصل در مدیریت کارآمد پیامبر اعظم ﷺ مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است که در این باره می‌فرماید: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۱۷۶۴/۲)؛ رئیس یک گروه خدمتگزار آنها است.

از نظر پیامبر اسلام ﷺ اصل خدمت به مردم وظیفه عمده و اساسی مدیران، کارکنان و دستگاه‌های اداری است و مدیریت نیز خود به خود از نظر اسلام مطلوبیت ذاتی ندارد و در دیدگاه پیامبر بزرگوار ﷺ به‌عنوان امر ثانوی مورد توجه قرار می‌گیرد و به

دنبال استیفای حقوق مسلمانان، خدمت و کمک رسانی، مساعدت در رفع حوائج آنان است و لذا می‌فرمایند: «هر که چیزی از امور مسلمانان را به عهده گیرد خدا در حاجت وی ننگرد تا وی در حوائج مسلمانان بنگرد» (قشیری نیشابوری، ۱۴۰۷: ۳۹۹)

### ۱-۵- اصل تکلیف محوری در مدیریت

در نظام اسلامی، واگذاری و قبول مدیریتها و مناصب اجتماعی، یک تکلیف است نه حق؛ یعنی مدیران پرورش یافته در مکتب اسلام، خدمت در منصب مدیریت را انجام تکلیف شرعی می‌دانند و معتقدند که مدیریت وظیفه است نه وسیله سودجویی، مدیریت خدمت است نه حکومت. در بینش اسلامی مدیر اسلامی هرگز مدیریت را برای حاکمیت خویش نمی‌خواهد؛ زیرا در چنین صورتی او حاکم است نه خادم (تقوی دامغانی، ۱۳۷۷: ۳۷-۴۰). و این اصل به صراحت تأکید شده است آنجا که می‌فرماید: «هر زمامداری چیزی از کار امت مرا به دست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دل‌سوزی و کوشش نکند روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۷۲).

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «ما استرعی الله عبداً رعیةً فلم یحصها بنُصحهِ الا حَرَمَ اللهُ علیه الجنة»؛ وقتی خدا رعیتی را به رعایت کسی سپارد و او به لوازم خیرخواهی رعیت قیام نکند خدا بهشت را بر او حرام کند» (همان).  
بر اساس آموزه‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم انسان‌ها در مقابل یکدیگر مسئول‌اند و مدیران نیز در هر سطحی از سازمان مسئول‌اند و به منظور اداره منابع انسانی توجه به این اصل، ضروری و حتمی است.

### ۲. مؤلفه‌های مدیریت در حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

#### ۲-۱- حق محوری

در نظام مدیریتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ساختار اطاعت به گونه‌ای ترسیم شده است که «حق»، محور اطاعت است، در این نوع تشکیلات جایی برای قدرت طلبی منتج به استبداد از طرف زمامدار و اطاعت کورکورانه از سوی مردم نمی‌ماند، مردم بدون تن دادن به

ذلت، فرمان بردارند و رهبر بدون تمسک به استبداد و سلطه مستبدانه فرمانرواست. (چوبینه، ۱۳۸۵: ۴۳ و ۴۴)

در نظام مدیریتی رسول خدا ﷺ اطاعت از رهبر و کارگزاران، فرمانبری از خداوند است و تنها در همین حوزه مشروعیت و قابلیت اجرا دارد، چنانکه پیامبر اعظم ﷺ خود فرمودند: «لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق» (صدوق، بی تا: ۴۵۲/۱).

در نظام مدیریتی سالم و مشروع هر گونه خودکامگی و گردن فرازی از اساس و بنیان نفی شده است؛ زیرا «خود کامگی» با «بندگی» ناسازگار است. رسول خدا ﷺ همواره به مردم می فرمود: «لا ترفعونی فوق قدری... فان الله اتخذنی عبداً قبل ان یتخذنی رسولاً»؛ مرا بالاتر از آنچه هستم، قرار ندهید... خداوند پیش از آنکه مرا رسول خویش گیرد بنده خود خوانده است.

انس بن مالک می گوید: «هیچ شخصیتی نزد مسلمانان محبوب تر از پیامبر خدا ﷺ نبود با وجود این، هنگامی که او را می دیدند پیش پایش بر نمی خاستند، زیرا می دانستند این کار را نمی پسندد» (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۳۶/۱).

این سیره متعالی و معرفت آموز رسول خدا ﷺ بر مبنای اصل قرآنی دوری از برتری جویی فرعونی ﴿وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾ (یونس/۸۳) و پرهیز از تفرعن نفسانی است که می فرماید: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (قصص/۸۳).

آری خداوند نمی پسندد مردم دنباله روی غیر خردمندانه و نامعقول از رهبران خود بلکه از هر کسی داشته باشند، و چنین کاری را سبب تباهی عنصر انسانیت انسان می داند، استخفاف انسان ها و متابعت حیوانی، ویژه مدیریت فرعونی است؛ ﴿... فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ...﴾ (زخرف/۵۴).

## ۲-۲- اخلاق محوری

سیره پیامبر اعظم ﷺ جامع جمیع نشانه های تواضع و فروتنی و براءت از همه افعال و حرکات متکبرانه بود و فروتنی اش در تمام رفتارهای آن حضرت و شئون مختلف زندگی اش نمود داشت؛ با اینکه پیامبر بود و دارای مقامی عالی؛ اما با خضوع تمام با

ثروتمند و فقیر، صغیر و کبیر دست می‌داد و دست خود را نمی‌کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد (حزّ عاملی، بی‌تا: ۵/ ۵۴)، و روی از او بر نمی‌گرداند تا اینکه طرف مقابل از او روی برمی‌گرداند و می‌رفت به کسانی که به استقبالش می‌آمدند، بزرگ و کوچک، سیاه و سفید، عبد یا آزاد، پیش از همه سلام می‌کرد گاه با پیر زنی که با او سخن می‌گفت، مدت‌ها به گفت‌وگو می‌پرداخت، تا جایی که ممکن بود بر اسب و استر و الاغ سوار می‌شد و بسیار می‌شد که بر الاغ سوار می‌شد و غلام خود یا شخص دیگر را پشت سر خود سوار می‌کرد، از بیماران عیادت می‌کرد و در تشییع جنازه‌ها حاضر می‌شد (طبرسی، بی‌تا: ۱۵/).

### ۲-۳- حکمت و تدبیر

پیامبر ﷺ در مدیریت هم از جنبه تطبیقی استفاده می‌کرد و هم از جنبه تدبیری، در جنبه تطبیقی موظف بود که باید‌ها و نبایدهای خداوند متعال را بی‌کم و کاست ابلاغ نموده و خود نیز با دقت و تعهد تمام بر اقامه حدود وفادار باشد. جنبه تدبیری؛ یعنی اینکه به تناسب شرایط و مقتضیات و براساس مبانی علمی، عقلی و با ملاحظه مصالح کلی جامعه و امت اسلامی در چارچوب شریعت اسلام به تنظیم و ساماندهی امور جامعه بپردازد (چوبینه، ۱۳۸۵: شماره ۴۳ و ۴۴).

### ۲-۴- برنامه‌ریزی دقیق و جامع

این مؤلفه به‌عنوان یک اصل پایدار، در مدیریت پیامبر ﷺ به شدت مورد توجه آن حضرت بوده و برای جزئی‌ترین امر، با نظم و ترتیب و دقت فوق‌العاده‌ای به برنامه‌ریزی می‌پرداخته است. آن حضرت در راستای انجام رسالت سنگین و طاققت فرسای تبلیغ دین و تشکیل و اداره جامعه اسلامی و مهم‌تر از همه، تربیت انسان‌های مؤمن، این اصل را از آغاز نزول وحی تا پایان عمر پربرکت خود با دقت مراعات نموده است (همانجا).

### ۲-۵- پیمان برادری

یکی دیگر از اقدامات اساسی و حساب شده در مدیریت نبوی، این بود که

آن حضرت یکبار پیش از هجرت و در مکه، میان اصحاب قریشی خود و بردگان آزاد شده آنان پیمان برادری برقرار کرد و یکبار نیز در ماه هشتم پس از هجرت برای تحکیم این پیمان آنرا میان مهاجر و انصار تجدید نمود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۹۲).

## ۲-۶- صدور عهدنامه

پیمان نامه‌ای که پیامبر در آغاز ورود خود به مدینه صادر کرد و علاوه بر اوس و خزرج، یهودیان مدینه نیز آنرا امضاء کردند، طرح کلی تشکیلات اداری و سیاست‌های اصلی حاکم بر اداره جامعه نوپای مدینه است که آنرا ترسیم نموده است (چوبینه، ۱۳۸۵: شماره ۴۳ و ۴۴).

## ۲-۷- دادگستری

برای رسیدگی به تخلفات و اجحاف‌های مسئولان حکومتی و کارمندان و کارگزاران نظام اسلامی نسبت به رعایا مرکزی تأسیس شده بود که قضاء مظالم نام گرفته که بعدها به دیوان مظالم معروف شد و در سیره مدیریتی پیامبر اعظم ﷺ بدان اشاره شده و برخی نیز با شواهد و قرائن موجود استدلال کرده‌اند که در این دیوان شخص پیامبر ﷺ حکم می‌کرده است (ماوردی، ۱۴۰۶: ۱۰).

## ۲-۸- برنامه‌ریزی آموزشی

پیامبر اعظم ﷺ از همان روزهای نخستین ورود به مدینه و تأسیس جامعه نخستین اسلامی، اهتمام ویژه‌ای به امر آموزش معارف دینی، مهارت آموزی، تعلیم خط، فراگیری زبان‌های بیگانه برای پاسخ به مکاتبات و ارتباطات بین‌المللی، آموزش حرف و مشاغل و امثال آن داشته است، تا جایی که می‌فرمود: «طَالِبُ الْعِلْمِ رُكْنُ الْإِسْلَامِ وَ يُعْطَى أَجْرُهُ مَعَ النَّبِيِّينَ» (محمدری شهری، ۱۳۹۲: ۳۹۸). و تأکید می‌کرد که «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (همان)، همچنین می‌فرماید: «قَلِيلُ الْعَمَلِ يَنْفَعُ مَعَ الْعِلْمِ وَ كَثِيرُ الْعَمَلِ لَا يَنْفَعُ مَعَ الْجَهْلِ»؛ عمل اندک با علم سودمند افتد و عمل بسیار با جهل سود ندهد (پابنده، بی‌تا: ۲۲۳/۱) و معتقد بود که «الحكمة ضالة المؤمن يأخذها أينما وجدها» (همان)، و سفارش می‌کرد و نیز

فرمودند: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»؛ داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید و زمانی برای فراغت از تحصیل قائل نبود و اصل آموزش را برای همگان تشویق و ترویج می نمود و برای آزادی اسیران جنگی شرط گذاشت که برای آزادی خود به مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند.

## ۲-۹- هدف گذاری دقیق

یکی از ویژگی های برجسته پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسئله برنامه ریزی، هدف گذاری دقیق بود، روزمرگی و باری به هر جهت کار کردن در روش و منش رفتاری آن بزرگوار راه نداشت و هنگامی که هدف خاصی با دقت انتخاب می شد، از پرداختن به امور حاشیه ای که تحقق هدف مزبور را تحت الشعاع قرار دهد و یا آن را با تأخیر مواجه سازد به شدت پرهیز می کرد، به عنوان مثال، در صلح حدیبیه، هدف اصلی مورد نظر آن حضرت تأثیرگذاری بر روحیه قریش بدون درگیری نظامی بود، به همین دلیل، تمام تمهیدات و مقدمات لازم را متناسب با این هدف گذاری فراهم ساخت و تحت هیچ شرایطی اجازه بروز درگیری را نداد و هدف اصلی را با جدیت تمام تعقیب نمود تا سرانجام صلح حدیبیه محقق شد (احمدی، ۱۳۸۵: ۹).

## ۲-۱۰- شایسته سالاری

مدیریت الهی، فرصتی شایسته است برای شایستگان جهت تدبیر امور و اصلاح و سامان دادن کارهای مردم و تدبیر و مدیریت آنان در مسیر سعادت و خوشبختی. نمونه هایی از شایسته سالاری در نظام مدیریتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در واگذاری مناصب و مسئولیت ها، در جریان فرماندهی اسامه ابن زید بر لشکر مسلمانان، نصب «عتاب ابن اسید»، که جوانی هفده ساله بود به فرمانداری نجران در یمن و یا «عتاب ابن اسید»، که جوانی است در نهایت زهد و پرهیزگاری به فرمانداری مکه می بینیم، عکس نقیض قضیه را هم شاهدیم، چنانکه ابو بکر از ابوموسی نقل می کند: من به همراه دو نفر از پسرعموهایم بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شدیم، یکی از آن دو گفت: ای رسول خدا! ما را بر قسمتی از آنچه خداوند تو را بر آن حکومت داده است، زمامداری ده، دیگری نیز

سخنی شبیه همین گفت: حضرت فرمود: «به خدا سوگند! ما هرگز به کسی که درخواست حکومت و زمامداری کند و یا بر تحصیل آن حریص باشد، حکومت نخواهیم داد» (چوبینه، ۱۳۸۵: ۴۳ و ۴۴) همچنین می‌فرماید: «کسی که جوانی را به حکومت جمعی بگمارد در حالی که فردی در بین آنها وجود دارد که بیشتر مورد رضای خداست، به خداوند خیانت کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۲۳). و نیز می‌فرماید: «مَنْ أَمَّ قَوْمًا وَ فِيهِمْ أَعْلَمُ مِنْهُ أَوْ أَفْقَهُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ فِي سَفَالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» (حر عاملی، بی‌تا، ۳۴۶/۸). کسی که بر جماعتی امامت کند و رهبری آنها را بر عهده گیرد، در حالی که در میان آنها فردی از او آگاه‌تر وجود دارد، پیوسته کار آن گروه رو به سقوط می‌رود.

آن حضرت درباره اصل شایسته سالاری می‌فرماید: «مَنْ وُلِّيَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَوَلَّى رَجُلًا وَ هُوَ يَجِدُ مَنْ هُوَ أَصْلَحُ لِلْمُسْلِمِينَ بِهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» (ابن تیمیه، ۱۴۱۵: ح ۱۶۷۹)؛ کسی که چیزی از امور مسلمین را بر عهده گیرد، سپس فردی را عهده دار کاری کند درحالی که فرد اصلح از او را می‌یابد، به خدا و رسول او خیانت کرده است.

در همین رابطه امام علی عليه السلام فرمودند «... يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ؛ تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ» (انصاری، ۱۳۸۷: ح ۱۰۹۶۵)؛ چهار چیز باعث سرنگونی دولت هاست: نادیده گرفتن اصول، و توجه به جزئیات، پیش انداختن افراد ناشایست و منزوی کردن انسان‌های فاضل و کاردان.

## ۲-۱۱- مشاوره و مشارکت

مشورت فصل زیبا و نسبتاً گسترده‌ای است که در حوزه مدیریتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مکرر مشاهده می‌شود، دیدگاه حضرت در مورد مشورت از گفتار وی بر می‌آید که می‌فرماید: «مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا هَدُوا لِأَرْشَادِ أَمْرِهِمْ» (طبرسی، بی‌تا: ۱/ ۳۴۴)؛ هیچ قومی مشورت نکردند، جز آنکه به بهترین امور هدایت شدند.

امام رضا عليه السلام فرموده‌اند «... إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَسْتَشِيرُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ يَعَزِمُ عَلَى مَا يُرِيدُ اللَّهُ»؛ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره با یاران خویش رایزنی می‌کردند، سپس تصمیم خود را عملی می‌ساختند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۷۲).

بدیهی است اقدام به مشورت در بررسی و مطالعه جوانب کار است، اما پس از مشورت، برای تصویب و اجرا، اراده واحدی تصمیم‌گیری می‌کند، و گرنه موجب هرج و مرج می‌شود، بیان قرآن کریم هم مؤید همین معناست.

﴿... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل عمران/۱۵۹)؛ با آنان مشورت کن؛ سپس هنگامی که تصمیم گرفتی پس بر خداوند توکل کن. نکته قابل توجه در این آیه این است که ضمیر در مشاوره جمع است اما ضمیر در تصمیم‌گیری مفرد، پس بنابراین استنباط می‌شود که رایزنی با تصمیم‌گیری توسط یک اراده واحد هیچ‌گونه ناسازگاری با یکدیگر ندارند، برخی از موضوعاتی که پیامبر ﷺ در مورد آنها با اصحاب خود رایزنی کرده، عبارت است از: غزوه بدر در باره اصل جنگ، تعیین موضع نبرد و اسیران جنگ در جنگ احد، در نحوه مقابله با لشکر قریش، جنگ احزاب (خندق)، پیکارهای بنی قریظه و بنی نضیر، ماجرای صلح حدیبیه، غزوه طائف و دیگر موارد مهم، با اصحاب به مشورت و رایزنی پرداخت (چوبینه، ۱۳۸۵: ۴۳ و ۴۴).

## ۲-۱۲- انعقاد پیمان‌های سیاسی با قدرت‌های بی طرف

همواره سعی پیامبر ﷺ بر این بود که تا جایی که مقدور است، در جنگ‌ها از تفرق جبهه‌ها جلوگیری شود، این سیاست، مستلزم این بود که پیامبر، حتی‌الامکان از ایجاد تنش با قدرت‌های کوچک و بزرگ بی طرف بپرهیزد و خود این پرهیز از تنش، گاه با نمایش قدرت و گاه با صلح بود، به این ترتیب، پیامبر ﷺ با اجرای یک دیپلماسی فعال، از یک سو مانع همبستگی غیرمسلمانان با قریش شده و از سوی دیگر، سعی می‌کرد تا از آنان به‌عنوان متحدان خویش در برابر قریش استفاده کند (جلیلی، ۱۳۷۴: ۱۰۵-۱۰۶).

## ۲-۱۳- پایبندی به عهد و پیمان

پیامبر ﷺ مدیران و کارگزاران خود را به راستی در گفتار و کردار و پایبندی به عهد و پیمان می‌خواند و تأکید داشت که آنها پاسدار عهد و پیمان باشند و از هرگونه خیانتی بپرهیز کنند. در نامه خود به معاذ بن جبل هنگامی که او را برای فرمانداری یمن فرستاد سفارش وفای به عهد، ادای امانت و ترک خیانت را تأکید فرمود: (حرانی، ۱۳۶۳: ۱۹)، و



خود سخت بدان پایبند بود و هیچ گاه خلاف آن کاری انجام نداد، از نظر پیامبر پایبندی به عهد و پیمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، جریان عمرة القضا یکی از موارد توجه و عمل بر طبق پیمان و انعقاد قرارداد است که پیامبر ﷺ قدمی از آن تجاوز ننموده است (ابن هشام، بی تا: ۳/۴۲۴-۴۲۶).

## ۲-۱۴- مدیریت بر نفس خود پیش از مدیریت بر دیگران

روش پیامبر اسلام ﷺ در تحول بزرگی که فراهم ساخت بر مبنای تحول رابطه انسان با خدا استوار بود، بر این اساس فرمودند «مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» (نهج الفصاحه، ۴۰۰)؛ هر کس میان خود و خدا را اصلاح و نیکو گرداند، خداوند میان او و مردم را اصلاح کند.

اگر انسان در مدار توحید قرار گرفت و زوایای شرک را از خود زدود و خودخواهی وجود خویش را نادیده گرفت، همه ارزش‌ها را داراست و انسان ارزش طلب فطری، دور این وجود ارزشمند طواف خواهد کرد و به او دل می‌سپرد، وجودش از شرک خفی خودخواهی، خالی و پر از آوای وحدانیت و توحید است، او که از لحاظ نسب و منصب و پیش افتادن و تقوی و همچنین سلطنت بر دل‌ها از همه جلوتر و بر همگان برتر است، می‌گوید «من نیز بنده‌ای هستم که همچون دیگر بندگان می‌خورم و مانند آنان می‌نشینم» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۲/۱۱۸).

این دوری از حجاب خودخواهی که شهره اصلاح و پاکی نفس و مدیریت بر خویشتن خویش است، موجب نزدیکی قلب‌ها به وی و مهیا شدن قدرت رهبری و مدیریت بر قلب‌هاست.

## ۲-۱۵- مدیریت دانش بنیان

در حکومت پیامبر ﷺ مدیر باید براساس آگاهی و بصیرت عمل کند نه جهل و غفلت، براین اساس قرآن این چنین شاخصه مهم در شیوه مدیریت الهی را از زبان پیامبر ﷺ می‌گوید ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...﴾ (یوسف/۱۰۸)، بگو این است شیوه من، شما را بر اساس بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنم، هم خودم و هم، هر کسی که تابع من است.

آن حضرت مسلمانان را به اندیشیدن و کسب مهارت و تخصص فرا خواند تا بر قدر و منزلت آنان افزوده و در نتیجه نیرویی توانا و برخوردار از قدرت فکری و جسمی در مراکز مختلف حکومتی و مدیریتی، انجام وظیفه کنند. براساس آموزه‌های نبوی ﷺ مؤمن قوی و نیرومند از مؤمن ضعیف بهتر است، بر این اساس از افرادی که دارای علم و شایستگی هستند برای ابلاغ دین به سایر نقاط استفاده می‌کرد، مثل فرستادن مصعب بن عمیر به مدینه، اینها همه نشان دهنده درایت بالای آن حضرت در مدیریتشان نسبت به تعیین افراد براساس ملاک‌های علم، قدرت و شایستگی است.

## ۲-۱۶- رفیق و مدارا با مردم

یکی از اصول مدیریت پیامبر ﷺ مدارا در معاشرت‌های سازنده اجتماعی بود، خود آن حضرت فرمود: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۷/۲)؛ خدای سبحان همان‌طور که مرا به برپایی واجبات امر نموده به مدارا با مردم فرمان داده است، از این جهت در وصف آن حضرت سیره نویسان نوشته‌اند «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيِّنَ الْجَانِبِ، لَيْسَ بِقَطِّ وَلَا غَلِيظًا، وَلَا سَخَابًا وَلَا فَحَاشًا وَلَا عِيَابًا وَلَا مَزَاحًا، يَتَعَاوَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي، وَلَا...» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۲/۴)؛ پیامبر ﷺ دائماً خوشرو و خوشخوی و نرم بود، خشن و درشتخوی نبوده است....

## ۲-۱۷- حسن ظن به دیگران

یکی از صفاتی که مدیران الهی از آن برخوردارند خوش بینی و حسن ظن نسبت به تمام افراد است به گونه‌ای که از هدایت هیچ کس قطع امید نمی‌کنند هر چند در طغیان و عصیان در ردیف فرعون‌ها و قارون‌ها باشند اساس این خوش بینی آن است که آنها می‌دانند خداوند انسان را با فطرت الهی آفریده است و اگر چه گرفتار طغیان و عصیان باشد باز امکان راه یافتن آنها به حقیقت وجود دارد از این رو خدای متعال به موسای کلیم ﷺ فرمود: ﴿... إِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى، فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى، وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتُحْشَى﴾ (نازعات/۱۷-۱۹)؛ (ای موسی) به سوی فرعون بشتاب که او طغیان کرده است، پس بگو آیا می‌خواهی پاک شوی و به سوی پروردگارت هدایت کنم تا خشیت پیدا کنی.

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ عِرْضَهُ وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنْ السُّوءِ»؛ خداوند خون و مال و آبروی مسلمان را محترم شمرده و سوء ظن به مسلمان را تحریم فرموده است، در مذمت سوء ظن به مردم همین بس که حضرت آن را در کنار کشتن و تجاوز به آبروی مؤمن بیان نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۱/۷۲)

## ۲-۱۸- عیب پوشی و حفظ اسرار

سیره پیامبر ﷺ همواره بر حفظ اسرار و عیب پوشی ازدیگران بود و پیروان خویش را نیز به این امر توصیه می فرمود، آن حضرت به سبب شرح صدر خویش، کسی را رسوا نمی کرد و تا آنجا که امکان داشت، عذرهای مردمان را می پذیرفت، ایشان حتی پرده کفر منافقان را نیز نمی درید و با آنکه به خوبی از همه چیز آگاه بود، همواره پنهانشان می داشت تا آنانکه شایسته تربیت و هدایتند، به راه هدایت آیند و اسرار مردم از پرده برون نیفتد، می فرماید: «مَنْ سَتَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يَفْضَحْهُ سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (سیوطی، بی تا: ۶۰۹/۲؛ حرعاملی، بی تا: باب ۳۲، ح ۷)؛ هر که بر عیب برادر مسلمانش در دنیا پرده پوشد و او را رسوا نسازد، خداوند در قیامت، عیب او را بپوشاند.

## ۲-۱۹- چشم پوشی و تغافل

«تغافل» به معنای چشم پوشی از خطای دیگران است که اگر به جا و مصلحت آمیز باشد، از صفات حمیده به شمار می آید، تغافل اساس ارتباطات میان فردی می باشد که با نبود آن، افراد در معاشرت با یکدیگر دچار مشکل می شوند.

به نمونه ای از این سیره پیامبر ﷺ در اینجا اشاره می شود: منافقین در غیاب پیامبرگرامی ﷺ زیاد بدگویی می کردند و با سخنان ناروای خود حضرت را می آزرند، حضرت نیز از زشت گویی های آنها به خوبی آگاه بود؛ ولی سیاست تغافل به کار می بردند و به روی خود نمی آوردند، گاهی به منافقین خبر می رسید که بدگویی ها و سخنان زشت شان به گوش پیامبر ﷺ رسیده است؛ لذا برای آنکه چاره جویی کنند و خود را از تنگ رسوایی مصون دارند، به طور حضوری شرفیاب می شدند و گفته های خود را انکار کرده، اظهار می کردند ما چنین حرف هایی را نکرده ایم، حضرت نیز با آنکه می دانستند آنها دروغ می گویند، با این حال تکذیبشان را می پذیرفتند و در ظاهر

حرف‌هایشان را قبول می‌کردند، حضرت با این عمل خویش قصد سازندگی و اصلاح آنها را داشتند تا اگر کسی از سر ناآگاهی راه به خطا رفته است، با گذشت و بزرگواری آن اسوهٔ حسنه، به مسیر اصلی برگردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۶/۸-۲۷).<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup>

از این مهم‌تر رفتار مهربانانه و انعطافی پیامبر ﷺ با مردم در هنگام اقتدار سیاسی است که نمونه‌ای از آن در روز فتح مکه متجلی گشت، در آن روز سرنوشت که پس از سالیانی جهاد و مشقت، مکه را فتح کرد و آنان را به زانو درآورد، می‌توانست انتقام آزارها و اهانت‌ها و قتل و غارت‌ها را بگیرد، اما پیامبر ﷺ فرمان عفو عمومی صادر نمود و از تقصیر همگان گذشت کردند جز چند نفر که بیش از حد، معاند و پلید بوده و از ائمهٔ کفر به حساب می‌آمدند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۴/۴۹)، الفت دادن قلوب به دین خدا سیاستی حکیمانه است؛ دعوت‌گر فرزانه با تمام وسایل مشروع کینه را از دل مردم می‌زداید و سپس نهال محبت و مودت را در آن می‌نهد (حبش، ۱۳۸۸: ۲۲۴)، آری این است رمز مدیریت و حکومت بر جان‌ها.

## ۲-۲۰- شفتت و عشق به کار

زمانی یک مدیر کارایی خواهد داشت و در مدیریت خود موفق خواهد بود که عاشق کار خود باشد و به آن عشق بورزد و در نتیجه دیگران به عشق او به کار دل ببندند، مدیریت تحمیلی کارایی ندارد، هر کس ارزش کار خود را بداند و به آن عشق بورزد آن کار را به نحو احسن و بدون هیچ نقص و عیب و کم کاری، انجام خواهد داد.

پیامبر اکرم ﷺ عاشق کارش بود و در این امر، تمام مرارت‌ها و سختی‌ها را با جان و دل قبول می‌کرد و لب به شکایت نگشاد، او عاشق هدایت بود و آنچه‌ان به کارش عشق

۱. به نقل از: ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره ۱۴۹.

۲. البته این اصل را باید در حوزهٔ حقوق شخصی آن حضرت، تطبیق داد نه در مورد حق الناس و حقوق الهی چراکه در این حوزه‌ها، سخت‌گیر و نفوذناپذیرند؛ چنانچه قرآن در موردش می‌فرماید: «اشداء علی الکفار و...» عکس‌العمل پیامبر ﷺ در برابر منافقان، کفار و مشرکین مکه این بود: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ بارالها قوم مرا مورد رحمت و مغفرت خویش قرارده؛ زیرا اینان حقیقت را نمی‌دانند. (الهامی نیا، بی‌تا: ۱/ ۱۲).

می‌ورزید که بعضی از مواقع به خاطر عدم پذیرش دیگران به شدت متأثر می‌شد به طوری که احتمال می‌رفت جانش را از دست بدهد، چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿... فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ﴾ (کهف/۶)؛ گویی تو می‌خواهی جان خود را بر باد دهی و خویشان را از شدت اندوه هلاک کنی که چرا آنها به این کتاب آسمانی ایمان نمی‌آورند؟ این آیه، خصوصاً واژه اسف، گویای عشق و سوز پیامبر به هدایت مردم است.

اساس و مبنای سیره پیامبر ﷺ بر رحمت و محبت بود و آن حضرت جامعه را با قدرت رحمت و محبت اداره می‌کرد و همین عامل بود که دوستی وی در دل مردم جای گرفت، خداوند در توصیفش می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه/۱۲۸)؛ ما از جانب خود رسولی از جنس شما، از خودتان برای هدایت شما فرستادیم که از فرط محبت و نوع پروری، ناراحتی، پزیشانی و گمراهی شما بر او سخت می‌آید و نمی‌تواند تحمل کند و برای آسایش و نجات شما بسیار حریص و نسبت به مومنان رئوف و مهربان است.

## ۲-۲۱- نصیح و خیر خواهی (مدیریت مشفقانه و پدران)

در مدیریت دینی و الهی، مدیر باید نسبت به به زیر دستانش ناصح باشد، انبیاء که برترین مدیران عالم هستند این چنین بودند: ﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾ (اعراف/۶۸).

«أَمَّا عَلَامَةُ النَّاصِحِ فَأَرْبَعَةٌ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَ يُعْطِي الْحَقَّ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَحَدٍ...»؛ چهار چیز علامت ناصح بودن است:

۱. به حق حکم می‌کند؛
۲. نسبت به خود هم به حق قضاوت می‌کند؛
۳. هر آنچه برای خود می‌پسندد برای مردم هم می‌پسندد؛
۴. بر کسی ستم نمی‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰/۱).

## ۲-۲۲- صلابت و قاطعیت

در سیره پیامبر اعظم ﷺ تعالیم و آموزش الهی بر اصل سیاست، رأفت و نرمش

استوار است، اما گاه نیز صلابت و قاطعیت بدون هیچ تسامح و گذشت، ضروری است، اگر قاطعیت و سخت‌گیری و به اصطلاح خشونت نسبت به دشمنان و منافقان و متخلفان نباشد، طمع دشمنان نسبت به چنین ملتی تحریک می‌گردد و بزهکاری در جامعه زیاد می‌شود؛ زیرا بزهکاران احساس امنیت کامل نموده و در خلاء خشونت قانونی، امنیت ملی جامعه را بر هم زده و باعث سلب آسایش مردم می‌شوند، عدالت تأمین نشده و فساد و بی‌عدالتی فراگیر می‌شود، پس از باب رحمت به مردم، سخت‌گیری و خشونت لازم می‌شود، بر همین اساس خداوند در توصیف پیامبر ﷺ و اصحاب گرامی اش فرمودند: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ...﴾ (فتح/ ۲۹)؛ محمد ﷺ فرستادهٔ خداست و افرادی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید هستند... در سورهٔ انفال نیز خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد: ﴿... فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ...﴾ (انفال/ ۵۷)؛ کسانی را که با تو در جنگ هستند، تار و مار کن.

## ۲-۲۳- همزیستی مسالمت آمیز

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز از جمله اصولی است که در سیاست خارجی پیامبر ﷺ نقش اساسی دارد، اما در این زمینه سؤالاتی مطرح است که آیا اسلام در روابط خارجی خود اصل را بر جنگ قرار داده است و یا صلح؟ عده‌ای با استناد به بعضی آیات می‌تازند که اسلام تأکید به جنگ دارد تا صلح که به نظر می‌رسد این عده دچار اشتباه شدند، اما آیات زیادی داریم از جمله آیهٔ ۲۰۸ از سورهٔ بقره که بیان می‌دارد هدف غایی و نهایی اسلام دستیابی به صلح است و این چیزی است که در سیرهٔ پیامبر هم کاملاً مشهود است؛ زیرا پیامبر جنگ را به‌عنوان آخرین راه چاره می‌دیدند و وهله نخست دیپلماسی در حکم منادی و پیشاهنگی بود که رسالت اسلام را قبل از آغاز جنگ ابلاغ می‌کرد (خدوری، ۱۳۸۹: ۳۷۲).

پیامبر ﷺ هر جا که شرایط را مناسب می‌دیدند به رویکرد صلح روی می‌آوردند که نمونهٔ آشکار آن صلح حدیبیه بود، در کنار این سیاست‌های عمده، به نظر می‌رسد که پیامبر با رفتارهای جزئی‌تر و فردی‌تری که از خود نشان می‌دادند، سعی در استفاده از

شیوه‌های مختلف برای ارتباط با دشمنانش را داشتند، محمدحسین هیکل به این نکته اشاره می‌کند که شخص پیامبر حاضر بود در صورت داشتن آزادی برای دعوت به دین خدا، با قریش پیمان ببندد تا در نتیجه شرایط صلح بیشتر حاکم باشد تا جنگ و نزاع با آنها (هیکل، ۱۳۸۰: ۳۴۷).

## ۲-۲۴- اصل رحمت و محبت در اداره امور

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های موفقیت یک مدیر در امر رهبری مردم، رحمت و محبت است و رسول خدا ﷺ در اداره امور پیش از هر چیز از رحمت و محبت بهره می‌گرفت، خداوند هم او را با این ویژگی در ادارل امور معرفی کرده است، به بیان قرآن حضرت به سبب رحمتی از جانب خداوند، در مدیریت خود از محبت، مدارا و ملایمت به نیکویی بهره‌مند شده است و اگر چنین نبود آن شیوه اداره مطلوب، حاصل نمی‌شد (آل عمران/۵۹).

آن حضرت در مدیریت خود به چنان محبت و ملایمتی دست یافته بود که به سبب آن بسیاری از موانع اداره جامعه را رفع کرد، اگر پیامبر ﷺ سخت دل و تند زبان بود هر آینه امتی فراهم نمی‌شد و مردم از گرد او پراکنده می‌شدند (انبیاء/۱۰۷).

محبت و گذشت و بزرگواری آن حضرت بسیاری از مشکلات حل ناشدنی را حل کرد؛ بنابراین خداوند راز موفقیت پیامبر ﷺ در تألیف قلب‌ها را محبت و ملایمت او به توفیق الهی معرفی می‌کند که حضرت با تکیه بر همین عامل جامعه را دگرگون کرد که نمونه این محبت و گذشت را می‌توان در ماجرای فتح مکه مشاهده کرد (ابن هشام، بی‌تا: ۱۴۴/۴).

## ۲-۲۵- اصل شرح صدر

وجود شرح صدر (برخورداری از قوت وجودی و تحمل ناملایمات و غلبه بر مشکلات)، برای مدیریت و هدایت چنان اهمیت دارد که خدای متعال این‌را، منتی برای پیامبر ﷺ بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿الْمَنْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾: آیا سینه‌ات را برای تو ننگشودیم و بار گرانت را از پشتت برداشتیم؟ باری که بر پشت تو سنگینی می‌کرد و... (انشراح/۲۱).

پیامبر ﷺ آنهایی را که نسبت به وی رفتاری زشت می‌کردند با بزرگواری تحمل می‌کرد و هدایتشان می‌نمود که نمونه آن پس از غزوة حنین است؛ هنگامی که رسول خدا ﷺ غنایم جنگ را تقسیم می‌کرد مردی از بنی تمیم به نام حرقوص بن زهیر یا ذوالخویصره نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای محمد! دیدم که امروز چه کردی، رسول خدا ﷺ فرمود: چگونه دیدی؟ گفت: ندیدم که عدالت کنی، پیامبر ﷺ فرمود: وای بر تو! اگر عدالت نزد من نباشد نزد که خواهد بود؟ عمر بن خطاب برخاست تا او را بکشد؛ ولی پیامبر ﷺ از این کار نهی فرمود (ابن هشام، بی‌تا: ۱۴۴/۴).

## ۲-۲۶- اصل عدم احتجاب

احتجاب به معنای حایل و مانع است و رسول خدا ﷺ پرهیز داشت که میان وی و مردم مانع و حایلی وجود داشته باشد و چیزی مانع ارتباط مستقیم آن حضرت و مردم باشد؛ به طوری که سخن ایشان را نشنود و دردشان را نکشد و مشکلاتشان را برای وی مطرح نکنند، پیامبر ﷺ از سیره ملوک و سلاطین و نوع نشست و برخاست و تشریفات آنها به شدت بیزار بود و هیچ خوش نداشته به پادشاهان شبیه شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۲/۱۶)، پیامبر فاصله‌ها را بر می‌داشت و ابتهای دروغین را می‌شکست، وی ارتباط تنگاتنگی با مردم داشت به گونه‌ای که بخشی از اوقات منزل خویش را به مردم اختصاص می‌داد..... (فیض کاشانی، بی‌تا: ۱۲۵/۴).

## ۲-۲۷- اصل اقامه حق و عدل

پیامبر در اداره امور جز به برپایی حق و عدل نمی‌اندیشید و کارگزاران خود را به آن فرمان می‌داد، دستورالعمل‌ها و فرمان‌های حکومتی آن حضرت گویای آن است که برپایی حق و عدل و لوازم آن باید به عنوان بنیادی‌ترین اصل پیوسته حفظ شود که از آن جمله عهدنامه معاذ بن جبل است که پیامبر ﷺ وظایف او را برای اداره امور براساس حق و عدل مشخص ساخته است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰/۱).

رسول خدا ﷺ به هیچ یک از نزدیکان خود اجازه نمی‌داد که رعایت مساوات در اجرای حق و قانون را برهم زنند؛ به طوری که وقتی کنیز ام سلمه را برای اجرای حد دزدی نزد پیامبر آوردند و ام سلمه از او نزد پیامبر شفاعت کرد، پیامبر ﷺ به او فرمود:



این حدی از حدود خداوند است که ضایع نمی‌گردد (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۷/۲)، و آنگاه دست آن کنیز را برید و ملاحظهٔ همسر خود را نکرد، آن حضرت بر رعایت تساوی حقوق تأکید داشت که در نبردها اهل بیت خود را پیشاپیش لشکر قرار می‌داد و آنها پیش از هر کسی در راه اسلام تلاش می‌کردند و آسیب دیدند (نهج البلاغه، نامه ۹).

## ۲-۲۸- اصل تصمیم‌گیری در مدیریت

مسئلهٔ تصمیم‌گیری در مدیریت، تعیین‌کنندهٔ سرنوشت است و از این رو باید بر اصول و مبانی درستی استوار باشد و گرنه نظام امور یا متزلزل و آشفته می‌شود و یا اسیر خود محوری‌ها و استبداد رأی می‌گردد، لازمهٔ تصمیم و عمل درست، کسب اطلاعات و اخبار کافی و صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۴۸/۳-۱۴۹).

رسول خدا ﷺ در تمام نبردهای خود بر اساس اطلاعات و اخبار کسب شده از وضع دشمن تصمیم‌گیری و عمل می‌کرد که از نمونه‌های آن، تصمیم حضرت در جنگ بدر بود (همان، ۹۲/۷-۱۰۰)، در واقع این تصمیم پیامبر ﷺ بر اساس ایمان‌گرایی و خدا محوری بوده است؛ زیرا پیامبر ﷺ با یاران خود بدون مقایسهٔ تجهیزات و امکانات دشمن، با آنها درگیر و سرانجام پیروز شدند.

## ۲-۲۹- اصل واگذاری مسئولیت

سیرهٔ پیامبر ﷺ چنان بود که کارها را بسیار خوب تقسیم می‌کرد و افراد مناسب را برای هر کار می‌یافت و پس از مشخص کردن، مسئولیت کار را به او می‌سپرد و سپس پیگیری می‌کرد، از مسئولان خود بازخواست می‌کرد که چگونه عمل کردند، اینگونه نبود که به سبب اعتماد و اطمینان به کسی کار او را پیگیری نکند و از او دربارهٔ عملکردشان پرسش ننماید، به طوری که وقتی علی رضی الله عنه را فرمانده سپاه اعزامی به یمن قرارداد دربارهٔ چگونگی عملکرد علی رضی الله عنه از مردم پرسید که نحوهٔ عملکردش به‌عنوان فرمانده سپاه در ادارهٔ سپاه چگونه بوده یا رفتار او با زیر دستانش چگونه بوده است (طبرسی، بی‌تا: ۵/۵۶۷)، و همیشه عملکرد و حساب کارگزارانش را با دقت رسیدگی می‌کرد تا شخص احساس کند که مراقبتی از بیرون هم وجود دارد و رفتار و مسئولیت کارگزاران خود را مخفیانه زیر نظر دارد، حضرت ضمن گذاشتن مأموران مخفی و

رسیدگی دقیق به امور کارگزاران به کار آنها نظارت داشت و از آنها حساب خواهی می‌کرد و آنهایی را که در انجام دادن مسئولیت خود و امانت‌داری کوتاهی کرده‌اند، مورد مؤاخذه قرار می‌داد و یا در صورت لزوم مجازات می‌کرد.

خلاصه اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دورهٔ مدیریت خود آنچه‌ان عمل کرد که شخصیت‌های بزرگ جهان در جای جای آثار خود از آن حضرت به‌عنوان نمونهٔ منحصر به فرد نام می‌برند، جان دیون پورت، دانشمند معروف انگلیسی، می‌نویسد: محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک نفر عرب ساده، قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنهٔ کشور خودش را مبدل به یک جامعهٔ فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین، آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، این طرز و این روش، امپراتور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد، سوریه و بین‌النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنهٔ فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانهٔ دریای خزر و و تا رود سیحون بسط داد. (جان دیون پورت، ۱۳۴۸: ۷۷).

### ۳. جایگاه زن جلوه‌ای از مدیریت و حیانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در زمانی که دختران را زنده به گور می‌کردند و برای زنان ارزشی قائل نبودند، مردی از سوی خداوند به رسالت و نجات انسان مبعوث شده که نه تنها زنان را زیر بار ظلم و ستم تاریخ قبل از بعثت در تمام جهان آن روز نجات داد، بلکه زنان را در امور مختلف ادارهٔ کشور مشارکت داده و تا حد زیادی به بلوغ فکری و سیاسی رسانده است، آن سفیر خداوند در زمین، زن را در همهٔ حوزه‌ها، از نظر حقوق انسانی، چون مردان و برابر با آنان انگاشته و البته در حوزه‌ای چون خانواده، جایگاهی فراتر و مهم‌تر

۱. نظرات اقوام و ادیان آن‌زمان در خصوص جایگاه زن، جلوه‌های بارزی از آن دوران را معرفی می‌نماید. قرآن کریم نیز برای یادآوری رفتارهای جاهلانه آن‌زمان، به این واقعیت اشاره می‌کند: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ \* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (نحل/۵۸)، نمونه‌هایی چون جریان قیس بن عاصم که نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتراف می‌نماید که سیزده فرزند دخترش را زنده به گور نموده در تاریخ شرمگین جاهلیت ثبت است (حسینی، اکرم و گلپور، رضا، نمایی از مظلومیت زن در جاهلیت قدیم و جاهلیت مدرن، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۲).

از مردان، به زنان اعطا نموده است تا آنجا که زنان می‌توانند با رعایت حدود اسلامی، در حوزه‌های عمومی حضور یابند و در عین حال، نقش مهم همسری و وظیفه‌خاطر و حساس مادری را به نحو احسن ایفا کنند و نسل آینده را به بهترین شکل، روانه اجتماع سازند.

بر خلاف جامعه آنروز عرب که زن در آن، فقط ابزاری در دست مردان و از جایگاهی حتی پست‌تر از حیوانات برخوردار بود، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دین خود، برای زنان جایگاه ویژه‌ای قائل شدند که نه تنها در آن‌زمان غیر قابل تصور بود، بلکه دنیای امروز با همه ادعایش در ایجاد حقوق مساوی میان زن و مرد، هنوز نتوانسته راه اعتدال را در پیش گیرد و این نشان از نبوغ الهی پیامبر خاتم دارد، در اینجا چند نمونه از این مشارکت‌ها که شکوفایی استعدادهای زنان را در عصر بعثت نشان می‌دهد، به اختصار ذکر می‌شود:

### ۳-۱- اهمیت به آموزش زنان

اهمیت به دانش و علم آموزی و شناخت اصول و فروع دین به زنان، آن‌قدر از نظر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهمیت دارد که در مقابل خواسته زنان روزی از روزهای هفته را به این مطلب اختصاص می‌دهد و به زنان فرمود: در فلان روز و فلان جا گرد هم آیند تا شما را آموزش دهم و رسول خدا از مطالب و حیانی به آنان آموخت (حجاج نیشابوری، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۸، بخاری، ۱۴۰۷: ۳۹/۸).

از این روایت از یک طرف علاقه وافر حضرت به علم آموزی به دست می‌آید و از سوی دیگر حضور زنان در جامعه به راحتی قابل رؤیت است.

### ۳-۲- تساوی در کسب معارف و دانش‌آموزی

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به کرات می‌فرمایند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»؛ طلب علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

توجه به این حدیث ما را به دو نکته رهنمون می‌سازد: نکته اول به کار بردن لفظ «فریضه» است که به اهمیت کسب دانش به صراحت تأکید می‌کند و دیگر اینکه علم آموزی را برای زن و مرد به‌طور یکسان مطرح می‌کند و برای هر دو واجب می‌داند و

این نکته حائز اهمیت است که در جامعه‌ای که حتی نیمی از مردان علم نیاموخته‌اند<sup>۱</sup>، رسول اکرم صلی الله علیه و آله این سفارش را به همه زنان و مردان دارد (حکیمی، ۱۳۶۰: ۷۰/۱).

### ۳-۳- مشارکت اقتصادی زن در جامعه

متون تاریخی از فعالیت اقتصادی زنان در صدر اسلام خبر می‌دهد، به‌عنوان نمونه: زینب دختر جحش اسدی در صنایع دستی شهرت داشته است، همسر عبدالله بن مسعود صاحب حرفه دستی بود، قیله انماری تاجر بوده و در باب داد و ستد از پیامبر صلی الله علیه و آله راهنمایی خواسته است، حواء زنی بود که در مدینه عطاری داشت، ملیکه ثقفی عطر فروش بود، سعیره اسدی پارچه بافی داشت و از پشم و مو پارچه درست می‌کرد، خاله جابر بن عبدالله انصاری نخل‌داری می‌کرد، شفاء دختر عبدالله قریشی، خالده دختر انس انصاری و اسماء دختر عمیس، صاحب حرفه و مشاغل بوده‌اند و درباره شغلشان از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه گرفته بودند، اسماء و ام رعله قشیری و آمنه دختر عفان خواهر عثمان آرایش‌گر زنان بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله در این شغل به آنها اجازه داده بودند (حجازی دوست، ۱۳۹۷، به نقل از: آیینه‌وند، ۱۳۸۵)، پاره‌ای مانند ام صفیه خوله حصیر بافی می‌کردند، زنانی نیز به امور احشام و دام می‌پرداختند، بعضی از زنان در عصر نبوی کتابت می‌دانستند و به تعلیم آن می‌پرداختند، شفاء دختر عبدالله بن عبد شمس عدوی از این زنان بود و پیامبر به ایشان دستور تعلیم خط به زنان داده بودند، در الأغانی آمده که عاوسه نجوم می‌دانست، دکتر جلالی به‌طور جامع مشاغل زنان را بر ۱۶ قسم آورده است: صنایع دستی، نخ‌ریسی، پارچه بافی، دست‌فروشی، آرایش‌گری، دامداری، چوپانی، زمامداری (استر و شتر)، کشاورزی و باغداری، دباغی، خرازی، خیاطی، خدمت‌کاری و نظافت، شیردهی، حضانت و نگهداری اطفال، بازرگانی، کار اداری بازار، انتظامات، پرستاری و خدمات ضروری و پزشکی و جراحی (همان).

همه این موارد نشان‌دهنده آن است که جامعه عصر بعثت شاهد حضور طبیعی زن مسلمان در عرصه علمی و اجتماعی و اقتصادی بوده و این فعالیت‌ها مورد تأیید پیامبر بوده است.

۱. در شبه جزیره عربستان حدوداً ۱۷ نفر دارای سواد بودند.

### ۳-۴- مشارکت در فعالیت‌های پزشکی

ابن اسحاق نقل می‌کند: پیامبر خدا، سعد بن معاذ را در خیمه زنی از خاندان اسلم قرار داده بود که او را رفیده می‌نامیدند، این خیمه را در مسجد برافراشته بود و در آن، مجروحان را درمان می‌کرد و به رایگان، به کسانی از مسلمانان که گرفتاری داشتند، خدمت می‌کرد، پیامبر خدا ﷺ هنگامی که در نبرد خندق، تیری به سعد اصابت کرد، به کسان وی چنین فرمان داده بود: او را به خیمه رفیده ببرید تا وی را از نزدیک، عیادت کنم، کعبیه دختر سعد اسلمی خیمه در مانگاه در مسجد بر پا کرده بود و به مداوای بیماران و مجروحان می‌پرداخت، رفیده انصاری نیز برای مداوای بیماران و مجروحان در مسجد خیمه زده بود، سلمی زن ابو رافع و سوده دختر مسرح هر دو قابله بودند (همان).

### ۳-۵- زنان در عرصه سیاسی

بیعت زنان با رسول خدا ﷺ در روز عید فطر و همچنین بیعتشان در روز فتح مکه، بیانگر حضور آنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی است و این حضور در عصر بعثت و در دوره حاکمیت نوپای اسلام توسط پیامبر بارها تکرار شده است، در منابع تاریخی آمده است: ام ایمن در غزوه احد حاضر بود و آب به لشکریان می‌داد و مداوای مجروحان می‌نمود و همچنین در غزوه خیبر با رسول خدا بود و ممکن نبود این زن با آن محبت مفرطه به رسول خدا بتواند آرام بگیرد، در مدینه و از احوالات آن حبیب ذوالجلال بی خبر بماند (محللاتی، بی تا: ۳۳۲).

### نتیجه‌گیری

پیامبر اعظم ﷺ که قرآن وی را به عنوان نمونه بهترین اسوه و الگو معرفی کرده است، در تمام جهات برای همه مردم جهان اسوه و نمونه است، پیامبر توانست جامعه را بر اساس اصولی خاص به بهترین وجه اداره کند و توانست با این اصول و روش وحیانی، جامعه‌ای آرمانی به وجود بیاورد که در این حکومت حق ضعیف از قوی به خوبی گرفته شود و حکومتی پر از عدل و داد برای مردم تشکیل دهد، ایشان با این اصول، حکومت و مدیریت خود را با روش منحصر به فرد اعمال نموده که نتیجه آن این شد

که قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه جزیره العرب آنروز را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین، آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، این طرز و این روش، امپراتور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد، سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و و تا رود سیحون بسط داد، هر چند اصولی که در این جامعه، پیامبر بر مبنای آن عمل کرد فراتر از این مواردی است که در این پژوهش آمده؛ ولی مهم‌ترین اصول مدیریتی پیامبر ﷺ در اداره جامعه شامل این مواردی بود که در این مقاله به آن اشاره شد، رهبری و مدیریت پیامبر ﷺ در اداره جامعه و نمونه‌سازی از مردم، می‌تواند برای تمام جوامع بشری در تمامی اعصار، الگو و نمونه‌ای برای تشکیل جامعه‌ای موفق باشد که اگر حکومت‌های اسلامی بر مبنای این سیره عمل کنند به موفقیت نائل می‌شوند.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن تیمیه، تقی الدین، الحاوی فی تخریج أحادیث مجموع الفتاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الأولى، ۱۴۱۵.
۴. ابن شعبه حرانی، أبو محمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين، الطبعة الثاني، ۱۳۶۳.
۵. ابن هشام، عبد الملك، سيرت رسول الله، ترجمه، اسحاق ابن همدانی، بنیاد فرهنگ ایران، بی‌تا.
۶. ابن اثیر، عزالدین احمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، داربیروت، ۱۹۶۵.
۷. ابن حزم اندلسی، ابو محمد، جوامع السیره، تحقیق، احسان عباس، مصر، دارالمعارف، بی‌تا.
۸. ابن شهاب زهری، محمد بن مسلم، المغازی النبویه، تحقیق، سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
۹. ابن قیم جوزی، ابو عبدالله شمس الدین، الفروسیه، بیروت، مطبعة الأنوار، ۱۳۶۱.
۱۰. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد، سنن المصطفی، تحقیق عبدالباقی، بیروت، المكتبة العلمیه، بی‌تا.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۱۲. انصاری، ناصرالدین، غرر الحکم و درر الکلم، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
۱۳. احمدی، محمدرضا در آمدی بر سیره مدیریتی پیامبر اعظم ﷺ، مجله حصون، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۹.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، شرح، قاسم الشماعی، چاپ اول، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷.
۱۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، بی‌تا.

۱۶. تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، چاپ دهم، تهران، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۷. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵.
۱۸. جان، دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه، سید غلامرضا سعیدی، قم، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۴۸.
۱۹. چوبینه، سجاد، سیره مدیریتی پیامبر ﷺ، مجله فرهنگ جهاد، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۳ و ۴۴.
۲۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
۲۱. حسینی، اکرم و گلپور، رضا، نمایی از مظلومیت زن در جاهلیت قدیم و مدرن، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۲).
۲۲. حکیمی، محمد رضا، الحیة، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
۲۳. زمخشری، جار الله، ربیع الأبرار ونصوص الأخیار، بیروت، مؤسسه الأعلمی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، تحقیق، قسم الدراسات الاسلامیة. قم المقدسه، مؤسسه البعثة، بی تا.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم، تحقیق، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین المشرفة، بی تا.
۲۸. —، مکارم الاخلاق، محقق، محمد حسین اعلمی، قم، مؤسسه اعلمی، بی تا.
۲۹. —، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۳.
۳۰. عسکری، سید مرتضی، عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی، ترجمه، سید احمد فهری، ۱۳۹۲.
۳۱. فروزنده دهرکدی، لطف الله، مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.
۳۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الشافی فی العقاید و الأخلاق و الأحکام، محقق، مهدی انصاری قمی، تهران، نشر لوح محفوظ، ۱۳۸۳.
۳۳. —، المحجة البيضاء، تصحیح و تعلیق، علی البر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۳۴. قرطبی، ابوعبدالله محمد، الجامع لأحكام القرآن، قاهره، دارالکاتب العربی، ۱۹۶۷.
۳۵. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، شرح نووی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷.
۳۶. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الأصول من الکافی، چاپ چهارم، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵.
۳۷. ماوردی، علی بن محمد، الأحکام السلطانیة، قم، مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۶.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۹. مردانی، خیرالله، حقوق زن از نظر تاریخ ملت‌ها و اسلام، تهران، انتشارات آئین جعفری، ۱۳۶۱.
۴۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۵.
۴۱. —، الإدارة و القيادة فی الإسلام، چاپ اول، قم، دار النشر الإمام علی بن ابی طالب علیهما السلام، ۱۴۳۰.
۴۲. الهامی نیا، علی اصغر، تبلیغ در قرآن [منبع الکترونیکی]، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام





## آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر\*

□ سیدعلی اصغر حسینی محمدآباد<sup>۱</sup>

### چکیده

تربیت اخلاقی، به دلیل نقشی که در رشد و تعالی افراد و جوامع دارد، از دیرباز تا کنون، مورد توجه کتب آسمانی، پیامبران و اندیشمندان دینی و غیردینی، بوده است، در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران نیز، به این مهم توجه شده است، با این حال، بررسی میدانی میزان پایبندی افراد جامعه ایران به ارزش‌های اخلاقی، فاصله‌ای بسیار زیاد، میان رشد اخلاقی افراد جامعه و محتواها و ظرفیت‌های اخلاقی موجود در منابع دینی و ملی ما را نشان می‌دهد، از این رو، این پژوهش در پی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر و بیان راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها است. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع مکتوب و مصاحبه با صاحب نظران می‌باشد، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر، در چند محور قابل ارزیابی است: ۱. آسیب‌های فردی؛ ۲. آسیب‌های ناشی از نظام خانواده؛ ۳. آسیب‌های ناشی از نظام آموزشی و تربیتی؛ ۴. آسیب‌های ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. بنابراین، راه‌های مقابله با این آسیب‌ها نیز در چند محور، ارائه شده است: ۱. نقش افراد؛ ۲. نقش خانواده‌ها؛ ۳. نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی؛ ۴. نقش رسانه‌ها؛ ۵.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸.

۱. معاون دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

نقش حکومت اسلامی؛ ۶. نقش همهٔ مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت اخلاقی، آسیب‌شناسی، ایران معاصر

## ۱. اهمیت تربیت اخلاقی

اخلاق و تربیت اخلاقی با توجه به نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز، مورد توجه پیشوایان دینی و اندیشمندان دینی و غیر دینی بوده‌است. بیشترین بخش آموزه‌های دین یهود، مسیحیت و اسلام و سایر ادیان، آموزه‌های اخلاقی است و اغلب فعالیت‌های بزرگان این ادیان، در جهت تربیت اخلاقی مخاطبان بوده است (داودی، ۱۳۸۵).

با این حال، در دورهٔ بعد از رنسانس، در غرب، به خاطر عواملی چون عملکرد بد کلیسا، گسترش فلسفه‌های تجربه‌گرا و ماده‌گرا، اومانیسیم و انسان‌محوری و نفی کاشفیت هر چیزی به‌جز انسان و عقل و خواست او و به انزوا بردن دین و خداوند از زندگی و جامعهٔ انسانی، با کم‌مهری و بی‌توجهی مواجه و گاهی با آن، مبارزه شد (کاردان، ۱۳۷۹؛ غفاری، ۱۳۸۲). این امر سبب شد که این کشورها، از نظر فردی و اجتماعی دچار آسیب‌های جدی شوند.

بنابراین، این تجربهٔ تلخ نشان داد که انسان، خواه مؤمن به دینی باشد یا نباشد، هیچ‌گاه، بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست، از این‌رو، امروزه، تربیت اخلاقی از موضوعات مهم و مورد توجه اندیشمندان حوزهٔ تعلیم و تربیت، مربیان، معلمان و والدین در مغرب زمین شده است و تحقیقات متنوع و متعددی در این زمینه، انجام گرفته و می‌گیرد (داودی، ۱۳۸۵).

قرآن، کتاب اخلاق و تربیت است و از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز اخلاقی و ارائه اصول و روش‌های تربیت اخلاقی هماهنگ با فطرت توحیدی انسان است (فیروزمهر، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۲)، قرآن، بهترین نسخهٔ شفابخش بیماری‌های روحی مؤمنان است (اسراء/۸۲). و در قرآن، همهٔ انسان‌ها به کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی، دعوت شده‌اند (نحل/۹۰)، افزون بر این، خداوند، هدف از نزول قرآن را پرورش همه

جانبه انسان‌ها (تزکیه/)<sup>۱</sup>، بیان داشته (جمعه/۲)، و تمام معارفی که در قرآن مطرح شده، در این راستا، قابل ارزیابی است (تاج‌الدین وپازرگادی، ۱۳۸۸). قرآن، کتاب و برنامه جامع تربیت است (فیروزمهر، ۱۳۹۳: ۱۳۹). این کتاب، انسان‌ها را به گام نهادن در مسیر رشد و تربیت تشویق نموده، ویژگی‌های نیک اخلاقی و صاحبان این ویژگی‌ها را ستوده (فرقان، ۶۳-۷۶). و خصوصیات بد اخلاقی و صاحبان آنها را، نکوهش کرده است (ماعون، ۱-۷). پیامبر اسلام ﷺ نیز، هدف از بعثت خویش را، به کمال رساندن مکارم اخلاق بیان داشته،<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰/۱۶). فرموده‌اند، اسلام، همان داشتن اخلاق نیک است<sup>۳</sup> (متقی‌هندی، ۱۴۰۹: ۱۷/۳).

با توجه به اهمیت تربیت اخلاقی نزد جوامع مختلف، امروزه، در روان‌شناسی و علوم تربیتی، رویکردهای متنوع و زیادی در زمینه تربیت اخلاقی (مانند: رویکرد شناخت و رشد استدلال اخلاقی<sup>۴</sup>، رویکرد تربیت منش<sup>۵</sup> و رویکرد دل‌مشغولی<sup>۶</sup>)، وجود دارد که هر کدام، مبانی، اهداف، اصول و روش‌های متفاوتی برای تربیت اخلاقی دارند (داودی، ۱۳۸۵).

تربیت اخلاقی، برای ایجاد و حفظ سلامت، نشاط و رشد فردی و اجتماعی و رسیدن به پیشرفت و سعادت در دنیا و آخرت، امری لازم و ضروری است، در مقابل نبود تربیت اخلاقی کارآمد، آسیب‌های فردی و اجتماعی، چون بحران هویت، اعتیاد، خودکشی، فساد اخلاقی، ناسازگاری و مانند اینها را به دنبال دارد (رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد، ۱۳۹۵). از این رو در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، به تربیت اخلاقی جامعه ایرانی، توجه شده است، بر اساس این سند، جامعه ایرانی در افق

۱. محمدحسین فضل‌الله در بیان معنی واژه «تزکیه» می‌گوید: تزکیه به معنای از میان برداشتن تمام موانعی است که در مسیر رشد و تربیت همه جانبه انسان قرار دارد؛ به گونه‌ای که انسان در اندیشه، اخلاق و رفتار خویش، از بدی‌ها و پستی‌ها، پاک شده، به رشد شایسته خود برسد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰۶/۲۲).

۲. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

۳. «الاسلام، حسن الخلق».

4. Moral Reasoning

5. Character Education

6. care approach

این چشم‌انداز، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

«توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی...» (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲). به همین دلیل، در سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، به تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی توجه ویژه‌ای شده است، در این سند، بخش مهمی از اهداف آموزش و پرورش، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است، مثلاً در بند اول فصل چهارم (هدف‌ها)، اولین هدف نظام آموزش و پرورش را اینگونه ترسیم کرده است:

«تربیت انسانی موحد و مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیاء، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانونمدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹)

با توجه به این هدف، در فصل دوم (بیانیه مأموریت)، مسئولیت تعلیم و تربیت رسمی عمومی را بر عهده وزارت آموزش و پرورش قرار داده، گفته است:

«وزارت آموزش و پرورش، مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است، این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه‌دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی دوازده پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله)، تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی‌را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد» (همان).

بنابراین، اگرچه در منابع دینی و فرهنگی، سند چشم انداز بیست ساله و سند تحول نظام تعلیم و تربیت توجه و تأکید فراوانی بر تربیت اخلاقی شده است، اما آنچه در جامعه به‌عنوان خروجی و نتیجه تلاش‌های نهادهای تربیتی (خانواده، آموزش و پرورش، رسانه ملی و...) دیده می‌شود، چندان رضایت‌بخش و متناسب با ظرفیت‌های تربیتی فرهنگ شیعی و ایرانی - اسلامی نیست (زادگی میرزایی، ۱۳۹۵). به همین دلیل، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که: «چرا بعد از انقلاب در زمینه تربیت اخلاقی، سبک زندگی و اخلاق اجتماعی، پیشرفت قابل قبولی نداشته‌ایم؟» و «چه موانعی در برابر تحقق اهداف تربیت اخلاقی در ایران معاصر وجود دارد؟» و «فرایند تربیت اخلاقی در ایران امروز، با چه مشکلات و آسیب‌هایی روبرو است؟».

از جمله پژوهش‌هایی که در زمینه آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی نگاشته شده است، می‌توان به پژوهش حسین‌زاده (۱۳۸۶)، اشاره کرده که در پژوهش خود، با آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران، به صورت مختصر، به نقش خانواده‌ها، اجتماع و مدرسه، در ایجاد عوامل آسیب‌زا، اشاره کرده است. گل محمدی و خیراللهی رکن‌آبادی (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود با آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی و اجتماعی جامعه معاصر ایران، پیشنهاد می‌دهد که برای اخلاقی و جامعه‌پذیرتر کردن افراد، باید مسئولان، در زمینه شناخت، ایمان و عمل، بهتر عمل کنند. رسولی شورکی (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود نشان داده است که دست‌یابی به سلامت روانی جامعه، بدون توجه به تربیت اخلاقی و تلاش برای آن، ممکن نیست. هنرجو و همکاران (۱۳۹۴)،

با آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس ایران، به نقش محتوای دروس دینی، معلمان، محیط مدرسه، محیط خانواده و اجتماع در بروز آسیب‌های اخلاقی در دانش-آموزان، اشاره کرده‌اند. پژوهش افشین و همکاران (۱۳۹۵)، نیز با بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، بسیاری از آسیب‌های اخلاقی دانشجویان را ناشی از برنامه‌ریزی ناکارآمد تربیتی در نظام آموزش عالی دانسته است. ذوالقدر نسب و همکاران (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود نشان داده‌اند که پایبندی معلمان و مسئولان مدارس، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دارد. موسوی (۱۳۹۵)، نیز بر این باور است که معلم می‌تواند با تقویت روحیه حقیقت‌جویی و تقویت قدرت تفکر

دانش‌آموزان و با الگوی اخلاقی خوب بودن برای آنان، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اخلاقی دانش‌آموزان، داشته باشد. زادگی میرزایی (۱۳۹۵)، نیز با آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در محیط‌های آموزشی بر اهمیت نقش معلم و محیط مدرسه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، تأکید کرده است. رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد (۱۳۹۵)، نیز با تأکید بر جایگاه خانواده در تربیت اخلاقی کودکان، برخی از آسیب‌های فردی و اجتماعی فقدان تربیت اخلاقی را بیان نموده، راهکارهایی برای تقویت نقش تربیتی خانواده، بیان کرده است. حسینی‌پور عزآبادی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود، ابتدا برخی از عوامل آسیب‌زا در تربیت اخلاقی را بیان نموده، سپس به تبیین نقش محیط، در تربیت یا انحطاط اخلاقی افراد، پرداخته است. پژوهش شیبانی و کریمی (۱۳۹۵)، و شیرزاد کبریا و همکاران (۱۳۹۵)، نیز جایگاه خانواده و مسجد را در تربیت اخلاقی کودکان نشان داده است. پژوهش ذاکریان و متعجبیان (۱۳۹۵)، نیز به بررسی نقش رسانه‌های جمعی در رشد یا انحطاط اخلاقی و اجتماعی جامعه، پرداخته است.

بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد پژوهش‌هایی که در زمینه آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران، نگاشته شده است، اغلب، قدیمی بوده، افزون بر این، دارای نظم منطقی و انسجام نبوده‌اند، از سوی دیگر، این پژوهش‌ها، ناقص بوده و تنها به برخی از آسیب‌ها، اشاره کرده‌اند، همچنین، این پژوهش‌ها، راهکارهای مناسب برای جلوگیری و درمان این آسیب‌ها، پیشنهاد نداده‌اند، از این رو، این پژوهش می‌خواهد آسیب‌های کنونی تربیت اخلاقی ایران را، با نظم و انسجام منطقی، بررسی کرده، راه‌های مقابله با آنها را بیان نماید، لذا، پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است:

۱. آسیب‌های تربیت اخلاقی، در ایران معاصر چیست؟

۲. راه‌های مقابله با این آسیب‌ها، چه می‌باشد؟

روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است؛ به این شکل که برای یافتن آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر و راهکارهای مقابله با آنها، به پژوهش‌های مکتوبی که در این زمینه، وجود داشت، مراجعه شد، اما با توجه به نواقصی که در این پژوهش‌ها وجود داشت و برای اینکه پاسخ به پرسش‌های یاد شده، روزآمد، واقعی، کاربردی و گره‌گشا باشد، با برخی از اساتید و صاحب‌نظران در مسائل تربیت در حوزه

و دانشگاه نیز گفت‌وگو شده، پاسخ‌های ایشان، (با امانت‌داری و حفظ محتوای سخنان ایشان)، به صورت دسته‌بندی شده و منظم، ارائه گردیده است.

## ۲. آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر

در حوزه‌های تربیت و از جمله تربیت اخلاقی، بهداشت جسم و روان و حتی در حوزه‌های پرورش گیاهان و زراعات، آسیب‌شناسی امری مهم به شمار می‌رود، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، دو معنا دارد:

۱. آسیب‌شناسی اخلاقی گاهی به این معنا است که چرا کار تربیتی ما به اهدافی که می‌خواستیم نرسیده است؟ مثلاً مربی می‌خواسته حیا را به متریان، بیاموزد، اما در افراد کمی و به اندازه کم اثر گذاشته است.

۲. گاهی نیز آسیب‌شناسی اخلاقی به این معنا است که چرا کار تربیتی ما، آثار نامطلوبی که مد نظر ما نبوده است، ایجاد کرده است؟ مثلاً مربی می‌خواسته، ایمان متریان را ارتقا دهد، اما در اثر کار تربیتی او، در آنها غرور ایجاد شده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶)، در این پژوهش، منظور از آسیب‌شناسی، هر دو معنای آن است، با توجه به معنای یادشده، آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر، در چند محور قرار دارد:

### ۲-۱- آسیب‌های فردی

اختیار و گرایش درونی انسان به پستی‌ها: «انسان، موجودی است که از جسم مادی و روح الهی متعالی تشکیل شده است؛ به همین دلیل، تمایلات و گرایش‌های انسان نیز دو گونه است: گرایش‌های پست مادی و گرایش‌های عالی معنوی، در این میان، انسان، مختار است و می‌تواند هر کدام از این دو گونه گرایش و تمایل را، انتخاب کرده، در مسیر آنها حرکت کند، بنابراین، اگر تمام شرایط برای تربیت معنوی و اخلاقی انسان فراهم باشد، باز هر فردی اختیار دارد که مسیر رشد و تعالی را انتخاب کند، یا مسیر پستی و انحطاط را. در داستان فرزندان آدم علیهم‌السلام در قرآن کریم، قایل که به خاطر حسادت خویش، هابیل را می‌کشد، نمی‌توان گفت که علت این کار قایل، تربیت بد خانوادگی، شرایط بد اجتماعی و مانند آنها است؛ بلکه این تمایلات پست

حیوانی قابیل است که او را به کشتن برادرش برمی‌انگیزد و قابیل نیز همین تمایلات را انتخاب کرده، مرتکب قتل می‌شود» (نقی‌زاده، ۱۳۹۶). بنابراین، تربیت یک امر داوطلبانه و اختیاری است، یعنی ممکن است ما بهترین برنامه‌ها و فضاهای تربیتی را داشته باشیم، اما برخی افراد آن‌گونه که ما می‌خواهیم تربیت نشوند؛ زیرا خودشان به آن، باور ندارند و نمی‌خواهند (گل‌محمدی و رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). مثلاً ممکن است در یک خانواده که والدین منظمند و برای منظم کردن فرزندشان برنامه دارند، فرزندشان به خاطر ترس از تنبیه و فشار نظم را رعایت کند، اما در هنگامی که این تنبیه و فشار نباشد، بی‌نظم باشد (درایتی، ۱۳۹۶).

## ۲-۲- آسیب‌های ناشی از نظام خانواده

۱. اهمیت ندادن به تربیت اخلاقی فرزندان: در خانواده‌های ما، اخلاق و تربیت، اهمیت چندانی ندارد، مثلاً در خانواده‌های ما، آموزش آداب اجتماعی به فرزندان و رعایت ظواهر اجتماعی، مهم‌تر است از تربیت اخلاقی و به دست آوردن رضایت الهی؛ مثلاً فرزند خود را تشویق می‌کنند که در میهمانی‌ها، لباس‌هایی بپوشند که مخالف اصول اخلاقی و آموزش‌های دینی است (جاویدی کلانته جعفرآبادی، ۱۳۹۶). از این‌رو است که می‌بینیم امروزه، بیشتر خانواده‌های ایرانی، بیش و پیش از آنکه به تربیت اخلاقی و دینی فرزندان خود توجه کنند، (حتی از سنین کودکی)، به فکر آموزش، کلاس کنکور و رفتن به دانشگاه فرزندان پسر و دختر خود هستند، به همین دلیل، دیده می‌شود که خانواده‌ها، به خاطر این بی‌توجهی‌ها و کوتاهی‌ها، نقش تربیتی خود را نسبت به فرزندان، تا حدودی از دست داده‌اند و سایر عوامل اثرگذار در تربیت اخلاقی فرزندان (مانند رسانه‌ها و محیط)، گوی سبقت را از آنان، ربوده‌اند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۱. بی‌توجهی به نقش الگویی والدین و بزرگ‌ترها برای کودکان، از گذشته تا کنون و در تمام فرهنگ‌ها و ملت‌ها، خانواده نقش مهمی در تربیت اخلاقی فرزندان و جامعه‌پذیر کردن آنان داشته است، با این حال، یکی از آسیب‌هایی که در نظام خانواده در رابطه با تربیت اخلاقی فرزندان وجود دارد، بی‌توجهی والدین و



بزرگ‌ترها به نقش الگویی آنان برای کودکان و میزان اثرگذاری رفتارهای آنان بر کودکان و انجام رفتارهای خلاف اخلاق از سوی والدین و بزرگ‌ترها و تقلید فرزندان و کوچک‌ترها از آنان است، بنابراین، برخی خانواده‌ها، نه تنها برای تربیت اخلاقی فرزندان خود، دغدغه‌ای ندارند، بلکه مانع تربیت اخلاقی و سبب سقوط اخلاقی آنان هستند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). همین خانواده‌ها هستند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به آنان، تأسف خورده، از آنان بیزارى نموده است<sup>۱</sup> (بروجردی، ۱۳۳۶: ۴۰۸/۲۱ و نجفی، ۱۴۲۳: ۲۴۶/۱۲).

۳. وجود اختلافات خانوادگی و طلاق: پژوهش‌ها نشان می‌دهد، نوجوانان و جوانان، در خانواده‌هایی که در آنها، میان والدین، ناسازگاری و ستیز وجود دارد و یا خانواده‌هایی که با طلاق، از هم پاشیده‌اند، دچار آسیب‌های اخلاقی جدی (چون: عقب ماندگی اجتماعی، تندخویی، پرخاشگری، بدبینی و مانند اینها)، هستند و امکان گرایش آنان به رفتارهای ضد اخلاقی، بسیار بیشتر از خانواده‌هایی است که در آنها، جو سازگاری، محبت و ایثار، حاکم است (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

## ۲-۳- آسیب‌ها و مشکلات ناشی از نظام آموزشی و تربیتی

۱. کمبود منابع کاربردی و کارآمد: «یکی از مشکلاتی که در تربیت اخلاقی ما وجود دارد این است که منابع مکتوب کهن اخلاقی ما، کاملاً برگرفته از قرآن کریم و روایات و سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیست؛ بلکه مبانی اخلاقی ما، ابتدا از مبانی اخلاق کهن یونانی گرفته شده است؛ سپس با آیات و روایات، آراسته شده است، مثلاً کتاب‌های احیاء علوم الدین، المحجة البيضاء، معراج السعاده و جامع السعادات به این شکل نگارش شده‌اند» (مرویان حسینی، ۱۳۹۶). بنابراین، یکی از آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران این است که منابع و متون تربیتی و اخلاقی کاربردی و برگرفته از

۱. ایشان نسبت به خانواده‌های آخر الزمان که تنها به مسائل مادی فرزندان خود توجه داشته، هیچ دغدغه و توجهی به تربیت دینی آنان ندارند؛ بلکه مانع تربیت دینی آنان نیز می‌شوند، اظهار بیزارى نموده است: «روى عن النبى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ بَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ».

آیات و روایات اسلامی و متناسب با نیاز مخاطبان امروزی کم است و کارشناسان دینی و تربیتی که بتوانند این منابع و متون را طراحی و تولید نمایند، اندک می‌باشند (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴).

افزون بر این، معلمان و مربیان تربیتی، برای تدریس متون تربیتی و اخلاقی موجود و انتقال مفاهیم تربیتی به متربیان، معمولاً از روش‌های سنتی و حفظ‌محور که کم‌بازده هستند و کمتر به ایجاد بینش و رفتار اخلاقی در دانش‌آموزان و متربیان، منجر می‌شود، استفاده می‌کنند، همچنین، روش ارزیابی مبتنی بر نمره، برای تشخیص میزان یادگیری و رشد تربیتی دانش‌آموزان که امروزه در مدارس رایج است، از سویی تنها محفوظات ذهنی دانش‌آموزان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد نه میزان بینش، گرایش و آراستگی آنان به ارزش‌های اخلاقی را، از سوی دیگر، با تقسیم دانش‌آموزان به قوی و ضعیف، سبب برچسب خوردن دانش‌آموزان ضعیف و دوری و فاصله گرفتن بیش از پیش آنان از ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌گردد (همان).

۲. بهاء ندادن به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی کشور: مهم‌ترین مشکل در بحث تربیت اخلاقی در کشور ما این است که اگر چه در شعارها و اهداف کلی نظام آموزشی ما، تربیت اخلاقی، مهم و ضروری دانسته شده است؛ اما در عمل، توجه چندانی به آن نمی‌شود (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵)، یعنی در مدرسه‌های ما، آنچه اهمیت و اولویت دارد و مورد توجه است، آموزش است و در دانشگاه‌های ما، آموزش و پژوهش، حاکمیت این نگاه در نظام آموزشی ما، آثاری در پی داشته است (غفاری، ۱۳۹۶)، مانند:

۱. در محتواهای آموزشی، تربیت معلم، تدوین سندهای راهبردی و... بیشتر به آموزش توجه شده است؛ نه پرورش و تربیت، مثلاً اگر تعداد کتاب‌های آموزشی و تخصصی که در مدارس هست را با کتاب‌های تربیتی آنها مقایسه کنیم، حاکمیت این نگاه را در آموزش و پرورش می‌بینیم (همان).

۲. معلمان پرورشی و مربیان اخلاقی ما، ضعیف‌ترین معلم‌های ما هستند؛ زیرا، نه در این زمینه آموزش دیده و تخصص دارند و نه با فنون ارتباطی و اثرگذاری بر مخاطب، آشنا هستند (زادگی میرزایی، ۱۳۹۵).

۳. معلمان و اساتید ما، الگوهای اخلاقی خوبی برای دانش‌آموزان و دانشجویان نیستند و در ارزیابی معلمان و اساتید، بیشتر به ملاک‌های علمی توجه شده است؛ تا ملاک‌های اخلاقی و ارزشی (همان).

بنابراین، با اینکه پرورش و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و دانشجویان، جزء اهداف کلان نظام آموزشی ما است، اما نسبت به آن غفلت و بی‌توجهی وجود دارد و راهکارهای عملی برای رسیدن به این هدف، تعریف نشده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۳. نداشتن مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی: هر چند که در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی، مواظظ اخلاقی، زیاد داشته‌ایم، اما مدل‌های کاربردی و مفید تربیت اخلاقی متناسب با سن مخاطب، جنس مخاطب، محیط‌های خانوادگی و اجتماعی، مسائل فردی و اجتماعی و... نداشته‌ایم (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵)، مثلاً به مسائلی مانند فرهنگ آپارتمان نشینی، فرهنگ حمل و نقل و مانند آن، کمتر توجه شده است، یعنی بیشتر به صورت کلی به تربیت اخلاقی نگاه شده است؛ نه جزئی و کاربردی (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

۴. کمبود نگاه تربیتی کاربردی در کارهای فرهنگی: یکی از مشکلاتی که در تربیت اخلاقی کشور ما وجود دارد این است که کتاب‌های درسی اخلاقی که در مدارس ما، آموزش داده می‌شود، حفظ‌محور و کمتر کاربردی است؛ از این رو، این آموخته‌ها، خیلی زود از سوی دانش‌آموزان فراموش می‌گردد (حسینی‌پور عزآبادی، ۱۳۹۵)، افزون بر این «نگاه ما باید نگاه تربیتی باشد نه تبلیغی، یعنی به جای تبلیغ اخلاقی، باید تربیت اخلاقی کرد که به صورت مشاوره فردی و گروهی است، مثلاً یک مربی اخلاق، چندین سال در یک مدرسه فعالیت کند و با بچه‌ها ارتباط صمیمانه داشته باشد این سبب می‌شود که او بچه‌ها را بشناسد، مشکلات هر کدام را بداند و راهکارهای مناسب برای هر کلاس و هر فرد ارائه کند و در نهایت، کار تربیتی او اثرگذار شود، اما الآن اغلب کارهای تربیتی ما به این صورت است که مربی و معلم اخلاق، در هفته یک ساعت در کلاس با دانش‌آموزان و دانشجویانی که هیچ شناختی از آنها و مسائل و مشکلاتشان ندارد صحبت می‌کند، اثرگذاری این شکل کار تربیتی، بسیار کم و گاهی همراه با آثار منفی تربیتی است» (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶).

۵. بی‌اعتقادی و پایبند نبودن برخی مسئولان، معلمان و اساتید به ارزش‌های اخلاقی: برای موفقیت در تربیت اخلاقی، مسئولان، معلمان و مربیان، باید از جایگاه الگویی خود برای دانش‌آموزان آگاه باشند (موسوی، ۱۳۹۵). و به آموزه‌های تربیتی باور داشته، پایبند باشند (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). با این حال، برخی از مسئولان آموزش و پرورش کشور و برخی از معلمان و اساتید ما، تفکر لیبرال و سکولار دارند و گاهی مخالف با عقاید و اخلاق دینی و اسلامی هستند، مسلم است که هرگاه معلم و استاد، در کلاس درس دین و تربیت دینی را مسخره کند، دانش‌آموز و دانشجوی بی‌دین و بد اخلاق، پرورش می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

۶. عملکرد بد برخی از مبلغان دینی: «روحانیت شیعه، مربیان، مبلغان و الگوهای اخلاقی جامعه ایران بوده‌اند، عملکرد بد اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... برخی از روحانیان - به ویژه پس از انقلاب - هنگامی که با سیاه‌نمایی، بدخواهی، بزرگ‌نمایی و تبلیغات منفی رسانه‌های ضدانقلاب همراه می‌شود، از یک‌سو، جو بدبینی و بی‌اعتمادی مردم به روحانیت را دامن می‌زند، از سوی دیگر، زشتی و بدی خیلی از بد اخلاقی‌ها و گناهان ریخته شده مردم به راحتی بدون عذاب وجدان و گاهی برای انتقام گرفتن از دین و روحانیت، آنها را انجام می‌دهند» (نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

## ۲-۴- آسیب‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

۱. تضاد در رفتار خانواده‌ها، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و مسئولان حکومت با اهداف و آموزش‌های اخلاقی: کودکان و دانش‌آموزان ما، در خانواده‌ها و مراکز آموزشی ما، رفتارهای ضد اخلاقی از والدین، مربیان، معلمان و اساتید خویش می‌بینند که این رفتارها، با سخنان و سفارش‌های اخلاقی ایشان، مخالف است، این امر سبب می‌شود که کودک، نوجوان و جوان ما - که نمی‌تواند این دوگانگی و تضاد را حل کند - دچار دوگانگی شخصیت و مشکلات اخلاقی شود (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

افزون بر این: «سبک زندگی مردم بسیار تحت تأثیر عملکرد و زندگی مسئولان نظام است نه سخنرانی‌ها و کتاب‌های اخلاقی، بنابراین، وقتی که یک مقام حکومتی، به

ویژه اگر روحانی باشد، زندگی اشرافی و مجلل دارد یا با دختران بدحجاب، عکس می‌گیرد، مردم عادی او را می‌بینند و میل به اشرافی‌گری و بدحجابی پیدا می‌کنند، همچنین، رفتارهایی چون: جنگ قدرت در میان مسئولان و مقامات حکومتی، اختلاس مسئولان یا نزدیکان آنها، قرار دادن وثیقه‌های میلیاردی برای آزاد کردن نزدیکان مقامات حکومتی و کارهایی از این دست، آثار بسیار منفی اخلاقی بر مردم دارد» (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶).

۲. مشکلات و فشارهای اقتصادی: همان‌گونه که تجمل‌گرایی و رفاه بیش از حد، زیان‌بار است، فقر و فشارهای اقتصادی بر مردم نیز اثر منفی در عقاید و اخلاق ایشان دارد (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). در شرایط اقتصادی بد جامعه نامتوازن شده، دو دسته فقیر و ثروتمند ایجاد می‌شود، هر کدام از این دو حالت، آثار منفی اخلاقی برای افراد به دنبال دارد و جامعه را از درون، پوسانده و متلاشی می‌کند، یکی از انگیزه‌های تحریم‌های بی‌رحمانه علیه ایران از سوی کشورهای سلطه‌گر جهانی، همین نکته است (نقی‌زاده، ۱۳۹۶). از این رو پژوهش‌ها نشان می‌دهد اضطراب، بدبینی، نداشتن هدف در زندگی، ضعف در اعتماد به نفس و اختلالات رفتاری در نوجوانانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند، بیشتر از نوجوانانی است که در خانواده‌های با درآمد مناسب، زندگی می‌کنند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۳. تهاجم فرهنگ غربی: «بخشی از مشکلات ما ناشی از تهاجم فرهنگ غربی به فرهنگ ما است، فرهنگ لیبرال و سکولار، اخلاق لیبرال و سکولار را ترویج می‌کند، اما فرهنگ توحیدی و دینی، اخلاق تعهد و مسئولیت را، کشورهای سلطه‌گر غربی، با ابزارهای تبلیغاتی خود، مانند: ماهواره، فیلم‌های سینمایی، سایت‌ها و وبلاگ‌های مختلف در فضای مجازی، در صدد تخریب فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای رقیب است» (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). مثلاً گاهی در یک فیلم چهار دقیقه‌ای و کوتاه، بیست شبهه اعتقادی و اخلاقی را به مخاطب القاء می‌کنند (نقی‌زاده، ۱۳۹۶). همچنین بیشترین محتوایی که در فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای، به کودکان، نوجوانان و جوانان القا می‌شود، فحشا و خشونت است که آثار ضد اخلاقی عمیق و طولانی بر آنان دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). افزون بر این: «جامعه ایران، یک

جامعه یک‌دست نبوده و نیست؛ بلکه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلفی مانند: شیعی، سنی، یهودی، مسیحی، بهایی، لیبرال، سلطنت‌طلب و مانند اینها در آن وجود دارد که اینها بر همدیگر اثر گذاشته گاهی اثر همدیگر را خنثی می‌کنند» (نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

این حجم از تهاجم فرهنگی، تبلیغات منفی و تضادهای فرهنگی، سبب کم‌رنگ شدن برخی ارزش‌های اخلاقی و رایج شدن برخی ضدارزش‌ها و هنجارشکنی‌های اجتماعی در جامعه ما شده‌است (حسینی‌پور عزآبادی، ۱۳۹۵).

۴. ساختارهای اجتماعی آسیب‌رسان: «گفتن آیات و روایات اخلاقی و مفاهیم آنها به مخاطب برای تربیت اخلاقی او، بدون ایجاد ساختارهای اجتماعی مناسب، ساده‌انگارانه است، ساختارهای اجتماعی و اجتماع، خودش تربیت‌کننده است و خیلی از کارهای تربیتی که ما می‌کنیم در تضاد با ساختارها و الگوهای اجتماعی، بی‌اثر می‌شوند، به‌عنوان نمونه، یکی از مشکلات ریشه‌ای اخلاقی در جامعه ما، خودکم‌بینی و احساس کوچکی در افراد است، این احساس، افزون بر اینکه خودش یک آسیب است، ساختارهای اجتماعی آسیب‌زا نیز ایجاد کرده است، مثلاً نظام پاداش‌دهی اجتماعی ما را دچار مشکل کرده‌است، در جامعه ما، به شخص بی‌حیا و بی‌حجاب، توجه می‌شود، علاوه بر این، بی‌حجابی، نشانهٔ باکلاس و به روز بودن است؛ یعنی دختر ما برای اینکه بگوید من باکلاس و بالاشهرنشین هستم و خودکم‌بینی‌اش را التیام بخشد، بی‌حجاب و بدآرایش می‌شود، همچنین تجمل‌گرایی در بین مردم، نشانهٔ باشخصیت و متعلق به طبقهٔ بالای اجتماعی بودن، است؛ به همین دلیل، فرد، برای اینکه احساس کوچکی کردن خود را درمان کرده، نشان دهد که پولدار و مرفه است، تمام دارایی خود را می‌فروشد تا یک ماشین تجملی یا لباس‌هایی که اشخاص مرفه می‌پوشند را تهیه کند یا در بخش‌های مرفه‌نشین شهر خانه اجاره می‌کند تا برای دخترش خواستگار پیدا شود؛ زیرا مردم با دید بهتری به آنها نگاه می‌کنند» (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶).

۵. تحولات سریع اجتماعی: بخشی از مسائلی که در تربیت اثرگذار است اصلاً در دست و اختیار ما نیست، مثلاً تحولات اجتماعی به خاطر عواملی مانند گسترش

فناوری‌های نوین ارتباطی، آن‌قدر سریع است که وقتی یک موج و هجمه جدید ایجاد می‌شود، تا متولیان تربیت در هر جامعه‌ای بخواهند راهکار مقابله با آن را پیدا کنند، بخشی از افراد جامعه را آب برده است (درایتی، ۱۳۹۶). افزون بر این، این تحولات شکاف بین نسل‌ها را زیاد کرده است، به گونه‌ای که برقراری ارتباط با نسل جوان و انتقال مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی به آنان، بسیار سخت است (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). به همین دلیل است که متولیان تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای باید آینده‌پژوهی، آینده‌نگری و قدرت پیش‌بینی کردن مسائل و مشکلات تربیتی در آینده را داشته باشند تا مسائل و مشکلات تربیتی نسل‌هایی که در آینده می‌خواهیم تربیت کنیم، کمتر شود (درایتی، ۱۳۹۶).

بنابراین، به صورت کلی می‌توان گفت بخشی از آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر، از سویی ناشی از نشناختن و استخراج نکردن مدل و نظام تربیتی دینی بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است و از سوی دیگر به خاطر ناکارآمدی مدل تربیتی موجود است، بخشی از این آسیب‌ها نیز ناشی از غفلت و بی‌توجهی به تربیت اخلاقی از سوی مسئولان و یا ناتوانی آنان در اجرای درست این وظیفه مهم است، در بخش بعد راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها بیان شده است.

### ۳. راه‌های مقابله با آسیب‌های تربیت اخلاقی

همان‌گونه که بیان شد افراد، گروه‌ها و نهادهای مختلفی در آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران، نقش دارند، از این‌رو، برای مقابله با این آسیب‌ها نیز، همین افراد، گروه‌ها و نهادها، باید اقدامات لازم و مناسب را انجام دهند، در این بخش، نقش افراد، خانواده‌ها، نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و دولت برای مقابله با این آسیب‌ها، بررسی شده است.

#### ۳-۱- نقش افراد

احساس مسئولیت و تلاش برای رشد اخلاقی خود: اگرچه برای موفقیت در تربیت اخلاقی، باید یک نظام جامع کاربردی برای تربیت اخلاقی طراحی و اجرا شود و همه

نهادها باید همراه و هماهنگ با این نظام حرکت کنند اما در نهایت این خود افراد هستند که نسبت به تربیت اخلاقی خود، مسئولند و می‌توانند و باید برای سلامت و رشد اخلاق خود، تلاش کنند (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

### ۳-۲- نقش خانواده‌ها

۱. تقویت بنیان خانواده: همان‌گونه که سست شدن و از هم پاشیدن بنیان خانواده، زمینه‌ساز شکل‌گیری و تشدید ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی در فرزندان و افراد خانواده است، تقویت بنیان خانواده و تلاش برای توانا کردن خانواده در انجام نقش‌ها و وظایف خود، نقش تعیین‌کننده و زیربنایی در رشد و تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان و افراد خانواده دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۲. توجه والدین به نقش مؤثر و جایگاه تربیتی خانواده: شخصیت انسان در شش سال اول زندگی شکل می‌گیرد و اگر بخواهیم بعدها شخصیت او را اصلاح کنیم، باید ابتدا کسی او را از عیب‌ها و کاستی‌هایش آگاه کند، سپس او اگر بخواهد، به سختی می‌تواند کاستی‌های خویش را جبران کند، به همین دلیل، نقش خانواده در تربیت اخلاقی کودک، بسیار مهم و زیربنایی است، بنابراین والدین کودک باید ابتدا به اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی کودک و نقش مؤثر خانواده در این زمینه آگاه گردند؛ سپس برای تربیت اخلاقی او، تلاش کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۳. تلاش والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان: خانواده، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت اخلاقی افراد دارد، ارزش‌های اخلاقی مانند: نظم، مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، صداقت، درست‌کاری، عشق، محبت و خدمت به اطرافیان، خودباوری مثبت، تلاش برای غلبه بر سختی‌ها و مشکلات، نشاط و شادی، امید به آینده، تقدیر و تشکر از خوبی‌ها، ارزش‌های مهم و پایه‌ای در تربیت اخلاقی هستند، این ارزش‌ها در خانواده پایه‌گذاری می‌شوند، بنابراین، برای موفقیت در تربیت اخلاقی هم باید نهاد خانواده را حفظ و تقویت کرد و هم خود والدین و مسئولان تربیتی از ظرفیت‌های این نهاد برای تربیت اخلاقی افراد، استفاده کنند (مرویان حسینی، ۱۳۹۶). افزون بر این، والدین باید با نظارت بر افراد و مکان‌هایی که فرزندانشان با آنها در



ارتباط هستند، مانع دوستی فرزندان با افراد ناشایست شده (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). با حضور در مکان‌ها و محافل مذهبی و همراه بردن فرزندان خود در این فضاها، زمینه رشد و الگوگیری نیک فرزندان خود را فراهم نمایند (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴). مثلاً اگر خانواده‌ها بتوانند فرزندان خود را با مسجد، پیوند دهند، نه تنها، آنان را نسبت به بسیاری از آسیب‌های اخلاقی بیمه کرده‌اند، بلکه آینده مادی آنان را نیز تأمین نموده‌اند؛ زیرا که فرزندان مسجد، فرزندان کار و تلاش، بینش و بصیرت و اخلاق و مسئولیت‌پذیری هستند (شیبانی و کریمی، ۱۳۹۵).

۴. پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی: مهم‌ترین وظیفه پدر و مادر در تربیت اخلاقی فرزند خود این است که الگوهای اخلاقی خوبی برای او باشند، یعنی خود والدین در عمل به سخنان خود و توصیه‌های اخلاقی که به فرزند خود می‌کنند پایبند باشند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

### ۳-۳- نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی

۱. طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی: از آنجا که مدرسه و دانشگاه هسته مرکزی ایجاد تحولات اجتماعی است و قشر تحصیل کرده، حاملان ارزش‌ها و افکار بدیع و عاملان ایجاد تغییرات اجتماعی می‌باشند (افشین و همکاران، ۱۳۹۵)، برای رهایی از مشکلات اخلاقی که امروزه، با آنها دست به گریبان هستیم، باید ابتدا به اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی پی برد، سپس برای رسیدن به اهداف تربیت اخلاقی که در اسناد بالادستی آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی، مشخص شده است، راهکارهای کاربردی و عملی تعریف کرد، مثلاً می‌بینیم که حقوق اجتماعی (مانند: حق عابر پیاده، حق راننده و حق معلولان) در جوامع غربی، بیشتر از جامعه ما رعایت می‌شود؛ یکی از علت‌های این امر، این است که قوانین آنها در این زمینه، کاربردی‌تر است (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶)، اما باید توجه داشت که اخلاق اسلامی، کاملاً با اخلاق لیبرال، متفاوت است؛ زیرا، مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مکتب اخلاقی اسلام که اصول تربیت اخلاقی اسلامی از آنها گرفته می‌شود، کاملاً با مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی لیبرالیسم که اصول تربیت

اخلاقی لیبرالی از آنها گرفته می‌شود متفاوت است (مرویان حسینی، ۱۳۹۶). بنابراین، برای موفقیت در تربیت اخلاقی، ابتدا باید یک مدل و نظام جامع تربیت اخلاقی بر اساس انسان‌شناسی اسلامی طراحی کرد، به گونه‌ای که مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی مورد استفاده، کاملاً هماهنگ با این نظام باشد (غفاری، ۱۳۹۶). برای تدوین مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس مبانی اسلامی باید به چند نکته توجه کرد:

یک. توجه به انسان در چند حوزه ارتباطی؛ برای طراحی یک مدل تربیتی اخلاقی کاربردی و مفید بر اساس آموزه‌های اسلامی باید انسان به‌عنوان یک موجود کمال‌گرا و تعالی‌طلب، در چند حوزه دیده شود:

۱. انسان در حوزه ارتباط با خداوند؛

۲. انسان در حوزه ارتباط با خودش؛

۳. انسان در حوزه ارتباط و تعامل با دیگران.

برای بهبود ارتباط انسان‌ها در این سه حوزه، اندیشمندان اخلاق اسلامی باید آموزه‌های اخلاقی علمی، کاربردی و مبتنی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی ارائه کنند.

دو. ارائه مدل اخلاقی کاربردی، جزئی و متناسب با نیازهای مختلف مخاطبان؛ اندیشمندان اخلاق اسلامی باید به صورت اجتهادی، با آموزه‌های اخلاقی برخورد کنند و به تناسب مخاطبان خود و مسائلی که دارند، محتواهای اخلاقی مناسب، کاربردی و مفید، طراحی و تولید کنند سپس این محتواها باید به مخاطبان، با توجه به سن، جنسیت، نیازها و شرایط مختلف ایشان، از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی، آموزش داده‌شود، یکی از منابع مهم و کم‌نظیر در این زمینه، بیانات و دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در ارتباط با تهذیب نفس، تربیت، تربیت اخلاقی، توسعه اجتماعی و مانند آن است که هنوز تحقیق، جمع‌آوری و تدوین نشده است (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

طراحی این مدل، بر عهده اندیشمندانی است که هم با منابع اسلامی آشنا هستند و هم از نظریات تربیتی روان‌شناسی دانشگاهی آگاهی دارند، همچنین نیازمند کسانی

هستیم که انسان را با نگاه مدیریت اجتماعی و در عرصه اجتماع ببینند و برای او مدل تربیت اخلاقی اجتماعی ارائه کنند (همان)، البته باید توجه داشت که اگر چه، آموزه‌های اسلامی کلی و همیشگی است؛ اما مدل‌ها و برنامه‌های تربیتی، موقت و مربوط به زمان و شرایط جامعه‌ای است که می‌خواهیم آن‌را تربیت کنیم، بنابراین، مدل‌ها و برنامه‌های تربیتی که طراحی و اجرا می‌شود پیوسته به ارزیابی، بازنگری، تکمیل و تصحیح نیاز دارند (درایتی، ۱۳۹۶).

پس از طراحی این مدل، محتوای کتب تربیتی و اخلاقی کشور، باید بر اساس این مدل با لحنی روان و همراه با ارائه الگوهای واقعی ایرانی و اسلامی تدوین گردد و محتوای سایر کتب درسی و آموزشی کشور هماهنگ و همسو با این مدل باشد (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴).

۲. بهاء دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور: برای موفقیت در تربیت اخلاقی جامعه، افزون بر طراحی مدل کاربردی تربیت اخلاقی، مراکز آموزش رسمی ما باید تربیت اخلاقی و پرورش افراد را در کنار آموزش آنها و حتی مهم‌تر از آن بدانند و برای اجرایی کردن این هدف، قوانین و راهکارهای مناسب وضع کرده، پیوسته بر اجرای این قوانین نظارت دقیق داشته‌باشند و نتایج کارهای انجام شده را ارزیابی کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۳. همسو بودن محتواهای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی: محتوای آموزشی ما - از اول ابتدایی تا مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهی - باید بر اساس این نظام تربیت اخلاقی و پیوسته منظم، عاقلانه و بدون تضاد با سایر پایه‌ها و سایر رشته‌ها باشد، مثلاً عدالت و راست‌گویی که خوب است، باید در همه کتاب‌ها و همه رشته‌ها خوب معرفی شود (غفاری، ۱۳۹۶)، همچنین، رفتار افرادی که به صورت غیر مستقیم در آموزش دانش‌آموزان نقش دارند - مانند: مدیر، ناظم و خدمت‌کار مدرسه - و فعالیت‌های جانبی مدرسه - مانند: اردوها و فعالیت‌های پژوهشی - باید در راستای همین نظام تربیتی و هماهنگ با آن باشد (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴).

پژوهش‌ها نشان داده است که پایبندی معلمان و مسئولان مدارس، نقش تعیین

کننده‌ای در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دارد (ذوالقدر نسب و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین از سوی، مسئولان آموزشی کشور باید در انتخاب معلمان و اساتید، دقت داشته معلمان و اساتیدی را وارد نظام آموزشی کشور کنند که صلاحیت اخلاقی لازم را دارند (حسینی‌پور عزآبادی، ۱۳۹۵)، از سوی دیگر، معلمان و اساتید ما باید از جایگاه و نقش الگوی اخلاقی خود آگاه شوند و باید اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی به ایشان آموزش داده شود (موسوی، ۱۳۹۵). به‌عنوان نمونه، باید اخلاق مهرورزانه (یعنی: آسیب نرساندن به دیگران، همراه با خدمت بدون چشم‌داشت به آنها)، در خانواده‌ها و مدارس ما، به بچه‌ها، آموزش داده شود و والدین، مربیان، معلمان و اساتید، خودشان اخلاق مهرورزانه را رعایت کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۴. آشنا شدن روحانیان با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و آراسته شدن ایشان به اخلاق اسلامی: با توجه به شأن و جایگاه تبلیغی و تربیتی که حوزه علمیه و روحانیان دارند، برای موفقیت در تربیت اخلاقی جامعه، طلبه‌های حوزه‌های علمیه که وظیفه تبلیغ دین و تربیت اخلاقی جامعه را دارند باید با مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تبلیغ و تربیت اخلاقی آشنا گردند و شأن و جایگاه روحانیت در جامعه حفظ شود (غفاری، ۱۳۹۶).

### ۳-۴- نقش رسانه‌ها

تبدیل دستورات اخلاقی به فرهنگ اجتماعی: بر اساس نظریه کاشت در ارتباطات جمعی، رسانه‌ها، همچون زمین کشاورزی، هر چه را در جامعه و زندگی اجتماعی، بکارند نتیجه آن را در می‌کنند (ذاکریان و متعجبیان، ۱۳۹۵). بنابراین، از آنجا که در دوران معاصر، رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در انحطاط یا رشد اخلاقی جوامع دارند (رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد، ۱۳۹۵)، پس از اینکه ما توانستیم آموزه‌های اخلاقی را تبدیل به مدل‌ها و برنامه‌های کاربردی تربیت اخلاقی کنیم، باید این برنامه‌ها را به رسانه‌های جمعی، مراکز آموزشی و مانند آن، ارائه دهیم تا آن‌را تبدیل به فرهنگ عمومی و جریان اجتماعی کنند، اگر این کار انجام شود، پابندی به آن ارزش‌های اخلاقی، بسیار بیشتر می‌گردد، مثلاً اگر مردم یاد بگیرند که نظم خوب است، دروغگویی بد است، رعایت

قوانین راهنمایی و رانندگی برای خود ما مفید است و... رعایت این آموزه‌های اخلاقی در افراد جامعه، بسیار بیشتر می‌شود (درایتی، ۱۳۹۶). همچنین اگر فرهنگ حیا و عفاف، در جامعه نهادینه شده، بنیان خانواده محکم و استوار گردد، بسیاری از مشکلات اخلاقی فردی و اجتماعی از جامعه رخت بر خواهد بست (رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد، ۱۳۹۵).

### ۳-۵- نقش دولت و حکومت اسلامی

۱. تلاش برای اجرای مدل جامع تربیت اخلاقی: دولت و حکومت اسلامی نقش مهمی در اجرای مدل تربیت اخلاقی استخراج شده از منابع اسلامی دارد و باید ساختارها و ابزارهای لازم را برای اجرای این مدل و نظارت بر اجرای آن و ارزیابی نتایج حاصل از اجرای این مدل را فراهم کند، حکومت اسلامی باید برای اجرای این مدل تربیتی در نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی، در نظام فرهنگ اجتماعی در نظام تبلیغ و مدل‌های تبلیغات اجتماعی تلاش کند (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

۲. مقابله با نفوذ و گسترش فرهنگ‌ها و آداب ضد اخلاقی در جامعه: افزون بر اینکه دولت و حکومت اسلامی باید برای اجرای مدل تربیت اخلاقی اسلامی تلاش کند و بر حسن اجرای آن در نهادهای مختلف نظارت داشته باشد، حکومت اسلامی باید مراقب نفوذ فرهنگ‌های مهاجم و مغایر با ارزش‌های ملی و دینی ما و رواج ضد ارزش‌هایی مانند: بی‌مسئولیتی، زیاده‌خواهی، آزادی‌های مخل به آزادی دیگران و مغایر با کمال انسان و... مقابله کند، هشدارهای مقام معظم رهبری در این زمینه به دولت‌ها و مسئولان، بسیار قابل تأمل و راه‌گشا است (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

### ۳-۶- نقش همه مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی

همان‌گونه و همسو شدن با اهداف و آموزه‌های نظام جامع تربیت اخلاقی: مهم‌ترین و مؤثرترین گام پس از طراحی نظام کاربردی تربیت اخلاقی اسلامی این است که رفتار و گفتار تمام افراد و نهادهایی که در تربیت اخلاقی جامعه اثرگذارند (مانند: خانواده، نظام آموزشی، مسئولان حکومت، رسانه‌ها، ستاره‌های سینمایی و ورزشی و...) همه

باید هماهنگ با این نظام جامع تربیتی و در همان راستا باشد، در غیر این صورت، اگر مثلا نظام آموزشی ما، یک رفتار اخلاقی را به افراد بیاموزد و تبلیغات رسانه‌ای ما ضد آن ارزش را، بچه‌ها دچار چندگانگی و تعارض‌های اخلاقی و شخصیتی شده دچار آسیب‌های روانی و هویتی خواهند شد (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). بنابراین، برای دستیابی به یک جامعه سالم، همه دستگاه‌ها و نهادها، باید به ضرورت تربیت اخلاقی جامعه، پی برده، تمام تلاش خود را در این باره به کار گیرند (رسولی شورکی، ۱۳۹۵).

آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر و راه‌های مقابله با آنها	
الف) آسیب‌های فردی: اختیار و گرایش درونی انسان به پستی‌ها.	
ب) آسیب‌های ناشی از نظام خانواده: ۱. بی‌توجهی به نقش الگویی والدین و بزرگ‌ترها برای کودکان؛ ۲. اهمیت ندادن به تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۳. وجود اختلافات خانوادگی و طلاق.	
ج) آسیب‌ها و مشکلات ناشی از نظام آموزشی و تربیتی: ۱. کمبود منابع کاربردی و کارآمد؛ ۲. بها ندادن به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی کشور؛ ۳. نداشتن مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. کمبود نگاه تربیتی در کارهای فرهنگی؛ ۵. بی‌اعتقادی و پایبند نبودن برخی مسئولان، معلمان و اساتید به ارزش‌های اخلاقی؛ ۶. عملکرد بد برخی از مبلغان دینی.	آسیب‌های تربیت اخلاقی
د) آسیب‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی: ۱. تضاد در رفتار خانواده‌ها، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و مسئولان	

<p>حکومت با اهداف و آموزش‌های اخلاقی؛</p> <p>۲. مشکلات و فشارهای اقتصادی؛</p> <p>۳. تهاجم فرهنگ غربی؛</p> <p>۴. ساختارهای اجتماعی آسیب‌رسان؛</p> <p>۵. تحولات سریع اجتماعی.</p>	
<p>الف) نقش افراد:</p> <p>احساس مسئولیت و تلاش برای رشد اخلاقی خود.</p>	<p>راه‌های مقابله با آسیب‌ها</p>
<p>ب) نقش خانواده‌ها:</p> <p>۱. تقویت بنیان خانواده؛</p> <p>۲. توجه والدین به نقش مؤثر و جایگاه تربیتی خانواده؛</p> <p>۳. تلاش والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان؛</p> <p>۴. پابندی والدین به ارزش‌های اخلاقی.</p>	
<p>ج) نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی:</p> <p>۱. طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی؛</p> <p>۲. بها دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور؛</p> <p>۳. همسو بودن محتواهای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی؛</p> <p>۴. آشنا شدن روحانیان با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و آراسته شدن ایشان به اخلاق اسلامی.</p>	
<p>د) نقش رسانه‌ها:</p> <p>تبدیل دستورات اخلاقی به فرهنگ اجتماعی.</p>	

<p>ه) نقش دولت و حکومت اسلامی:</p> <p>۱. تلاش برای اجرای مدل جامع تربیت اخلاقی؛</p> <p>۲. مقابله با نفوذ و گسترش فرهنگ‌ها و آداب ضد اخلاقی در جامعه.</p>	
<p>ی) نقش همهٔ مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی:</p> <p>هماهنگ و همسو شدن با اهداف و آموزه‌های نظام جامع تربیت اخلاقی.</p>	

### نتیجه‌گیری

گفته شد اگر چه در منابع دینی و اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت ما، به تربیت اخلاقی افراد جامعه توجه گردیده و تأکید فراوانی بر آن شده است؛ اما در عمل، تربیت اخلاقی در ایران معاصر دچار مشکلات و نارسایی‌هایی است. آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر نشان می‌دهد که این مشکلات و نارسایی‌ها در چند حوزه قابل بررسی است؛ مانند: آسیب‌های فردی (اختیار و گرایش درونی انسان به پستی‌ها)، آسیب‌های ناشی از نظام خانواده (۱. بی‌توجهی به نقش الگویی والدین و بزرگ‌ترها برای کودکان؛ ۲. اهمیت ندادن به تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۳. وجود اختلافات خانوادگی و طلاق)، آسیب‌ها و مشکلات ناشی از نظام آموزشی و تربیتی (۱. کمبود منابع کاربردی و کارآمد؛ ۲. بها ندادن به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی کشور؛ ۳. نداشتن مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. کمبود نگاه تربیتی در کارهای فرهنگی؛ ۵. بی‌اعتقادی و پایبند نبودن برخی مسئولان، معلمان و اساتید به ارزش‌های اخلاقی؛ ۶. عملکرد بد برخی از مبلغان دینی) و آسیب‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (۱. تضاد در رفتار خانواده‌ها، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و مسئولان حکومت با اهداف و آموزش‌های اخلاقی؛ ۲. مشکلات و فشارهای اقتصادی؛ ۳. تهاجم فرهنگ غربی؛ ۴. ساختارهای اجتماعی آسیب‌رسان؛ ۵. تحولات سریع اجتماعی).

از این رو، با توجه به آسیب‌های یاد شده، گفته شد برای سامان دادن به تربیت



اخلاقی در ایران معاصر، باید در چند حوزه، برنامه‌ریزی شده و افراد و نهادهای مسئول وظیفه و نقش خود را در این زمینه، شناخته، به آن عمل کنند؛ مانند: نقش افراد (احساس مسئولیت و تلاش برای رشد اخلاقی خود)، نقش خانواده‌ها (۱). تقویت بنیان خانواده؛ ۲. توجه والدین به نقش مؤثر و جایگاه تربیتی خانواده؛ ۳. تلاش والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۴. پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی)، نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی (۱). طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ ۲. بها دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور؛ ۳. همسو بودن محتواهای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. آشنا شدن روحانیان با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و آراسته شدن ایشان به اخلاق اسلامی)، نقش رسانه‌ها (تبدیل دستورات اخلاقی به فرهنگ اجتماعی)، نقش دولت و حکومت اسلامی (۱). تلاش برای اجرای مدل جامع تربیت اخلاقی؛ ۲. مقابله با نفوذ و گسترش فرهنگ‌ها و آداب ضد اخلاقی در جامعه)، نقش همه مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی (هماهنگ و همسو شدن با اهداف و آموزه‌های نظام جامع تربیت اخلاقی).

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. افشین، جواد، ریحانی، معصومه، دایی‌زاده، حسین، سلیمان‌پور عمران، محبوبه و باقرپور، معصومه، «نگاهی بر تربیت اخلاقی در نظام آموزش عالی ایران»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۳. باقری، خسرو نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵.
۴. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، قم، منشورات مدینه العلم، ۱۳۳۶.
۵. تاج‌الدین، مرضیه و بازارگادی، مهرنوش، «قرآن کریم و نهضت تربیتی پرورشی: مولفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم»، نشریه کوثر، ۱۳۸۸، شماره ۳۲، ص ۶۲-۴۷.
۶. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره، هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، تاریخ مصاحبه: ۱۳ / ۴ / ۱۳۹۶، مکان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۷. حسین‌زاده، اکرم، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، کتاب نقد، ۱۳۸۶، شماره ۴۲، ص ۱۱۳-۱۲۸.
۸. حسینی‌پور عزآبادی، سید محمدابراهیم، «تأثیر محیط‌های اخلاقی نامساعد بر تربیت اخلاقی»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.

۹. داودی، محمد، «رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۷۵.
۱۰. درایتی، حمید، حافظ قرآن و نهج البلاغه و استاد دروس خارج حوزه علمیه مشهد مقدس، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۵ / ۴، مکان، مدرسه علمیه نواب.
۱۱. ذاکریان، ملیحه و متعجبیان، محمد، «نقش رسانه در تربیت اخلاقی و رفتار اجتماعی»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۱۲. ذوالقدر نسب، محسن، مشحوریان، فاطمه و مهری، فریبا، «بررسی تأثیر مدرسه اخلاقی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان از دیدگاه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۱۳. رسولی شورکی، حسن، «ارتباط تربیت اخلاقی و سلامت روان جامعه»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۱۴. رضاپور میرصالح، یاسر و صیادی‌فرد، کبری، «اهمیت تأکید بر آموزه‌های دینی در پرورش مفاهیم اخلاق در خانواده در کودکان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۱۵. روحانی‌نژاد، حسین، تعلیم و تربیت در اسلام، چ ۱، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
۱۶. زادگی میرزایی، مرتضی، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در محیط آموزشی، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۱۷. سعیدی رضوانی، محمود، عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۵ / ۱، مکان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مرداد ۱۳۸۹.
۱۹. شیبانی، ام‌البین و کریمی، مسعود، «بررسی نحوه تعامل مسجد و خانواده در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۲۰. شیرزاد کبریا، بهاره، جعفری، محمدرضا و اکبری، طاهره، «بررسی و شناسایی کارکردهای تربیتی مسجد طراز اسلامی از دیدگاه مسئولان مساجد استان سمنان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۲۱. غفاری، ابوالحسن، «آشنایی با مبانی فکری و فلسفی فرهنگ غرب»، مجله معرفت، ۱۳۸۲، شماره ۷۲، ص ۱۰۱-۱۰۵.
۲۲. غفاری، ابوالفضل، عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۴ / ۴، مکان: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۳. فضل‌الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹.
۲۴. فیروزمهر، محمد مهدی، تربیت اخلاقی با نگاهی قرآنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.

۲۵. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء في تهذيب الإحياء، قم، موسسه نشر اسلامي، ۱۳۷۶.
۲۶. کاردان، علی محمد، «گزارش یک نشست: سیر تحول تربیت دینی در غرب»، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۵۷-۱۶۸.
۲۷. گلمحمدی، شهین و خیراللهی رکن آبادی، سید عباس، آسیب‌شناسی بحران‌های اخلاقی-اجتماعی جامعه امروز، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال، تحقیق، الشیخ بکری حیانی، بی‌جا، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.
۳۰. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۸/۱۳.
۳۱. مرویان حسینی، سید محمود، عضو هیأت علمی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۴ / ۲۵، مکان، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
۳۳. موسوی، سید علی محمد، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش با تأکید بر نقش معلم، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۹۵ / ۱۰ / ۳.
۳۴. نجفی، هادی، موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربي للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۳.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، ج ۶، قم، نشر هجرت، ۱۳۷۸.
۳۶. نقی‌زاده، حسن، عضو هیأت علمی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۵ / ۵، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۷. هنرجو، بختیار و صدیقی، ابراهیم و صدیقی، عباس، آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس، مجموعه مقالات سومین همایش علمی - پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، قم، ۱۳۹۴.



## تأثیر طرح‌واره ناخودآگاه نژادی معماری مساجد

### در حس مکان معنوی شهرها\*

□ الهام پرویزی<sup>۱</sup>

#### چکیده

فضاهای دینی همواره واجد، تجارب معنوی، در قالب کیفیت حس مکان، بوده‌اند. از آنجا که گرایش به نوآوری در طراحی فضاهای معنوی به خصوص مساجد افزایش داشته است، از طرفی تحقیقات انجام شده نشان از روند کاهش حس مکان، این فضاها دارد، جهت ارائه نگاهی نو به نحوه طراحی این فضاها و تأثیر آن در حس مکان معنوی منظر شهری، این نوشتار به شیوه ارتباط بین طرح‌واره‌های کالبدی معنوی شکل گرفته در نژادها، در لایه ناخودآگاه، و ایجاد حس مکان در معماری مساجد می‌پردازد.

روش تحقیق کیفی، از نوع تحلیلی است و شیوه گردآوری مطالب اسنادی و در جهت بررسی تأثیر طرح‌واره‌های نژادی ناخودآگاه در ایجاد حس مکان معنوی مساجد و به تبع در شهرهای اسلامی است. با توجه به اینکه نوآوری در طراحی معماری از کالبد آغاز می‌شود و اینکه طرح‌واره‌های کالبدی ناخودآگاه می‌تواند در جهت‌دهی به نحوه شکل‌گیری حس مکان مؤثر باشد، توجه به کهن‌الگوها در طراحی در ایجاد حس مکان منظر شهری و تعامل سازنده با محیط‌های

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱.

۱. استادیارگروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه خوارزمی (parvizi.elh@gmail.com).

معنوی به خصوص مساجدی که بتواند تجربه معنوی را سبب شوند تأثیر به سزایی خواهد داشت.  
**واژگان کلیدی:** حس مکان، فضای دینی، معماری مساجد، طرح واره نژادی، ضمیر ناخودآگاه.

### مقدمه

از دیرباز بناهای دینی از اهمیت بسیاری در ایجاد حس مکان<sup>۱</sup> شهرها و نیز کسب تجارب معنوی در کالبد بنا برخوردار بوده‌اند. حس مکان مقدمه‌ای برای تعامل با مکان و سپس حس تعلق و ارتقای کیفیت هویت فردی است، از این رو بسیار حائز اهمیت است، بر اساس نظریات رلف، در حس مکان، سه عنصر، فعالیت، کالبد، و معنا، مؤثر می‌باشد، در فضاهای دینی اهمیت کالبد و نحوه ارتباط با آن در حله اول دارای ارزش بیشتری است تا فضاهایی که پیشینه کم‌تری در تاریخ بشری داشته‌اند، شاید بتوان گفت آدمی بر اساس الگوهای شکل گرفته در ذهن خود انتظارات اولیه‌ای نسبت به فضای دینی (و یا هر فضایی با تجارب بیشتری در تاریخ بشری)، دارد که هنگام ورود و دیدن ارتباطی اولیه با میزان هم‌پوشانی کالبد و انتظارات ذهنی برقرار می‌کند.

نحوه شکل‌گیری فضاهای معنوی از تجارب دیرینه انسان‌ها و از فرهنگ‌های مختلف به صور متفاوت نمایان شده‌اند در واقع کالبد فضاهای معنوی برگرفته از آداب دینی مرسوم در جوامع بشری است از این رو، طرح واره‌های عمیقی، در ضمیر انسان‌ها را شامل می‌گردد، این امر با توجه به پیشینه‌های متفاوت اعتقادات در نژادها و فرهنگ‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد، ضمیر ناخودآگاه محصول دو عامل ژن که در غرایز نمایان می‌شوند (مهرجویی، ۱۳۹۶)، و تجارب افراد در طول زندگی است، از این رو می‌تواند شامل طرح واره‌های شخصی و جمعی مشترک حاصل نژاد و فرهنگ باشد. امروزه طراحی کالبد شهری در تمام شئون، گرایش‌های نوآورانه دارند، این امر چه در طراحی کالبد بناهای معنوی و چه فضاهای مدرن مانند مراکز تجاری و...، گرچه مورد

۱. حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است، این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (Relph, 1976)

اقبال طراحان است، اما بر اساس تحقیقات انجام گرفته این فضاها توانسته‌اند، با مخاطبان خود وارد تعامل سازنده گردند و حس مکان را به میزان کالبد ساخته شده سنتی در منظر شهر منتقل سازند، این موضوع به خصوص در فضاهای معنوی اهمیت بیشتری دارد در واقع خلاقیت طراحی به معنای نوآوری در طرح، در فضاهای با کاربری‌های نوین بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است، تا فضاهای با کارکردهای معنوی که از دیرباز در اذهان به اشکالی نمادین حضور داشته‌اند، از این رو این تحقیق بر اهمیت طرح واره‌های ناخودآگاه جمعی در شکل‌گیری کالبد فضاهای دینی در منظر شهری می‌پردازد و معتقد است این امر می‌تواند در فضاهای غیر دینی نتایج متفاوتی را شامل گردد.

در پژوهشی محمد صادق فلاحت<sup>۱</sup>، کالبد معماری را در ایجاد حس مکان نسبت به سایر عوامل (فعالیت و معنا)، ایجاد کننده حس مکان را در اولویت می‌داند، این امر در پژوهشی دیگر توسط، قصری، میرغلامی و حجت<sup>۲</sup>، بر اهمیت وجود عناصر کالبدی سنتی در مساجد نو در جهت ایجاد حس مکان تأکید می‌کند، از این رو و با تکیه به این فرضیه می‌توان به اهمیت بررسی نحوه تأثیرگذاری طرح واره‌های ضمیر ناخودآگاه در فضاهای دینی در ایجاد حس مکان پی برد.

در این نوشتار با بررسی مفاهیم حس مکان و اهمیت کالبد بناهای دینی در شهر و نیز ضمیر ناخودآگاه در حوزه روان‌شناسی و ادراک در روان‌شناسی محیط به بررسی علل اهمیت کالبد در ایجاد حس مکان در منظر شهری با کنکاش در مفهوم و ارزش طرح واره‌های ضمیر ناخودآگاه می‌پردازد.

## ۱. حس مکان و عوامل شکل‌گیری

در فرهنگ جغرافیایی آکسفورد، واژه مکان یک نقطه خاص در سطح زمین و یک محل قابل تعریف و شناسایی برای موقعیتی که از ارزش‌های بشری اشباع شده تعریف شده است، بنابراین مکان صرفاً یک جا نیست، بلکه جایی خاص است، و آنچه آن را

۱. ر. ک: قصری، میرغلامی و حجت ۱۳۹۷ و ر. ک: فلاحت، ۱۳۸۴

۲. ر. ک: فلاحت، ۱۳۸۴

۳. ر. ک: قصری، میرغلامی و حجت ۱۳۹۷

خاص می‌سازد امتزاج آن با ارزش‌های بشری است، به لحاظ هستی‌شناختی، مکان زمینه وجودی پدیدارها را تشکیل می‌دهد، هویت مکانی بخشی از زیر ساخت هویت انسانی و حاصل شناخت وی از محیط زندگانی خود است (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷).

حس مکان در دهه‌های اخیر به عرصه‌ای برای نظریه پردازی در مورد یکی از عوامل هویت بخش انسانی در آمده است، هویت مکانی یا حس مکان درباره کیفیت رابطه انسان و مکان، و شکل‌گیری هویت مکانی و اثربخشی آن در مورد هویت فردی و اجتماعی انسان بحث می‌کند.

ادوارد رلف (Relph, 1976)، از نگاهی پدیدارشناسانه به مفهوم مکان، فضا را بی‌شکل می‌داند، در حالی که مکان لبریز از احساسات است، وی با بسط اندیشه هایدگر از دریافت ساده مکان به مثابه یک موقعیت صرف، فراتر رفته و آنرا در معنای عمیق‌تر، مفهومی برای درک هستی و تجربه بشری می‌بیند و او هویت مکان را چیزی غیر ملموس چون جان، حس یا روح مکان می‌خواند، که به شخصیت مکانی ویژه و منحصر به فرد اشاره دارد، بنابراین فضا عرصه‌ای باز و گشوده شده برای عمل و حرکت است و مکان جایی برای ایستادن، تأمل کردن و درگیر شدن.

مانزو (Manzo & Perkins, 2006)، علاوه بر احساسات فردی، تأکید بیشتری بر احساسات جمعی افراد مبتنی بر اجتماع، سیاست و اقتصاد در رابطه بین فرد و محیط، شکل‌گیری معنای محیطی و متعاقباً حس مکان برای وی داشته و با این استناد، نحوه ادراک افراد از محیط را بر حسب جنس، نژاد، فرهنگ، ملیت و... و نهایتاً چگونگی رفتار گروهی در قبال محیط، دسته‌بندی و تفکیک می‌کند.

مورگان<sup>۱</sup> حس مکان و مرتبه دل‌بستگی به آنرا یک حس قابل توسعه ذکر کرده و سعی می‌کند. که چهارچوبی برای پرورش آن با تأکید بر دوران کودکی ارائه کند. در این نگرش، حس دل‌بستگی به مکان دارای جنبه نهفته و ناخودآگاه است، و به تقویت قید و بندهای کودک با ابعاد مختلف زمینه و تجربه طولانی مدت حضور در محیط مرتبط می‌شود (Jaskiewicz, 2015; Lewicka, 2011).

1. Morgan, 2010



حس مکان تجربه‌ای است که جهت تعامل سازنده و پایدار با محیط برقرار می‌گردد، این تعامل در ابتدا با کالبد بر اساس ادراک بصری آغاز می‌گردد، این امر بر اساس انگاشت‌ها و توقعات اولیه در ذهن صورت می‌پذیرد سپس به ارتباط رفتاری و کالبدی می‌انجامد، بر اساس نظریات عنوان شده این انگاشت‌های ذهنی وابسته به بستر فرهنگی است که تجارب شخصی افراد نیز در این زمینه شکل گرفته و توقعات فضایی را ایجاد نموده‌اند، این توقعات در مرور زمان به لایه‌های زیرین ذهن راه یافته است که تأثیر زیادی در ارتباط پایدار و عمیق با فضا می‌گذارد، این لایه ناخودآگاه ذهن بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های بشر را تحت کنترل خود دارد، از این رو نقش مهمی در ارتباط با فضا می‌تواند داشته باشد.

در حقیقت معنایی که فرد به طور آگاهانه یا ناآگاهانه از محیط دریافت می‌کند، حاصل ادراکات اولیه و تطابق آنها با تصاویر ذهنی اوست، که به مرحله شناخت درآمده و واکنشی عاطفی و احساسی که منجر به تعلق و وابستگی به محیط می‌شود را رقم می‌زند (فلاحت، ۱۳۸۵)، انسان برای درک محیط پیرامون خود از حواس پنج‌گانه خود بهره می‌گیرد، که بدون شک بینایی مهم‌ترین حس از این حواس است که در معماری و طراحی شهری نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند با توجه به اینکه ادراک بصری این نکته مهم را در خود دارد که دنیایی که افراد می‌بینند واقعیت محض محیط نیست بلکه بر پایه محدودیت‌های شناختی آنان ساخته می‌شود<sup>۱</sup> بنابراین اعتبار سنجی تصاویر و تفسیر آنها الزاماً نیازمند وجود تجربیات پیشین و تطبیق یافته‌ها با تصاویر ذهنی می‌باشد، در نتیجه هر ادراکی با دریافت حسی از محیط آغاز و با خلق معنی پس از ارزیابی و تطبیق یافته‌های محسوس در ذهن پایان می‌پذیرد، اما لازم به ذکر است که افراد هیچ‌گاه دریافت‌کننده‌های ایستای محیط اطرافشان نیستند، بلکه محرک‌های محیطی را گزینش کرده و فعالانه تفسیر و تأویل می‌کنند، بنابراین توصیف محیط هیچ‌گاه نمی‌تواند خنثی و بی‌طرف باشد (پاکزاد، ۱۳۹۲).

بر اساس نظریات جانسون<sup>۲</sup> بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در فرایند ادراک،

1. Johnson, 2009

2. Johnson, 2009

مشاهده موضوعات و آثار محیط (ادراک حسی)، و طبقه بندی آنها بر پایه ذهنیات و پیش داشته‌ها، مقدمه و زمینه ساز تداعی معانی در فرد مدرک می‌گردد (مراتب بالاتر ادراک)، که بر حسب تفاوت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و تجارب فردی و جمعی پیشین متفاوت خواهد بود از این‌رو در هر فرایند ادراکی، خلق معنی صورت می‌گیرد، معنایی که در پی کنش تطبیق یافته‌های عینی با پیش داشته‌های ذهنی انسان پدیدار شده و در مراتب بالاتر ادراک از پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های بیشتری برخوردار می‌گردد (کاظمی و بهزادفر، ۱۳۹۲: ۷۷).

دریافتهای حسی از محیط



پالایش اطلاعات طبق الگوهای ذهنی (ضمیر ناخودآگاه)



ادراک



شناخت فضا

نمودار ۱- فرایند ادراک و شناخت فضا

منبع: نگارنده

## ۲. مفهوم ضمیر ناخودآگاه

ضمیر ناخودآگاه اصطلاح ابداع شده در قرن ۱۸ توسط فیلسوف آلمانی کریستوفر ریجل<sup>۱</sup> است و بعد از آن توسط شاعر و مقاله‌نویس معروف ساموئل

1. Jungian archetypes

تیلور<sup>۱</sup> بنیان‌گذار جنبش رمانتیک در انگلستان استفاده شد، این پدیده عبارت است از مهارتی که به‌طور خودکار عمل می‌کند، افکار ناخودآگاه، عادات ناخودآگاه، واکنش خودکار ترس پنهان و خواسته‌های پنهان است، ناخودآگاه مخزنی از خاطراتی است که فراموش شده‌اند، اما با این وجود ممکن است، در چند لحظه به صورت فلاش‌بک در دسترس قرار بگیرند، و منبع ضمنی ذهن ناخودآگاه می‌تواند به‌عنوان منبعی از رویاهای شب و افکار خودکار دیده شوند.

فروید نخستین کسی بود که در قالب کاوشی نظام‌مند، تأثیر ناخودآگاه‌ها را در حیات ذهنی بهنجار و نابهنجار آدمی بررسی کرد، فروید میان دو نوع کاربرد مفهوم ناخودآگاه تمایز قرار می‌دهد، ناخودآگاه به‌عنوان یک صفت صرفاً به جریان‌های روانی اشاره دارد که موضوع توجه خودآگاهانه در لحظه معین نیستند و ناخودآگاه به‌عنوان یک اسم مشخص‌کننده یکی از نظام‌های روانی است که فروید آن‌را در اولین نظریه خود درباره ساختار روانی (مدل مکان نگارانه)، شرح داده بود مطابق این نظریه، روان به سه نظام یا سه منطقه روانی تقسیم می‌شود (۱) خودآگاه (۲) نیمه خودآگاه (۳) ناخودآگاه (انکینسون، ۱۳۸۵).

از طرفی، کارل گوستاو یونگ<sup>۲</sup>، (۱۸۷۵-۱۹۶۱م)، گذشته از آنکه برای ضمیر ناخودآگاه و نقش آن در زندگی فرد اهمیتی قائل است، وجود لایه دیگری را نیز در ناخودآگاه انسان قائل است که آن‌را ناخودآگاه جمعی یا ضمیر ناخودآگاه جمعی<sup>۳</sup> می‌خواند، این مفهوم در روان‌شناسی یونگ از اهمیت و اصالت خاصی برخوردار است، از نظر یونگ ناخودآگاه جمعی، میراثی است از دوره‌های نخستین زندگی بشر که در حافظ، تاریخی انسان‌ها ثبت شده‌است و همه مردم در آن سهیم هستند، بنابراین کهن‌الگوها تصویرها و رسوب‌هایی است که بر اثر تجربه‌های مکرر پیشینیان باستانی ما، به ناخودآگاه بشر راه یافته‌است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۱۹)، در واقع ذهن انسان در هنگام تولد همچون لوحی سفید نیست، بلکه دارای الگوهای اولیه‌ای است که به صورت ارثی از

1. Samuel Taylor Coleridge

2. Carl Gustav Jung

3. Collective Unconscious

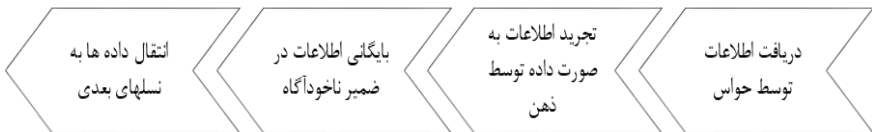
والدین به فرزندان منتقل شده است. یونگ، محتویات ناخودآگاه جمعی را که در همه انسان‌ها مشابه بوده و رد اسطوره‌ها، افسانه‌ها، آیین‌ها، و مناسک مذهبی اقوام مختلف، رویاها، خیال‌پردازی‌ها، و آثار هنری نمود پیدا می‌کند کهن‌الگو می‌خواند، بنابراین روان‌شناسان تعاریفی که از فرهنگ به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار ارائه می‌دهند بیانگر انتقال فرهنگ‌ها و تکامل تجارب جوامع از طریق یادگیری است (آشوری، ۱۳۸۰).

زبان ناخودآگاه، از دیدگاه یونگ زبان نمادها است، ناخودآگاه بی‌پرده و برهنه با ما سخن نمی‌گوید، بلکه همواره در جامه‌ای پر رمز و راز، و در پوششی از نماد پنهان می‌گردد. ناخودآگاه‌ها به زبان رویا و اسطوره با ما سخن می‌گویند، او زادگاه اسطوره و رویا را در درون ناخودآگاه می‌داند، وی رویای جمعی را اسطوره می‌نامد که در طی تاریخ اقوام و ملل آن‌را دیده و به زبان تمثیل و نماد باز گفته‌اند، در حقیقت ناخودآگاه جمعی همان عاملی است که نمادهای جمعی را پدید می‌آورد.

در واقع کهن‌الگو یا همان طرح‌واره‌های جمعی ضمیر ناخودآگاه را می‌توان همچون ذخیره هوش‌افزا یا یک اثر ارثی نیز تصور کرد که از طریق تراکم تجارب روانی بی‌شماری که همواره تکرار شده‌اند تکوین یافته است، کهن‌الگوها ذخایر گران‌بهای تجارب نیاکان ماست که طی میلیون‌ها سال گرد هم آمده‌اند آنها طنین رویدادهای ماقبل تاریخ‌اند که هر قرن و زمانه به آنها تنوع و تفاوت بسیار ناچیزی می‌افزاید به نظر یونگ محیط تأثیر به‌سزایی در بروز کهن‌الگوها دارد به همین دلیل او بر نقش فرهنگ در فعال‌سازی و ساماندهی نمادین کنش کهن‌الگویی که خاستگاهش عمق ضمیر ناخودآگاه است تأکید دارد (شمیسا، ۱۳۷۴).

## جدول ۱- نظریه یونگ و فروید در مورد ناخودآگاه (منبع: نگارنده)

ناخودآگاه فردی	(فروید) واپس زدگی از خودآگاه
	(یونگ) تجربه‌های پیشین شخص
ناخودآگاه جمعی (نظریه یونگ)	برگرفته از تجربیات کل بشر



نمودار ۲- انتقال الگوهای ناخودآگاه (منبع: نگارنده)

### ۳. طرح‌واره (الگو)های ناخودآگاه

عمل شناخت از حواس انسان آغاز می‌شود و از طریق سیستم‌های عصبی خود، اطلاعات لازم را از محیط دریافت می‌کند، محرک‌ها در آستانه مشخص گیرنده‌های حسی را که همان نقطه تماس بین جهان درونی و واقعیت خارجی هستند فعال می‌کنند (سولسو، ۱۳۸۱: ۸۶).

از این طریق پدیده‌های جهان را به مثابه اولین حلقه در زنجیره رویدادهایی که بعدها متضمن رمزگذاری، اندوزش و تبدیل اطلاعات تفکر و واکنش نسبت به آنها است به کمک گیرنده‌های حسی خود می‌بینند می‌شنوند می‌بویند می‌چشند (سیف، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۰۳)، برای نگهداری اطلاعات بیشتر از مدت مذکور باید از استراتژی تکرار و مرور ذهنی کمک گرفت اطلاعات تا زمان تکرار و مرور در حافظه کوتاه مدت باقی می‌ماند که طول مدت نگهداری مطالب در آن بسیار مختصر است، در واقع انسان تمامی اطلاعات ثبت شده در حافظه حسی خود را حفظ نمی‌کند و تنها اطلاعات مورد توجه یا دقت خود را حفظ می‌کند (همان).

1. D. Lea, «Christopher Alexander: An Introduction for Object-Oriented Designers», 35. A. Dearden & Janet Finlay, «Pattern Languages in HCI: A Critical Review»

توانایی برای برخورد با گذشته و استفاده از آن اطلاعات برای درک و فهم زمان حال از کنش‌های حافظه درازمدت و ناخودآگاه محسوب می‌شود به این معنی که حافظه دراز مدت این امکان را فراهم می‌کند به جریان بی توقف تجربه بلافصل درک گردد (سولسو، ۱۳۸۱: ۲۵۱).

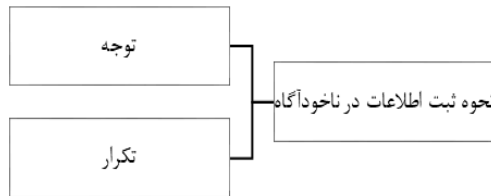
اگر به اطلاعات رسیده به حافظه حسی توجه شد به حافظه کوتاه مدت انتقال می‌یابد و اطلاعات رسیده به حافظه کوتاه مدت نیز پس از پردازش به حافظه درازمدت سپرده می‌شوند، لغتوس‌ها نیز درباره اهمیت حافظه دراز مدت می‌گویند: انسان‌ها می‌توانند مقادیر هنگفتی اطلاعات کلمات نام‌ها، صورت‌ها یا مکان‌ها را به طور دائمی یا نیمه دائمی در مخزن دراز مدت خود ذخیره کنند. بدون مخزن درازمدت، چیزی وجود نخواهد داشت، زیرا توانایی یادآوری الگوی گذشته است که به ما امکان می‌دهد تا به طریقی پویا با محیطمان کنش متقابل داشته باشیم (Loftus, 1976: 56).

اطلاعات جالب توجه در حافظه حسی به الگوهای تصویری یا صوتی (یا سایر الگوهای حسی)، تبدیل می‌شود و به حافظه کوتاه مدت انتقال می‌یابند، در حافظه کوتاه مدت به صورت رمز یا الگوهای ذهنی در می‌آیند. این امر مستلزم فرایند دیگری است به نام رمزگردانی<sup>۱</sup>، منظور از رمز گردانی یعنی بازنمایی آنها به صورت غیر از صورت اولیه است (همان: 305).

به الگوی ارتباطی میان داده‌های ذخیره شده در حافظه، طرح واره<sup>۲</sup>، گفته می‌شود، هر طرح‌واره مجموعه‌ای از گره‌ها و ارتباطات میان آنها در شبکه تار عنکبوتی حافظه است که به خاطر ارتباط محکم آنها با یکدیگر کمابیش به صورت یکپارچه و یکنواخت بازیابی می‌شوند، بازیابی اطلاعات با ردیابی شبکه ارتباطی به نقطه‌ای که ذخیره گردیده است امکان‌پذیر است (همان: ۲۸)، طرح‌واره‌های ذخیره شده در حافظه تأثیری قوی بر شکل‌گیری شناخت ناشی از ادراکات حسی دارند، اگر اطلاعات در قالب الگوهای ذهنی افراد یا تصوراتشان در مورد دانسته‌ها جای نگیرد در پردازش اطلاعات دچار مشکل می‌شوند.

1. Encoding  
2. Schematic

سیف، در مطالعات خود به نظریات روان‌شناسان در تعریف طرح‌واره این چنین اشاره می‌کند: اسلاوین<sup>۱</sup> طرح‌واره را شبکه‌هایی از اندیشه یا روابط به هم مرتبط یا شبکه‌هایی از مفاهیم که در حافظه افراد وجود دارند و آنان را قادر می‌سازند تا اطلاعات تازه را درک و جذب نمایند تعریف کرده است (سیف، ۱۳۸۴: ۳۰۸)، سیفرت<sup>۲</sup> نیز طرح‌واره را هدایت کننده عملیات پردازش می‌داند، بنابراین می‌توان طرح‌واره‌ها را میانجی ادراک به شناخت دانست.



نمودار ۲- نحوه ثبت اطلاعات در ناخودآگاه (منبع: نگارنده)

### طرح‌واره‌های ناخودآگاه قومی

فرهنگ، افراد را از طریق تجربیات ارزش‌ها و نمادهای تاریخی مشترک به مکان مرتبط می‌سازد، علاوه بر مسائل فرهنگی نمادین یا ارزشی می‌توان به تجربیات جمعی و گروهی اجتماعات مختلف در مکان، نیز اشاره کرد که در آن اهمیت یک رخداد یا تجربه برای اهالی یک گروه حائز اهمیت است. خاطرات جمعی در سطح فرهنگی به افراد کمک می‌کند تا با نظام‌های فکری عقاید ارزش‌ها و اهداف فرهنگی منطبق شوند (Conway, 2000, 261-88).

در تعاریف ارائه شده در مورد فرهنگ به نکته‌ای مهم بر می‌خوریم و آن هم جدایی اقوام و جوامع مختلف بشر بر اساس تفاوت‌های فرهنگی است تا آنجا که تفاوت در فرهنگ جوامع برای مردم‌شناسان به شناسایی جوامع مختلف کمک کرده و می‌توان اقوام و جوامع را بر این اساس از هم تفکیک نمود (آشوری، ۱۳۸۰)، پس انباشته شدن تدریجی فرهنگ‌های هر ملت به‌طور ویژه و تمایز هر چه بیشتر ملل مختلف در طول

1. R. E. Slavin

2. K. L. Seifert, 1991

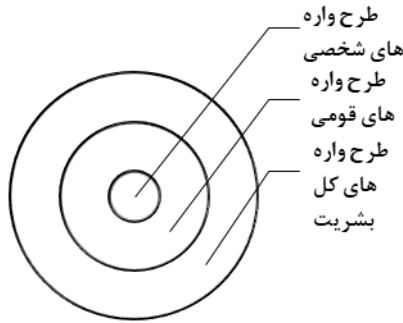
زمان و در نهایت راهیابی به ضمیر ناخودآگاه اختصاصی هر یک از آنها پس از سالیان متمادی دور از انتظار نیست، به عبارت دیگر جدای از کهن الگوها به عنوان الگوهای ذهنی مشترک (که یونگ به آن اشاره دارد)، میان همه انسان‌ها الگوهای دیگری باید در ذهن وجود داشته باشند که حاصل تجارب متفاوت اقوام در طول تاریخ آنها است، تجاربی که در ارتباط با شرایط محیط و هماهنگی انسان با این شرایط سازگاری را شکل داده‌اند و از همین رو اقوام و جوامع مختلف بشر دارای الگوهای ذهنی مختص به خود باشند.

نحوه ایجاد کهن الگوها، و انباشته شدن تجارب در نسل‌های مختلف و نیز انتقال آن به نسل‌های آینده همگی در گرو پذیرش انتقال صفات غیر مادی توسط وراثت است، قوانین توارث‌پذیری صفات در موجودات از نسلی به نسل دیگر در حدود ۱۵۰ سال پیش توسط کشیش زیست‌شناس اتریشی به نام گروگور منل کشف شد، اگر چه این قوانین ابتدا در گیاهان کشف گردید اما در پژوهش‌های متعدد قرن بیستم قوانین ثابت ارث‌پذیری صفات، در همه موجودات زنده نشان داده شد.

کهن الگوهایی که یونگ از آن به عنوان غرایز روح مطرح کرده است، در واقع سازگاری‌هایی است که در جهت رفع نیازهای اجداد انسان و در راستای هماهنگی با محیط زیست آنها شکل گرفته‌اند، کهن الگوهای ذهنی مشترک میان همه انسان‌ها بوده و به دوران یا شرایطی بر می‌گردد که همه اقوام و نژادهای بشر به صورت مشترک تجربه کرده‌اند و به شکل تجارب گذشتگان در ذهن انسان ذخیره شده است، لذا به صورت عام بین همه انسان‌ها دیده می‌شود، اما از آنجا که نژادهای مختلف بشر جدای از این شرایط و دوران مشترک به سبب پراکندگی در سطح زمین شرایط متفاوتی را تیز تجربه کرده و می‌کنند، لذا برای ادامه حیات و هماهنگی با محیط پیرامون خود نیاز به سازگاری جدید داشته و دارند طبق یافته‌های علم ژنتیک ایجاد ساز و کارهای متناسب در محیط جدید انکارناپذیر است، زیرا این عمل شانس بقا و تولیدمثل را که از ارکان اصلی تکامل می‌باشند افزایش می‌دهد به همین دلیل می‌توان مدعی شد که اقوام و گروه‌های انسانی که در شرایط متفاوت از یکدیگر برای مدت طولانی رشد و تکامل یافته‌اند دارای سازگاری‌های مختص به خود و از این رو الگوهای رفتاری خاص خود



هستند، الگوهایی که به نسل‌های آتی خود منتقل کرده و مشترک بین همه انسان‌ها نیست (خیرآبادی، ۱۳۹۶)، بنابر این تا بدینجا تأثیر ناخودآگاه در تشکیل الگوهای ذهنی بشر و نیز در خرده فرهنگ‌ها به صورت جداگانه مشخص گردید.



نمودار ۳- سطوح مختلف ناخودآگاه  
منبع: نگارنده

#### ۴. طرح‌واره‌های نژادی در معماری

الکساندر، از بنیان‌گذاران استفاده از ناخودآگاه در معماری محسوب می‌گردد، وی به کنکاش ذهن آدمی برای بررسی معادل ناخودآگاه معماری می‌پردازد. الکساندر الگوها را عصاره تجربیات بشری می‌داند که پایه‌های ضروری برای پیوند طراحی با ادراک انسان را فراهم می‌آورد، او از آنها به جای ابزار طراحی به منظور معنا بخشیدن به محیط‌های مصنوع استفاده می‌کند و معتقد است که الگوها ابزاری بسیار قوی برای کنترل فرایند پیچیده از جمله فرایند طراحی معماری و دستیابی به انسجام ساختاری و عملکردی هستند (Cline, 1996, 47-49)، الکساندر در مطالعات خود به دنبال الگو می‌گردد و شولتز، آنرا از تأثیر ضمیر ناخودآگاه در انسان به بحث می‌گذارد، الگوهایی که در ضمیر ناخودآگاه انسان وجود دارد، این الگوها می‌تواند توسط فرهنگ‌ها و آموزه‌های مختلف دینی و اجتماعی در انسان‌ها به وجود آید و تا نسل‌های متمادی وجود داشته باشد، همانند تأثیر تمثیل‌های بهشت بر باغ‌های ایرانی.

الکساندر، مشاهدات مهمی در زمینه تفاوت میان رهیافت‌های ناخودآگاه و رهیافت‌های خودآگاه جهت طراحی و ساخت مطرح می‌سازد، در تعریف یک طراحی

خوب در معماری به ساختمان‌های بومی ای که در جوامع سنتی ساخته شده است اشاره می‌کند، جوامع سنتی فرم‌های معماری بومی خود را طی زمان طولانی و بعد از پشت سر گذاشتن آزمون‌ها و تصحیح خطاها پیدا کرده‌اند، هرگونه تغییر و تحولی در این جوامع سنتی بطیء و آهسته بوده و آنها به خوبی توانسته‌اند این تغییرات را با سیستم ساخت خود تطبیق دهند، در حالی که در دنیای مدرن امروز تغییرات توسط غیربومیان و از طریق معرفی تکنولوژی پیشرفته مدرن صورت می‌پذیرد (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷: ۴۷)، وی ادعا می‌کند الگوها حقایقی ثابت و تغییر ناپذیرند، الگوها تمامی راه‌های ممکن برای حل مشکلات ذکر شده را فراهم می‌آورند، وی عنوان می‌کند الگوها از ۵ هزار سال پیش تا کنون به عنوان طرح‌های اولیه شناخته شده بودند و همواره بخشی از طبیعت آدمی بوده و هستند، الکساندر روش جاودانه ساختمان و زبان الگو را به عنوان وسایل و ابزار طراحی در راستای انسانی کردن محیط‌ها و معنا بخشیدن به آنها ارائه می‌دهد، وی مقایسه جالبی میان الگو و زبان متداول (زبانی که مردم به کمک آن سخن می‌گویند)، انجام می‌دهد: توسط زبان الگو، مردم قادر به خلق یک توده نامحدود برای شهرها، ساختمان‌ها، فضاهای شهری جدید، و بی‌همتا هستند، درست مانند زبان که توانایی آفریدن جملات نامحدود و متنوع را داراست (Alexandr. 1977: 43)،

زبان الگو عصاره تجربیات بشری است و پایه‌های ضروری جهت پیوند با انسان را فراهم می‌آورد و کمک می‌کند تا پیچیدگی محیط پیرامون خود را درک نماید، بنابراین زبان الگو اهداف زیر را دنبال می‌کند: (۱) راهی برای درک و کنترل سیستم‌های پیچیده (۲) استفاده از زبان الگو به عنوان ابزاری برای دستیابی به انسجام ساختاری و عملکردی (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷: ۵۱)، لذا زبان الگوی الکساندر را در واقع می‌توان منطبق با نظریه کهن الگوی یونگ، دانست، همان‌گونه که یونگ معتقد است که کهن‌الگوها زبان مشترکی بین انسان‌ها فراهم می‌آورد، و می‌تواند انسجام ایجاد کند الکساندر نیز این امر را در معماری عامل انسجام فضاها با گذشته و انسان و محیط می‌داند، از این رو آدمی با حضور در فضاهایی که بر اساس الگوها شکل گرفته است می‌تواند آن را درک و شناسایی کند و منطبق با طرح‌واره‌های ذهن خود بداند و احساس این همانی کند و این همانی در واقع بخش مهمی از حس هویت‌مندی را در بر می‌گیرد.

کهن الگو موجودیت، روان تن، و دارای دو جلوه است: جلوه‌ای با اندام‌های جسمی و با ساختارهای روانی ناآگاه و بالقوه چنانکه به طور مثال از دلایل اصلی استمرار الگوها در معماری مانند چهارطاقی در ایران و نفوذ چنین نمادهای فرهنگی و آیینی نزد مؤمنان به باورهای مسلط جامعه عصر ساسانی مربوط است و به شناسا بودن آن نزد مؤمنان آیین زرتشت در پیش از اسلام و تداوم آن به‌عنوان یک شکل مقدس از پیش پذیرفته شده در دین اسلام است (حاتمیان، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

##### ۵. معنایابی فضای دینی در انطباق با طرح‌واره‌های ناخودآگاه جمعی

شهر مفهومی انتزاعی و ذهنی نیست بلکه نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی منطبق با فضا محسوب می‌شود به همین دلیل سرشار از معنا و واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی است و رابطه عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند. نقش مساجد در شکل‌گیری و روند توسعه شهری بسیار پررنگ بوده است گرچه این امر در شهرسازی مدرن کنونی حتی در کشورهای مذهبی نیز به قدرت دیرینه نیست، در واقع مساجد در شهرهای کهن ایران از ارکان مهم شهری محسوب می‌شوند و دارای نمادهای ماندگاری در اذهان عموم می‌باشند، تا گذشته‌ای نه چندان دور مساجد نقش مرکزی در شهر داشته‌اند و این نقش کانونی این مکان‌ها را دارای ارزش فراوانی در تحرکات شهری کرده بود و این امر موجب ثبت نشانگان معنوی در ناخودآگاه جمعی می‌شده است.

مسجد به‌عنوان محیطی کالبدی، قبل از تأثیر بر رفتار، لازم است به صورت ذهنی درک شود (Gans, 1968)، رفتار به واسطه معنای درک شده توسط کاربر و در واکنش به آن ایجاد می‌شود، ادراک فرد از محیط نیز به ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های وی، جهانی‌بینی و فرهنگ اجتماعی بستگی دارد در این راستا می‌توان ادراک را به دو طریق تعریف کرد: اول به‌عنوان یک فرآیند بصری که به واسطه آن یک شیء مورد فهم قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که ترکیب ثابت ویژگی‌های آن برای مخاطب، معنا دار به حساب می‌آید، جهت ایجاد تعامل با فضاها دینی در ابتدا باید درک مناسبی از فضا و نیز دریافت حس مکان معنوی حاصل گردد.

همانگونه که عنوان شد مهم‌ترین ویژگی مسجد جهت ایجاد حس مکان کالبد آن است، نقش کالبد بر فعالیت‌ها و احساسات به صورت ناخودآگاه از طریق نشانه و معنا صورت می‌گیرد وجود عناصر و فضاهایی که به صورت مداوم در طول تاریخ از آنها استفاده شده است، نقش مهمی در ایجاد تصویر ذهنی از مسجد در ذهن استفاده کنندگان داشته است که در این میان نشانه‌ها و نمادها، به ویژه بافت و تزئینات نقش مهمی در این تصاویر ذهنی ایفا می‌کند (فلاح، ۱۳۸۴: ۴۱).

کثرت کاربرد نشانه‌ها و ساختارها در طول زمان در مساجد به صورت قراردادهای اجتماعی تبدیل به نماد مساجد شده و واجد معانی الهی و فرامادی شده‌اند و نقش بسیار مهمی در خوانش معانی مسجد ایفا می‌کنند (قصری، میرغلامی، حجت ۱۳۹۷: ۳۷) انطباق با طرح‌واره‌های ذهن ناخودآگاه در ارتباط با موضع پدیده که به طور عام مطرح است، منتج به معنایی، احساس آشنایی با مکان و هویت‌مندی و این‌همانی خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

کیفیت حس مکان، در فضاهای دینی بیش از همه وابسته به کالبد فضا است، این امر در کالبد فضاهای شهری و نیز در کالبد بنای معماری دارای اهمیت می‌باشد، با توجه به اینکه طراحان میل به خلاقیت در طراحی کالبد بنا در بناهای مذهبی دارند، از طرفی این امر تاکنون به صورت سلیقه‌ای صورت گرفته است و گاه نتایج مطلوبی در ایجاد حس مکان منظر شهری بر جای نگذاشته است.

با توجه به اینکه فضاهای دینی اهمیت بسیاری در زندگی اعصار گذشته داشته‌اند و نیز با توجه به یافته‌های علم ژنتیک در انتقال صفات در نسل‌ها و نظریه کهن الگوی یونگ می‌توان نتیجه گرفت که از مهم‌ترین طرح‌واره‌های منتقل شده کالبدی در ذهن می‌تواند مشخصه‌های دینی بنا باشد که در نسل‌های مختلف باعث ارتباط با فضا و آشنا پنداری آن گشته و تعامل با این فضاها را تسهیل نموده است.

از این رو اهمیت این طرح‌واره‌ها در طراحی مساجد نو مشخص می‌گردد و طراحان را بر آن می‌دارد تا جهت ایجاد حس مکان و روح مکان دینی در فضاهای نو به این الگوها توجه داشته باشند تا کیفیت حس مکان باعث تداوم حضور استفاده کنندگان و

مراحل بعدی تعامل با محیط گشته، افراد را وارد فرایند خاطره سازی و تجارب دینی مؤثر در فضا سازد بدین ترتیب هویت اجتماعی و فردی را تقویت نماید، همانطور که طی این نوشتار اشاره شده است، طرح‌واره‌های ضمیر ناخودآگاه می‌تواند تجارب کل بشر را شامل شود و نیز بخشی شامل تجارب قومی و فرهنگی گردد از این‌رو ساخت مراکز مذهبی نو با گرتنه برداری از فضاهای معنوی سایر ملل و یا فرهنگ‌ها می‌تواند متناقض با طرح‌واره‌های ضمیر ناخودآگاه ایرانی و ناآشنا پنداری فضاهای معنوی و تجربه دینی گردد.

گرچه تحقیقات اشاره شده در نوشتار اثبات می‌کنند که مساجد سنتی با داشتن نشانه‌های آشنای بیشتر معمولاً حس مکان غنی‌تری را در نمازگزاران به وجود می‌آورند اما با مساجد با طراحی نو در صورتی که بتوانند به طرح‌واره‌های نژادی توجه داشته باشند نیز در این امر نتایج مطلوبی را خواهند داشت.

از آنجا که یونگ معماری را رسانه‌ی مناسبی جهت بازتاب ناخودآگاه می‌دانست این امر خود نشان از اهمیت طرح‌واره‌های ناخودآگاه نژادی در شناسایی فضاهای هویت‌مند منطبق با فرهنگ دارد، کشف و باز زنده سازی طرح‌واره‌های کهن در ضمیر ناخودآگاه نژادی می‌تواند راهبردی برای طراحی فضاهایی باشد که تعامل بیشتری با افراد برقرار می‌سازد البته این امر در فضاهای دینی و غیر دینی تفاوت‌هایی خواهد داشت، وجود طرح‌واره‌های نژادی فضاهای دینی قطعاً بسیار متفاوت از تأثیر این الگوها در فضاهای غیر دینی مانند فضاهای تجاری، فرهنگی، اداری و غیره است.

## کتاب‌نامه

۱. اتکینسون، ریتال و دیگران، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه، ارجمند، محسن، سمیعی، مرسله، رفیعی، حسن، جلد ۲، تهران، ارجمند، ۱۳۸۵.
۲. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، ویرایش سوم، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه، مقالاتی در باب طراحی شهری، تهران، شهیدی، ۱۳۹۲.
۴. حاتمیان، محمد‌جواد و دیگران، تحلیل چگونگی استمرار معماری چهارطاقی از دوره ساسانی به اسلامی در ایران با تکیه بر روش نقدکهن الگویی، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی دره ۴ شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۱۷۳-۱۹۲.
۵. سولسو، رابرت ال، روان‌شناسی شناختی، ترجمه، فرهاد ماهر، ویرایش ۲، تهران، رشد، ۱۳۸۱.

۶. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، ویرایش ۵، تهران، آگاه، ۱۳۸۴.
۷. شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران، فردوس، ۱۳۷۴.
۸. فلاح، محمدصادق، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۲۶ ص ۵۷-۶۶.
۹. قصری، محمدعلی، میرغلامی، مرتضی، حجت، عیسی، تحلیل خوانش مخاطبان از گونه‌های مختلف مساجد معاصر تبریز از دیدگاه فرم و نماد و با معیار احکام فقهی شیعی، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۶، ص ۲۹-۴۲.
۱۰. کاظمی، علی، بهزادفر، مصطفی بازشناسی نظام معانی محیطی در محیط‌های تاریخی با تأکید بر تحولات اجتماعی مخاطبان، فصلنامه مطالعات شهری شماره ششم بهار ۱۳۹۲.
۱۱. مورنو، آنتونیو یونگ حدایان و انسان مدرن، ترجمه، مهرجویی، داریوش، تهران، مرکز، ۱۳۹۶.
۱۲. مهاجری، ناهید، قمی، شیوا، رویگری تحلیلی بر نظریه‌های طراحی کریستوفر الکساندر، نشریه هویت شهر سال دوم شماره ۲ بهار و تابستان ۱۳۸۷.
13. Alexander, C. , Ishikawa, S. , Silverstein, M. , Jacobson, M. , Fiksdahl-King, I. , & Angel, S. (1977). A pattern language: towns, buildings, construction. New York: Oxford University Press
14. Cline, M. P (1997). «The Pos and Cons of Adopting and Applying Design Patterns in the Real World», in Communications of the ACM,39 (10) ,pp.47-49
15. Gans, H. J. (1968). The effect of a community on its residents. In People and plans. H. J. Gans (Eds. ). New York: Basic Books .
16. Lewicka, M. (2011). Place inherited or place discovered? agency and communion in people-place bonding. Studies in Psychology, 34 (3) : 261-274 .
17. Loftus, G. R. & E. F. Loftus (1991). Human Memory: the Processing of Information, Hillsdale, nj: Erlbaum, 1976,
18. Manzo, L. C. , & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: the importance of place attachment to community
19. Relph, E. (1976) , Place and Placelessness, London: Pion .

# فرزندپروری در مواجهه با فضای مجازی

## چالش‌ها و راهکارها\*

- الهام محمدزاده<sup>۱</sup>
- رضا نیرومند<sup>۲</sup>
- ندا محمدزاده نقاشان<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های پیش روی تربیت فرزند در مواجهه با فضای سایبری<sup>۴</sup> و رسانه‌ای است، به عبارت دیگر، اصول فرزندپروری بر اساس مکاتب تربیتی در مواجهه با رسانه و به خصوص اینترنت، با چالش‌های جدی روبرو است که راهکارهای جدیدی را می‌طلبد.

فرزندپروری یکی از ارکان اساسی در شکل‌گیری مستحکم و پایدار نهاد خانواده است که از دیرباز از سوی روان‌شناسان و عالمان دینی مورد توجه بوده است. آنچه امروزه در این حوزه، مسئله جدید محسوب می‌شود، سبک مقتدرانه فرزندپروری از دیدگاه روان‌شناسی و تربیت دینی، راهکارهایی را برای این تقابل

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه بجنورد (e.mohammadzadeh@ub.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه بجنورد (r.niroomand@ub.ac.ir).

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی

Neda.mohammadzade@gmail.com

4. cyberspace

ارائه می‌دهد که به کارگیری صحیح و تبعیت روشمندان از آن، سبب پرورش فرزندی سالم و ایمن در فضای رسانه‌ای خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** فرزند پروری، فضای مجازی، مدیریت رسانه برای فرزند، سبک مقتدرانه

### مقدمه

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج و تولید مثل با هم زندگی می‌کنند، این نهاد اجتماعی در طول تاریخ، نقشی حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن انسان داشته و بدون شک، مهم‌ترین نهادی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی آدمی به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی)، است (موسوی، ۱۳۸۳)، روان‌شناسان رشد، همواره علاقمند بوده‌اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی پدر و مادر را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی فرزندان، مطالعه و بررسی کنند، یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه فرزند پروری نامیده می‌شود، سبک‌های فرزند پروری، ترکیبی از رفتارهای پدر و مادر است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزند پروری بادوامی را پدید می‌آورند (برک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۴۸۰)، اگر به تأثیر خانواده در شکل‌گیری شیوه‌های فرزند پروری نظری بیندازیم، درمی‌یابیم که بچه‌ها از طریق همین روابط تأثیرگذار و تأثیرپذیر می‌شوند.

در متون اسلامی نیز، فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری فرزند در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند، از دیدگاه اسلامی، مسئولیت فرزند پروری در اصل به عهده پدر و مادر است، تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق می‌فرماید:

حق فرزند تو این است، در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کرده به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او، نسبت به وظایف تو و



خودش یاری اش دهی<sup>۱</sup> (حرانی، ۱۴۰۰: ۲۶۳)، همچنین رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چهره دیگر این مسئولیت‌پذیری از ناحیه پدر و مادر را، حق فرزند بر پدر و مادر دانسته و بر لزوم پذیرش مسئولیت آموزش و پرورش فرزند تأکید فرموده است (نوری، ۱۴۰۸: ۲)، در حدیث دیگری از ایشان نقل شده: خداوند رحمت کند والدینی را که فرزندانش را به نیکوکاری وا دارد و به او احسان کند و او را به دانش و ادب آراسته سازد<sup>۲</sup> (بروجردی، ۱۳۸۶: ۸۵۷/۲۶).

امروزه پرورش فرزند در فضای جدیدی به نام فضای مجازی یا به تعبیری جامع و دقیق‌تر فضای سایبری و رسانه‌ای، توجه دانشمندان علوم تربیتی و عالمان دینی را به خود جلب نموده است، منظور از فضای مجازی، فضایی است که توسط رسانه‌های دیجیتال به خصوص اینترنت به وجود آمده است، این فضا، محیطی چند بعدی، تعاملی و سرگرم‌کننده است که به خاطر ویژگی‌هایی همچون سرعت زیاد در تبادل اطلاعات و دسترسی‌پذیری بالا<sup>۳</sup> سرشار از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، یادگیری و تعاملی می‌باشد، اما به دلیل ویژگی‌های چالش‌برانگیز، تربیت اخلاقی و دینی را به شدت در معرض آسیب قرار داده است، از جمله این چالش‌ها می‌توان به آزادی بدون قیود اخلاقی و ترویج فرهنگ برهنگی، گمنامی و هویت دروغین افراد، غیرمحسوس بودن<sup>۴</sup> و غیر قابل کنترل بودن، تضاد فرهنگ‌ها، نبود امنیت اطلاعاتی، نقض حریم خصوصی افراد، رواج جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی مثل هرزه‌نگاری اشاره کرد (نوربخش و مولایی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

تجربیات مجازی در فضای اینترنت و سایبری، در زندگی روزمره به ویژه در میان کودکان و نوجوانان در حال گسترش است، این امکان دسترسی، علی‌رغم مزایا و فوایدی که دارد ممکن است منجر به پیامدهای منفی آسیب‌شناختی و مشکلاتی ناشی

۱. وَ أَمَا حَقُّ وَ لَدَيْكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ مِنْكَ وَ مُصَافٍ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ سَرَّهُ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ.

۲. رحم الله عبداً أعان ولده على بزه بالإحسان إليه والتألف له وتعليمه وتأديبه.

۳. اینفوگرافیک: ویژگی و آسیب‌های فضای مجازی، به نقل از سایت [www.dana.ir](http://www.dana.ir)، شناسه خبر: ۷۵۴۰۷۲.

از افزایش میزان مصرف اینترنت شود (چو، کاندرون و بلاند<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)، به عبارت دیگر، چالش‌های فضای سایبری، می‌تواند خطرات و تهدیدهای بسیاری همچون اعتیاد اینترنتی، برخورد با محتوای نامناسب، سوءاستفاده‌های مالی و عاطفی را برای کاربران کودک و نوجوان در پی داشته باشد و امنیت آنها را به خطر بیندازد، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که غیرمحسوس بودن و غیر قابل کنترل بودن اینترنت، زمینه‌ساز مسائل عمده‌ای همچون شکست‌های تحصیلی، انزوای اجتماعی و اثرات منفی دیگری همچون اضطراب، افسردگی و تنهایی، قلدری اینترنتی<sup>۲</sup> و مشکلات عاطفی و روانی برای کودکان است (اوزگور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶).

آمارهای اخیر نشان می‌دهد که میزان استفاده از اینترنت در بین کودکان و نوجوانان رو به افزایش است و در حال حاضر افزایش زمان بازی‌های کامپیوتری و فعالیت‌های آنلاین، منجر به کاهش قابل توجه فعالیت‌های بیرون از خانه بچه‌ها شده است (وونگ، لا، هو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷)، از آنجایی که فرزندان تمایل دارند اطلاعات بیشتری از تکنولوژی کسب کنند و همچنین در استفاده از آن مهارت بیشتری از والدین دارند (وونگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰)، نظارت و راهنمایی والدین ضروری به نظر می‌رسد و در صورت عدم راهنمایی و حمایت‌های خانواده، احتمال مواجهه با این خطرات در کودکان و نوجوانان به دلیل آسیب‌پذیر بودن این گروه سنی، افزایش می‌یابد، به همین دلیل، چگونگی مواجهه با آسیب‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و کاهش خطرات احتمالی برای این گروه سنی آسیب‌پذیر، به دغدغه اساسی والدین و مربیان تبدیل شده است.

مطالعات بسیاری نشان می‌دهند استفاده کودکان از اینترنت، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که در این میان بر سبک‌های فرزندپروی تأکید ویژه‌ای شده است (روزن، چیور و کریبر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸: ۴۶۲؛ والک، بونت، دی ویور و روتس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰)، به‌عنوان مثال، استین،

1. Chou, C. , Condron, L. & Belland, J. C
2. Cyber bullying
3. Ozgür, H.
4. Wong, Law, & Ho
5. Wong, Y. C.
6. Rosen, L. D. , Cheever, N. A. , & Carrier, L. M.
7. Valcke, M. , Bonte, S. , De Wever, B. , & Rots, I

گرینبرگ و هافچیر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری، با راهبردهایی که والدین برای مدیریت استفاده کودکان از اینترنت به کار می‌برند مرتبط است، در واقع می‌توان گفت نظارت والدین بر استفاده فرزندان از اینترنت و فضای مجازی، بخشی از همان شیوه نظارت بر سایر فعالیت‌های فرزندان است که به سبک فرزندپروری و رابطه والد-فرزندی بستگی دارد (وونگ، ۲۰۱۰)، بنابراین یکی از راه‌های مؤثر در حوزه نظارت سالم بر فرزندان و پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی آگاه شدن والدین از سبک فرزندپروری خود، اصلاح آن و تنظیم رفتارشان در رابطه با فرزندان می‌باشد.

### ۱. سبک‌های فرزند پروری

منظور از سبک فرزندپروری، رفتارها و روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند بنابراین می‌توان گفت منظومه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌های والدین نسبت به فرزند و نوع ارتباط با او که بافت هیجانی تعامل والد و فرزند را ایجاد می‌کند و نهایتاً رفتار والدین در این بافت بیان می‌شود، سبک‌های مختلف فرزندپروری را شکل می‌دهد (دارلینگ و استین‌برگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳)، به عبارت دیگر، فرزندپروری مجموعه فعالیت‌های پیچیده‌ای است که از طریق رفتارهای هر کدام از والدین به صورت جداگانه و با هم بر نتایج رفتار بچه‌ها تأثیر می‌گذارد (والک و همکاران، ۲۰۱۰).

غالب روان‌شناسان همچون بامریند<sup>۳</sup>، سبک‌های فرزندپروری را در چهار طبقه توصیف می‌کنند (والک و همکاران، ۲۰۱۰؛ برک، ۲۰۰۷؛ ۴۸۰؛ شعاری نژاد، ۱۳۷۶)، که در ادامه به‌طور مختصر به آنها اشاره خواهد شد:

الف. سبک مستبدانه<sup>۴</sup>: والدین در این سبک، اغلب افرادی سرد و طردکننده هستند که برای اعمال کنترل، فریاد می‌کشند، دستور می‌دهند، عیب‌جویی و تهدید می‌کنند، این والدین اغلب توقعاتشان را با استفاده از فشار و تنبیه، اعمال می‌کنند.

1. Eastin, M., Greenberg, B., & Hofschire, L.

2. Darling, N. & Steinberg, L.

3. Baumrind.

4. authoritarian.

والدین مستبند، علاوه بر کنترل مستقیم ناموجه، به نوع ظریف‌تری به نام کنترل روان‌شناختی نیز می‌پردازند که به موجب آن در ابراز کلامی، فردیت و دل‌بستگی کودکان به والدین دخالت کرده و در آنها دخل و تصرف می‌کنند، این والدین اغلب محبت را از کودک دریغ کرده و آن‌را به اطاعت کودک وابسته و مشروط می‌دارند (برک، ۲۰۰۷: ۴۸۰ و ۴۸۱). بنابراین می‌توان گفت محبت پایین و کنترل بالای والدین، الگوی فرزندپروری مستبندانه را شکل می‌دهد (دارلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ اوزگور، ۲۰۱۶)، پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیشترین میزان مشکلات بچه‌ها در فضای مجازی و اینترنت، با این سبک فرزندپروری در ارتباط است (معاذین، تقوی، حسینی‌المدانی، محمدی‌فرو و ثابت‌ایمانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

پیشوایان دینی نیز، این شیوه را در تربیت فرزند نادرست تلقی نموده‌اند: «فرزند انسان در حکم اینکه دارای شعور و اندیشه است باید از طریق پند و اندرز و ادب شایسته تربیت شود نه از طریق زورگویی و تنبیه بدنی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، در این شیوه، کرامت فرزند، استقلال شخصیت و نیازهای عاطفی در او به شدت آسیب می‌بیند، در حالی که در روش تربیتی اسلام این سه رکن اساسی مورد توجه جدی قرار گرفته است.

ب. سبک سهل‌گیرانه<sup>۳</sup>: در این روش به تمایلات و خواسته‌های فرزندان بیش از اندازه اهمیت داده می‌شود، به گونه‌ای که فرزندان مجازند به خواسته‌های خود آنگونه که می‌خواهند دست یابند (دادستان، ۱۳۹۲: ۹۷)، والدین سهل‌گیر، صمیمی و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند، کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آنها اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند، خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (برک، ۲۰۰۷: ۴۸۰ و ۴۸۲)، این والدین از کودکان‌شان تقاضای زیادی ندارند و بنابراین قوانین مشخص و واضحی برای آنها وضع نمی‌کنند، رفتار والدین سهل‌گیر در فرزندپروری اینترنتی نیز به همین صورت است آنها از مواجهه و

1. Darling, N.

2. A. Moazedian, S. A. Taqavi, S. A. HosseiniAlmadani, M. A. Mohammadyfar and M. Sabetimani.

3. permissive.

گفتگو با فرزندان درباره تجارب آنلاین اجتناب می‌کنند و به هیچ یک از خواسته‌های کودک و نوجوانشان نه نمی‌گویند، بنابراین طبیعی است که بیشترین میزان استفاده از اینترنت در فرزندان این خانواده‌ها دیده شود (والک و همکاران، ۲۰۱۰).

سبک فرزندپروری سهل‌گیر نیز بر خلاف روش تربیت دینی است، چراکه والدین باید مسئولیت تربیت فرزندان را بر عهده گیرند و با شیوه‌های مناسب او را به ادب دینی و ادا نمایند، بنابراین، سبک سهل‌گیرانه نیز از نظر اسلام مردود است<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۸/۷۴).

یکی از اساسی‌ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین اسلام، وجود میانه‌روی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در تمام زمینه‌ها به‌ویژه در روابط خانوادگی است در سبک تربیتی اسلام، محبت به فرزندان به اندازه کافی و بر محور تعادل بوده و از زیاده‌روی در محبت نهی شده است، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که نیکی به فرزندان، آنان را به افراط بکشاند»<sup>۲</sup> (شوشتری، ۱۴۰۹: ۱۹/۴۹۵). پدر و مادر از نگاه اسلام نسبت به فرزندان، مسئولیت سنگینی دارند و موظف‌اند تا آنجا که می‌توانند، در تربیت فرزندان خود بکوشند؛ چرا که فرزندان در دست پدر و مادر امانت الهی هستند بنابراین باید در مراقبت و نظارت بر رفتار فرزندان از هیچ تلاشی دریغ نورزند، اگر به فرزند آزادی بیش از حد داده شود، کم‌کم زمینه سرکشی آنها نسبت به پدر و مادر نیز فراهم می‌گردد<sup>۳</sup> (همان).

ج. سبک بی‌اعتنا<sup>۴</sup>: روش فرزندپروری بی‌اعتنا، پذیرش و روابط کم‌را با کنترل پایین و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن، ترکیب می‌کند، این والدین اغلب از لحاظ هیجانی، جدا و افسرده هستند، توقعات کمی از کودکان دارند و نسبت به تصمیم‌گیری و نظرات کودکان، کاملاً بی‌تفاوت‌اند (برک، ۲۰۰۷: ۴۸۰ و ۴۸۲)، در این سبک، تقاضا و پاسخ دهی به میزان کم وجود دارد؛ یعنی والدین نسبت به فرزندان،

۱. يَا اَيُّهَا مَسْعُودٌ لَا تَحْمِلَنَّكَ الشَّقَّةَ عَلَىٰ اَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ عَلَى الدُّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَ الْحَرَامِ.

۲. شر الآباء من دعاه البر الى الافراط.

۳. ان شر الابناء من دعاه التقصير الى العقوق.

پذیرش و محبت کم همراه با کنترل پایین را نشان می دهند، به ندرت تمایل دارند به فرزندان خود بازخورد بدهند، از نظر هدایت گری و پشتیبانی عاطفی، هیچ حمایتی نمی کنند و در مجموع روابط بسیار ضعیفی با فرزندان شان دارند (ماکوبی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲)، در حوزه نظارت بر فضای مجازی نیز نگرش حمایتی و حتی محدودکننده مناسبی برای استفاده از اینترنت در کودکان ندارند، به همین دلیل ممکن است خطرات و آسیب های زیادی بر فرزندان وارد شود (والک و همکاران، ۲۰۱۰).

از منظر اسلامی رفتار اینگونه والدین مورد تویخ قرار گرفته است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ والدین بی توجه نسبت به آموزش و تربیت فرزندان را مورد سرزنش قرار داده و از آنها بیزاری می جوید<sup>۲</sup> (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۴/۱۵)، والدین مسئول، باید فرزندان خود را به ارزش ها و آداب نیکو آشنا کرده، آنان را به آداب حسنه مؤدب سازند، تعهد و پایبندی به ارزش ها و امور شایسته را در آنان پدید آورده و از آنها افرادی شایسته، مؤمن، متدین و نیکوکار بسازند<sup>۳</sup> (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۳).

در روش تربیتی اسلام، از غفلت نسبت به تربیت فرزندان نهی شده است و ضمن تعادل در تقاضاها و پاسخ دهی، روابط عاطفی و معقولی بین پدر و مادر و فرزندان وجود دارد، نظارت و مراقبت غیر مستقیم، بر اساس ضوابط همراه با عواطف صورت می گیرد به نیازهای مادی و معنوی فرزندان توجه می شود و پدر و مادر نسبت به سرنوشت فرزندان خود احساس مسئولیت می کنند (پرچم، فاتحی زاده و اله یاری، ۱۳۹۱).

د. سبک مقتدرانه<sup>۴</sup> والدین در این سبک، افرادی مقتدر، صمیمی، پذیرا، دلسوز و نسبت به نیازهای فرزندان شان حساس هستند، آنها رابطه والد فرزند لذت بخش و از لحاظ هیجانی خشنودکننده ای را برقرار می کنند که کودک را به سمت ارتباط نزدیک

1. Maccoby, E. E.

۲. وَ نَبَأٌ لِأَوْلَادٍ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بَرَاءٌ.

۳. وَ أَمَّا حَقٌّ وَ لَدَيْكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ مِنْكَ وَ مُصَافٍ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ.

4. authoritative

می‌کشاند والدین مقتدر در عین حال که کنترل قاطع و معقولی را اعمال می‌کنند؛ روی رفتار پخته تأکید دارند و برای انتظارات خود دلیل می‌آورند، همچنین با دادن استقلال به کودک، به او اجازه می‌دهند که در زمینه‌هایی که آمادگی دارد تصمیم بگیرد (برک، ۲۰۰۷: ۴۸۱) در این شیوه هم میزان کنترل سازگارانه و هم میزان گرمی و صمیمیت والدین با فرزندان بالاست.

والدین مقتدر، از طریق ارتباط راه‌حل مدار، به اشتراک گذاشتن ایده‌های خود با کودکان، حمایت از مهارت‌ها و گرایش‌های خاص کودکان، با آنها ارتباط می‌گیرند (ماکویی، ۱۹۹۲). و بر همین اساس، بر استفاده کودکان از اینترنت نظارت می‌کنند به‌عنوان مثال تعریف کردن قوانین عملیاتی برای فرزندان همچون مدت زمان استفاده از اینترنت، یکی از روش‌های مورد استفاده این گروه از والدین است (والک و همکاران، ۲۰۱۰)، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد والدین مقتدر، از سبک نظارتی ارزیابانه استفاده می‌کنند که راهبرد فعال نظارتی به حساب می‌آید و با کاهش آسیب‌های اینترنت، رابطه مستقیم دارد (اوزگور، ۲۰۱۶)، همچنین کمترین میزان استفاده از اینترنت در فرزندان با سبک فرزندپروری مقتدر رابطه مثبت دارد و تأثیر مثبتی بر رفتارهای آنلاین فرزندان می‌گذارد (استین و همکاران، ۲۰۰۶)، شاید به این دلیل که والدین، فرزندان را مجبور نمی‌کنند و در عوض، با بیان دلایل منطقی، ارزش یک رفتار خاص را توضیح می‌دهند، بچه‌ها نیز نفوذ والدین را بیشتر می‌پذیرند و بهتر عمل می‌کنند، با این حال هنگامی که موقعیت اقتضا می‌کند، از بازخواست و تنبیه هم به صورت ملایم بهره می‌گیرند (بامریند، ۱۹۹۱).

سبک فرزندپروری مقتدرانه، نزدیک‌ترین روش به دستورات تربیتی اسلام است که اصل کرامت و احترام نسبت به فرزندان، اصل محبت به ایشان و اصل حفظ استقلال شخصیت آنها به خوبی لحاظ می‌شود.

حضرت علی علیه السلام چنین روشی را توصیه می‌فرماید: فرزندان را گرامی بدارید و رفتار خود را با آنان نیکو کنید<sup>۱</sup> (جرعاملی، ۱۳۶۷: ۱۹۵/۱۵)، این حدیث، افزون بر

۱. اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم.

شخصیت دادن به فرزندان و لزوم الگودهی شایسته به آنان، بر رفتار درست با آنها نیز تأکید دارد.

در روایات اسلامی آمده است: «فرزند شایسته، دسته گلی از جانب خداوند است که میان بندگان قسمت می شود»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶)، برای رسیدن به چنین موهبت عظیمی، شایسته است پدر و مادر با آگاهی کامل و با تربیت صحیح کودکان، راه را برای رسیدن به چنین مرحله ای بگشایند، مهم ترین وظیفه پدر و مادر نسبت به فرزندان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی هایشان، خفیف و خوار جلوه ندهند: «همان گونه که فرزند نباید به پدر و مادر خود بی احترامی کند، پدر و مادر نیز نباید نسبت به او بی احترامی نمایند»<sup>۲</sup> (همان، ۴۸/۶)، احترام به کودک، روحیه استقلال و اعتماد به نفس را در او تقویت و به رشد سالم شخصیت او کمک می کند، این امر محبوبیت کودک را در میان همسالان خود به دنبال دارد و به تدریج استعداد او را در پذیرش و ایفای نقش رهبری و مدیریت شکوفا خواهد ساخت (بی ریا و همکاران، ۱۳۵۷: ۳۲).

## ۲. راهکارهای تربیت فرزند در مواجهه با اینترنت، مبتنی بر سبک مقتدرانه

تربیت فرزند در فضای مجازی دارای پیچیدگی هایی فراتر از تربیت در دنیای واقعی است چراکه به لحاظ فلسفی این فضا مجازی نیست بلکه نوع خاصی از واقعیت است که مجاز انگاشته می شود ولی قواعد مخصوص به خود را دارد، تربیت و توجه به فرزند در این محیط پیچیده، مهارت بیشتر والدین را می طلبد، این مهارت ها در چند اصل ضروری خلاصه می گردد:

### ۲-۱- حضور و نظارت والدین

بدون شک گسترده گی دنیای تکنولوژی و فضای مجازی ایجاب می کند که والدین

۱. الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ.

۲. يَلْتَزِمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا مَا يَلْتَزِمُ الْوَلَدُ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا.



راهبردهای نظارتی مؤثری را جهت کنترل و پیش‌گیری از آسیب‌های احتمالی اینترنت به فرزندان، به کار گیرند، پژوهش‌های اخیر تأکید می‌کنند که کنترل و توصیه‌های والدین در کاهش موقعیت‌های منفی که کودکان در اینترنت با آن مواجه می‌شوند، مؤثر است (لیونگ و لی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲)، اما در عین حال قوانین سخت و محدودکننده و کنترل‌گری مستقیم می‌تواند مهارت‌های کودک برای آینده را به خطر بیندازد و فرصت‌های موجود در فضای مجازی را از او سلب نماید (سانکایا و اوداباسی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)، به نظر می‌رسد محدود کردن فرزندان ساده‌ترین و اولین راه حل برای نظارت بر آنهاست و همسو با رویکرد توانمندسازی فرزندان در برخورد با فضای مجازی نیست در عین حال، پرسش اساسی والدین و مربیان این است که بهترین روش کنترل و نظارت بر فرزندان به طوری که آسیب‌ها را کاهش دهد اما فرصت‌های کاربرد اینترنت را از فرزندان سلب نکند، کدام است؟

پژوهش‌های بسیاری تلاش کرده‌اند تا به این سؤال مهم پاسخ بدهند، به‌عنوان نمونه پروژه کودکان اروپایی برخط<sup>۳</sup> شبکه پژوهشی چند ملیتی است که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ در چند فاز اجرا شده و هدف آن ایجاد مبانی علمی و مبتنی بر شواهد پژوهشی برای حمایت از والدین، مربیان و سیاست‌گذاران در حوزه فضای مجازی است، این طرح پژوهشی در زمینه نقش والدین در تعامل کودکان و نوجوان با اینترنت و ارتباط آن با میزان خطرات و آسیب‌های آن می‌باشد که از طریق مصاحبه با ۲۵۱۴۲ نفر از کودکان ۹ تا ۱۶ ساله از ۲۵ کشور دنیا به‌دست آمده و تحلیل شده است (همایون والا، چارقدچی مطلق، سهامی شیرازی و صالحین، ۱۳۹۳)، در این گزارش، راهبردهای والدین به لحاظ شیوه تعامل و نقشی که در رابطه با حضور فرزندان خود در فضای مجازی اتخاذ می‌کنند، در پنج گروه توصیف شده است:

گروه اول) والدین با نقش «فعال هنگام حضور» در فضای مجازی: در اینجا منظور از فعال بودن والدین، مواردی همچون صحبت کردن با فرزند در مورد اینکه در اینترنت

1. Leung, L. , & Lee, P.S.

2. Cankaya & Odabasi.

3. EU Kids Online.

چه کاری انجام می‌دهد، نشستن در کنار فرزند و نزدیک قرار گرفتن به وی در اوقاتی که از اینترنت استفاده می‌کند، انجام فعالیت‌ها در اینترنت همراه با فرزند به صورت مشترک و تشویق کردن او برای کشف و یادگیری در اینترنت به وسیله خودش، می‌باشد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این روش، ضمن اینکه خطرات و آسیب‌های احتمالی را برای کودکان کاهش می‌دهد، موجب از دست دادن فرصت‌ها و مهارت‌های فرزندان در فضای مجازی نیز نمی‌شود (دوئراگر و لیوینگستون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ همایون والا و همکاران، ۱۳۹۳)، همچنین تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که وقتی والدین و کودکان با هم از اینترنت استفاده می‌کنند، کودکان بهتر جنبه‌های منفی اینترنت را می‌شناسند و راه مواجهه با آن‌را درک می‌کنند (لی و چا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷)، بنابراین به نظر می‌رسد حضور و مشارکت فعال والدین در کنار فرزندان، یکی از بهترین راهبردها در زمینه پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی می‌باشد.

گروه دوم) والدین با نقش «فعال در تأمین امنیت» فضای مجازی: روش‌هایی که این گروه از والدین به کار می‌گیرند شامل توضیح دادن در مورد اینکه چرا بعضی از سایت‌ها خوب و بعضی از آنها بد هستند، پیشنهاد دادن روش‌هایی که از اینترنت به درستی استفاده شود، پیشنهاد روش‌هایی برای رفتار با دیگران در اینترنت، کمک به فرزند زمانی که چیزی در اینترنت او را اذیت می‌کند و صحبت کردن با او در مورد اینکه اگر مشکلی در اینترنت برایش به وجود آمد چه کاری انجام دهد می‌باشد (همایون والا و همکاران، ۱۳۹۳).

گروه سوم) والدین با نظارت محدود کننده: اگر والدین استفاده از اینترنت (مثلاً استفاده از پیام فوری، دانلود موسیقی یا فیلم از اینترنت، دیدن ویدئو کلیپ در اینترنت، به اشتراک گذاری عکس، فیلم یا موسیقی با دیگران، داشتن صفحه در شبکه‌های اجتماعی و مانند آن‌را)، مشروط به اجازه خود بدانند یا استفاده از آن‌را برای فرزندان محدود کنند و یا اصلاً به آنها اجازه استفاده ندهند، در واقع از این نقش استفاده کرده‌اند، این روش نیز یکی از راهبردهای پیشگیرانه مناسب در فضای مجازی به شمار

1. Duerager, A. , Livingstone, S.

2. Lee, S. , & Chae, M. A.

می‌رود، زیرا هر چه والدین نظارت‌های محدود کننده را افزایش دهند، کودکان در معرض خطرات آنلاین کمتری قرار می‌گیرند، البته این روش به همان میزان ممکن است فرصت‌ها و مهارت‌های فرزندان را محدود کند (همایون والا و همکاران، ۱۳۹۳).

گروه چهارم) والدین پیشگیر<sup>۱</sup>: اگر والدین نظارت خود را در قالب «کنترل کردن» فرزندان اعمال کنند (کنترل کردن صفحه شخصی فرزند در شبکه‌های اجتماعی و اینکه با چه کسانی ارتباط دارد، به کدام سایت‌ها مراجعه می‌کند و پیام‌های ایمیل یا چت او چه محتوایی دارد)، بدین معنی است که از راهبرد پیشگیری بهره می‌برند، جالب است که نظارت والدین پیشگیر، با وقوع خطرات آنلاین بیشتر برای سنین ۹ تا سال ۱۴ مرتبط است! این یافته بسیار جالب است یعنی والدینی که بیشتر فعالیت‌های آنلاین فرزند خود را کنترل کنند، فرزندان‌شان بیشتر خطرات آنلاین را تجربه می‌کنند (همایون والا و همکاران، ۱۳۹۳).

گروه پنجم) والدین با نظارت تکنیکی: اگر کنترل والدین از طریق فیلتر کردن بعضی از سایت‌ها و دنبال کردن صفحاتی که فرزندان مشاهده کرده، اعمال شود، نظارت تکنیکی مورد استفاده قرار گرفته است، یکی از یافته‌های جالب و البته عجیب این پژوهش این است که نظارت‌های تکنیکی هیچ تأثیری در کاهش خطرات آنلاین در هیچ سنی ندارد و حتی باعث بروز آسیب‌های بیشتر برای سنین ۱۵ تا ۱۶ سال می‌شود که بسیار قابل تأمل است (همایون والا و همکاران، ۱۳۹۳)، شاید یکی از دلایل این باشد که بچه‌ها می‌توانند راه‌های جایگزین فیلترینگ را پیدا کنند، همچنین اینگونه ابزارها، دسترسی به محتوای نامناسب را کم نمی‌کند (تاینس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷)، در عین حال برخی پژوهشگران بر اساس فاکتورهای بومی و فرهنگی معتقدند که این سطح از نظارت نیز برای کودکان لازم است و والدین باید از نرم‌افزارهایی برای فیلتر محتوا و نظارت بر محتوای استفاده شده توسط کودکان استفاده کنند (اتحادیه اروپا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ میچل، فینکلهور و ولاک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ اوزگور، ۲۰۱۶)، به‌عنوان مثال کیسی<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) اعتقاد دارد که کامپیوتر باید در

1. monitoring.

2. Tynes, B. M.

3. European Commission.

4. Mitchell, K., Finkelhor, D., & Wolak, J.

محیط عمومی و محل رفت و آمد خانه باشد تا امکان نظارت بیشتر بشود (به نقل از علی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

نیز مطالعات دیگری در حوزه سبک‌های نظارتی والدین بر فضای مجازی طبقه‌بندی دیگری از این سبک‌ها را تحت عنوان سبک واقع‌نگر<sup>۲</sup>، ارزیابانه<sup>۳</sup> و محدودکننده، مطرح کرده‌اند (استین و همکاران، ۲۰۰۶؛ آواریز<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). بر این اساس و با توجه به مطالعات اخیر، به نظر می‌رسد می‌توان استراتژی‌های نظارتی والدین را در دو دسته محدودکننده در برابر فعال قرار داد، راهبردهای محدودکننده مانند قانون گذاشتن (مثلاً درباره مدت زمان و مکان استفاده)، و راهبردهای فعال به معنی حضور والدین و پذیرش نقشی فعال و صمیمی در طول آنلاین بودن کودک و گفت‌وگو درباره محتوا با او می‌باشد، شواهد نشان می‌دهد والدین می‌توانند به جای اعمال محدودیت و محروم کردن فرزندان از اینترنت به وسیله حضور فعال در کنار فرزندان، مشارکت در فعالیت‌های آنلاین، به اشتراک گذاری تجربیات خودشان با آنها (وونگ، ۲۰۱۰)، گفتگوی باز و صادقانه و همچنین حمایت از فرزندان، امنیت حضور آنها را در فضای مجازی تأمین نمایند.

به نظر می‌رسد والدین در سبک مقتدرانه می‌توانند از انواع روش‌های نظارتی فوق استفاده کنند، البته نظارت با روش حضور فعالانه والدین، باید اصل روش تربیتی را تشکیل دهد و سایر تکنیک‌ها به اقتضاء شرایط لحاظ گردد به طوری که سبک‌های پیشگر، تکنیکی و محدودکننده، باید حضور کم‌تری در سبک مقتدرانه داشته باشد.

## ۲-۲- سلامت روابط خانوادگی

فضای خانواده، نوع ارتباط والد و فرزند، ارتباط سایر اعضای خانواده با هم و میزان حق انتخاب و آزادی فرزندان در بستر خانواده، بر چگونگی رفتارهای آنلاین بچه‌ها

1. Kessie.
2. Ali. M.
3. Factuall.
4. Evaluative.
5. Álvarez, M.

تأثیرگذار است (وونگ، ۲۰۱۰)، نتایج پژوهش‌ها بر این موضوع دلالت دارد که روابط گرم و صمیمی در خانواده، مشکلات استفاده از اینترنت را در فرزندان کاهش می‌دهد، درحالی که سطح روابط ضعیف، فقر ارتباطی در خانواده (پارک، کیم و چو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸)، پایین بودن میزان محبت و سرد بودن روابط خانوادگی (معاضدین و همکاران، ۲۰۱۴)، اعتیاد به اینترنت را افزایش می‌دهد. در خانواده‌هایی با محبت و گرمی پایین، والدین نمی‌توانند محیط مطبوع و خوشایندی برای بچه‌ها به وجود بیاورند که در نتیجه منجر به افزایش احساس تنهایی در فرزندان می‌شود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از کسانی که مشکل اعتیاد اینترنتی دارند، از مشکلات بین فردی و خانوادگی رنج می‌برند و در واقع برای فرار از واقعیت به اینترنت پناه می‌آورند (سیهان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱)، به همین دلیل است که فرزندان در این خانواده‌ها برای پیدا کردن یک جایگزین بهتر مثل اینترنت، انگیزه زیادی دارند، مطالعات این حوزه نشان می‌دهد که رابطه گرم والدین و جو مثبت خانواده، نقش مؤثری در جلوگیری از اعتیاد فرزندان به اینترنت و پیشگیری از دیگر آسیب‌های فضای مجازی ایفا می‌کند (وونگ، ۲۰۱۰)، زیرا زمانی که افراد خانواده یکدیگر را می‌پذیرند به فردیت و حریم خصوصی هم احترام می‌گذارند و در عین حال به یکدیگر اعتماد دارند و در شرایط بحرانی، خانواده را حمایت می‌کنند، فضای روانی خانواده مثبت ارزیابی می‌شود، همچنین زمانی که فضای خانواده، شاد، صمیمی و گرم باشد، افراد از تعامل با هم لذت می‌برند و برای بودن در کنار هم زمان بیشتری را صرف می‌کنند، زیرا رضایت و خوشنودی را در محیط خانواده تجربه می‌کنند.

در چنین فضایی که اعتماد متقابل و امنیت روانی در فرزندان شکل گرفته است، والدین می‌توانند در فعالیتهای آنلاین کودکان درگیر شوند، دربارهٔ تجارب آنلاین، به صورت باز و صادقانه با فرزندان گفت‌وگو کنند، توصیه‌ها و راهنمایی‌های لازم را به آنها ارائه دهند و از این طریق کنترل و نظارت مؤثری بر فعالیتهای آنلاین فرزندان‌شان داشته باشند (وونگ، ۲۰۱۰)، زیرا بچه‌ها از کنترلی که منصفانه و معقول باشد و نه

1. Park, S. K., Kim, J. Y., & Cho, C. B.

2. Ceyhan, A. A.

توهین‌آمیز و خودسرانه، بیشتر تبعیت و آن‌را درونی می‌کنند (برک، ۲۰۰۷: ۴۸۱)، بنابراین، ارتباط محبت‌آمیز و در عین حال قاطعانه والدین با فرزندان و همچنین روابط محترمانه متقابل بین اعضای خانواده، می‌تواند به ایجاد محیط خوشایند در خانواده منجر شود و از آسیب‌های فضای مجازی پیشگیری کند.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که اصل محبت دارای اعتدال و بدون افراط و تفریط، یکی از اصول بنیادین سلامت روانی خانواده در سبک مقتدرانه محسوب می‌شود که میزان تعاملات درونی خانواده را افزایش می‌دهد، چنانکه در قسمت‌های قبل گذشت این اصل در تربیت دینی نیز جزء اصول اساسی محسوب می‌گردد، پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«مردم خانواده خدا هستند پس محبوب‌ترین مردمان نزد خداوند کسی است که به خانواده‌اش منفعت برساند و آنان را شاد و خوشحال سازد»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲)، همچنین در روایت دیگری از قول امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که: «مردم خانواده خدا هستند پس محبوب‌ترین مردم نزد خداوند، خوش رفتارترین آنها نسبت به خانواده‌اش است»<sup>۲</sup> (نوری، ۱۴۰۸: ۳۸۸/۱۲).

## ۲-۳- مهارت والدین در فضای مجازی

برای کنترل فعالیت‌های اینترنتی فرزندان، والدین علاوه بر سواد تکنولوژی و رسانه‌ای، به مهارت‌هایی جهت ارتباط و راهنمایی نیازمند هستند (وونگ، ۲۰۱۰)، عمده‌ترین مهارت‌هایی که پدر و مادر باید از آن برخوردار باشند به قرار زیر است:

### ۲-۳-۱- تقویت سواد رسانه‌ای والدین و مهارت انتقال اطلاعات به فرزندان

افزایش آگاهی درباره نحوه برخورد با خطرات احتمالی یکی از راه‌های مؤثر برای پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اینترنت در کودکان و نوجوانان می‌باشد، برای کنترل فعالیت‌های اینترنتی فرزندان نیاز به سواد تکنولوژی و رسانه‌ای والدین است (تاینس، ۲۰۰۷)، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که والدین آموزش‌دیده و آگاه، تأثیر بیشتری بر رفتارهای آنلاین فرزندان‌شان دارند (وونگ، ۲۰۱۰).

۱. الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا.

۲. الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّهُمْ إِلَيْهِ أَحْسَنُهُمْ صَنِيعًا إِلَى عِيَالِهِ.

در رویکرد دینی، اصل آگاه سازی، به راه نجات انسان از آتش تعبیر شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده هنگامی که این آیه از سوره تحریم نازل شد: «ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و خانواده تان را از آتش دوزخ حفظ کنید» (تحریم/۶)، مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: یا رسول الله چگونه چنین کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود آموزش داده و یادآوری کنید و بر پایه فرمان برداری از خداوند، ایشان را پرورش دهید»<sup>۱</sup> (بحرانی، ۱۳۷۴: ۷۴۱/۳).

با وجود این، به نظر می رسد که مهارت و دانش کودکان و نوجوانان در حوزه کاربرد تکنولوژی اغلب از والدین شان بیشتر است و به همین دلیل مقاومت بیشتری نسبت به نظارت والدین نشان می دهند (وونگ، ۲۰۱۰)، همین موضوع نشان می دهد که لازم است دانش و آگاهی والدین درباره فرصت ها و تهدیدهای فضای مجازی و همچنین نحوه مقابله با آن ارتقاء یابد، به طوری که والدین در آگاهی بخشی و آموزش مفاهیم اساسی به فرزندشان نیز توانمند شوند.

پژوهش ها نشان می دهد که پس از ارائه آموزش های بیشتر در زمینه استفاده از اینترنت در اروپا و توصیه به مطرح کردن تجربه ناخوشایند خود با دیگران، تعداد افرادی که تجارب آزار دهنده خود را با یک نفر دیگر در میان می گذارند، به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است، همچنین یک سوم از کودکان و نوجوانان پس از دریافت آموزش، از روش هایی همچون پاک کردن پیغام نامناسب، مسدود کردن مخاطب و فعال کردن فیلترینگ استفاده کردند که در واقع این رویکرد فعالانه ای نسبت به مواجهه با خطرات محتوایی است (همایون والا و پاکدامن، ۱۳۹۱)، بنابراین والدین در درجه اول باید اطلاعات خود را در زمینه تکنولوژی و اینترنت افزایش دهند و از آخرین تحولاتی که در این زمینه صورت می پذیرد، مطلع شوند و سپس اطلاعات زیر را متناسب با سن و سطح آگاهی فرزندان به آنها منتقل کنند:

- والدین باید با کودکان و نوجوانان خود درباره فرصت ها و همچنین مضرات احتمالی اینترنت صحبت کنند.

۱. قال الناس: یا رسول الله، کیف نقی أنفسنا و أهلینا؟ قال: اعملوا الخیر، و ذکرُوا به أهلکم فأدبوهم علی طاعة الله.

- باید به کودکان و نوجوانان آموخت که هیچ‌وقت و تحت هیچ شرایطی اطلاعات محرمانه‌ای مانند شماره و رمز کارت‌های بانکی، شماره تماس، آدرس منزل و عکس‌های شخصی و خانوادگی خود را به ویژه در اتاق‌های گفت‌وگو در اختیار کسی قرار ندهند.
- لازم است مفاهیمی همچون حریم خصوصی و حفاظت از اطلاعات شخصی، برای بچه‌ها متناسب با سن‌شان توضیح داده شود.
- فرزندان باید بدانند در صورتی که در فضای مجازی با مشکلی مواجه شدند و یا کار اشتباهی انجام دادند، نباید پنهان‌کاری کنند، البته والدین نیز نباید آنها را به محدودیت و یا لغو اجازه در استفاده از اینترنت تهدید کنند، زیرا تهدید کردن منجر به افزایش پنهان‌کاری و احساس ناامنی روانی در فرزندان می‌شود و ممکن است در آینده مشکلات بیشتری به همراه داشته باشد.
- لازم است از کودکان و نوجوانان خواسته شود تا از ثبت‌نام در سایت‌ها و تکمیل فرم‌های نامشخص و بازکردن ایمیل‌هایی با فرستنده مشکوک بدون اطلاع والدین خودداری کنند، بهتر است والدین دلایل امنیتی این موارد را برای فرزندان‌شان توضیح دهند.
- باید به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود اطلاعاتی که در اتاق‌های گفت‌وگو ردوبدل می‌شود، اغلب نادرست هستند و نباید به آنها اعتماد کرد.
- فرزندان باید مضرات صمیمیت بدون شناخت را بشناسند و تعریف درستی از اعتماد به دیگران در فضای مجازی داشته باشند البته لازم به ذکر است که نباید فرزندان را نسبت به همه چیز بدبین کرد، اما ضروری است که توصیفی واقع‌بینانه و در عین حال منطقی و هشداردهنده درباره آسیب‌های موجود بیان شود.
- استفاده از مثال‌های عینی، بیان داستان‌های واقعی و همچنین یادآوری تجربیات دیگران به صورت جزئی و دقیق، روش‌هایی است که می‌تواند در آموزش به کودکان و نوجوانان راه‌گشا باشد، البته باید از طرح افسانه‌های غیرمنطقی و سیاه‌نمایی پرهیز کرد، تا از اثربخشی توصیه‌های منطقی کم نگردد (بیدی، کارشکی، ۱۳۹۲: ۱۴۲ و ۱۴۳).



## ۲-۳-۲- اتخاذ نگرش مثبت به اینترنت

نگرش و نحوه تنظیم والدین در چگونگی استفاده کودکان از اینترنت اهمیت دارد، زیرا نگرش والدین بر شیوه نظارت‌شان تأثیر می‌گذارد (آلواریز و همکاران، ۲۰۱۳)، داشتن نگرشی مثبت به اینترنت از سوی والدین، نگرشی حمایتی و فعال در هنگام حضور فرزندان در فضای مجازی و رویکردی آگاهانه درباره خواسته‌ها و تمایلات فرزندان در اینترنت، منجر به اتخاذ راهبردهای مؤثر و استفاده از شیوه‌های نظارتی فعال و حمایتی برای فرزندان می‌شود (وونگ، ۲۰۱۰؛ اوزگور، ۲۰۱۶)، بنابراین ضروری است که والدین تلاش کنند تا با دریافت اطلاعات به روز و افزایش آگاهی، نگرشی مثبت، واقع بینانه و فعال در برخورد با فضای مجازی انتخاب نمایند.

## ۲-۳-۳- ایجاد الگوی رفتاری مناسب برای کودکان

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که کودکان عمدتاً با مشاهده افرادی که رفتار مناسب را نشان می‌دهند و با تقلید از آنها، از طریق سرمشق‌گیری یاد می‌گیرند که به صورت اخلاقی رفتار کنند (بندورا، ۱۹۷۷؛ به نقل از برک، ۲۰۰۷: ۴۶۰)، در واقع معیارهای اخلاقی کودک از طریق همانندسازی با ارزش‌های والدین و جامعه به دست می‌آید و پس از درونی شدن تعیین می‌کند کدام رفتار باید انجام و کدام یک ترک شود (جان‌بزرگی، نوری و آگاه‌هریس، ۱۳۸۹: ۱۶)، بنابراین می‌توان گفت رفتار والدین در فضای مجازی می‌تواند الگو و سبک استفاده فرزندان از اینترنت و محتوای مورد استفاده را تحت تأثیر قرار دهد.

حضور بی‌قانون و بیش از حد والدین در فضای مجازی، توجه به محتوای غیراخلاقی و نامناسب، تعامل غیراصولی با افراد در شبکه‌های اجتماعی و روش مواجهه ناکارآمد با آسیب‌های اینترنت، از نشانه‌های سبک بی‌اعتنا در تربیت فرزند بوده و قطعاً بر نگرش و الگوی رفتاری کودکان و نوجوانان در استفاده از فضای مجازی تأثیر منفی خواهد داشت، به همین دلیل است که در روش‌های پیشگیری از آسیب‌های اینترنتی، والدین تشویق می‌شوند تا نخست، رفتارهای اینترنتی خودشان را نیز بررسی نمایند و به

دنبال کشف راه‌هایی برای سرمشق‌دهی استفاده مناسب از اینترنت باشند (بیرد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از یانگ و آبرئو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۲۴۶).

## ۲-۳-۴- قانون‌گذاری اصولی

قانون‌گذاری در حوزه فضای مجازی جزء روش‌های محدودکننده است که یکی از اهرم‌های نظارت و کنترل والدین می‌باشد (وونگ، ۲۰۱۰)، هرچند کاربرد این قوانین در پیشگیری از آسیب‌ها و خطرات فضای مجازی به اندازه حضور فعال والدین و گفت‌وگو با فرزندان درباره خطرات احتمالی نیست (آلواریز و همکاران، ۲۰۱۳)، اما به‌عنوان یکی از راهبردهای نظارتی مورد توجه می‌باشد.

قانون‌گذاری شامل دو بخش می‌شود: الف: حاکمیت قانون الهی و اخلاق دینی در فضای خانواده.

ب: حاکمیت قوانین استفاده از رسانه در خانواده، همچنین باید متذکر شد که کارایی این دو گروه قوانین به میزان پایبندی والدین و فرایند خودکنترلی ایشان بستگی زیادی دارد، در عین حال به زعم نگارندگان، وضع قوانین محدود، شفاف و همراه با جزئیات درباره استفاده از تکنولوژی و اینترنت، به مدیریت زمان فرزندان نیز کمک خواهد کرد، بهتر است تنظیم قوانین در این زمینه با مشارکت و توافق فرزندان باشد و البته پیامدهای عدم اجرای آن نیز مشخص گردد و سپس به توافق هر دو طرف برسد، قوانین می‌تواند درباره محدودیت‌های استفاده، زمان و مکان حضور در اینترنت، سایت‌ها و بازی‌های مناسب و حد مجاز دانلود یا حدود بارگذاری اطلاعات و محتوا باشد.

## ۲-۳-۵- استفاده از روش‌های تشویق و تنبیه مؤثر

رفتارگرایان معتقدند که ما به خاطر منافع‌ی که تجربه می‌کنیم و یا به علت نیاز به گریختن یا اجتناب کردن از پیامدهای ناخوشایند، به شیوه قابل پیش‌بینی پاسخ می‌دهیم، بسیاری از رفتارها و عادت‌های ناپسند، حاصل شناخت و انتخاب آگاهانه

1. Beard.

2. Young, K. S. , Abreu, C. N.

نیست و به خاطر پاداش‌های مستقیم و یا غیرمستقیمی است که بعد از انجام آن عمل، دریافت شده است، این پاداش‌ها به مرور زمان با رفتارهای نادرست پیوند خورده‌اند و آنها را تقویت کرده‌اند، برای پیشگیری از ایجاد عادت‌ها و رفتارهای تکرارشونده (مثل اعتیاد، رفتارهای وسواسی، رفتارهای بزهکارانه و...)، لازم است علاوه بر تقویت شناخت تمرین‌های رفتاری هم اضافه شود، سیستم پاداش و تنبیه شامل مجموعه‌ای از تکنیک‌هاست که به والدین کمک می‌کند از طریق روش‌های شرطی‌سازی و تداومی رفتارها به وسیله پیامد بعدی عادت‌های رفتاری جدیدی در کودکان ایجاد کنند و یا عادت‌های نادرست رفتاری را حذف نمایند (کری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۲۶۵).

- تقویت مثبت<sup>۲</sup>: این روش، مستلزم افزودن چیز با ارزشی برای فرد (مانند تحسین، توجه، پول یا غذا)، به‌عنوان پیامد رفتاری خاص است (کری، ۲۰۰۵: ۲۶۵)، لازم به ذکر است که این پاداش‌ها باید جذاب، متنوع و متناسب با سن و جنس کودک باشد و «بلافاصله» پس از انجام رفتار، ارائه شود تا تأثیرگذار باشد.

- تنبیه منفی: در این روش، با انجام رفتار نادرست کودک از محرک خوشایند بعدی محروم می‌شود، مثلاً اگر کودک در برابر وسوسه حضور بیشتر در اینترنت، مقاومت نکرد و یا نسبت به قوانین مشاهده سایت‌های نامناسب بی‌اعتنا بود، بلافاصله و برای مدت معینی از حضور در اینترنت محروم شود و یا محرک خوشایند دیگری از او گرفته شود.

تشویق و تنبیه از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم است که پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده خطاب کرده، نیکوکاران را تشویق و بدکاران را تهدید می‌کند (انعام/۴۸)، گرچه پاداش و جزا از عناصر اصلی تربیت دینی محسوب می‌شوند، اما پاداش باید ده برابر مجازات باشد چنانکه به فرموده قرآن کریم هرکس کار نیکی انجام دهد ده برابر پاداش خواهد داشت و هرکس کار بدی کند جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نشود (انعام/۱۶۰)، حضرت رضا علیه السلام در توصیف رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ایشان کار نیک را نیک شمرده و تشویق و تقویت می‌کرد و کار زشت را زشت معرفی می‌نمود و آن را

1. Corey, G.

2. positive reinforcement.

نکوهش می کرد<sup>۱</sup> (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۱۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۱۵۱).

### ۲-۳-۶- ترغیب فرزندان به حضور هدفمند در فضای مجازی

استفاده از اینترنت با رویکرد تعامل، سرگرمی و وقت گذرانی، یکی از فاکتورهای خطر در آسیب‌های اینترنتی است، زیرا بین وقت گذرانی در فضای مجازی و مشکلات جدی اینترنتی، همبستگی مثبتی وجود دارد (یانگ و آبرئو، ۲۰۱۱: ۸۲)، بنابراین لازم است فرزندان و به خصوص نوجوانان را به حضور هدفمند در اینترنت ترغیب کرد، معرفی سایت‌های محتوایی مناسب برای تقویت مهارت‌های فنی، هنری، آموزشی و علمی، معرفی بازی‌های آنلاین فکری و آموزشی و سایر مواردی که بتواند علت حضور کودکان و نوجوانان را در اینترنت توجیه کند و آن را از حالت تفریح و سرگرمی همیشگی خارج نماید، مطلوب است.

### ۲-۳-۷- گسترش فعالیت‌های جایگزین آفلاین

یکی از راهبردهای مؤثر در اعمال سبک مقتدرانه و پیشگیری از آسیب‌های روانی فضای مجازی در کاربران کودک و نوجوان و همچنین اعمال محدودیت غیرمستقیم، توسعه فعالیت‌های جایگزین می‌باشد (وونگ، ۲۰۱۰)، پژوهش‌گران در زمینه پیشگیری و کنترل اعتیاد اینترنتی بر جایگزین کردن فعالیت‌های آفلاین بیرون از خانه (لین، لین و ویو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)، و سایر فعالیت‌های لذت‌بخش و مهارتی تأکید می‌کنند (یانگ و آبرئو، ۲۰۱۱: ۳۰۹)، مبتنی بر این رویکرد، خانواده تشویق می‌شود تا فعالیت‌های جایگزین را توسعه بدهد علائق و سرگرمی‌های جدیدی برای فرزندان تعریف کند حمایتگر باشد و تلاش کند با صرف زمان بیشتر برای بچه‌ها، زمانی را که قبلاً با اینترنت پُر می‌شد، جبران نماید (یانگ، ۱۹۹۵: به نقل از یانگ و آبرئو، ۲۰۱۱: ۲۴۶).

به نظر نگارندگان، فراهم‌سازی امکانات متنوع و سالم برای پُر کردن اوقات فراغت فرزندان از جمله بازی‌های گروهی و خانوادگی، سفرهای کوتاه، افزایش رفت‌وآمدهای خانوادگی، طبیعت‌گردی‌های یک روزه، تشویق فرزندان برای شرکت در فعالیت‌های

۱. يُحَسِّنُ الْحَسَنَ وَ يُقْوِيهِ وَ يُنَجِّحُ الْقَيْحَ وَ يُؤَهِّنُهُ.

هدفمند در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی همچون مساجد و فرهنگ‌سراها، عضویت در تیم‌های ورزشی، فرهنگی و هنری، گفت‌وگو و فعالیت‌های درون خانوادگی، ارتباط با اقوام و بستگان، ترغیب فرزندان به انجام مهارت‌های هنری و ساختنی و گسترش فعالیت‌های دارای مؤلفه‌های هیجان، شادی و امنیت می‌تواند نمونه‌هایی از فعالیت‌های جایگزین باشد.

متون دینی اسلامی مشحون است از توصیه‌های مختلف و متعدد برای پر کردن اوقات فراغت با کار، عبادت، روابط خانوادگی و بازی‌های شادی آور<sup>۱</sup> (پابنده، ۱۳۸۲: ۲۵۹؛ حرعاملی، ۱۳۶۷، ۴۸۶/۱)، و مانند آنکه جملگی باعث بهبود روابط اجتماعی می‌شود: صله رحم خُلُق را نیکو و دست را گشاده و نفس را پاکیزه و روزی را زیاد کرده و مرگ را به تأخیر می‌اندازد<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۳/۲).

### ۲-۳-۸- شناسایی نقاط ضعف و نیازهای درونی فرزندان

یافته‌های پژوهشی بیان می‌کنند که مشکلات مربوط به اینترنت در افراد با برخی فاکتورها مثل تنهایی، عزت‌نفس پایین، افسردگی، کم‌رویی و تجربه لذت با اینترنت ارتباط قوی دارد (معاذین و همکاران، ۲۰۱۴)، به‌عنوان مثال، استفاده بیش از حد از اینترنت اغلب ناشی از مشکلات بین‌فردی مانند درون‌گرایی یا مشکلات اجتماعی است (فریس، ۲۰۰۱). و بسیاری از معتادان اینترنتی که ارتباط آنلاین را به روابط اجتماعی ترجیح می‌دهند مهارت‌های ارتباطی ضعیفی دارند که منجر به عزت‌نفس پایین و احساس تنهایی می‌شود (یانگ و آبرئو، ۲۰۱۱: ۴۷)، بین مؤلفه‌های عزت‌نفس و خودارزشی پایین و گرایش به اعتیاد اینترنتی رابطه مستقیم وجود دارد، شاید اعتقاد فرد به اینکه فقط در اینترنت از قدرت برخوردار است و برای خود کسی است و فقط در آنجا قابل احترام است، باعث گرایش اعتیادی فرد به اینترنت می‌شود (معیدفر، حبیب‌پورگنابی و گنجی، ۱۳۸۶).

بنابراین ضروری است که والدین و مربیان برای تقویت عزت‌نفس فرزندان و

۱. مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَصَّبْ لَهُ.

۲. صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُسَيِّئُ فِي الْأَجَلِ.

احساس خودارزشی آنها برنامه ریزی کنند و مهارت های فرزندپروری را در جهت پرورش این مؤلفه به کار گیرند، همچنین بین عدم مسئولیت پذیری اجتماعی و اعتیاد به اینترنت در نوجوانان، نیز رابطه وجود دارد بر این اساس، هر چه فرد مسئولیت و تعهد کمتری نسبت به دیگران داشته باشد، گرایش و رفتار انحرافی او از جمله رفتار اعتیادی وی به اینترنت بیشتر می شود (معیدفرو همکاران، ۱۳۸۶)، به همین دلیل تمرکز بر افزایش مسئولیت پذیری فرزندان به خصوص نوجوانان، یکی از راهبردهای مهم در پیشگیری از آسیب های فضای مجازی است.

آگاهی از نیازهای اساسی فرزندان و تلاش برای مدیریت آنها، نقش مهمی در پیشگیری از آسیب های اینترنت ایفا می کند، پژوهش ها نشان می دهند که نیاز به تعلق و محبت، نیاز جنسی، نیاز به تغییر موقعیت و تنوع و نیاز به رابطه، برانگیزاننده های درونی رفتار اعتیاد به اینترنت هستند (بانگ، ۱۹۹۶: به نقل از جان و مانیکاندان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲)، به همین دلیل افراد برای ارضای این نیازها و بیان خود، فضای مجازی را به عنوان مکمل دنیای واقعی انتخاب می کنند.

از نگاه دینی کرامت بخشی و شخصیت دادن به فرزندان یکی از نشانه های سبک مقتدرانه در تربیت اسلامی و عامل مهمی در مصون سازی ایشان است: کسی که دارای کرامت نفس (عزت نفس)، باشد شهواتش نزد او خوار می گردد (هاشمی خوبی، ۱۴۰۰: ج ۲: ۵۲۰)، تقدیر از رفتارهای پسندیده فرزندان و عدم سرزنش اشتباهات آنها در واقع احترام به شخصیت آنها و باعث احساس ارزشمندی در ایشان می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: به فرزندان اتان احترام و اکرام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنها معاشرت نمایید<sup>۲</sup> (پاینده، ۱۳۸۲: کلمه ۴۵۱).

## ۲-۳-۹- اصل ایمن سازی

یکی از مهم ترین نگرانی های والدین نسبت به فضای مجازی، عدم امکان کنترل فرزندان در خارج از خانه و در محیط دوستان آنهاست، این اصل، مجموعه ای از

1. John, R. M. , & Manikandan, K.

۲. اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَكُمْ.

مؤلفه‌های تربیت دینی را شامل می‌شود که سبب تقویت خود کنترلی (تقوای) فرزندان می‌گردد:

الف: برقراری پیوند عاطفی فرزندان با نماز؛ چرا که نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد (عنکبوت/۴۵)، قرآن کریم در آیه دیگری ضایع کردن نماز را مقدمه پیروی از شیطان می‌داند (مریم/۵۹).

ب: برقراری پیوند عاطفی فرزندان با مراکز دینی تاثیرگذار؛ در واقع انسان تأثیر زیادی را از محیط خود دریافت می‌کند محیط می‌تواند انسان را به خداپرستی و سلامت روان سوق داده و یا منشأ انواع مفسد عقیدتی و روانی در انسان باشد. حضرت رضا علیه السلام در این باره فرمود: «همنشینی با بدکاران موجب بدبینی نسبت به نیکان و درست کاران خواهد شد»<sup>۱</sup> (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۵۳/۲)، هر چه محیط با معیارهای دینی منطبق باشد شرایط برای تربیت دینی و اخلاقی بیشتر فراهم شده و راه نفوذ شیطان مسدود می‌گردد و این همان توصیه‌ای است که امام رضا علیه السلام به عبدالعظیم حسنی فرمودند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷).

ج: تقویت فضیلت حیا و عفت در فرزندان؛ در آموزه‌های دینی ما آمده است که حیا از یک سو مانع انجام کارهای زشت می‌شود<sup>۲</sup> و از سوی دیگر دریچه‌ای برای حرکت به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های معنوی به روی انسان می‌گشاید<sup>۳</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۱/۷۴).

د: تقویت بینش و بصیرت دینی؛ تعلیم معارف اسلامی و الهی همراه با پاسخ شبهات طرح شده در فضای مجازی سبب رشد عقلانیت و تفکر در فرزندان می‌شود.

## ۲-۴- تقویت مهارت‌های فردی فرزندان

فضای مجازی، همانند یک ذره بین عمل می‌کند و ابزاری است که می‌توان به وسیله آن، عمق ذهن و نیازهای افراد را دید (آیکین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶)، این فضا می‌تواند بر نقاط ضعف و ویژگی‌های شخصیتی افراد متمرکز شود و مثل یک ذره بین، آنها را چند برابر نماید، بر

۱. مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ السُّوءَ الظَّنَّ بِالْأَخْيَارِ.

۲. الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ.

۳. الْحَيَاءُ سَبَبٌ إِلَى كُلِّ جَمِيلٍ وَ أَوْثَقُ الْعُرَى التَّقْوَى وَ أَوْثَقُ سَبَبٍ أَخَذَتْ بِهِ سَبَبٌ يَتِيكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ.

همین اساس، تمرکز بر نقاط ضعف و تقویت مهارت‌های فردی، می‌تواند فرزندان را در جهت مدیریت نیازهای درونی توانمند سازد، بنابراین رویکرد ما در این بخش، تکیه بر تقویت مهارت‌های کودکان و نوجوانان در زندگی واقعی و تعمیم آنها به فضای مجازی است، در اینجا به چند مهارت اساسی که در ادبیات پژوهشی مورد تأکید است اشاره می‌شود:

#### ۲-۴-۱- آموزش مهارت‌های مقابله‌ای

یکی از راهکارهای مؤثر در جهت توانمندسازی کودکان و نوجوانان در مواجهه مناسب با آسیب‌های فضای مجازی، کمک به آنها برای به کارگیری راهکارهای مقابله‌ای کارآمد است (استاکسروود و لیوینگستون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ به نقل از وونگ، ۲۰۱۰)، به‌طور کلی چگونگی واکنش کودکان و نوجوانان هنگام مواجهه با خطرات اینترنتی را می‌توان به لحاظ رویکردهای فعالانه یا منفعلانه و شیوه اسناد آنان به سه گروه عمده تقسیم نمود: ممکن است کودک یا نوجوان فکر کند این مشکل خودبه‌خود حل می‌شود، یا به‌صورت فعال در صدد رفع آن برآید و یا به شیوه خودمتهم‌سازی با آن برخورد کند و دچار احساس گناه شود و خود را سرزنش کند (همایون‌والا و پاکدامن، ۱۳۹۱).

رویکرد دیگری که اهمیت تقویت مهارت‌های مقابله‌ای را در فرزندان نشان می‌دهد، توانمندسازی آنها در مواجهه با مشکلات و فشارهای زندگی شخصی است، ضعف در تکنیک‌های مقابله‌ای و حل مسئله، باعث می‌شود افراد به فضای مجازی پناه ببرند و از این طریق، مفری برای فراموش کردن مشکلات‌شان در هنگام آنلاین بودن، ایجاد کنند که این خود یکی از علل گرایش افراد به اعتیاد اینترنتی است (معیدفرو همکاران، ۱۳۸۶)، به همین دلیل یکی از راهکارهای طرح مدیریت خود<sup>۲</sup> به‌عنوان برنامه کاهش میزان استفاده شدید از اینترنت، نحوه کنار آمدن با فشارها و مشکلات زندگی است (یانگ و آبرنو، ۲۰۱۱: ۳۰۹).

1. Staksrud, E. , & Livingstone, S.  
2. self- managing.



## ۲-۴-۲- تقویت مهارت خودکنترلی

مهارت خویشنداری و یا خودکنترلی، توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای خواسته‌ها در چارچوب قابل قبول اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر تعریف شده است (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۸۹). در واقع این مهارت در ذیل اصل ایمن‌سازی دینی قرار دارد، بنابراین با تقویت ناظر درونی و فعال ساختن ابزارهای کنترل خود در فرزندان، می‌توان از مواجهه با آسیب‌هایی همچون مصرف شدید و بیش از حد اینترنت و در نهایت اعتیاد اینترنتی و همچنین جستجوی محتوای نامناسب و مستهجن جلوگیری نمود.

## ۲-۴-۳- تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی

تلاش برای تقویت مهارت‌های اجتماعی فرزندان، یکی دیگر از روش‌های مؤثر پیشگیری از آسیب‌های تعاملی در فضای مجازی است، ضعف در مهارت‌های اجتماعی و ابراز خود باعث می‌شود که فرد روابط و تعاملات بین فردی آنلاین را ایمن‌تر، موثرتر و راحت‌تر بداند و در نتیجه روابط آنلاین را بر روابط اجتماعی در دنیای واقعی ترجیح دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد بین کمبود مهارت‌های اجتماعی و نتایج منفی در کاربرد اینترنت و استفاده اعتیادگونه از فضای مجازی، رابطه وجود دارد (یانگ و آبرنو، ۲۰۱۱: ۶۰ و ۶۳)، شاید به این دلیل که فقر مهارت‌های اجتماعی موجب انزوا و طرد کودک و نوجوان از جانب گروه همسالان می‌شود (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۸۹)، ولی او سعی می‌کند با استفاده از اینترنت به‌عنوان شیوه‌ای برای اجتناب از احساس تنهایی بهره‌برد (یانگ و آبرنو، ۲۰۱۱: ۶۱)، بسیاری از معتادان اینترنتی نمی‌توانند در موقعیت‌های رودررو ارتباط خوبی برقرار کنند (لیونگ، ۲۰۰۷)، و اعتقاد دارند که ارتباط آنلاین برایشان ایمن‌تر است، ممکن است مهارت‌های ارتباطی ضعیف موجب ایجاد عزت‌نفس پایین و احساس انزوا بشود، بنابراین در درمان این افراد، باید به روابط غیر آنلاین آنها پرداخته شود (یانگ و آبرنو، ۲۰۱۱: ۴۷).

## نتیجه‌گیری

والدین مسئولیت‌پذیر در عرصه زندگی خانوادگی، بر تربیت صحیح فرزند و خوشبختی او در زندگی تمرکز دارند، برای حصول سلامت روانی و تربیت صحیح فرزندان باید از سبک مقتدرانه فرزندپروری بهره جست، رویکردهای روشمند و معقول تربیتی و روان‌شناسانه این سبک را تأیید می‌کند.

در روزگار ما والدین برای اینکه بتوانند نسلی از فرزندان سالم پرورش دهند، ناگزیرند که فضای مجازی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محیط‌های تأثیرگذار در تربیت و رشد، به رسمیت بشناسند، علاوه بر اینکه مهارت‌های لازم و سواد رسانه‌ای مربوط به آن‌را فرا گیرند بتوانند مؤلفه‌های سبک مقتدرانه را در تربیت فضای مجازی تطبیق داده و سبک نظارتی فعالانه به همراه حضور مشارکتی در کنار فرزندان‌را مورد استفاده قرار دهند، در این میان، آشنایی با آداب، رسوم و فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی و کسب شناخت از روش‌های تربیتی صحیح در اسلام، راهگشای والدین است و از لوازم جدا نشدنی برای حصول به مطلوب می‌باشد.

## کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
۲. اینفوگرافیک، ویژگی و آسیب‌های فضای مجازی، به نقل از سایت [www. dana. ir](http://www.dana.ir)، شناسه خبر، ۷۵۴۰۷۲.
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴.
۴. برک، لورا، روان‌شناسی رشد از لقاح تا کودکی (جلد اول)، ترجمه، یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، ۲۰۰۷.
۵. بروجردی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، چاپ اول، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۶. بی‌ریا، ناصر و دیگران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۷. بیدی، فاطمه؛ کارشکی، حسین، اعتیاد به اینترنت از دیدگاه روان‌شناسی، تهران، آوای نور، ۱۳۹۲.
۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ج ۴، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۹. پرجم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ الهیاری، حمیده، مقایسه سبک‌های فرزند پروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۰، ش ۱۴، ۱۱۵-۱۳۸، ۱۳۹۱.

۱۰. جان‌بزرگی، مسعود؛ نوری، ناهید؛ آگاه‌هریس، مژگان، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان، چاپ پنجم، تهران، ارجمند، ۱۳۸۹.
۱۱. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تصحیح، علی اکبر غفاری، تهران، نشر اعلامیه، ۱۴۰۰.
۱۳. دادستان، پریخ، روان‌شناسی مرضی تحولی، از کودکی تا بزرگسالی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
۱۴. ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، ترجمه ع پسندیده، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۱۵. سالک حدادی، نگار؛ بدری، رحیم، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سبک‌های مقابله‌ای، آموزش و ارزشیابی، ش ۲۱، ۷۹-۹۴، ۱۳۹۲.
۱۶. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶.
۱۷. شوشتری، قاضی نور الله احقاق الحق و ازهاق الباطل، مقدمه، شهاب الدین مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
۱۸. طبرسی، حسن ابن فضل، مکارم الأخلاق، بی‌جا، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۸.
۱۹. قرآتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. کُری، جرالده، نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی، ترجمه، یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۹۰.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق تصحیح، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، انتشارات احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۳. معیدفر، سعید، حبیب پور کتابی، کرم، گنجی، احمد، مطالعه پدیدة استفاده اعتیادی از اینترنت در بین نوجوانان و جوانان (۱۵-۲۵ سال)، جهانی رسانه، ش ۴، ۴۳-۶۶، ۱۳۸۶.
۲۴. مفید، جعفر بن حسین، الإختصاص، محقق و مصحح، غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم، المؤتمر العالمی لآلئیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳.
۲۵. موسوی، اشرف، خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.
۲۶. نور بخش، یونس، مولایی، محمد مهدی، هرزه نگاری اینترنتی در ایران و نقش خانواده در کنترل آن، مجموعه مقالات فضای مجازی ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۲۸. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مترجم، حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، محقق و مصحح، میانجی، ابراهیم، ج ۴، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰.
۲۹. همایون والا، الهه، پاکدامن، شهلا، تعامل کودکان و نوجوانان با اینترنت و چگونگی واکنش آنان به خطرات، (مطالعه تطبیقی کشورهای اروپایی)، کنگره بین المللی خانواده و جهانی شدن، تهران، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱، ۳۵۹-۳۶۱.
۳۰. همایون والا، الهه، چهارقدچی مطلق، مهلا، سهامی شیرازی، زهرا، صالحین، محیا، نقش والدین در تأمین سلامت فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان (مطالعه کشو های‌های اروپایی)، اولین همایش فضای مجازی، تهران، ایران، اسفند ۱۳۹۳.

۳۱. یانگ، کیمیرلی. اس، آرثو، کریستیانو نابوکو، اعتیاد اینترنتی، (کتاب راهنما برای ارزیابی و درمان)، ترجمه، فاطمه وحدت نی، تهران، آسیم، ۱۳۹۱.
32. Aiken, M. (2017). Cyber Effect: An Expert in Cyberpsychology Explains how Technology is Shaping Our Children, Our Behavior, and Our Values-and what We Can Do about it. Spiegel & Grau .
33. Ali, M. (2009). Protecting Children in Cyberspace. Online at <http://mpr.ub.uni-muenchen.de/17150/> MPRA Paper No. 17150, posted 11. September 2009 06: 29 UTC .
34. Álvarez, M. , Torres, A. , Rodriguez, E. , Padilla, S. , & Rodrigo, M. J. (2013). Attitudes and parenting dimensions in parents' regulation of Internet use by primary and secondary school children. *Computers & Education*, 67, 69-78 .
35. Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. *Family transitions*, 2 (1)
36. Çankaya, S. , & Odabaşı, H. F. (2009). Parental controls on children's computer and Internet use. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 1 (1) , 1105-1109 .
37. Ceyhan, A. A. (2011). University students' Problematic Internet Use and communication Skills according to the internet use purposes. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 11 (1) : 69-77 .
38. Chou, C. , Condrón, L. & Belland, J. C. (2005). A review of the research on internet addiction. *Educational Psychology Review*, 17 (4) : 363-388 .
39. Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113: 487-496 .
40. Duerager, A., Livingstone, S. (2012). How can parents support children's internet safety? EU Kids Online, London, UK. Family relationships and parental mediation. *Cyberpsychology & Behavior*, 10 (5) , 640e644 .
41. Eastin, M. , Greenberg, B. , & Hofschire, L. (2006). Parenting the Internet. *Journal of Communication*, 56, 486-504 .
42. European Commission. (2008). Towards a safer use of the Internet for children in the EU- A parent's perspective. (flash Eurobarometer 248). Brussels: European Commission. Retrieved from [http://ec.europa.eu/public\\_opinion/flash/fl\\_248\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/public_opinion/flash/fl_248_en.pdf) .
43. Lee, S. J. , & Chae, Y. G. (2007). Children's Internet use in a family context: Influence on family relationships and parental mediation. *CyberPsychology & Behavior*, 10 (5) , 640-644 .
44. Leung, L. , & Lee, P.S. (2012). The influences of information literacy, internet addiction and parenting styles on internet risks. *New Media & Society*, 14 (1) , 117-136 .
45. Lin, C. H. , Lin, S. L. , Wu, C. P.(2009). The effects of parental monitoring and leisure boredom on adolescents' internet addiction, *Adolescence*; Winter; 44, 176; ProQuest Education Journals pg. 993 .

46. Maccoby, E. E. (1992). The role of parents in the socialization of children: An historical overview. *Developmental psychology*, 28 (6) , 1006. e1017 .
47. Mitchell, K. J. , Finkelhor, D. , & Wolak, J. (2005). Protecting youth online: Family use of filtering and blocking software. *Child abuse & neglect*, 29 (7) , 753-765 .
48. Moazedian, A. , Taqavi, S. A. , HosseiniAlmadani, S. A. , Mohammadyfar, M. A. , & Sabetimani, M. (2014). Parenting style and Internet addiction. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 4 (1) , 9-14 .
49. Özgür, H. (2016). The relationship between Internet parenting styles and Internet usage of children and adolescents. *Computers in Human Behavior*, 60, 411-424 .
50. Park, S. K. , Kim, J. Y. , & Cho, C. B. (2008). Prevalence of Internet addiction and correlations with family factors among South Korean adolescents. *Adolescence*, 43 (172) .(
51. Rosen, L. D. , Cheever, N. A. , & Carrier, L. M. (2008). The association of parenting style and child age with parental limit setting and adolescent MySpace behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29 (6) , 459-471 .
52. Tynes, B. M. (2007). Internet safety gone wild? Sacrificing the educational and psychological benefits of online social environments. *Journal of Adolescent Research*, 22, 575-584 .
53. Valcke, M. , Bonte, S. , De Wever, B. , & Rots, I. (2010). Internet parenting styles and the impact on Internet use of primary school children. *Computers & Education*, 55 (2) , 454-464 .
54. Wang, R. , Bianchi, S. M. , & Raley, S. B. (2005). Teenagers' Internet use and family rules: a research note. *Journal of Marriage and Family*, 67, 1249e1258 .
55. Wong, Y. C. (2010). Cyber-parenting: Internet benefits, risks and parenting issues. *Journal of Technology in Human Services*, 28 (4) , 252-273 .
56. Wong, Y. C. , Law, C. K. , & Ho, L. S. (2007). The evaluation study on Computer Recycling Scheme. Report Submitted to HKCSS and Education Bureau, HKSAR Government. Hong Kong: Dept of Social Work & Social Administration, HKU.

landscape and constructive interaction with spiritual environments, especially mosques that can cause spiritual experience.

**Keywords:** *Sense of place, Spiritual Atmosphere, Architecture of Mosques, Racial Schema, Unconscious.*

## Parenting in the face of cyberspace, challenges and solutions

□ *Elham Mohamadzadeh*<sup>1</sup>

□ *Reza Niroomand*<sup>2</sup>

□ *Neda Mohamadzadehnaghashan*<sup>3</sup>

This study aims to investigate the challenges facing child education in the face of cyberspace and media. In other words, the principles of parenting based on educational schools in the face of the media, and especially the Internet, face serious challenges that require new solutions.

Parenting is one of the basic pillars in the strong and sustainable formation of the family institution, which has long been considered by psychologists and religious scholars. What is a new issue in this field today, the authoritative style of parenting from the perspective of psychology and religious education, offers solutions for this confrontation that proper use and methodical adherence to it, leads to raising a healthy and safe child in cyberspace.

**Keywords:** *Child Rearing, Cyberspace, Media Management for Child, Authoritative Style.*

1. Assistant Professor, Department of Education, Bojnourd University.

2. Assistant Professor, Department of Education, Bojnourd University.

3. Master of Clinical Psychology of Children and Adolescents, Shahid Beheshti University.

interviewing experts. The findings of this study show that the harms of moral education in contemporary Iran can be assessed in several ways: 1. Personal injuries; 2. Injuries caused by the family system; 3. Injuries caused by the educational system; 4. Injuries caused by economic, social and political factors. Therefore, ways to deal with these injuries are presented in several areas: 1. The role of individuals; 2. The role of families; 3. The role of educational, training and cultural institutions; 4. The role of the media; 5. The role of Islamic government; 6. The role of all officials and effective institutions in moral education.

**Keywords:** *Education, Moral Education, Pathology, Contemporary Iran.*

## **The effect of racial unconscious schema of mosque architecture on the sense of spiritual place of cities**

□ *Elham Parvizi*<sup>1</sup>

Religious spaces have always had spiritual experiences in the form of the quality of the sense of place. Because the tendency to innovate in the design of spiritual spaces, especially mosques, has increased. On the other hand, the researches show the process of reducing the sense of place in these spaces. To provide a new look at how these spaces are designed and their impact on the sense of spiritual place of the urban landscape, this article deals with the relationship between spiritual and physical schemas formed in races, in the subconscious layer, and creating a sense of place in mosque architecture.

The research method is qualitative-analytical and the method of collecting documentary materials is to study the effect of unconscious racial schemas in creating a sense of spiritual place of mosques and consequently in Islamic cities. Given that innovation in architectural design begins with the body and that subconscious body schemas can be effective in directing how the sense of place is formed. Attention to archetypes in design will have a great impact on creating a sense of urban

---

1. Assistant Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Kharazmi University.

Holy Prophet was sent to guide the people with his management and to spread justice in the world and to establish the great human movement towards the Creator of the universe. One of the characteristics of the management and government of the Prophet is its revelation. For this reason, he has guided and fascinated the souls of his nation towards absolute perfection. The Messenger of God, with the divine management of the primitive society of Medina, provided a practical model in the light of which men and women reached perfection and founded the great divine human civilization and fascinated the soul of every free and wise man for all time. This article intends to use the descriptive library method and with the aim of examining the Prophet's management methods in the primitive society of the Arabian Peninsula and the secret of the permanence of the components of this management in human societies in different time, place, levels and the different levels of audiences.

**Keywords:** *Management, the Prophet of Islam, Human, Soul, Society, Government*

## **Pathology of moral education in contemporary Iran**

□ *Seyed Aliasghar Hosseini Mohammadabad*<sup>1</sup>

Moral education, due to its role in the growth and excellence of individuals and societies, has long been the focus of the scriptures, religious and non-religious prophets and thinkers. This issue has also been considered in the upstream documents of the Iranian education system. However, the field study shows the degree of adherence of individuals in Iranian society to moral values, a huge gap between the moral development of individuals in society and the content and moral capacities in our religious and national resources. Therefore, this study seeks to diagnose the pathology of moral education in contemporary Iran and to express strategies to deal with these injuries. The method of this research is descriptive-analytical and by referring to written sources and

1. Deputy Office of the Representation of the Supreme Leader in Yasouj University of Medical Sciences.



of those nobles were in proportion and harmony with the goals of human creation and in line with spiritual and material growth. This study also shows that in the way and model of life of Ahl al-Bayt, all aspects of life have been taken into consideration and the behaviors of those nobles have been commensurate with their capacities, abilities and competencies. Psychological differences between knowing men and women, material and spiritual needs of individuals, adherence to family rights, paying attention to sexual and emotional needs, and enjoying the prominent circles that the Ahl al-Bayt expect from spouses, maximum utilization of Islamic ethics in various areas of marital relations, having achievable expectations from the spouse and increasing the threshold of tolerance (patience and forbearance) towards flaws and shortcomings, are other issues that are reflected in the manners and words of the Ahl al-Bayt.

**Keywords:** *Marital Management, Moral Actions, Needs, Psychological Differences, Satisfaction, Increase of Tolerance, Ahl al-Bayt Tradition, Sympathy and Tolerance*

## **Management of the Prophet of Islam and rule over lives**

□ *Seyed Ali Hashemi Khanabbasi*<sup>1</sup>

Human selfish function disrupts the order of social life, as a result of which the rights of individuals and society are violated. To get rid of these conflicts and infringe on each other's rights, you need software packages called law. But in order to implement the law, a powerful management organization based on rational and revelatory principles is necessary in order for man to achieve the happiness of this world and the hereafter. For this reason, it is necessary to explain the management of the last Prophet at all times and at different levels. The foundation of Islamic management and government in the Prophet's management style is to build a right-based society. Suffice it to say that in revelatory teachings, a society without management and rule is not acceptable. The

---

1. Assistant Professor, Department of Education, Sari University of Agricultural Sciences and Natural Resources.

with a descriptive-analytical method, aims to investigate the thematic network of tolerance-based interaction. The findings of the research indicate that according to the Quranic teachings, tolerance in social relations in areas that are not grounds for the domination of conspiratorial ideas and with the preservation of social interests has been considered. The findings of the research indicate that according to the Quranic teachings, tolerance in social relations in areas that are not grounds for the domination of conspiratorial ideas and with the preservation of social interests has been considered. A review of the verses focusing on the subject of tolerance shows that patience and forgiveness are among the most frequent components of tolerance. The Quranic advice to be patient with family members, opponents, believers, the general public and the People of the Book is highlighted in this thematic network.

**Keywords:** *the Noble Quran, Tolerance, Islamic Society, Social Relations*

## **The most important moral and social expectations in the relationship between spouses from the perspective of Ahl al-Bayt (a.s)**

□ *Ali ahmad Panahi*<sup>1</sup>

The style of marriage based on the manners and expectations of the Ahl al-Bayt can be considered the best and most reliable style of marriage. The main question is what are the most important moral and communication actions that can be abstracted from the manners and words of the Ahl al-Bayt (as) in relation to the style of marriage? This research is a qualitative research and with a descriptive-analytical method, while explaining the moral and social expectations of the Ahl al-Bayt in the relations between spouses, it has dealt with the various components and aspects of marriage. The results of this study showed that the expectations of the Ahl al-Bayt from their wives and the lifestyle

---

1. Faculty member of seminary and university research center.

definition and explanation of the limits of each of the above meanings and analyzing the differences of opinion, the content and critique of the ideals of each of them to ensure tolerance and religious rationality and collective wisdom have been studied. Also, in this article, while analyzing the intellectual origins of the ideal Islamic society and examining the desirable Western civil society and showing the requirements and characteristics of the current Iranian society; the challenges of achieving the desired situation and a "well-organized society" are identified. In order to achieve these goals, while studying library resources, the opinions of thinkers and ideologues of different fields and schools of thought have been dealt with and analyzed while applying. The realization of a well-organized society with a law-abiding majority, whose capacity and context are provided in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, can be explained by ordinary legislation and led to its realization.

**Keywords:** *Constitutional Law, Law-abiding Government, Well-organized Society, Civil Society*

## **Thematic network of tolerance in society from the perspective of the Holy Quran**

□ *Marzieh Mohasses*<sup>1</sup>

□ *Zohreh Kochak Yazdi*<sup>2</sup>

Changes and transformations that have occurred in societies have created numerous social disruptions and, consequently, have created undesirable actions in the social sphere. Given that tolerance as a moral virtue is one of the fundamental tools for promoting a culture of convergence in societies, there is no doubt that rethinking the underlying factors of tolerance-based interaction based on Quranic themes will improve relations with members of society. Therefore, the present study,

---

1. Assistant Professor and Faculty Member of Shahid Beheshti University, Faculty of Theology and Religions.

2. Graduated from Quran Miracle, Shahid Beheshti University, Quran Miracle Research Institute.

# Abstracts

## The foundations of a well-organized Iranian society, a law-abiding government and a constitution

□ *Mohsen Hassanvand*<sup>1</sup>

□ *Ehsan Bozorgi*<sup>2</sup>

□ *Ehsan Agha mohammadaghaei*<sup>3</sup>

The fragmentation of thought in the processing of the desirable and law-abiding Iranian society, which is influenced by numerous independent cultural, religious and sectarian variables, has led to conflicts in the field of political action. The "well-organized Iranian society" in the overlap with the "civil society" has gone through the filter of religious, cultural and ethnic originality of the past and provides tolerance and kindness to ensure the comfort and welfare of citizens. A well-organized society is seriously influenced by the two components of the constitution and the law-abiding government. The preference of one of the themes of "civil society" or "utopia", the first of which refers to modern sciences and Western models, and the second to the religious teachings of Islam, stems from the content of the constitution and the decades-long challenge of current Iranian society. It is obvious that while presenting the

---

1. Assistant Professor of Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. PhD Student in Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.